

تاریخ

تحلیلی بر سانسور کتاب  
در دوره پهلوی دوم  
دکتر فریدبرز خسروی





**سانسور:**  
تحليلی بر سانسور کتاب  
در دورهٔ پهلوی دوم

خسروی، فریبرز، ۱۳۳۳ -

سانسور: تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم / فریبرز خسروی - [تهران]:

مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۸.

۲۲۸ ص: نمونه.

ISBN 964-91847-3-2: ۲۰۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

پشت جلد به انگلیسی: Fariborz Khosravi:

Censorship: an analysis of book censorship during the pahlavi period.

کتابنامه: ص. ۲۳۵-۲۵۳.

۱. سانسور-ایران. ۲. ایران-تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ -- سانسور. ۳. آزادی

بیان -- ایران. ۴. حقوق بشر -- ایران. ۵. آزادی مطبوعات -- ایران. الف. عنوان.

ب. عنوان: تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم.

۳۶۳/۳۱۰۹۵۵

خ۳ الف/۶۵۸ Z

۴۴۷۹-۷۸ م

کتابخانه ملی ایران

سانسور:  
تحلیلی بر سانسور کتاب  
در دوره پهلوی دوم  
دکتر فریدبرز خسروی



موسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر

سانسور

تحلیلی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم

دکتر فریبرز خسروی

طرح روی جلد سیامک فیلی زاده نشر نظر

عکس روی جلد حسن اشرف اسلامی

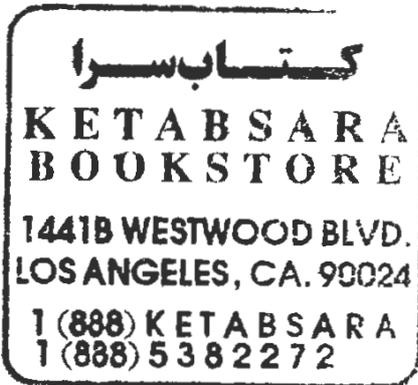
مدیریت تولید، چاپ و صحافی

موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۸۵

قیمت کتاب ۲۰۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴ ۹۱۸۴۷ ۳ ۲



## فهرست

### پیشگفتار

### فصل اول

۷	مفهوم سانسور.....
۱۲	تعریف سانسور.....
۱۶	سانسور و ارتباط.....
۱۷	مهارت‌های ارتباطی.....
۱۸	نگرشها.....
۱۹	سطح دانش.....
۱۹	موقعیت اجتماعی و فرهنگی.....
۲۰	تعریف پیشنهادی.....
۲۸	تفاوت آموزش و تبلیغ.....
۲۹	تأثیر آموزش و تبلیغ بر سانسور.....
۲۹	فلسفه سانسور.....

### فصل دوم

۵۳	روشهای سانسور.....
۵۳	سانسور پیشگیرانه (پیش از انتشار).....
۵۴	سانسور پیگیرانه - تعقیبی (پس از انتشار).....
۵۴	سانسور قانونی و غیرقانونی.....

۵۵	.....	سانسور رسمی و غیررسمی
۵۵	.....	سانسور رایانه‌ای
۵۹	.....	سانسور اقتصادی
۶۰	.....	سانسور برهنه
۶۳	.....	سانسور پیچیده یا نوین
۷۲	.....	خودسانسوری
۷۳	.....	انواع سانسور
۷۳	.....	سانسور سیاسی - اجتماعی
۷۵	.....	سانسور اخلاقی
۷۹	.....	سانسور دینی
۸۰	.....	سانسور در مسیحیت و یهودیت
۸۸	.....	سانسور در اسلام
۹۹	.....	کتابهای ضاله
۱۱۲	.....	سانسور و کتابداری
۱۱۲	.....	سانسور در مرحله کتاب‌گزینی (گردآوری)
۱۱۵	.....	سانسور در مرحله سازماندهی مواد (پردازش)
۱۱۷	.....	سانسور در مرحله امانت

### فصل سوم

۱۲۵	.....	تاریخ سانسور
۱۲۵	.....	تاریخ سانسور تا اختراع چاپ
۱۳۰	.....	تاریخ سانسور پس از اختراع چاپ
۱۴۲	.....	سانسور رسمی در ایران
۱۴۳	.....	دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.)
۱۵۱	.....	دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۵ ق.)
۱۵۵	.....	سانسور در حکومت پهلوی اول
۱۶۳	.....	سانسور در حکومت پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

۱۶۳	.....	سانسور در دوره اول
۱۶۴	.....	سانسور در دوره دوم
۱۶۶	.....	سانسور در دوره سوم
۱۷۰	.....	ممیزان و دیدگاههای آنان
۱۷۹	.....	میزان همخوانی دیدگاههای ممیزان با یکدیگر
۱۸۱	.....	بررسی انواع سانسور در حکومت پهلوی دوم
۱۸۲	.....	سانسور سیاسی - اجتماعی در حکومت پهلوی دوم
۱۸۶	.....	سانسور دینی در حکومت پهلوی دوم
۲۰۲	.....	سانسور اخلاقی
۲۰۵	.....	سانسور علمی
۲۰۹	.....	سانسور نگارشی - ادبی
۲۱۲	.....	مقایسه انواع سانسورها
۲۱۳	.....	بررسی روشهای سانسور در حکومت پهلوی دوم
۲۱۳	.....	سانسور پیش از انتشار و پس از انتشار
۲۱۵	.....	سانسور قانونی و غیرقانونی
۲۱۸	.....	سانسور سلبی و ایجابی
۲۲۰	.....	بررسی چگونگی صدور مجوز
۲۲۳	.....	میزان توقف کتاب در اداره سانسور
۲۲۸	.....	آزمون فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری
۲۲۹	.....	نتیجه‌گیری
۲۳۰	.....	پیشنهادها
۲۳۱	.....	پیشنهاد برای ادامه پژوهش
۲۳۳	.....	فهرست منابع
۲۵۴	.....	پیوستها

## فهرست جدولها

۱. فراوانی کتابهای منتشرشده در دوره اول
۲. فراوانی کتابهای منتشرشده در دوره دوم
۳. فراوانی کتابهای منتشرشده در دوره سوم
۴. فراوانی چگونگی صدور مجوز
۵. میانگین روزهای توقف کتاب بر حسب نوع سانسور

## فهرست نمودارها

۱. نمودار مقایسه‌ای تعداد کتابهای منتشرشده در سه دوره
۲. نمودار درصدی دیدگاههای ممیزان
۳. نمودار مقایسه‌ای دیدگاههای ممیزان
۴. نمودار مقایسه‌ای دیدگاههای ممیزان در موضوعات مختلف
۵. نمودار چگونگی اشتراک دیدگاه ممیزان درباره کتابهایی که به‌طور مشروط اجازه نشر یافته‌اند
۶. نمودار فراوانی انواع سانسور
۷. نمودار سانسور سیاسی (به درصد)
۸. نمودار موضوعی سانسور سیاسی (به درصد)
۹. نمودار فراوانی سانسور دینی (به درصد)
۱۰. نمودار موضوعی سانسور دینی (درصد)
۱۱. نمودار فراوانی سانسور اخلاقی (به درصد)
۱۲. فراوانی موضوعی سانسور اخلاقی (به درصد)
۱۳. نمودار فراوانی سانسور علمی (به درصد)
۱۴. نمودار موضوعی سانسور علمی (به درصد)
۱۵. نمودار فراوانی سانسور نگارشی - ادبی (به درصد)
۱۶. نمودار موضوعی سانسور نگارشی - ادبی (به درصد)
۱۷. نمودار مقایسه‌ای انواع سانسور
۱۸. نمودار فراوانی کتابهایی که ساواک ممنوع‌الانتشار ساخت

۱۹. نمودار مقایسه‌ای چگونگی صدور مجوز (به درصد)
۲۰. نمودار فراوانی کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند
۲۱. نمودار مقایسه‌ای موضوعی چگونگی صدور مجوز
۲۲. نمودار روزهای توقف کتاب برحسب موضوع
۲۳. نمودار میانگین روزهای توقف کتاب برحسب سال
۲۴. نمودار فراوانی کتابهایی که همهٔ ممیزان دربارهٔ آنها نظر منفی داده‌اند با کتابهایی که اجازهٔ نشر نیافته‌اند
۲۵. نمودار فراوانی کتابهایی که حداقل یک ممیز دربارهٔ آنها نظر منفی داده است با کتابهایی که اجازهٔ نشر نیافته‌اند



## پیشگفتار

در حکومت پهلوی به دلیل سلطه نظام پلیسی از چگونگی عملکرد دستگاه ممیزی و ممیزان و ملاکهای آنان فقط اطلاعات پراکنده‌ای منتشر شده است و با توجه به محرمانه و سری بودن پرونده‌ها، آنچه در این باره گفته یا نوشته شده غالباً بر اساس شنیده‌ها و گمانهای تحقیق نشده شکل گرفته است. این نارسایی به همراه طبیعت محرمانه بودن و شفاف نبودن سانسور، باعث افراط و تفریطهایی در تبیین واقعیت شده است.

ممیزی کتاب نیز پنهان‌تر و ناملموس‌تر از سانسور مطبوعات رخ می‌دهد. زیرا مطبوعات علی القاعده وقایع جاری را منعکس می‌کنند و هرگونه سکوت و وارونگی در بازتاب حقایق و وقایع روزمره در مطبوعات می‌تواند بیانگر سانسور در حال اجرا باشد، در صورتی که درباره کتاب چنین فرایندی نمی‌تواند وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

به طور کلی مبحث سانسور در همه اشکال آن به ویژه در جوامعی که از آزادیهای مدنی کمتری برخوردارند، به صورت موضوعی سانسور شده! و ممنوع باقی می‌ماند. حاصل تلاشی که برای دستیابی به ادبیات این موضوع صورت گرفت مؤید این واقعیت است.

برای یافتن پیشینه این پژوهش در منابع زیر جستجو شد:

---

۱. کتاب در مفهوم لغوی یکی از مطبوعات است، اما اصطلاح مطبوعات معمولاً برای انواع نشریات ادواری چاپی به کار می‌رود.

۱. کتابشناسیهای: ملی ایران، کنگره آمریکا، ملی بریتانیا و...
  ۲. فهرست مقالات فارسی، فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، لیزا، اریک و...
  ۳. فهرستها و چکیده‌نامه‌های تحقیقات و پایان‌نامه‌های داخل و خارج از کشور
  ۴. پایگاههای اطلاعاتی موجود در اینترنت
  ۵. اسناد نمایه‌شده در سازمان اسناد ملی ایران
- با آنکه حاصل این جستجوی نسبتاً گسترده تأثیر مطلوبی در شکل‌گیری این پژوهش داشت، این جستجو نشان داد که ظاهراً تاکنون پژوهش روشمندی در این موضوع صورت نگرفته است. از شش میلیون رکورد کتابشناسی ملی کنگره به ۱۲۸۰ کتاب موضوع سانسور داده شده است که فقط ۳ مورد آن مرتبط با ایران است. یکی از آنها کتابی است با مشخصات: (Sarvenaz Bahar, *Guardians of thought* (New York: Human Right Watch, 1993) که منعکس‌کننده گزارشهای سازمانهای بین‌المللی درباره وضع حقوق بشر و آزادی بیان در ایران بعد از انقلاب اسلامی است. سایر عناوین نیز همین‌گونه است. با آنکه در لیزا چکیده مقالات زیادی مثلاً درباره سانسور در افریقای جنوبی در زمان تبعیض نژادی وجود دارد - که البته آنها هم گزارش‌گونه‌اند - در زمینه سانسور در دوره پهلوی نشانی از هیچ مقاله‌ای دیده نمی‌شود! گویا درباره پنجاه سال سانسور در ایران هیچ چیز نگارش نیافته یا اطلاعات کتابشناختی آن ثبت نشده است!
- به نظر می‌آید تنها کار ارائه شده مربوط به این موضوع کتاب تاریخ سانسور در مطبوعات ایران است. درباره این کتاب باید اذعان داشت که با آنکه با زبانی غیرعلمی و تهمت‌زننده نگارش یافته تنها منبعی است که به

۱. ترجمه این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است:  
 سروناز بهار، زندانیان اندیشه، ترجمه ر. آذر (سوند: کانون فرهنگی - سیاسی ایرانیان، ۱۹۹۴م.)

طور همه‌جانبه به مسئله سانسور در مطبوعات پرداخته و بررسی نسبتاً جامعی را ارائه داده است. اما این پژوهش را پوشش نمی‌دهد زیرا: اولاً: در خلال بحث راجع به مطبوعات، اشاراتی هم به سانسور کتاب دارد؛ ولی به طور مستقیم به سانسور کتاب نپرداخته است. ثانیاً: جلد اول این کتاب از جنبش تنباکو تا صدور فرمان مشروطیت و جلد دوم آن از فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ش. را بررسی کرده و به حکومت پهلوی نپرداخته است.

با آنکه کتابهایی نظیر *The Anatomy of Censorship* یا *Freedom of Inquiry* (که مشخصات آنها به علت استفاده در متن پژوهش در کتابنامه آمده است) کتابهای بنیادی در بحث سانسور هستند، هیچ‌یک حاوی پژوهشی روشمند که سابقه پژوهش محسوب شوند نیستند. همان‌گونه که قبلاً هم یادآور شدیم به نظر می‌آید که بحث سانسور همواره "سانسور" شده است. این کاستی، یعنی نبود یک پژوهش روشمند در این زمینه بسیار مهم و وجود بیش از بیست هزار پرونده کتابهای ممیزی شده در دوره پهلوی دوم که معجزه‌وار در سازمان مدارک انقلاب اسلامی دست نخورده باقی مانده است، موجب شد که این موضوع به عنوان رساله دکتری برگزیده شود که اکنون با حذف بعضی قسمت‌ها نشر می‌یابد. روش به‌کار رفته در این پژوهش پیمایش تحلیلی و تحلیل محتواست. جامعه مورد مطالعه نیز ۲۳۱۰۰ پرونده ممیزی است. دو فرضیه‌ای که مورد آزمون قرار گرفته عبارت است از:

الف. بیش از ۵۰ درصد سانسورهای صورت گرفته سیاسی است.  
ب. بین دیدگاه منفی میزان و عدم صدور مجوز کتاب رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج حاصل از فرضیه «ب» بسیار درس‌آموز است. امید است نشر این پژوهش. آغازی بر تبیین یکی از موانع توسعه فرهنگی تلقی شود و نتایج حاصل از آن به عنوان تجربه‌ای سی ساله برای برنامه‌ریزان و ناظران فرهنگی درس‌آموز باشد؛ پژوهشگران اطلاع‌رسانی،

ارتباط شناسی و سایر حوزه‌های علوم اجتماعی را در تبیین واقعیات اجتماعی مدد رساند.

پروردگار آزادی و بیان را سپاسگزارم که توفیق انجام این پژوهش را به عنوان آغازی برای پرداختن به این مهم فراهم فرمود و بر خود لازم می‌دانم که از یاران مشفق و استادان گرانمایه‌ای که در مراحل مختلف از راهنمایی و کمک‌هایشان برخوردار بوده‌ام قدردانی و تشکر کنم و همچنین سپاسگزار اندیشمندانی باشم که از این پس با تذکر کاستیها مرا مرهون خویش خواهند ساخت.

فریبرز خسروی

بهار ۷۸

"من بیش از یک بار و در موقعیتهای گوناگون از رسول  
خدا شنیدم که می فرمود: هیچ امتی روی پاکیزگی  
نمی بیند مگر آنکه در آن امت، ضعیف بتواند حق خود  
را از قوی بدون لکنت زبان بگیرد."

علی (ع)

## فصل اول



## مفهوم سانسور

در جنگ خلیج فارس، نقاط مسکونی و تأسیسات حیاتی عراق با سلاحهای مرگبار آمریکایی مورد حمله قرار گرفت و ویران شد. اکثر خبرگزاریهای مهم جهان از این واقعه دهشتناک کمترین خبر را پخش و همگی به اخباری فرمایشی بسنده کردند. در تجمعی که همان روزها در بغداد تشکیل شد، مردم جنایات جنگ و کشتن غیر نظامیان را محکوم کردند. مضمون یکی از نوشته‌ها که با خود حمل می‌کردند چنین بود:

”نظارت بر سی‌ان‌ان را پایان دهید.”<sup>۱</sup>

نوشته بودریار با عنوان ”جنگ خلیج [فارس] اتفاق نیفتاده است” اشاره‌ای پرمعنا به همین کنترل و سکوت رسانه‌ها و قلب واقعیات در ایام جنگ دارد.

این واقعیت و هزاران رخداد همانند آن که روزانه شاهد آنها هستیم، بیانگر کاستیهایی است که انسانها در فرایند ارتباطات ایجاد می‌کنند. جان نسبیت<sup>۲</sup> به این مسئله این‌گونه می‌نگرد:

”وسایل ارتباط جمعی اعم از فرستنده‌های عمومی و خصوصی،

---

1. *Chronique du Proche - Orient*. Sous la Direction de Jacques (Bassillac: Legrand, 1995), P. 232.

2. J. Baudrillard, *La guerre du Golfe n'a pas eu Lieu* (Paris: Galilee, 1991).

3. John Naisbit

تلویزیون، فیلمهای سینمایی و ویدئویی، مجلات، خبرهای تازه، جراید گوناگون که می‌کوشند شمارا با گزارش تحولات روزمره آشنا کنند، گرچه هیچ زمانی به این فراوانی و گستردگی نبوده‌اند، اما تا چه حد شما را با اخبار واقعی آشنا کرده و چه مقدار بر معلومات شما افزوده‌اند؟<sup>۱</sup>

اندیشمندانی با صراحت اعلام کرده‌اند که در دنیای ما، هر چه رسانه‌های ارتباطی بیشتر پیشرفت کرده و حجم اطلاعات بیشتر شده، معنای کمتری به دست آمده است.<sup>۲</sup> اما مسئله فقط با جلوگیری از آشنایی با اطلاعات درست یا کمی معنای حاصل از آن حل نمی‌شود، بلکه بحث بر سر نظارت بر اندیشه و فرهنگ است. همان‌گونه که افرادی همچون هاکسلی و اورول در دنیای تخیلی بدان پرداخته‌اند و بعدها افرادی چون نیل پستمن در عالم واقع آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در دنیای تخیلی هاکسلی ثبات اجتماعی معلول نفی تفکر و اراده و ممانعت از خودآگاهی است. هرگاه فردی در مسیر از پیش تعیین شده تربیت، به بیماری آگاهی بر خویش یا مرض مهلک "جرقه اندیشه" دچار شود، باید بازپروری و بازسازی شود. اصولاً به همه انسانها باید واکسن "سوما" که انسان را در مقابل بیماری اندیشه مقاوم می‌کند، تزریق شود.<sup>۳</sup> در دنیای خیالی اورول نیز وزارت حقیقت عهده‌دار اخبار و اطلاعات است و هر چند یکبار به بازرسی بایگانیها می‌پردازد و مطالب گذشته و کتابهای قدیمی را با وقایع جدید منطبق می‌کند. کتابها و اسنادی که مغایر با وضع موجود باشند و مضر تشخیص داده شوند باید معدوم شوند. در این دنیا وزارت عشق عهده‌دار امنیت عمومی و نظارت و "تبخیر کردن" کسانی است که جرئت اندیشیدن دارند. در این جامعه خبری از شهادت نیست.

۱. جان نسبیت، پاتریش ابردین، *تکا پوی ۲۰۰۰*، ترجمه صهبا سعیدی (تهران: بی‌نا، ۱۳۷۰)، ص ۳ و ۴.
۲. بابک احمدی، *حقیقت و زیبایی: درسهای فلسفه هنر* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴)، ص ۴۶۵.
۳. آلدوس هاکسلی، *دنیای شگفت‌انگیز نو*، ترجمه حشمت‌الله صباغی و حسن کاویار (تهران: کارگاه هنر، ۱۳۶۶)، ص ۲۱.

آنان معتقدند که محاکم تفتیش عقاید درست عمل نکرده‌اند، هر مقصری را که می‌کشتند از خاکسترش هزاران برمی‌خاستند و این بدان علت بوده است که دشمنان را در جلوت، آن هم توبه ناکرده می‌کشتند. انسانها کشته می‌شدند، در حالی که دست از عقایدشان برنداشته بودند. از این رو همواره تقدیس می‌شدند. آنان باید قبل از محاکمه چنان سرکوب و غرورشان پایمال شود که به هر اعترافی که لازم باشد معترف شوند.<sup>۱</sup>

اگر هاگسلی و اورول در "دنیای تخیل" چنین نظارت‌هایی را بر جامعه تصور کرده بودند، گفته‌ها و نوشته‌های آستانه قرن بیست و یکم بیانگر وجود چنین نظارت‌ها و فرهنگ سازیه‌ها است.

جول راجرز، استاد جامعه‌شناسی آمریکایی و نویسنده کتاب "دست راستی شدن سران حزب دموکرات"<sup>۲</sup> طی یک سخنرانی در ۱۹۹۷ درباره آمریکا می‌گوید:

"این چه نوع دموکراسی است که یک اقلیت کوچک با تسلط کامل بر تمام وسایل ارتباط جمعی، دانشگاه‌ها، مدارس، سفرنامه‌ها، مجلات، چاپخانه‌ها و خلاصه تمام وسایل و ابزار فکر سازی، توان فکر کردن مستقل و قائم به ذات را از مردم این کشور گرفته است؟"<sup>۳</sup>

همین روند و عملکرد بوده که افرادی مانند پستمن را واداشته است که آشکارا اعلام کنند که وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون، معنا و مفهوم مطلع ساختن را دگرگون ساخته نوعی ملاحظه با اطلاعات را سبب شده است که نتیجتاً بهتر است به آنچه مبادله می‌شود، به جای اطلاعات، ضداطلاعات بگوییم. او می‌نویسد:

"من این واژه را [ضد اطلاعات] نزدیک به همان مفهوم و معنا بر این موضوع اطلاق می‌کنم که جاسوسان سیا و کا.گ. ب آن را استعمال

۱. جورج اورول، ۱۹۸۴، ترجمه صالح حسینی (تهران: نیلوفر، ۱۳۶۷)، ص ۲۳۴-۲۳۵.

2. Joel Rajers

3. The Right Turn

۴. مرتضی محیط، "گزارش یک گردهمایی تاریخی"، جامعه سالم، ۳۲ (سال ششم، خرداد ۱۳۷۶)، ص ۲۴.

می‌کنند. ضد اطلاعات مترادف با اطلاعات غلط داشتن نیست. ضد اطلاعات یعنی اطلاعات اغواگر و گمراه کننده داشتن، اطلاعاتی نامناسب و ناموزون، بی‌اهمیت و بی‌فایده، قطعه قطعه شده و نامنسجم و منفک از یکدیگر، یا در خوشبینانه‌ترین حالت، اطلاعات سطحی و قشری، اطلاعاتی ریاکارانه و مزورانه، یعنی وانمودکردن به اینکه انسان چیزی را می‌داند، در حالی که در واقع انسان را از دانستن همه چیز دور نگاه می‌دارد، یا در بدبینانه‌ترین حالت او را به دانستن بی‌میل می‌کند.<sup>۱</sup>

این کاستیها و اخلاصها در مبادله و فهم اطلاعات، چه عامل بیرونی در آن دخالت داشته باشد و چه حالتی درونی در فرد پدید آید که به قول قرآن با وجود چشم و گوش نبیند و نشنود<sup>۲</sup> یا واژگونه بیند، حالاتی است که در آن ما به نوعی با پدیده‌ای به نام سانسور یا خودسانسوری رو به رو هستیم. در فارسی برای سانسور مترادفهایی چون ممیزی، بررسی، تفتیش عقاید، نظارت، ارزیابی و قضاوت به کار رفته است. در بعضی کتابها نیز مهار خرد، انتقاد و بازرسی برابر آن نهاده شده است.<sup>۳</sup> در زبان عربی اصطلاح رقابہ را به کار می‌برند.<sup>۴</sup>

سانسور از ریشه لاتینی *Censere* به معنای ارزیابی<sup>۵</sup> یا *Censura* به معنای سرکوب<sup>۶</sup> است. عده‌ای ریشه کلمه لاتینی *Censere* را سانسکریتی می‌دانند و معنای آن را اعلام رسمی، توصیف رسمی، ارزشیابی و ارزیابی

۱. نیل پستمن، *زندگی در عیش مردن در خوشی*، ترجمه صادق طباطبائی (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۵)، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.  
 ۲. قرآن کریم، اعراف، ۱۷۹.  
 ۳. ماری بریجانیان، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱)، ص ۱۱۰.  
 ۴. *الموسوعة السياسية*، ج ۲ (بیروت: مؤسسة الحریه للدراسات و النشر، ۱۹۹۱)، ص ۸۲۷.

5. Martha Boaz, "Censorship" In: *Encyclopedia of Library and Information Science*, ed. by Allen Kent and Harold Lancour, (New York: Marcel Dekker, 1968- ), P. 328.

6. Jay E. Daily, *The Anatomy of Censorship* (New York: Marcel Dekker, 1973), P. 5.

معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در روم باستان سانسور عنوان دو قاضی بود که آمار شهروندان را ثبت و ضبط می‌کردند و بر اخلاقیات عمومی نظارت داشتند. این افراد، افزون بر ثبت آمار تک تک شهروندان و مایملک ایشان، برای قشرهای مختلف جامعه وظایف و قیودی تعیین می‌کردند و بر آنان برای عمل به مسئولیتشان نظارت داشتند. اینان از قدرت زیادی برخوردار بودند و جز وجدان خود و سنت روم هیچ مافوقی نداشتند. پس می‌توانستند به منزله داوران مطلق اخلاق، با تجاوز به حریم زندگی خانوادگی افراد، امور شخصی آنان را بازرسی کنند و اجرای وظایف سیاسی هر فرد را مورد بررسی قرار دهند.<sup>۲</sup>

سرگذشت بعضی از این سانسورگران بیانگر وسعت عمل و اختیارات آنان در روم باستان بوده است. در شرح حال زندگی کاتن سانسورگر<sup>۳</sup> می‌خوانیم:

کارلوس کاتن، ده سال پس از انقضای دوران کنسولی خویش "سانسورگر" شد. این منصب در رأس کلیه مقامات کشوری قرار داشت و بزرگترین افتخاری بود که تنها یک فرد از مردم روم می‌توانست بدان عروج یابد و عالیترین درجه و بزرگترین افتخاری بود که یک رومی می‌توانست بدان برسد. یکی از اختیارات گوناگون یک سانسورگر، حق نظارت بر حیات و اخلاق و رفتار افراد بود. زیرا طبق تجویز رومیها هیچ فردی حق نداشت در امور زندگی خویش از قبیل ازدواج، وضع حمل، حتی در زندگی خصوصی خود، مثلاً در دعوت و انعقاد جشن و مهمانی به اراده خویش عمل کند بدون اینکه از طرف مقامی تحت نسق و مراقبت دقیقی قرار گیرد.

1. Jonathon Green, *The Encyclopedia of Censorship* (New York: Facts On File, 1990), P. VII.

2. *The Oxford English Dictionary*, 2nd ed Prepared by J. A. Sympton and E.S.C. Weiner (Oxford: Clarendon Press, 1989), P. 1929.

3. Martha Boaz, *Ibid*, P. 329-330.

4. Caton Le Censeur

چه رها کردن امور مردم را به میل و اراده و هوسهای ایشان شایسته نمی‌دانستند و معتقد بودند که بدین ترتیب اخلاق و رفتار هر کس بهتر مکشوف می‌شود تا از اعمالی که در ملأ عام و روز روشن در مقابل همه کس صورت می‌گیرد. بدین منظور دو نفر تأدیب‌کننده، یکی به عنوان نگهبان و یکی به عنوان اصلاح‌کننده برگزیده بودند که ناظر رفتار و کردار عامه باشند تا مبادا از جاده تقوی منحرف شوند و گرد شهوت و عیش و نوش بگردند و بر خلاف مقررات موضوعه قدمی بردارند و اصول و آداب را کاملاً رعایت نکنند. این صاحب منصبان را رومیها، ناظر و سانسورگر می‌نامیدند. این ناظران اختیار داشتند اسب را از اسب‌سوار بگیرند و سناتوری را در صورت ارتکاب خیانت، از مقام خویش عزل کنند. آنان موظف بودند که مایملک هر فرد رومی را بازدید و تقویم و در صورت لزوم ضبط کنند و از روی دفاتر، طبقات سیاسی و اجتماعی را تشخیص دهند و در امور جمهور ملک و ملت حکم صادر کنند و ثبت و ضبط رقبات را نگهداری کنند.<sup>۱</sup>

گرچه اصطلاح سانسورگر در روم به افرادی با اختیارات وسیع اطلاق می‌شد، امروزه بیشتر در زمینه بازبینی کتاب، مجلات، آثار نمایشی، مکاتبات خصوصی، اخبار و در مجموع بازبینی و دخالت در جریان آزاد اطلاعات به کار می‌رود.

### تعریف سانسور

سانسور را از دیدگاه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند:

«سانسور، تحدید بیانی است که تهدیدی بر آیین دینی، سیاسی و اجتماعی پذیرفته شده در زمانه تلقی می‌شود و نگاهی از بیرون به این پدیده است.»<sup>۲</sup>

۱. پلوتارک، *حیات مردان نامی*، ترجمه رضا مشایخی (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱)، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

2. Censorship

3. *The Dictionary of Atr*, Vol. 6, Edited by Jane Turner (New York:

در این تعریف، سانسور وقتی رخ می‌دهد که تهدید و خطری متصور باشد. در حالی که همیشه چنین نیست. گاهی سانسورگران برای رونق‌بخشیدن به یک اندیشه، وامی دارند که واقعیتی به گونه‌ای خاص نمودار شود و زیبا و منزه جلوه کند.

در این تعریف، سانسور نگاهی از بیرون به یک رویداد است و به راستی نیز چنین است. معمولاً ممیزان خود را مصلحانی می‌دانند که با تشخیص سره از ناسره از گمراهی و کجروی اندیشه‌افراد جامعه پاسداری می‌کنند.

در تعریف دیگر می‌خوانیم:

«به نظارت بر آنچه مردم ممکن است بگویند، بشنوند، بنویسند، بخوانند، ببینند و اجرا کنند سانسور گفته می‌شود. این نظارت از سوی یک دولت یا گروه‌های اجتماعی اعمال می‌شود و می‌تواند بر کتابها، روزنامه‌ها، مجلات، فیلمها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، سخنرانیها، و هنر اثر بگذارد.»<sup>۱</sup>

قسمت نخست این تعریف، مانعیت لازم را ندارد. آیا هر نظارتی لزوماً سانسور است؟ نظارتی که یک معلم بر دانش‌آموز اعمال می‌کند تا او درست بنویسد، درست بگوید و درست رفتار کند سانسور تلقی می‌شود؟ در قسمت دوم تعریف نیز بر احصایی که از زمینه‌های سانسور به عمل آمده باید رایانه، برنامه‌های رایانه‌ای، شبکه‌های رایانه‌ای که امروز یکی از مباحث مهم سانسور هستند افزوده شوند.

دهخدا سانسور را ممیزی و تفتیش مطبوعات و مکاتیب و نمایشها<sup>۲</sup> می‌داند و مصاحب نیز در تعریف سانسور نوشته است: «تفتیش پیش از انتشار کتابها، جراید، نمایشنامه‌ها و امثال آنها و نیز تفتیش نامه‌های

Macmillan Publishers, 1996), P. 174.

1. *The World Book Encyclopedia*, Vol. 3 (London: World Book International, 1995), P. 314.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، جلد ۸ (تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، ذیل سانسور.

خصوصی و جز آنها قبل از رسیدن آنها به مقصد، یا تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد آنها، به منظور حصول اطمینان از اینکه مندرجات آنها مضر به اخلاق عمومی یا منافع دولت و یا دستگاه حاکمه نیست. سانسور ممکن است به وسیله مقامات دولتی یا دینی و گاه به وسیله دسته مقتدر و منتقدی اعمال شود.<sup>۱</sup>

تکیه اصلی در این تعریف بر ممیزی پیش از انتشار است و ممیزی پس از انتشار را شامل نمی‌شود.

دائرةالمعارف کتابداری نیز سانسور را چنین تعریف می‌کند:

«سانسور به معنای تلاش حکومت، سازمانهای خصوصی، فرد یا گروه است برای جلوگیری از خواندن، دیدن و شنیدن آنچه تصور می‌رود برای حکومت یا اخلاق عمومی خطرناک و زیانبار باشد.»<sup>۲</sup>

در این تعریف نیز همچون تعریف قبلی بیشترین تکیه بر ممیزی بازدارنده یا سلبی شده است. در حالی که در حال حاضر بسیاری از میزان و دستگاههای ممیزی کارشان فقط سلبی نیست و می‌تواند حالت ایجابی داشته باشد.

موریس گارسون تعریفی حقوقی از سانسور دارد:

«حقی که حکومت برای اعمال نظارت بر نشریات، خارج از مداخله دادگاهها برای خود قایل می‌شود.»<sup>۳</sup>

این تعریف فقط به نشریات اشاره دارد؛ در حالی که حوزه عملکرد سانسور بسیار وسیعتر است. اشاره بسیار بجای گارسون به حق حکومت خارج از اقتدار حوزه قضایی دلالتی به این معنا است که علی‌الاصول این گونه نظارتها باید از سوی قوه قضائیه اعمال شود؛ چون با نوعی قضاوت

۱. غلامحسین مصاحب، *دائرةالمعارف فارسی* (تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵)، ذیل سانسور

2. Martha Boaz, *Ibid*, P. 329.

3. Maurice Garson, *Plaidoyet Conteut la Censure* (Paris: J. J. Pauvert, 1968)

نقل در: مهدی محسنیان‌راد، "سانسور و خود سانسوری در ایران". *رسانه*، ۱ (سال سوم تابستان ۱۳۷۱)، ص ۵.

توأم است.

در تعریفی دیگر می‌خوانیم:

«سانسور هر گونه اقدام مأموران دولتی، کلیسا یا دیگر سازمانها یا نهادهای خصوصی است که با اعمال قانون، فشار یا متقاعدسازی از ابراز بیان یا ارتباط جلوگیری می‌کنند.»<sup>۱</sup> در این تعریف نیز تکیه بر سانسور پیش از انتشار است.

در دائرةالمعارف بزرگ شوروی می‌خوانیم:

«سانسور نظارتی است که از سوی مقامات رسمی دینی و غیر دینی (دنیوی) بر مطالب، نشر و توزیع مواد چاپی، اجرای نمایشنامه‌ها و آثار نمایشی، نمایشگاههای نقاشی و عکاسی، فیلم، رادیو، تلویزیون و گاه مکاتبات خصوصی به منظور پیشگیری یا تحدید اشاعه اطلاعات مضر و نامطلوب از دیدگاه مقامات مربوط، اعمال می‌شود.»<sup>۲</sup> در اینجا هم سانسور پیشگیرانه مورد توجه قرار گرفته و با تمام تلاشی که بر احصاء موضوعات شده است جامعیت لازم را دارا نیست؛ مثلاً سانسور رایانه‌ای را نمی‌پوشاند.

در جوامع انسانی، همواره اندیشه‌ها و پیامهایی از سوی اندیشمندان یا نهادهای اجتماعی مطرح شده که به علل گوناگون فرد یا افرادی، سازمان یا دولتی، اشاعه و نشر آن اندیشه و پیام را بر نمی‌تابیده و آن را مخل موجودیت یا اهداف خود می‌دانسته‌اند. پس سعی در ممانعت از گسترش آنها داشته‌اند؛ یا بالعکس اندیشه یا پیامی را موافق رأی خود یافته و سعی در تبلیغ و آرایش و پیرایش آن کرده‌اند. هر کدام از این رویکردها نوعی سانسور را سبب شده است. در یک حالت از نشر و گسترش جلوگیری کرده‌اند که سلبی عمل شده و در حالت دیگر دست به اندیشه‌آفرینی و تبلیغ و پیراستن پیام خاصی زده‌اند که ایجابی عمل شده است. به هر رو

1. Krishan Kumar, *Library Organization* (New Delhi: Vikas Publishing House, 1992), P. 239.

2. *Great Soviet Encyclopedia*, Vol 28 (New York: Macmilan, 1978), P. 35.

آنچه مسلم است سانسور در فرایند ارتباطات انسانی رخ می‌دهد. پس بهتر است از منظر ارتباط‌شناسی به آن بنگریم.

### سانسور و ارتباط

در بیشتر الگوهای ارتباطی از عوامل: منبع<sup>۱</sup> یا فرستنده، پیام، مجرای ارتباطی<sup>۲</sup> و گیرنده<sup>۳</sup> نام برده شده است. منبع یا فرستنده، همواره هدفی برای ایجاد ارتباط دارد. اوست که دارای اندیشه‌ها، نیازها، مقاصد و اطلاعات است و به‌همین دلیل می‌خواهد ارتباط ایجاد کند. اندیشه‌ها، اهداف و مقاصد خود را به صورت مجموعه نظام‌مندی از نشانه‌ها و علایم متجسم کرده (رمزگذاری)<sup>۴</sup> از طریق مجراهای ارتباطی به گیرنده ارسال می‌دارد. پیامی که ارسال می‌شود فرآورده<sup>۵</sup> واقعی رمزگذار<sup>۶</sup> است. سخن، پیام سخنگو است؛ نوشته، پیام نویسنده، تصویر، پیام نقاش و حرکات دست و بدن، پیام بازیگر است.<sup>۷</sup> گیرنده نیز باید پیامهای دریافتی را رمزخوانی<sup>۸</sup> کند تا معنایی در آن پدید آید.

لازم است همان‌گونه که دیوید برلو در توضیح نمونه ارتباطی خویش تأکید کرده است، یادآور شویم که در فرایند ارتباط انسانی، با آنکه هدف، ایجاد تفکر و معنایی خاص در گیرنده است و به‌همین دلیل پیامی ارسال شده است، اما این فقط پیام است که قابل انتقال است نه معنا. زیرا "معنا در گیرنده"<sup>۹</sup> است و ما امیدواریم بتوانیم شرایطی پدید آوریم که معنای ایجادشده در گیرنده بر اثر دریافت پیام، شباهتهایی با معنا در فرستنده

1. Source

2. Message

3. Channel

4. Receiver

5. Encode

6. Encoder

7. David Berlo Kenneth. *The Process of Communication; an Introduction to Theory and Practice* (New York: Reinhart and Wiston, 1960), P. 54.

8. Decode

9. David Berlo, *Ibid*, P. 173-175.

داشته باشد؛ مثلاً وقتی گیرنده نسبت به اهداف و مقاصد فرستنده مشکوک می‌شود، نه تنها پیامهای ارسالی شباهت معنایی ایجاد نمی‌کند، بلکه گاهی وارونه عمل می‌کند و این حرکت وارونه در بعضی مسائل اجتماعی و به ویژه انتخابات خود را نشان داده است. در ارتباط‌شناسی به این پدیده "اثر بومرنگ"<sup>۱</sup> گفته می‌شود. اگر منبع پیام یا یک وسیله ارتباطی به سوءاستفاده از امکاناتش پردازد و با ارسال پیامهای نادرست موجب گمراهی و اغفال گیرندگان پیام شود، پس از مدتی چنان انگ دروغ پردازی بر آن زده می‌شود که استفاده از آن شأن اجتماعی افراد را تنزل می‌دهد و نشان بی‌فکری و ساده‌لوحی خواهد بود و حتی پیامهای درست آن نیز تحت تأثیر همین هویت ثانوی، نادرست تلقی خواهد شد.<sup>۲</sup> به این بازگشت نادرستی پیامهای ارسالی و تسری آن به کل و ماهیت رسانه، اثر بومرنگ گفته می‌شود. زیرا اثر آن در نهایت به خود فرستنده بازگشته است. اصولاً باید متذکر شویم که ارتباطات انسانی در خلأ رخ نمی‌دهد. عوامل بسیاری در شکل‌گیری اهداف، اندیشه‌ها و پیام فرستنده، خواه انسان باشد یا نهاد دولتی یا خصوصی، مؤثر است. همین عوامل در ایجاد معنا در گیرنده نیز تأثیر دارد. دیوید برلو مهارت‌های ارتباطی، نگرشها، سطح دانش و موقعیت اجتماعی و فرهنگی گیرنده و فرستنده را بر کیفیت ارتباط مؤثر می‌داند.<sup>۳</sup>

### مهارت‌های ارتباطی

مهارت‌های رمزگذاری، مثلاً کیفیت سخن گفتن، نوشتن، نحوه تفکر و استدلال، در روند ارتباطات تأثیر زیادی دارد. سخنرانی که می‌تواند جمعیتی را به خروش آورد و تحولاتی را سبب شود یا نویسنده‌ای که با

#### 1. Boomerang Effect

۲. باقر ساروخانی، *جامعه‌شناسی ارتباطات* (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵)، ص ۳۹.

۳. فرید ادیب هاشمی، "اعتبار منبع: منبع چیست؟ اعتبار کدام است؟". رسانه (سال چهارم زمستان ۱۳۷۲)، ص ۷۰.

4. David Berlo, *Ibid*, P. 41.

اعجاز قلمش از خیال، واقعیت و از واقعیت، خیال می‌سازد، مهارت ارتباطی سطح بالایی دارد. وقتی رسانه‌ها با گزینشهای خاص خود مخاطب را در قبال یک رویداد بین‌المللی حساس می‌سازند و به آن رویداد اولویت می‌دهند، یعنی دست به "برجسته‌سازی بین‌المللی" می‌زنند، از همین مهارت استفاده کرده‌اند.

امروزه با استفاده از همین مهارت است که تبلیغ در معنای وسیع آن در سطح جهانی شکل گرفته است و حتی به فرهنگ آفرینی نیز می‌پردازند. استفاده از مباحث روان‌شناسی فردی و اجتماعی، سطح این مهارتها را صد چندان کرده است. ممکن است دارای اندیشه‌ها و ارزشهای بسیار والا باشیم، اما به علت نداشتن مهارت ارتباطی، توانایی رمزگذاری و ارسال درست آنها را نداشته باشیم یا تصویری نادرست از آنها ارائه دهیم. سطح مهارت ارتباطی می‌تواند تأثیر بسزایی در درشت‌نمایی یا تضعیف واقعیات داشته باشد و در فرایند ارتباط اخلاص ایجاد کند.

### نگرشها

نوع نگاه و نگرش فرستنده و گیرنده نیز از عوامل تعیین‌کننده در ارتباط است. اصولاً بسیاری از اختلافات و کج فهمی‌ها به علت تفاوت دید و نگاه یا "منظر" است.

از نظر نگاه است ای مغز وجود اختلاف مؤمن و گبرو جهود<sup>۱</sup> نگرش فرد نسبت به خود عامل بسیار مهمی است. اگر کسی اعتماد به نفس داشته باشد و برای افراد ارزش قایل باشد، بهتر می‌تواند پیام را القا کند یا محتوای پیام دریافت‌شده را درک کند. جامعه‌ای که دچار احساس کهنتری نسبت به جامعه مسلط است یا جامعه مسلطی که احساس مهتری نسبت به جامعه زیرسلطه می‌کند هرگز نمی‌تواند ارتباط درستی برقرار کند

۱. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، *مثنوی معنوی*. به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، ج ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ص ۷۱.

2. David Berlo, *Ibid*, P. 45.

و درک سنجیده و دقیقی از واقعیات داشته باشد. میزان اعتماد و علاقه و تصویری که گیرنده و فرستنده پیام از یکدیگر دارند در کیفیت ارسال و دریافت پیام و معناسازی تأثیر بسزایی دارد. پیام فرد مقبول بر دل می‌نشیند و فهمیده می‌شود. میزان عشق و علاقه فرستنده نسبت به گیرنده می‌تواند زمینه ساز کیفیت بهتر درک مفاهیم باشد.

### سطح دانش

میزان دانش فرستنده از محتویات و موضوع پیام، در نحوه شکل‌گیری پیام، همچنین بر فهم درست پیام از سوی گیرنده بسیار تأثیر دارد. در مبحث رهبری<sup>۱</sup> و هدایت در مدیریت که نه تنها پیام باید به درستی درک شود، بلکه پیام رهبر باید تبدیل به عمل شود، یکی از مبانی قدرت رهبری، "قدرت مهارت"<sup>۲</sup> (تخصص) است. اصولاً میزان متابعت از افراد صاحب تخصص بیشتر است.<sup>۳</sup> البته گاهی تخصص بسیار بالای فرستنده موجب می‌شود که گیرنده پیام را درست درک نکند.

میزان آگاهی گیرنده و فرستنده از فرایند ارتباط، شناخت مجاری ارتباط و انواع رسانه‌ها، شیوه‌ها و امکانات، بر رفتار ارتباطی اثری تعیین کننده دارد.

### موقعیت اجتماعی و فرهنگی

هیچ فرستنده و گیرنده‌ای فارغ از تأثیرات نظام اجتماعی و فرهنگی محیط خود نیست. نوع نظام اجتماعی، میزان سازگاری با آن، نقشهای هر طرف در جامعه، انتظارات محیط، ارزشها و باورها و باید و نبایدها بر نوع ارتباط اثر می‌گذارد. هر یک از فرستنده‌ها و گیرنده‌ها نقشهای متفاوتی دارد. ادراکات و تصاویر ذهنی آنان از موقعیت اجتماعی و فرهنگی طرف دیگر

1. Leadership

2. Expert Power

۳. عبدالله جاسبی، اصول و مبانی مدیریت (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۲۴۴.

مدام در تغییر است و بر رفتارهای ارتباطی اثر می‌گذارد. همان‌گونه که در اثر بوم‌رنگ گفته شد، حتی نگاه و نوع ارزشگذاری آنان به «رسانه‌ها» در فهم و درک پیام ارسالی بی‌تأثیر نیست.

این‌که چه رسانه‌ای با محتوای چه پیامی سازگار است، خود مهارت ویژه‌ای را طلب می‌کند و انتخاب درست آن باعث تسهیل ارتباط می‌شود. نکته مهمی که باید یادآور شد آن است که گیرنده، مهمترین حلقه در فرایند ارتباط است. وقتی می‌نویسیم، خواننده، و وقتی حرف می‌زنیم، شنونده را باید در نظر داشته باشیم. هنگام رمزگذاری، پیام را باید در قالبی ریخت که گیرنده آن را بشناسد. همین‌طور هنگام انتخاب محتوای موضوعی باید توان گیرنده را از جهات مختلف در نظر داشت و در این روند موانع ادراکی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی و انگیزشی را بررسی و بر آنها غلبه کرد.<sup>۱</sup> اینک پس از تبیین مختصر فرایند ارتباط، تعریف سانسور را از این دیدگاه ارائه می‌دهیم و سپس آن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

### تعریف پیشنهادی

«سانسور ایجاد هر گونه اختلال<sup>۲</sup> نظام‌مند و آگاهانه در فرایند ارتباط از مرحله شکل‌گیری معنا و هدف در فرستنده تا پدید آمدن معنا در گیرنده است.»

ارتباطات در یک محیط پاستوریزه صورت نمی‌گیرد. اختلال (پارازیت) مانند میکروبی است که می‌تواند چنان بیماری‌زا باشد که آثاری چون کم‌توانی و ناتوانی داشته باشد؛ حتی به مرگ ارتباط در یک مقطع زمانی منتهی شود.<sup>۳</sup> شانون و ویور قایل به عامل اختلال در ارتباط بودند: صدایی که در ارتباط دخالت می‌کند یا پیامی که در دیگر پیامها تداخل می‌کند.

1. David Berlo, *Ibid*, P. 51.

۲. علی رضاییان، اصول مدیریت، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۰)، ص ۲۳۰.

3. noise

۴. مهدی محسنیان‌راد، ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی: میان جمعی، گروهی، جمعی (تهران: سروش، ۱۳۶۸)، ص ۳۵۴.

منظور آنان از اخلال، عواملی بود که علایم را تحریف و مخدوش می‌کرده است. می‌توان این مفهوم را وسعت بخشید و اخلال را عواملی دانست که در هر یک از اجزاء ارتباط باعث کاهش کیفیت می‌شوند.<sup>۱</sup>

بعضی انواع سانسور را نوعی اخلال در رمزگذاری دانسته‌اند.<sup>۲</sup> همان‌گونه که اخلال می‌تواند در همهٔ مراحل فرایند ارتباط آشکار شود، سانسور نیز به مثابهٔ یک اخلال در هر مرحله‌ای ممکن است اشکال ایجاد کند. اما هر اخلالی لزوماً سانسور نیست. وقتی به علت سرما و بسته شدن راهها، نشریه‌ای به موقع توزیع نمی‌شود، در مجرای ارتباطی اخلال ایجاد شده است. اما کسی به این اخلال، سانسور نمی‌گوید. اما اگر همین توزیع نشدن به علت دستور مقامات انتظامی باشد، بدون شک به آن سانسور می‌گوییم. هنگامی که سعی در شنیدن برنامهٔ رادیویی داریم و به طور طبیعی امواج دیگر با آن تداخل می‌کند، در روند ارتباط، اخلال ایجاد شده اما سانسور رخ نداده است. اما وقتی می‌فهمیم که عمداً روی طول موج خاصی برای شنیده‌نشدن صدای برنامه، صداهای نامفهوم پخش می‌شود، قطعاً برای این اخلال لفظ سانسور را به کار می‌بریم.

پس زمانی لفظ سانسور را به کار می‌بریم که فرد یا افراد، سازمان یا دولتی با طرح و برنامهٔ قبلی (نظام‌مند) بخواهد در روند ارتباطات اشکال ایجاد کند. در غیر این صورت، به کارگیری سانسور برای هر نوع اخلالی نابجا خواهد بود. در حالت‌های اول مثال‌های فوق چون در اخلال‌های ایجاد شده هیچ هدف و برنامهٔ قبلی متصور نیست، لفظ سانسور را برای آنها به کار نمی‌بریم. اما در حالت دوم چون اخلالها هدفمند اعمال شده‌اند، سانسور تلقی می‌شوند.

در تعاریف کلاسیک سانسور، بیشترین اشاره‌ها به نوع آشکار سانسور به‌ویژه در مرحلهٔ رمزگذاری و ارسال از طریق مجراهای ارتباطی شده است. اما همیشه سانسور به شکل آشکار و شفاف اعمال نمی‌شود و فقط نیز در

1. David Berlo, *Ibid*, P. 40.

۲. مهدی محسنیان‌راد، ارتباط‌شناسی...، ص ۳۵۵.

رمزگذاری و مجراها به کار نمی‌رود.

هر چه زمان پیشتر می‌رود سانسورکنندگان با استفاده از دانش به دست آمده در حوزه‌های مختلف سعی در اعمال نامحسوس آن در تمامی مراحل حتی در مرحله شکل‌گیری معنا در ذهن گیرنده و فرستنده دارند.

در حوزه روان‌شناسی اجتماعی مبحثی به نام "تصورات قالبی" مطرح است. تصویر قالبی به هر نوع باور تعمیم یافته و اغراق‌آمیز و اغلب نادرست درباره گروهی از مردم گفته می‌شود. شخص بر پایه این تصور قالبی می‌پندارد همه افراد آن گروه از ویژگی خاصی برخوردارند. تصورات قالبی موجب اختلال شدید در روند ارتباطی می‌شود. این تأثیر بر ذهنیت فرستنده و هم‌گیرنده تأثیری تعیین‌کننده دارد.

در آمریکا، در پژوهشی به عده‌ای دانشجوی دختر مقالاتی داده شد تا آنها را از نظر ویژگی‌هایی نظیر ارزش اثر، توان مؤلف، مؤثر بودن و سبک نگارش درجه‌بندی کنند. مقاله‌ها به صورت کتابچه به آنها ارائه شد. در دسته‌ای از این کتابچه‌ها، نویسنده مقاله‌ای مرد و در دسته دیگر زن عنوان شده بود. پژوهشگر به این نتیجه رسید که وقتی نویسنده مقاله‌ای زن معرفی می‌شود، برای ارزیابی در سطح نازلتری قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دختران دانشجوی آمریکایی دچار این تفکر قالبی بودند که در هر زمینه‌ای نویسندگان مرد از نویسندگان زن برترند.<sup>۱</sup>

اگر مقالات را پیام در نظرگیریم، درک معنای گیرندگان پیام از مفاهیم مطرح شده و قضاوتشان تحت تأثیر تبعیض جنسی واقع شده است.

اگر این تصورات قالبی در سیر طبیعی زندگی روزمره حاصل شود، اختلال ایجادشده سانسور تلقی نخواهد شد. اما می‌دانیم همواره سازمانها، مکاتب و ایدئولوژی‌هایی سعی داشته‌اند که چارچوبهای بدون تغییری را در اذهان پدید آورند. ماجرای لیزنکو در این زمینه عبرت‌آموز است:

### 1. Stereotype

۲. ریتال انکینسون، ارنست ر. هیلگارد، ریچارد س. اتکینسون، زمینه روانشناسی، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، جلد دوم (تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰)، ص ۴۸۹.  
۳. همان، ص ۳۲۷.

این گیاه‌شناس روسی چنان قالبی در ذهنش پدید آمده بود که علم لامارکی را با سوسیالیزم سازگارتر می‌دانست، و سخن از تحولات ناگهانی و بی‌مقدمه را با تعلیمات مارکس و انگلس در تضاد و ستیز می‌دید و در نظریهٔ کروموزومی و ژنتیک جدید، رنگ و سایه‌ای از کج‌بینی بورژوازی تمیز می‌داد. از این رو به طور کلی ژن را دروغ می‌پنداشت. او از سال ۱۹۴۸ به بعد به عنوان مدیر مؤسسه، ژنتیک در فرهنگستان علوم روسیه، تدریس ژنتیک غربی - بورژوازی؟! را در مدارس و دانشکده‌ها ممنوع کرد. در سال ۱۹۶۵، یعنی پس از گذشت قریب ۶۰ سال از نظریهٔ ژنی بودن توارث آفتاب بخت او افول کرد!

اصولاً در نظامهای ایدئولوژیکی ایجاد مدارس حزبی و نخبگان در جهت قالب‌بندی فکری دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. آ. هایس مایر، افسر اس. اس، متولی این نوع مدارس در زمان آلمان هیتلری، رسالت این نوع آموزشگاهها را «آموزش سیاسی ... که فرد را قالب و تیم را شکل می‌دهد» می‌دانست. سازمانهای اطلاعاتی کشورهای دموکراتیک نیز با صراحت تمام بر این اعتقادند که باید فرد را در حدی کنترل کرد که خلاف میل باطنی خود و حتی قوانین طبیعت عمل کند.<sup>۲</sup> این شکل‌دهی و قالب‌ریزی فقط در جوامع ایدئولوژیکی و سازمانهای اطلاعاتی صورت نمی‌پذیرد. پائولو فریره در مبحث استیلائی فرهنگی اشاره پرمعنایی به این مهم دارد:

«استیلائی فرهنگی، چه بانزاکت صورت گیرد و چه با خشونت، همیشه عملی قهرآمیز علیه فرهنگ مورد استیلا است که اصالت خود را از دست می‌دهند یا با خطر از دست دادن آن مواجه می‌شوند ... استیلاگران قالب‌ریزی می‌کنند، استیلاشدگان قالب‌ریزی می‌شوند. دستهٔ اول انتخاب

۱. عبدالکریم سروش، دانش و ارزش: پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق (تهران: انتشارات یاران، ۱۳۵۸)، ص ۱۹۲-۱۹۵.

۲. و. ف. کانل، تاریخ آموزش و پرورش، ترجمهٔ حسن افشار (تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸)، ص ۵۳۷.

۳. جان مارکس، سیا و کنترل مغزها، ترجمهٔ فریدون دولتشاهی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۵۳.

می‌کنند؛ دسته دوم پیروی می‌کنند.<sup>۱</sup> این استیلای فرهنگی منجر به بی‌اصالتی فرهنگی جامعه تحت تسلط می‌شود. عده‌ای مدارس نوع جدید را نیز در شرایطی علت ایجاد وابستگی<sup>۲</sup> و از خود بیگانگی<sup>۳</sup> می‌دانند.<sup>۴</sup> این وابستگی و از خود بیگانگی نیز حاصل تزریق احساس کهنتری فرهنگی است که روزانه در این جوامع و مدارس صورت می‌گیرد.

بدون شک تغییرات در نگرشها، باورها و پیش‌فرضهای ذهنی که آگاهانه و به‌طور نظام‌مند ایجاد شده‌اند، نوعی اخلال از پیش تعریف شده را در ارتباطات ایجاد می‌کند که باید به آن سانسور یا خودسانسوری بگوییم. چرا وقتی فردی از ترس عقوبت، از نوشتن مطلبی، یا خواندن کتابی سر باز می‌زند، می‌گوییم دچار خودسانسوری شده است. اما به این تحمیلها در روند ارتباطات نمی‌توانیم سانسور اطلاق کنیم؟ به نظر می‌آید پیچیده بودن این رفتار باعث مغفول ماندن آنها شده است. باید توجه داشته باشیم که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که حتی علم هم بی‌طرف نمانده است، بلکه "سوگیرانه" عمل می‌کند. به قول یورگن هابرماس، علم و عالمان هیچ‌کدام بی‌طرف نیستند. جوامع علم‌محور از وضعیت اولیه بسی دور افتاده‌اند. اندیشمندان دیگری معتقد است باید در انتظار جامعه‌ای فراعلمی<sup>۵</sup> بود که در آن علم متواضعتر و ایمان سرافرازتر باشد.<sup>۶</sup>

این علم ایدئولوژی شده چنان اخلالی را در فهم واقعیات پدید آورد و چنان خودسانسوری را باعث شد که فن منبعث از آن تا آن حد خطرآفرین شده است که عده‌ای نگران پدید آمدن نوعی تکنوفاشیسم از نوع ۱۹۸۴

۱. پائولو فریره، آموزش ستم‌دیدگان، ترجمه احمد پیرشک و سیف‌الله داد (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۸)، ص ۱۸۲-۱۸۳.

2. Dependency

3. Alienation

۴. مارتین کانوی، آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه محبوه مهاجر (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۲۶.

5. Post-Scientific

۶. عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت (تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶)، ص ۳۰۷.

اورول هستند؛ و اخلاق علمی حاصل از آن باعث سوزانده شدن هزاران نفر به دست نازیها شد و چنان تفرعنی را در اذهان نقش بست که هنوز احساس مهتری به دست آمده از آن توجیه‌گر استعمار و استکبار لجام‌گسیخته در تمامی عرصه‌های حیات بشری است.

شکلهای جدید سانسور و خودسانسوری حاصل بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای روان‌شناسی فردی و اجتماعی و علم ارتباطات برای شکل‌دهی نگرشها، باورها، شخصیت، عواطف، رفتار، و ... است. البته وقتی به این موارد سانسور گویند که دستکاریهای صورت گرفته در این عوامل باعث "اخلال پیشین" در روند ارتباطات باشد. این برنامه‌ریزیها فرد یا افراد و حتی جامعه را چنان پرورش می‌دهد که از پیام آن‌را بفهمند یا آن پیامی را ارسال دارند که مورد نظر و هدف برنامه‌ریزان است و حتی دنیا را به رنگ تعیین شده توسط قدرت سالاران ببینند.

پیش چشم‌داشتی شیشه‌کبود      زان سبب عالم کبودت می‌نمود  
 بشکن آن شیشه‌کبود و زرد را      تا شناسی گرد را و مرد را<sup>۲</sup>  
 و البته شکستن آن شیشه‌رنگین نصب شده در ضمیر ناخودآگاه کار آسانی نیست.

ظهور وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت آن به این حرکت شتاب بخشیده است. دیوید رایزمن<sup>۳</sup> که بر ارتباط به عنوان محور جوامع انسانی تأکید دارد، دوران فعلی را دوران انسان‌دگرراهر<sup>۴</sup> می‌داند. وسایل ارتباط جمعی و پدیده‌هایی چون هدایت از راه دور، بت‌واره‌پرستی<sup>۵</sup> (یادگارپرستی)، شیء سروری<sup>۶</sup> و از خودبیگانگی از نشانه‌های این دوران

۱. الوین تافلر، *ورقه‌های آینده*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰)، ص ۱۷۷.

۲. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، *مثنوی معنوی* به تصحیح رینولد ا. نیکلسون (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ج ۱، ص ۸۲.

3. David Reisman
4. Other-Directed-Man
5. Telekinesis
6. Fetishism
7. Reification

است. در این دوره عده‌ای با استفاده از قدرت جادویی این وسایل موفق می‌شوند توده‌ها را تحت تأثیر قرار دهند؛ از تنوع حیات انسانی بکاهند و الگوهای خاص فکری و مصرفی پدید آورند. عصر مصرف‌گرایی، پیدایش مصرف تظاهری<sup>۱</sup> و امحای حریم زندگی شروع شده است. با فنونی چون تبلیغات تجاری فراآگاهی<sup>۲</sup>، با برجسته‌سازی آگهیهای تجاری از طریق ارسال آنها از لابه‌لای پیامهای خبری بسیار بااهمیت، موجبات مسخ انسانها و همچنین "بلع" مطالب را فراهم می‌آورند.<sup>۳</sup> بلعی که نباید گزینش و هضمی در پی داشته باشد. این تحمیلها در نبود اندیشه و انتخاب، انسان را به موجودی از خودبیگانه و در بهترین حالاتش به قول مارکوزه به انسانی تک‌ساحتی<sup>۴</sup> مبدل می‌کند. این اجبار و این مسخ ایجاد شده که می‌تواند عامل خودسانسوری عمیقی شود، به‌نوعی با آموزش و تبلیغات درارتباط است. لازم است به اختصار رابطه این عوامل را بررسی کنیم.

در نگاهی غایت‌گرایانه تفاوت تعلیم و تربیت و تبلیغات را باید در اهداف آنها جستجو کرد. رسالت تعلیم و تربیت، پرورش انسان پرسشگری است که می‌خواهد از قیدهای بی‌شمار و گوناگون وجودی‌اش رها شود؛ راه تکامل همه جانبه خود را هموار سازد؛ به رموز جایگاه فردی و اجتماعی خود و دنیای متغیری که در آن زندگی می‌کند تا آنجا که ممکن است آشنا شود؛ با دنیا و انسانهایش مرتبط شود؛ زندگی دهد؛ زندگی کند و زندگی خود و دیگران را با عشق و دانش شکوفا سازد.<sup>۵</sup> گرچه مثلاً اریک فروم این شکوفایی و کمال را در قالب "انسان بارور"،<sup>۶</sup> ابراهام مزلو در الگوی "انسان

1. Conspicuous Consumption

2. Subliminal Advertising

۳. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات (تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۵۷)، ص ۵۳-۵۴.

4. Unidimensional-man

۵. مجید رهنما، در راه آموزشی انسان پرور و رهائی‌بخش در ارتو پتروفسکی و دیگران آموختن برای زیستن، ترجمه محمد قاضی و دیگران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۹.

6. Productive Person

خواستار تحقق خود<sup>۱</sup>، و ویکتور فرانکل در "انسان از خود فرارونده"<sup>۲</sup> متجلی می‌دانند، همگی با تأکید بر هشیاری و آزادی انسان، تربیت را موجب کمال و زندگی بخش فرد می‌دانند و به دنبال الگوی شخصیت سالم انسان هستند. اصولاً تعلیم و تربیت را می‌توان آماده ساختن فرد برای سازگاری مثبت با محیط دانست؛ سازگاری پویایی که ذهنی نقاد و اندیشه‌ای ژرف به ارمغان خواهد آورد و موجب سازندگی در محیط خواهد شد. اما در تبلیغات چنین نیست. واژه "تبلیغ" در فرهنگ اسلامی و قرآنی بار بسیار مثبت و زندگی‌سازی دارد. اما در فرهنگ ارتباط‌شناسی و جامعه‌شناسی ارتباطات، تبلیغات به گونه دیگری ترسیم شده است.

ریشه لاتین تبلیغ (پروپاگاندا)<sup>۳</sup> به سال ۱۶۲۲ بازمی‌گردد که پاپ گریگوری، نهادی را برای تقویت فعالیت‌های میسیونرهای کاتولیک پدید آورد.<sup>۴</sup> اما امروزه برای این اصطلاح مترادف‌هایی چون دروغ، تحریف، فریب، دستکاری، جنگ روانی و شستشوی مغزی به کار می‌رود<sup>۵</sup> و در تعریف آن گفته‌اند: تلاشی سنجیده و منظم برای شکل دادن به ادراکها، ساختن یا دستکاری شناختها و هدایت رفتار برای دستیابی به یک پاسخ که خواسته موردنظر مبلغ را تقویت می‌کند.<sup>۶</sup> تبلیغ ممکن است آشوب‌آفرین یا وحدت‌زا باشد. تبلیغات دشمن همواره سعی در انفعال طرف مقابل و تقویت روحیه خودی‌ها دارد. ولی می‌توان گفت که تبلیغ، یک ایدئولوژی فعال شده است که طبعاً کارش تقویت یک‌سو و تضعیف سوی دیگر

1. The Self-Actualizing Person

2. The Self-Transcendent Person

۳. دون شولتس، روان‌شناسی کمال: الگوی شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل (تهران: نشر نو، ۱۳۶۹)، ص ۷۳-۱۹۵.

۴. علی‌اکبر شعاری‌نژاد، فلسفه آموزش و پرورش (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵)، ص ۱۰۱.

5. propaganda

6. Congregatio de Propaganda Fide

7. *Webster's Third New International Dictionary*, Vol. 2 (Chicago: Encyclopedia Britannica, 1986), P. 1817

۸. گارث اس. جاوت و ویکتور اودانل، "تبلیغ و ترغیب"، ترجمه احمد میرعبادینی، رسانه، ۴ (سال چهارم زمستان ۱۳۷۲)، ص ۳۹-۴۰.

۹. همان، ص ۴۰.

است. تبلیغات یک جهان روانی - سیاسی می‌سازد و هر که به آن پیوندد عالمی از نو می‌آفریند. معنای این پیوند هم آن است که فرد خویش را در آن عالم ساکن کند؛ مثلاً آنجا که پای تبلیغات تجاری در میان است در عالم مصرف ساکن شود؛ و به عنصری بلااراده و مجبور در عالمی که ساکنش کرده‌اند بدل شود. باید بدانیم که تبلیغات به صورتی ذاتی در تضاد با هر نوع هستی اخلاقی است و توانایی تولید نظام اخلاقی را برای خودش ندارد. البته تبلیغات در عمل از اخلاقیات، نه به معنای ارزش آن بلکه به عنوان قاعده رفتار، پیروی می‌کند و سعی در آفرینش چنین اخلاقی برای جامعه مخاطبان دارد. بیهوده نیست که عده‌ای از اندیشمندان، تبلیغات را تلاشی در جهت "اشاعه افکاری فاقد حقیقت و دقت" یا "مخدوش کردن واقعیتها" یا "نوعی ترفند لفظی و پشت هم‌اندازی" که باعث می‌شود افراد "دچار توهم شوند و آنرا حقیقت تصور کنند" دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

## تفاوت آموزش و تبلیغ

هدف در آموزش، پرورش شخصیتی سالم و ذهنی خلاق و نقاد است. هرگاه تعلیم و تربیت از این اهداف دور شده مورد انتقاد قرار گرفته است. اعتراض پائولو فریره از اختگی حس کنجکاوی در مدارس جدید<sup>۲</sup> و القای فرهنگ سکوت مؤیدی بر این مدعاست. این در حالی است که در تبلیغ، عکس این مشاهده می‌شود. تبلیغات می‌خواهد ذهن را به جای آنکه باز کند ببندد. تبلیغاتچی تنها می‌خواهد شما کاری بکنید که او می‌خواهد. در حالی که آموزش می‌خواهد که شما به میل خود عمل کنید. تبلیغات می‌خواهد عقاید و افکار را به نحوی تحت تأثیر قرار دهد که افراد هیچ

۱. ژاک الول. "اخلاق‌شناسی تبلیغات"، ترجمه هومن پناهنده، رسانه، ۶ (سال دوم تابستان ۱۳۷۰)، ص ۴۳.

۲. علی اسدی، افکار عمومی و ارتباطات (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۱)، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۳. پائولو فریره، "من در جستجوی خشم بوده‌ام". ترجمه حسین راغفر، کیهان فرهنگی (سال هفتم، خرداد ۱۳۶۹)، ص ۲۲.

پرسشی درباره علت عقاید و رفتار نکنند و برعکس در آموزش افراد ترغیب می‌شوند سؤال کنند که اصلاً چرا باید اقدام به کاری کنند.<sup>۱</sup> گاهی ممکن است آموزش با تبلیغ آمیخته شود. به گفته الیوت ارورنسون در کتابهای تاریخ دبیرستانهای آمریکا مشارکتهای سیاهان و دیگر اقلیتها نادیده گرفته شده است و در ریاضیات مدارس ابتدایی بیشتر مثالها از خرید و فروش دستمزد و محاسبه سود است که به نوعی بازتاب و تبلیغ نظام سرمایه‌داری است.<sup>۲</sup>

### تأثیر آموزش و تبلیغ بر سانسور

مشخص شد که تعلیم و تربیت در شکل آرمانی‌اش در فرایند ارتباط نه تنها اخلال‌آفرین نیست، بلکه "اخلال‌زدا" است. آن شخصیت رشد یافته نقاد و پویا به فرستنده یا گیرنده‌ای رشید تبدیل خواهد شد که به نقش خود، آگاهانه عمل می‌کند و حتی به "اخلال‌شناسی" مؤثری دست خواهد زد.

به عکس، کار تبلیغ، نظارت، اخلال، ایجاد توهم و ایجاد خدشه در فرایند ارتباط است؛ به ویژه در تبلیغ سیاسی که همواره همراه بازرسی اطلاعات اعمال می‌شود و درنهایت به تحریف اطلاعات می‌انجامد.<sup>۳</sup> البته تعلیم و تربیت هر قدر از آرمانهایش فاصله بگیرد و به تبلیغ نزدیک شود، به همان اندازه می‌تواند اخلال‌زا و سانسورآفرین باشد. در مجموع به نظر می‌آید تبلیغات می‌تواند زمینه‌ساز و یسترآفرین سانسور و خودسانسوری باشد و آموزش و پرورش در جهت عکس آن حرکت کند.

### فلسفه سانسور

پرداختن به مسئله سانسور، بدون طرح "آزادی" به‌ویژه آزادی اندیشه و

۱. علی اسدی، همان، ص ۱۹۳.

۲. گارت اس جاوت، همان، ص ۴۵.

۳. گرت جووت "ساختار تبلیغ سیاسی" ترجمه محبوبه ملک‌لو، رسانه، ۱ (سال ششم ۱۳۷۴)، ص ۳۸.

بیان میسر نیست. آزادیهای مدنی که امروزه تقریباً در همه جوامع، حقی قطعی تلقی می شود سرگذشتی پرفراز و نشیب داشته و چنین نبوده است که همواره عزیز شمرده شده باشد و برای همه سطوح جامعه تجویز شده باشد. حتی پذیرش دموکراسی به عنوان یک شیوه قانونی برای نظم سیاسی پدیده‌ای مربوط به دوران جدید است. تا اواخر قرن هجده اکثر اندیشه‌های سیاسی غرب بر اصولی غیر از دموکراسی استوار بوده پل ای. کرکوران می نویسد:

«از نظرگاه ۲۵ قرن اندیشه سیاسی غرب، تقریباً هیچ یک تا همین اواخر ابراز نکرده بودند که دموکراسی راه مناسبی برای برقراری تشکیلات زندگی است... اکثریت غالب اندیشمندان سیاسی طی دو و نیم هزاره بر بیهودگی بنیادهای دموکراتیک تأکید می کردند و بی نظمی سیاست دموکراتیک و فساد اخلاق رفتارهای دموکراتیک را پذیرفته بودند.»<sup>۱</sup>

این تفکر که انسان در طبیعت جایگاه مقدری دارد و یک قانون طبیعی بر همه آفریدگان حکومت می کند و از این رو جایگاه هرکس معین و مشخص است، برخاسته از مشرب مکتب رواقیان پیش از مسیح بود. این اندیشه به قول "ماینکه" نگارنده سرگذشت فلسفه تاریخ در اروپا تا مدت دو هزار سال گاه آشکار و گاه نهان جزء اصول مفروض بسیاری از مکاتیب فلسفه اجتماعی در اروپا بوده است.<sup>۲</sup>

جهان بینی حاکم بر اندیشه‌های سیاسی آن زمان به گونه‌ای بود که چنین وضعیتی را در عمل و نظر پدید آورده بود. و ایتهد به زیبایی به این مهم پرداخته است. او می گوید که در تمدنهای یونانی و رومی یونانی وار<sup>۳</sup> - تمدنهایی که آن را کلاسیک می نامد - عموماً چنین فرض می شد که به انبوهی از جمعیت بردگان نیاز است تا کارهای دون شأن افراد کاملاً متمدن

۱. جان ال. اسپوزیتو و جان ا. وال. "ماهیت دموکراتیک اسلام"، ترجمه نسربین حکمی، کیان، شماره ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص ۳۱.

۲. حمید عنایت، مقدمه برگ. و. هگل، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت (تهران: نشر دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶)، چهارده و پانزده.

را انجام دهند. به عبارت دیگر در آن زمان یک جامعه متمدن نمی‌توانست در همه چیز بر خود متکی باشد. در بافت ساختمان اجتماعی باید طبقه زیرین نسبتاً بی‌تمدنی وجود داشته باشد تا بتوان رأس تمدن را سرپا نگاه داشت. این فرض که یک تمدن پیچیده شهری محتاج یک زیربنای بردگی است، چه در عمل و چه در پیش‌فرضهای ذهنی چنان عمومیت داشت که می‌توان آن را برخاسته از دلایل محکمی دانست که تحت شرایطی موجب شکل دادن به دورانهای اولیه حیات متمدن شده بود.<sup>۱</sup>

در آن دوران با این زمینه فکری هرگونه کوششی برای استقرار دموکراسی (با هر قرائتی) محکوم بود. حکومت از آن فرهیختگان بود و به‌زعم آنان مثلاً حکومت آتن یک دموکراسی بیرحم بود و مردم بیسواد بر آن حکومت می‌کردند و این توده‌های نافرهيخته از فرهیختگان نفرت داشتند و آنان را سرکوب می‌کردند و این فرهیختگان نیز به سهم خود از این مردم متنفر بودند. جالب است بدانیم که بسیاری از مورخان بر این نهج گام نهاده‌اند که مثلاً روم و استقرار امپراتوری جهانی آن را ستوده ولی تلاش آتن را برای استقرار یک حکومت بهتر محکوم کرده‌اند.<sup>۲</sup> باید توجه داشت همان‌گونه که آزادی و عدالت دو اصل مفروض غیرقابل اجتناب در تفکر سیاسی نوین است، بردگی نیز برای آن دوران پیش‌فرض مشابهی بوده است.<sup>۳</sup> حداکثر تلاش مصلحان و اندیشمندان آن زمان بر این امر متمرکز می‌شد که برده‌داری را تلطیف کنند و از خشونت‌ها بکاهند. اما به قول وایتهد نه برده‌داران دلسوز و نه افلاطون بیداردل و نه قانونگذاران روشنفکر، هیچ یک مبارزه‌ای را علیه برده‌داری آغاز نکردند.<sup>۴</sup> فرزنانگان آن دوران در متعالی‌ترین شکلی که قریسیم می‌کردند قایل به حکومت فیلسوفان بودند.

۱. آلفرد نورث وایتهد، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۶۳.  
 ۲. کارل ریموند پوپر، جامعه باز و دشمنانش، ترجمه علی‌اصغر مهاجر (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴)، ص ۲۳.  
 ۳. آلفرد نورث وایتهد، همان، ص ۶۴.  
 ۴. همان، ص ۶۶.

به زعم آنان این حاکمان فیلسوف بودند که می توانستند تأمین کننده سعادت توده های نافهم باشند. افلاطون می گفت:

«بزرگترین اصل از اصول عالم این است که هیچ فرد انسانی، از مرد و زن، نباید بی رهبر باشد. ذهن هیچ کس را نباید چنان ورزید که بتواند، به سابقه شوق، یا به انگیزه تفریح، ابتکار عمل پیدا کند. در حال جنگ و در زمان صلح، چشم همه باید به رهبر باشد و با ایمان از او پیروی کنند. تمام انسانها، حتی در کوچکترین مسائل باید تحت رهبری باشند؛ مثلاً فقط به دستور رهبر از خواب برخیزند، دست و روی بشویند و غذا بخورند. به طور خلاصه هر فرد انسانی از طریق عادات طولانی، روح خود را چنان تعلیم دهد که عمل مستقل را، حتی به خواب هم نبیند و از عمل مستقل کاملاً عاجز شود.»<sup>۱</sup> این رهبری ممکن بود به صورت موناشرسی یعنی حکومت انفرادی یک انسان نیک یا آریستوکراسی یعنی حکومت چند انسان نیک متجلی شود.<sup>۲</sup> به عقیده افلاطون دستیابی به شهری زیبا و نیک<sup>۳</sup> زمانی میسر است که بر پایه تربیتی بسامان استوار باشد؛ تربیتی که حاکمان دانا و دادگر رهبر آن باشند<sup>۴</sup> و از هر عمل مستقلی جلوگیری کنند.

با چنین فلسفه سیاسی و تربیتی، به طور طبیعی باید همه انسانها تحت انقیاد و رهبری ریزینانه ای قرار گیرند. بدیهی است که اخلال در ارتباطهای انسانی نیز یکی از عملکردهای مؤثر و مهم محسوب خواهد شد. همان گونه که در پیش اشاره کردیم با همین استدلال بود که در روم باستان منصب "سانسورگر" پدید آمد و بر همه شئون زندگی افراد از تولد تا مرگ نظارت می کردند.<sup>۵</sup> مسلماً در آن دوران هرگونه تفکر مستقل و آزاداندیشی برای عامه مردم محکوم بود. در همین دوران سقراط که همگان را به

۱. کارل ریموند پوپر، جامعه باز و دشمنانش...، ص ۱۳.

۲. کارل ریموند پوپر، "نگاهی دوباره به جامعه باز و دشمنانش"، ترجمه سعید محبی، کیان، ۳۳ (سال ششم، آبان و آذر ۱۳۷۵)، ص ۵۳.

### 3. kallipolis

۴. میرعبدالحسین نقیب زاده، درآمدی به فلسفه (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۷۵)، ص ۷۲-۷۳.

۵. پلوتارک، همان، ص ۱۶۷.

جستجوی دانش و فضیلت فرا می‌خواند به اتهام بی‌دینی و گمراه کردن جوانان به مرگ محکوم شد و در سال ۳۹۹ پیش از میلاد با نوشیدن جام شوکران، جان بر سر آزاداندیشی و آزادی بیان نهاد. اما شاگردش افلاطون ضمن تأیید سانسور، در جمهوریت خود قایل به ممیزی داستانها و نمایشنامه‌هایی بود که تصور می‌کرد موجب گمراهی جوانان است.<sup>۱</sup> او معتقد بود که «هنر این قدرت را دارد که احساسات را تشدید کند نه اینکه آن را تصفیه و پالایش کند. لذا سانسور آثار نمایشی باید محتوا و فرم همه آثار هنری را بررسی کند.»<sup>۲</sup>

به طور خلاصه در دنیای کهن وظایف هر فرد در هرم اجتماع به طور طبیعی رقم زده شده و تکلیف او در بافت اجتماعی‌اش کاملاً مشخص بود. عمل و تفکر مستقل امری ناستوده و موجب عقوبت بود. لذا دخالت و نظارت بر اندیشه و بیان در همه گونه‌های آن امری ستوده و از وظایف حکومت به شمار می‌آمد. اگر هم گاهی آزادی در آن دوران ستایش شده آن قرائت از آزادی بوده است که فرمانروا را در فرمانروایی‌اش آزاد می‌پنداشته است.<sup>۳</sup> اما تکلیف عامه مردم کاملاً مقدر بوده است.

با پیدایش تمدن نوین، آهسته آهسته این "تکلیف مقدر" برای عامه مردم در فلسفه سیاسی به "حق" و "حقوق" تبدیل شد. حقوقی که می‌توانست از دل قراردادهای اجتماعی نشأت بگیرد و آزادی را در همه شئون زندگی مطرح سازد. در این دوران، "آزادی" یک حق مسلم و اصالت آزادی، محور واقع شد؛ برعکس دوره باستان که اصالت بردگی، محور بود. حتی افرادی چون اسپنسر تمایل دولتها را به دخالت و تحکم در امور شهروندان نوعی بازگشت به دوره برده‌داری اعلام و با هرنوع فعال مایشاء

۱. احمد انور بدر، علم المعلومات والمکتبات، دراسات فی النظرية والارتباطات الموضوعية (قاہرہ: دارغریب للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۶)، ص ۲۷۱.

2. Jane Turner, *Ibid*, P. 174.

۳. اورلاندو پاترسون، آزادی و صورت سه‌گانه آن، ترجمه مینو مشیری (برگرفته از نیوزویک) دنیای سخن، ۴۴ (مهر ۱۳۷۰)، ص ۲۹.

بودن دولتها مخالفت کردند.<sup>۱</sup> در این دوران قریب به اتفاق ایدئولوژی‌ها و مکاتب، آزادی را امری ممدوح دانستند. اما بحث در معنای آزادی، حدود و ثغور و ارتباط آن با سایر حقوق انسانی مثل عدالت همواره بحثی مطرح بوده است.

آزادی در مفاهیم و معانی گوناگونی به کار رفته است و از آن تعاریف مختلفی به دست داده‌اند. لاک آزادی را قدرتی می‌داند که انسان برای اجرا یا احتراز از عملی خاص داراست و هگل آن را ضرورت تغییرشکل یافته می‌داند. انگلس آزادی را نظارت و اختیارداری بر خود و بر طبیعت بیرونی که بر معرفت ضرورت طبیعی بنیان گرفته است معنا می‌کند.<sup>۲</sup> در دیدگاهی دیگر آن را به آزادی حقوقی و آزادی فلسفی، آزادی بیرونی و آزادی درونی، "آزادی از" و "آزادی در" تقسیم کرده‌اند.<sup>۳</sup> گاهی دربارهٔ بالقوه بودن آزادی و قدرت اعمال آزادی به بحث نشسته‌اند<sup>۴</sup> و در جایی از آزادی چون ارزش سخن گفته‌اند.<sup>۵</sup> اخلاقمندی از آزادی همچون اباحت یاد کرده و اندیشمند دیگری بر نظم‌آفرینی آزادی تأکید کرده، از آزادی به منزلهٔ نظم سخن گفته است. اینان نه تنها آزادی را یلگی و رهایی نمی‌دانند، بلکه معتقدند وقتی آزادی مانند یک واقعیت در جامعه حاکم شود، این آزادی در روابط اجتماعی ایجاد نظم می‌کند که این نظم، انسجام بخش جامعهٔ مدنی نیز می‌تواند باشد.<sup>۶</sup>

با توجه به گستردگی این مباحث و بحث فعلی ما که آزادی تحدید

۱. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸ از بنتام تا راسل، ترجمهٔ بهاء‌الدین خرمشاهی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۱۵۳.

۲. موریس کرنستون، تحلیلی نوین از آزادی، ترجمهٔ جلال‌الدین اعلم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹)، ص ۳۰-۳۱.

۳. عبدالکریم سروش، فریه‌تراز ایدئولوژی، (تهران: مؤسسهٔ فرهنگی صراط، ۱۳۷۳)، ص ۲۳۶.

۴. موریس کرنستون، همان، ص ۳۱-۳۲.

۵. عبدالکریم سروش، "آزادی چون روش"، کیان، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص ۶-۷.

۶. موسی غنی‌نژاد، "میزگرد جامعهٔ مدنی"، کیان، ۳۳ (سال ششم، آبان و آذر ۱۳۷۵)، ص ۴.

ارتباطات یعنی سانسور است، به جای پرداختن به مفهوم و معانی آزادی بهتر است به "رابطه آزادی" پردازیم. رابطه‌ای که محتوای آن را ضرورت همزیستی خود با دیگران تعیین می‌کند. چون نیک بنگریم حتی آن وجه از کمال آزادی را که از دیدگاه روان‌شناسی فردی تصور می‌رود انسان بتواند کسب کند - که آزادی پیامبران، عرفا، شهیدان، فیلسوفان و حکما را نمونه‌ی اعلای آن می‌توان دانست - یا حتی آن وجه از کردار فردی مطلقاً آزاد که در پدیده‌ی خودکشی رخ می‌دهد، هیچ‌کدام ممکن نیست مگر بر پایه‌ی امکان همزیستی تعارض‌آمیز خود با غیر، غیری که در چنین مواردی معمولاً در قالب تصوراتی چون ناخودآگاهی، جنون یا نفس اماره یا به‌طور کلی دترمینیسم وجودی، یعنی غیر در معنای فلسفی کلمه در برابر خود قرار می‌گیرد؛ یا ممکن نیست مگر بر پایه‌ی نوعی کردار نامشروط در نفی یا اثبات غیر در معنای روان‌شناختی اجتماعی یا فلسفی کلمه چنان‌که درباره‌ی خودکشی می‌بینیم. این آزادی اساساً پدیده‌ی اجتماعی است و زندگی اجتماعی هم نشان‌دهنده‌ی تحول در سرگذشت آزادی است. آنچه امروز آزادی می‌نامیم از تاریخ "مدرنیته" جدا نیست. این مفهوم نوین آزادی در بند ۱۱ اعلامیه‌ی حقوق بشر اعلام شده است.

«مبادله‌ی آزادانه‌ی اندیشه‌ها و عقاید از گرانبهاترین حقوق بشری است. پس هر شهروندی می‌تواند آزادانه بگوید، بنویسد و منتشر کند و فقط پاسخگوی سوءاستفاده از این آزادی در موارد مشخصی است که قانون آنها را معین می‌کند.»<sup>۱</sup>

اندیشمندان بسیاری بر لزوم مبادله‌ی آزادانه‌ی اندیشه‌ها و عقاید و آزادی بیان اقامه دلیل کرده و سعی کرده‌اند که لزوم آن را برای داشتن "جامعه‌ی جدید" مبرهن کنند. در این میان استدلال‌ات جان استوارت میل در رساله در باب آزادی که به‌قول پروفیسور مک آیور با صمیمیتی دل‌انگیز و

۱. باقر پرهام، "فرهنگ آزادی و فرهنگ استبداد"، کیان، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص ۲۷.

بی‌آلایش<sup>۱</sup> در سال ۱۸۵۹ نگارش یافته قابل تأمل است. این مباحث زمانی منتشر شد که جدال خردگرایان با کسانی که می‌کوشیدند فرد را محکوم قدرت اجتماع بدانند به صورت بزرگترین مسئله سیاسی روز و شدیدترین مناقشه اقتصادی قرن نوزدهم درآمده بود. در اندیشه او آزادیهای فردی از دو سو تهدید می‌شود: از سوی دولت و از آن خطرناکتر نیروی افکار عمومی که غالباً ممکن است دچار اشتباه شود. او نشان می‌دهد که تعدی افکار عمومی در بعضی موارد از تعدی سیاسی هم خطرناکتر می‌شود. دولتی که نماینده اکثریت است هر قدر هم که اجحاف‌گر و زورگو باشد، لااقل اراده خود را به نام اکثریت بر اقلیت جامعه تحمیل می‌کند؛ درحالی که افکار عمومی عرصه را بدون هیچ مجوز قانونی به آنهایی که استقلال عقیده دارند و هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند تنگ می‌سازد. خرافات مذهبی، تعصب طبقاتی، احساسات نژادی، سنت خویشتن‌پرستی، مهر و کینه‌های اجتماعی همه در این ردیف هستند و موقعی که جزو روحیه مردم شدند یا افکار عمومی را از روی جهل و بی‌خبری برانگیختند از بزرگترین موانع آزادی فردی به شمار می‌روند. او با این عمل که مردم حق داشته باشند به طور مستقیم و به دست خود یا غیرمستقیم و به دست حکومت اندیشه‌ای را سرکوب کنند مخالف است و می‌گوید: «چنین قدرتی از اصل و ریشه ناپاک است و فرق نمی‌کند که اجراکننده آن چه نوع حکومتی است.... اگر همه افراد بشر - منهای یک نفر عقیده واحدی داشتند و تنها یک نفر عقیده‌اش با آن باقی بشریت مخالف بود عمل اینان که صدای آن یک نفر را به زور خاموش کنند همان اندازه ناحق و ناروا می‌بود که عمل خود وی اگر فرضاً قدرت این را داشت که صدای نوع بشر را به زور خاموش کند.»<sup>۲</sup> میل

۱. مک آیور، نظر انتقادی پرفسور مک آیور، ضمیمه جان استوارت میل، رساله در باب آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی (تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳)، ص ۲۹۴.
۲. جان استوارت میل، رساله در باب آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی (تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳)، فصل ۱.
۳. همان، ص ۵۹.

معتقد است که با فرض درست‌کار بودن و حسن نیت دولتمردان و خاموش‌کنندگان عقاید، هر سرکوب عقیده‌ای، برخلاف مصالح پایدار جامعه است و درباره افکار سرکوب شده سه فرض را می‌توان در نظر گرفت. فرض نخست آن که «عقیده‌ای که اولیای جامعه کمر به اختناقش بسته‌اند عقیده‌ای است صحیح و معتبر. کسانی که می‌خواهند آن را خاموش کنند طبعاً منکر صحتش هم هستند ولی بالاخره خود اینان اشتباه‌ناپذیر نیستند که حق داشته باشند به نام کلیه افراد بشر درباره مسئله‌ای تصمیم بگیرند و دیگران را از داشتن وسیله قضاوت یکسره محروم سازند. گوش ندادن به عقیده‌ای به این دلیل که مخالفان آن به بطلانش اطمینان دارند معنایی جز این ندارد که گروه مخالف اطمینان خود را با اطمینان مطلق یکی می‌پندارد. کسانی که مباحثات آزاد را به زور خاموش می‌کنند این ادعای بحث را که خود از اشتباه مصونند به حکم تلویح از همان آغاز امر می‌پذیرند. اما عمل جابرانه آنها را به همین دلیل ساده و پیش پا افتاده که کسی در این دنیا از اشتباه و لغزش مصون نیست می‌توان تخطئه کرد بدون اینکه سادگی و پیش پا افتادگی دلیل چیزی از نیروی استدلال بکاهد.»<sup>۱</sup>

فرض دوم میل حالتی است که عقیده جامعه صحیح و عقیده مخالف و سرکوب شده، ناصحیح است. در این حالت نیز او معتقد است که اختناق زیانبار است. زیرا تنها در نتیجه اصطکاک حق و باطل، سیمای حقیقت زنده‌تر و روش‌تر دیده می‌شود. او می‌گوید: «هر آن کسی که عقیده‌ای ثابت و محکم درباره موضوعی تشکیل داده است هر قدر هم باطناً نخواهد به این موضوع اعتراف کند که آن عقیده ممکن است باطل باشد، بلاشک باید بداند که هیچ عقیده‌ای - هر قدر هم صحیح - اگر به طور کامل و متوالی مورد بحث و تعمق قرار نگیرد مردم آن را به چشم ایمانی مرده و نه حقیقی و زنده خواهند نگریست.» تعاطی افکار و اصطکاک اندیشه‌ها باعث می‌شود که معنای عقیده اصلی روش‌تر شود و هم ایمان ناشی از آن عقیده

۱. جان استوارت میل، همان، ص ۶۰-۶۱.

عمیقتر به روح و احساسات رخنه کند.<sup>۱</sup>

فرض سوم میل این است که حقیقت بین دو عقیده متضاد تقسیم شده است و هر کدام پاره‌ای از حقیقت را دارا هستند که در بحث‌های مختلف این حالت بیشتر به وقوع می‌پیوندد. در این وضعیت عقیده ثالثی لازم است تا پاره‌های حقیقت را از میان اندیشه‌های متضاد بیرون بکشد و اندیشه جدیدی را در اختیار بشریت بگذارد.<sup>۲</sup> به زعم میل زیان بزرگی که فکر بشر را تهدید می‌کند ناشی از اصطکاک دو پاره از حقیقت نیست؛ بلکه معلول اختناق بی سر و صدای نیمی از آن حقیقت است. در محیطی که مردم فقط مجاز به شنیدن یک جانب - از دو جانب - عقیده‌ای باشند، اشتباه‌های موجود شدت می‌یابد و خود حقیقت نیز بر اثر گزافه‌گویی مدافعان به شکل بطلان درمی‌آید و تأثیر و نفوذ سابقش را از دست می‌دهد. در ظرفیت کنونی مغز بشر، این امکان که کسی بتواند بین دو جانب یک مسئله - موقعی که فقط دلایل یکی از طرفین شنیده شده است - قضاوت عادلانه بکند تقریباً غیرقابل تصور است و به این دلیل جز اینکه جوانب گوناگون عقیده‌ای به محک بحث و آزمایش بخورد هیچ راه دیگری برای کسب اطمینان از صحت آن عقیده موجود نیست.<sup>۳</sup>

میل نظر کسانی را نیز که پشتیبان مشروط آزادی بیان با شرط عدم افراطی بودن آن هستند رد کرده و معتقد است که تثبیت گذرگاه خط فاصل افراط از عدم افراط موهوم است.<sup>۴</sup> او آزادی بیان را مهمترین آزادی می‌داند. «منطقه مناسب آزادی بشری در درجه اول شامل قلمرو هشیار ضمیر اوست و در این منطقه وجدان انسانی، به جامعترین معنای آن باید آزاد باشد. آزادی افکار و امیال، آزادی مطلق عقاید و احساسات (نسبت به کلیه موضوعات نظری، عملی، علمی، اخلاقی، یا الهی) ضروری است. آزادی بیان و نشر عقاید ممکن است در وهله اول مشمول اصل دیگری به

۱. جان استوارت میل، همان، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۳۹.

۴. همان، ص ۱۴۱.

نظر برسد. چون گفتن و پخش کردن عقیده متعلق به آن قسمت از رفتار فرد است که به دیگران مربوط می‌شود. اما از آنجا که بیان و نشر اندیشه تقریباً به همان اندازه مهم است که خود آن اندیشه و تا حد زیادی روی همان دلایلی استوار است که آزادی اندیشه، در عمل نمی‌شود آن را از بحث اندیشه جدا کرد.<sup>۱</sup>

از سال ۱۸۵۹ به این سو دیدگاه میل درباره آزادی بیان به‌طور گسترده‌ای مورد مذاقه قرار گرفته و به مثابه بخشی از نگرش عام دموکراتیک در برخورد با اشکال خودکامه حکومت پذیرفته شده است و به قول روی هریس<sup>۲</sup> اگر برای دفاع از آن فراخوانی به عمل می‌آمد، عده زیادی بودند که به نظامهای سیاسی معاصر چون روسیه دوران استالین و جانشینان وی، آلمان دوران هیتلر، یا چین دوران "انقلاب فرهنگی" به عنوان نمونه‌های دهشتبار جوامعی اشاره کنند که اصول و مبانی مورد حمایت میل را نادیده گرفته‌اند.<sup>۳</sup> ولی باید متذکر شد که هیچ‌یک از نظریه‌پردازان مدافع آزادی، حتی میل، آزادی مطلق را تجویز نکرده و اصولاً این اندیشه را قابل دسترس ندانسته‌اند. میل می‌گفت: «آزادی فرد باید تا این درجه محدود شود که اعمال وی مستوجب زحمت یا زیان برای دیگران نگردد.»<sup>۴</sup> تنها هنگامی که افراد بشر مجازند به تنهایی یا به‌طور دسته‌جمعی متعرض آزادی دیگری شوند هنگام مواجهه با وضعی است که در آن اصل "صیانت ذات" به‌خطر افتاده باشد. تنها هدف موجهی که به پاس تأمین آن می‌توان بر هرکدام از افراد یک جامعه متمدن، حتی بر خلاف اراده خود وی، اعمال قدرت کرد این است که مانع زیان زدن وی به دیگران شد.<sup>۵</sup> فلاسفه بسیاری معتقدند که این تحدید آزادی برای حفظ آزادی

۱. جان استوارت میل، همان، ص ۴۹.

## 2. Roy Harris

۳. روی هریس، "آزادی بیان"، ترجمه حسینعلی نوذری، کیان، ۲۴ (سال پنجم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص ۴۴.
۴. جان استوارت میل، همان، ص ۱۴۷.
۵. همان، ص ۴۳.

و خوب می‌یابد و آزادی بعضی مسلماً برای بعضی دیگر قیودی را پدید می‌آورد. آنان بر این امر اتفاق دارند که با توجه به ماهیت موضوع، آزادی نمی‌تواند نامحدود باشد. زیرا در این صورت وضعیت پیش می‌آید که هرکس تا هرکجا که بتواند در زندگی دیگران مداخله می‌کند و این وضعیت به هرج و مرج اجتماعی می‌انجامد. لذا حتی برای حفظ آزادی باید قیودی را پدید آورد.

بحث مهم و تعیین‌کننده در باب آزادی، تعیین همین حدود و ثغور و قیود و مراجع پدیدآورنده آنهاست که به نوعی به بحث سانسور نیز مرتبط است.

اشعیا برلین، به گفته خودش، از بین بیش از ۲۰۰ مفهوم برای آزادی، به این مفاهیم در قالب مفهوم سلبی و ایجابی<sup>۱</sup> (منفی و مثبت)<sup>۲</sup> پرداخته است. او می‌گوید که ما در برابر دو پرسش متفاوت قرار داریم: یکی این که چند در به روی من باز است؟ دیگر این که چه کسی نگهبان اینجاست و چه کسی مراقب است؟ این پرسشها در هم تنیده شده است. ولی یکی نیست و به پاسخهای جداگانه نیاز دارد. چند در به روی من باز است؟ پرسشی است درباره حد آزادی سلبی (منفی)؛ به این معنا که چه موانعی پیش پای من است؟ یعنی آنچه دیگران، عمداً، غیرمستقیم، سرخود و به طور نهادی مانع می‌شوند من انجام دهم. پرسش دیگر این است که چه کسی بر من فرمان می‌راند؟ آیا دیگران بر من حاکمند یا خودم بر خودم حاکم؟ اگر دیگرانند به چه حق و دلیلی و اگر من حق دارم بر خود فرمان برانم و مختار

۱. اشعیا برلین، *اربع مقالات فی الحریه*، ترجمه عبدالکریم محفوض (دمشق: منشورات وزارة الثقافة والارشاد القومي، ۱۹۸۰)، ص ۲۸۰.

۲. اشعیا برلین، *اربع مقالات...*، ص ۴۸.

۳. آیزایا برلین، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۲۴۱.

این کتاب برلین با عنوان *Four Essays on Liberty* دو ترجمه دارد، یکی به عربی و دیگری به فارسی که مشخصات کتابشناسی آنها آمده است. محفوض ISIAH را به اشعیا برگردان کرده که نامی عبری است که در عهدین هم آمده است و موحد به آیزایا. انواع آزادی را محفوض سلبی و ایجابی و موحد منفی و مثبت ترجمه کرده است که قابل تأمل است.

باشم، آیا می‌توانم این حق را از دست بدهم و رهايش کنم؟ هر دو پرسش اساسی است و پاسخ به هر یک سرنوشت هر جامعه را تعیین می‌کند؛ چه جامعه آزاد باشد یا خودکامه، چه دموکراتیک یا استبدادی، چه عرفی، مذهبی، فردی، اشتراکی، تفاوت نمی‌کند.<sup>۱</sup> به طور کلی در مبحث آزادی بیان پاسخ به این دو سؤال، چه کسی بر من فرمان می‌راند؟ و تا چه حد زیر فرمان هستم؟، تعیین‌کننده نوع نگاه هر نحله فکری به آزادی است.<sup>۲</sup>

در مبحث سانسور نیز با همین دو نگاه می‌توان به بررسی و تحلیل پرداخت؛ یعنی می‌توان دو سؤال اساسی در باره سانسور مطرح کرد:  
الف. حوزه دخالت در ارتباطات انسانی تا چه اندازه است؟  
ب. چه کسانی مجاز به دخالت و پاسدار حریمها هستند؟

حوزه آزادی بیان و گستره آن همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. برخی از فلاسفه نسبت به طبیعت بشری خوش بین هستند و معتقدند که یکدستی و هماهنگی منافع آدمیزادگان امری ممکن است. این فلاسفه مانند لاک و آدام اسمیت برآنند که هماهنگی اجتماعی و پیشرفت منافاتی با این ندارد که محدوده وسیعی هم برای زندگی افراد تخصیص داده شود و در این محدوده، دولت و هیچ مقام دیگری حق دخالت نداشته باشد.<sup>۳</sup> مسلماً آزادی بیان با این نگاه کاملاً غیرقابل دخالت تلقی خواهد شد. عده دیگری از فلاسفه مثل هابز و هوادارانش و به ویژه متفکران محافظه کار می‌گویند که اگر بنا باشد انسانها از آسیب یکدیگر مصون بمانند و زندگی اجتماعی به جنگل تبدیل نشود، تدابیر مؤثرتری باید اندیشیده شود تا بتوان هرکس را در جای خود نگاه داشت. از این رو هابز بر آن است که باید حوزه نظارت دولت هرچه گسترده تر باشد و متقابلاً

۱. آیزایا برلین، در جستجوی آزادی، ترجمه خجسته کیا (تهران: نشر گفتار، مهر ۱۳۷۱)، ص ۶۱-۶۲.

۲. رامین جهاننگلو، "تاریخ و آزادی از دیدگاه آیزایا برلین"، کلک (شماره ۷۱-۷۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴)، ص ۱۴۰.

۳. آیزایا برلین، چهار مقاله ...، ص ۲۴۲.

حوزه‌ای که در اختیار فرد باقی می‌ماند محدودتر شود. اما هر دو گروه می‌پذیرند که به هر حال پاره‌ای از موجودیت انسان باید از حوزه نظارت برکنار نگه‌داشته شود. تجاوز به این محدوده، هرچند اندک، استبداد است. باید قلمرو حداقلی را برای آزادی شخصی محفوظ نگاه داریم و گرنه به انسانیت خود اهانت کرده و منکر آن شده‌ایم. اگر نمی‌توان کاملاً آزاد بود، ناچار باید پاره‌ای از آزادی را از دست بدهیم تا بقیه آن را نگاه داریم. این حداقل که یکی از مصداقهای آن "زندگی خصوصی" است مفهومی نبود که در عهد باستان یا در تفکر قرون وسطی مرسوم بوده باشد. با ظهور عصر جدید، آزادی اندیشه و نمود خارجی آن آزادی بیان همچون یک حق مطرح شده است. در عصر پیش‌مدرن، حکومت و نظم اجتماعی و سیاسی مبدأ حرکت به حساب می‌آمد و فرد، موضوع نظامی از تکالیف شناخته می‌شد و به گفته افلاطون باید چنان تعلیم می‌دید که عمل مستقل را به خواب هم نمی‌دید. بدیهی است که در آن جهان "مقدر" و "از پیش تعیین شده" فرد "مکلف" بود در هرم اجتماع به اجرای وظیفه پردازد و هر نوع کنجکاوی را هم گناه بداند و از آن به خدا پناه برد. اما در صورت‌بندی جامعه نوین این معادله معکوس شده است. در این جامعه فرد و حقوق فردی نقطه عزیمت به شمار می‌رود و حکومت مکلف و ملزم به فراهم‌آوری بیشترین فضای شکفتگی استعدادها می‌شود و به این ترتیب آزادی بیان در زمره بنیادهای جامعه مدرن قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در قوانین اساسی اغلب کشورها آزادی بیان و عقیده یک حق برای مردم پذیرفته شده و بر آن تأکید شده است. به شکل تصادفی به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

در قانون اساسی ژاپن می‌خوانیم:

«آزادی اندیشه و عقیده مصون از تعرض خواهد بود و آزادی

۱. آیزایا برلین، چهار مقاله ...، ص ۲۴۲-۲۴۳.

2. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 205.

۳. "برای حفظ و گسترش بیان چه می‌توان کرد"، کیان، شماره ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵) ص ۱۴.

اجتماعات و انجمنها و نیز آزادی بیان، مطبوعات و سایر آزادیها تضمین گردیده است. هیچ‌گونه سانسوری برقرار نخواهد بود و محرمانه بودن ارتباطات نقض نخواهد شد.<sup>۱</sup>

در قانون اساسی کویت آزادیها این گونه تصریح قرار شده‌اند:

ماده ۳۰: «آزادی فردی تضمین شده است.»

ماده ۳۶: «آزادی بیان و گفت و شنودهای علمی تضمین است و هر انسانی حق دارد که نظر خود را بیان کند یا آن را شفاهی یا کتبی انتشار دهد، البته طبق شرایطی که قانون بیان می‌دارد.»

ماده ۳۷: «آزادی مطبوعات و انتشارات تضمین است، آن هم طبق شرایطی که قانون مقرر می‌دارد.»<sup>۲</sup>

در قانون اساسی مصوب ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۱ امارات متحده عربی به این مهم چنین اشاره شده است:

ماده ۳۰: «آزادی عقیده و بیان آن با زبان یا نوشته یا ابزار دیگر در حدود قانون تضمین می‌شود.»<sup>۳</sup>

در اصل بیستم متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۲۵ ق. می‌خوانیم: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است.»<sup>۴</sup> در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چند اصل این حقوق مورد تأکید قرار گرفته است:

اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

اصل بیست و چهارم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند؛ مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون

۱. جلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴)، ص ۲۵۹.

۲. «دستور دولة الكويت»، الطلیعه (فبرابر ۱۹۸۶)، ص ۳۳.

۳. گزارش تحلیلی قانون اساسی امارات متحده عربی (جزوه موجود در کانون اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).

۴. جعفر بوشهری، حقوق اساسی جلد ۱ (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰)، ص ۱۶۷.

معین می‌کند.<sup>۱</sup>

اصل بیست و پنجم: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»<sup>۱</sup>

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این قوانین و به ویژه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقدام به تأسیس اصل شده است: «اصل آزادی مطبوعات»؛ و از آنجا که قانون اساسی مسلط بر هر قانون دیگری است، حاکم بر تمامی قواعد و مقررات احتمالی معارض و موجب بطلان آنهاست.<sup>۲</sup> در تخصیص صورت گرفته در این قوانین نیز باید توجه داشت که با توجه به تأسیس اصل مخصص را باید تا حد امکان محدود نگاه داشت و از توسعه آن جداً پرهیز کرد و با تفسیر مضیق از تسری دادن مدلول قانون به موارد سکوت یا اجمال جلوگیری کرد.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که در پیش آمد در جهان باستان و قرون وسطی حکومت، حقی الهی محسوب می‌شد که به افرادی ذی حق اعطا شده بود و آنان آزادی مطلق در نوع اعمال حکومت خود داشتند و هیچ حوزه‌ای خارج از دسترس آنان نبود. حتی در مسائل فردی و خانوادگی نیز اجازه دخالت داشتند و دامنه این نظارت را می‌خواستند به ناخودآگاه نیز تسری دهند. اما در جهان امروز حکومتها به عنوان نهادهای برخاسته از اراده مردم به مثابه تبلور اقتدار جامعه در نظر گرفته می‌شوند؛ حکومتهایی که مسئولیت «گزارش‌دهی»<sup>۴</sup> به مردم یکی از وظایفشان به شمار می‌رود. در این حکومتها

۱. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۲۷۸.

۲. ثناء فؤاد عبدالله، آلیات التغيير الديمقراطية فی الوطن العربی (بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۷)، ص ۲۶۹.

۳. کامبیز نوروزی، «مقولات مغفول در حقوق مطبوعات»، کیان، ۲۷ (سال ۵ خرداد و تیر ۱۳۷۴)، ص ۴۹-۵۰.

#### 4. Accountability

۵. گی ارمه، فرهنگ و دمکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶. ص ۲۸.

آزادیهای مدنی و از آن میان آزادی اندیشه و بیان از حقوق اساسی مردم به شمار می‌آید. حکومتها نه تنها نباید تنگنایی برای آزادی پدید آورند؛ بلکه باید پاسدار آن باشند و تنها در مواردی می‌توانند در این امر دخالت کنند و محدودیتی پدید آورند که قوانین برخاسته از اراده عمومی مجاز شمرده باشد؛ این موارد هم بسیار محدود است. در واقع به اغلب این نوع نظارتها و ایجاد محدودیتها در این وضعیت مطلوب، یعنی حالتی که حدود و ثغور برای جلوگیری از "اضرار به غیر" و برای "صیانت از آزادی" تعیین شده است و از مجاری قانونی یک حکومت مردمی به کار گرفته می‌شود، سانسور اطلاق نمی‌شود. زیرا سانسور برعکس آزادی بیان، که به قول موريس کرنستون بار عاطفی بسیار مثبت و ستایش‌آمیزی دارد، معنایی منفی و منفور را القا می‌کند. این به آن دلیل است که سانسور معمولاً به عنوان کنشی برای صیانت از آزادی به کار گرفته نشده و در آن فرایندهای حقوقی و قانونی کمتر رعایت شده است. این نظارتها و دخالتها و درنهایت اخلاهای ارتباطی با توجیهاات گوناگونی صورت می‌پذیرد:

بر اندیشه موافقان امروز ممیزی نوعی "کلی‌نگری" حاکم است و از هر نوع "کثرت‌گرایی" گریزانند. در اندیشه کلی‌نگر سعی بر الگوی واحد دادن به زندگی، دین، فرهنگ و اخلاق آدمیان است. عده‌ای از فرانوگرایان<sup>۶</sup> عدم تحقق آرمانهایی چون آزادی، برابری و عدالت را در جامعه نوین<sup>۵</sup> حاصل همین تفکر می‌دانند. به نظر آنان از ابتدای دوران روشنگری مفاهیمی چون عقل، اخلاق، آزادی و نظایر آن چنان تعریف شده‌اند که گویی ماهیتی معین و ثابت دارند و به‌رغم زمینه‌ها و موقعیتهای مختلف فرهنگی و تاریخی به طور "کلی" می‌توان از آنها سخن گفت.<sup>۷</sup> این کلی‌نگری موجب

۱. موريس کرنستون، همان، ص ۲۸.

2. universalism
3. pluralism
4. postmodern
5. modern society

۶. خسرو باقری، تیغ دو دم کثرت‌گرایی و جامعه مدنی، ارائه شده در همایش بهمن ۱۳۷۶، تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (تهران: سازمان مدارک انقلاب

نفی هر نوع کثرت در زمینه اندیشه و فرهنگ خواهد بود و این نفی، زمینه ایجاد سلطه را فراهم خواهد آورد. از این رو همواره شاهد ملازمتی انفکاک‌ناپذیر بین "کلی‌نگری" و "سلطه‌گری" بوده‌ایم. مسلماً در سایه این تفکر، طرح هر اندیشه غیر منطبق یا ناهماهنگ با اندیشه حاکم مجاز نیست؛ بلکه عقوبت نیز در پی خواهد داشت.

بسیار تفاوت است بین جامعه‌ای که اندیشه حاکم بر آن با رویکردی مکانیستی و حتی ارگانیستی برای جامعه موجودیتی واحد و یکپارچه قایل است با جامعه کثرت‌گرایی که در آن جامعه به منزله گفتمان<sup>۱</sup> یا زبان در نظر گرفته می‌شود که ذاتاً متکثرند.<sup>۲</sup> جامعه کثرت‌گرا بر عقل کثرت‌اندیش تکیه داشته، برخوردار از جریان آزاد اطلاعات است و آن حاکمان و رعایا اذعان دارند که اصل در عالم طبیعت و اجتماع بر کثرت است و نه وحدت، و تباین است نه تشابه، و عزم بر الگوی واحد دادن به همه شئون زندگی عزم محال کردن است.<sup>۳</sup> زیرا در قلمرو اندیشه، حق و صدق، گرانیگاه مطلقى ندارد، چنانکه در قلمرو عمل نیز خیر و ثواب در هیچ سبک زندگی فردی یا اجتماعی خاصی لنگر نیفکننده است. «صدق و صواب همچون ذرات شناور در سیلاب پراکنده است و به تمامی در هیچ نقطه‌ای رسوب نکرده است که بتوان به آسودگی خاطر در آنجا به کاویدن صدق و اندوختن صواب (و ثواب) پرداخت.»<sup>۴</sup>

مسلماً با نگاه نخست یعنی اندیشه کلی‌گرا سعی بر وحدت‌بخشی است و حتی اگر دستیابی به یک "کلی" حقیقی میسر نباشد، سعی دارند لااقل به طور ظاهری آن را پدید آورند. در ساحت اندیشه و نشر کتاب یکی از راهکارهای این "کلی‌سازی" چیزی جز ممیزی نخواهد بود. اما توجیه

اسلامی، (۱۳۷۶)، ص ۳۵۶-۳۵۷.

#### 1. Discourse

۲. خسرو باقری، تیغ دو دم...، ص ۳۵۸.

۳. عبدالکریم سروش، "صراط‌های مستقیم، سخنی در پلورالیسم دینی؛ مثبت و منفی"، کیان، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص ۱۶.

۴. خسرو باقری، "بررسی دو چهره از کثرت‌گرایی"، ایران (۲۸ مهر ۱۳۷۶)، ص ۶.

سانسور به طور عموم به شیوه دیگری رخ می‌نماید. در هر جامعه‌ای اطلاعاتی وجود دارد که به لحاظ حفظ امنیت عمومی، حفظ اسرار نظامی و حفظ حریم فردی و ... افشای آن باعث اضرار به جامعه یا افراد می‌شود. در قوانین مدنی نیز راهکارهایی برای جلوگیری از این اضرار و تنبیه متخلفان در نظر گرفته شده است. اما معمولاً این عناوین دستاویزی برای بسیاری از حکومتها قرار می‌گیرد تا به واسطه آن هر نوع حرکت فکری را سرکوب کنند.

قطبهای مسلط بر قدرتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که اغلب در قالب حکومتهای خودکامه ظاهر می‌شوند هرگونه حضور، بیداری و هشیاری، دخالت و نظارت مردمان تحت سلطه خود را بر نمی‌تابند و آن را منافی بقای نظام می‌دانند و به نام حراست از امنیت عمومی و منافع مردم از نشر هرگونه مطلبی که کوچکترین تهدیدی بر بقایشان باشد جلوگیری می‌کنند. این نوع حکومتها به خوبی واقف هستند که آزادی از سانسور به تغییرات بزرگ در ساختار جامعه می‌انجامد و هرچه این آزادی بیشتر باشد تغییرات نیز وسیعتر خواهد بود. البته این نوع ممیزی‌ها اغلب در پوششی از آزادی خواهی و حفظ منافع مردم صورت می‌پذیرد. حتی در جوامعی که کلاً هیچ‌گونه آزادی نشر به رسمیت شناخته نمی‌شود و مطبوعات در عمل ابزاری در دست حکومت برای پیشبرد مقاصدش هستند، سعی بر توجیه آزادمنشانه موضوع شده است.

احسان طبری در این زمینه می‌گوید: «مفهوم آزادی مطبوعات تنها در اجتماعاتی جامعه حقیقت به خود می‌پوشد که در آن اجتماع قدرت از آن توده ملت باشد نه اقلیت ممتاز، و معنای واقعی آزادی مطبوعات مانند هر آزادی دیگری در حدود و ثغوری که مصالح جامعه و مصالح اکثریت مردم اقتضا می‌کند ناچار محدود می‌شود. این مصالح دلخواه نیست، بلکه تاریخ

۱. عزت‌الله سبحانی، "محدود و موانع آزادی بیان"، کیان، ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵)، ص ۲۴.

2. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 142.

چگونگی آن را معین کرده است.<sup>۱</sup> و ظاهراً تاریخ، سلب هرگونه آزاداندیشی را به زعم ایشان برای این‌گونه حکومتها که همان حکومتهای توتالیتروسوسیالیستی بودند رقم زده بود!

در توجیه این‌گونه سلب حقوق و آزادی، قذافی معتقد است که افراد حقیقی و حقوقی همواره در مسیر منافع خود تلاش دارند و مطبوعات وسیله اظهار مطالب جامعه است. «بنابراین مطبوعات از نظر منطق و دموکراسی نباید تحت مالکیت یکی از آنها واقع باشد. هر روزنامه که تحت مالکیت یک فرد قرار داشته باشد مال اوست و تنها نقطه نظر او را اظهار می‌دارد. این ادعا که روزنامه از افکار عامه نمایندگی می‌کند بی‌اساس است.»<sup>۲</sup>

نکته دیگری که معمولاً در توجیه سانسور از آن بهره می‌گیرند صیانت اخلاقی و جلوگیری از توهین به اعتقادات و ارزشهای جامعه است. مسلماً هر کشوری با عنایت به ساختار حکومتی خود قوانین مشخصی را برای این صیانت باید وضع کند. اما سخن این است که حکومتها معمولاً سعی دارند و رای آن قوانین حکومت کنند یا با گسترش آن اعمال خود را توجیه کنند.

اصل اساسی حاکم بر ذهن این دولتمردان این است که همه نویسندگان و خالقان اندیشه خلافکارند؛ مگر عکس آن اثبات شود. این اثبات هم زمانی میسر است که اطلاعاتی که قصد تبادل آن را دارند از مجرای آنان عبور کند و مهر بلامانع دریافت دارد. به قول دیلی نویسنده کتاب اندام‌شناسی سانسور، جهان پر است از کسانی که می‌خواهند به جای دیگران فکر کنند و نمی‌خواهند طعم تلخ آن را نیز باور کنند.<sup>۳</sup> آنان معتقدند: «کتاب، خوراک روح است و اهمیت بالاتری از جسم دارد. اگر بالاتر است، پس چطور است وقتی مواد غذایی این همه کنترل می‌شود هیچ‌کس از

۱. احسان طبری، چند مسئله اجتماعی (تهران: نشر سیامک، ۱۳۷۵)، ص ۳۳.

۲. معمر قذافی، کتاب سبز، حل مشکل دیموکراسی (تهران: انتشارات میلاد، ۱۳۴۹)، ص ۵۶-۵۷.

3. Jay E. Daily, *Ibid.* P. 313.

قدرت انتخاب صحبت نمی‌کند. اما روی مسائل فکری می‌گویند که باید قدرت انتخاب داشته باشند.<sup>۱</sup> این استدلال متکی به تمثیل مدیر وقت اداره ممیزی کشور با تمثیلی دیگر پاسخ داده می‌شود: «آیا در این واقعیت تلخ که پدیدآورندگان آثار فکری و هنری و ادبی تنها تولیدکنندگانی در ایرانند که ناگزیرند یکایک تولیداتشان را پیش از عرضه به جامعه، نزد مأموران دولت ببرند تا آنان کلمه به کلمه و تصویر به تصویر و صوت به صوت آثارشان را زیر ذره‌بین بگذارند و تنها به شرط آنکه خلافی یا اغراقی در آن ندیدند به آنها اجازه انتشار بدهند اهل فرهنگ و هنر را در جایگاهی نازلتر از سازندگان غذاهای قلبی قرار نمی‌دهد که تازه پس از عرضه کالایشان به بازار، مقامات بهداشتی به مردم هشدار می‌دهند که ساخته‌های آنان را مصرف نکنند؟<sup>۲</sup>»

اغلب میزان آنچه را برای خود غیرمفید و غیراخلاقی تشخیص می‌دهند به تمامی جامعه سرایت می‌دهند و چون معمولاً آیین‌نامه‌ای دقیق و کاربردی در زمینه کارشان وجود ندارد یا دقیقتر گفته شود نمی‌تواند وجود داشته باشد، بیشتر به سلیقه شخصی عمل می‌کنند که در عمل تعارضات بسیاری را در قالب قضاوت‌های متضاد پدید می‌آورد.

کوتاه سخن آن که در جامعه جدید، آزادیهای مدنی به ویژه آزادی اندیشه و نمود خارجی آن یعنی آزادی بیان و نشر به منزله حقوق انسانی به رسمیت شناخته شده است. برای حفظ حریم این آزادیها، حدود و ثغوری لازم می‌آید که قانون باید دقیقاً معین کند و آن را پاس بدارد. اما علی‌العموم در جوامع گوناگون، حکومتها و گروههای مختلف با شیوه‌های خاصی دست به سانسور می‌زنند. وجه اشتراک تمامی آنان نوعی تفکر "کل‌گرا" و "کثرت‌گریز" است که در قالب حفظ منفعت عمومی و صیانت از اخلاق و ارزشها و ... دست به سانسور می‌زنند. باید متذکر شد که سانسور ویژه

۱. علی‌رضا مختارپور، "ممیزی و بررسی کتاب قبل از انتشار به حکم شرع و قانون است"، صبیح (شماره ۶۰، مرداد ۱۳۷۵)، ص ۲۸.

۲. ناصر ایرانی، "یک شاخه گل دماغ‌پرور"، جامعه ۳۳ (۲۸ اسفند ۱۳۷۶)، ص ۱۶.

جوامع غیردموکراتیک نیست؛ بلکه اغلب جوامع به نوعی با آن درگیرند که در بخش بعد ذیل انواع سانسور و شیوه‌های سانسور به آن خواهیم پرداخت.

”و پیش از تو هیچ رسول یا نبی نفرستادیم مگر آنکه چون قرائت [وحی] آغاز کرد، شیطان در خواندن او اخلاص کرد، آن گاه خداوند اثر القای شیطان را می‌زداید و سپس آیات خویش را استوار می‌دارد و خداوند دانای فرزانه است.”

قرآن کریم، حج، ۵۱

## فصل دوم



## روشهای سانسور

برای اعمال سانسور، دولتها و گروههای مختلف از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند که با گذشت زمان نیز بر تعداد و تنوع این شیوه‌ها افزوده می‌شود. روشهای سانسور پیشگیرانه، پیگیرانه، سلبی، ایجابی، رایانه‌ای و اقتصادی از مواردی است که به اختصار توضیح داده می‌شود. اما به نظر می‌آید می‌توان همه این شیوه‌ها را ذیل دو عنوان سانسور برهنه و سانسور پیچیده تبیین کرد:

### سانسور پیشگیرانه (پیش از انتشار)

در این روش پیش از ارسال پیام و حتی گاهی در زمان شکل‌گیری پیام، بر آن نظارت می‌شود. معمولاً دستگاههایی بر این امر گمارده می‌شوند و مثلاً کتابها یا نشریات را قبل از چاپ یا انتشار بررسی و به حذف و تغییر مطالب آنها اقدام یا از انتشار آن جلوگیری می‌کنند. این شیوه از سانسور به ویژه زمانی که مبتنی بر قانون نباشد و سلیقه‌ای عمل شود، بیشترین ضربه را بر روند ارتباطات و رشد اندیشه وارد می‌کند.

در سانسور پیش از انتشار گاهی فقط بعضی قسمتهای کتاب حذف می‌شود که به آن سانسور سلبی گفته می‌شود. گاهی هم ممیزان تنها به حذف اکتفا نمی‌کنند، بلکه دستور می‌دهند که بعضی مطالب، موافق نظر خودشان بر آن افزوده شود یا تغییر یابد که به آن سانسور ایجابی گفته

می شود.

### سانسور پیگیرانه - تعقیبی (پس از انتشار)

در این شیوه ابتدا پیام ارسال می شود، اگر عواقبی به لحاظ انتشار آن پدید آید یا ارسال آن مغایر با مقررات و موازین قانونی باشد، دستگاه قضایی تخلف را پیگیری خواهد کرد. اگر این نوع سانسور منطبق با قوانین و مقررات برخاسته از نهادهای قانونگذار مردمی باشد، نه تنها موجب توقف ارسال پیام نمی شود، بلکه سبب می شود که از سوءاستفاده از آزادی جلوگیری و حریم آزادی ارتباطات پاس داشته شود. گاهی این شیوه توسط دولت‌ها بدون اتکا به قانون و توسط گروه‌های فشار اعمال می شود که سانسور وسیعی را در تولید پیام پدید می آورد.

### سانسور قانونی و غیرقانونی

گاهی نحوه نظارت و چگونگی ارتباطات، مبتنی بر تصمیم‌گیری جمعی یک جامعه است. نهادهای قانونگذار متکی بر آرای مردم، روندی مشخص را برای ارتباطات و همچنین چگونگی نظارت و مجازات و تعقیب متخلفان تعیین می کنند. حکومت به این مصوبات پایبند می ماند و به آن عمل می کند. به راستی اگر این قوانین برخاسته از نهادهای مردمی باشد، آیا به این روند می توان سانسور اطلاق کرد؟ قانونمند کردن نظارت و نحوه انتشار در یک جامعه رشد یافته متکی بر نهادهای مردمی، برای اخلال در ارتباطات صورت نمی گیرد، بلکه هدف آن تسهیل ارتباطات و پاسداری از حریم آن است. ولی دستیابی کامل به چنین آرمانی در بسیاری از کشورها میسر نیست. اغلب کشورها با توجه به دیدگاهها و اهداف خود قوانین مختلفی را در این حوزه به اجرا گذارده‌اند و هرکدام به درجات متفاوت با کمال مطلوب فاصله دارند. آنچه حائز اهمیت است این است که در این شیوه با اتکا به یک متن حقوقی سانسور اعمال می شود و بیشتر در حوزه قضا قابل طرح است.

بدیهی است آن گاه که حکومتها یا گروههای فشار یا... بدون اتکا به قانون مشخص در جریان ارتباطات اخلاص کنند، دست به سانسور غیرقانونی زده‌اند.

### سانسور رسمی و غیررسمی

در سانسور رسمی حکومتها روندی را برای اعمال نظارت اعلام می‌دارند و به آن عمل می‌کنند. ممکن است این روند برخاسته از قانون باشد یا از مصلحت‌اندیشی حکام نشأت گرفته و غیرقانونی باشد؛ یعنی ممکن است سانسور رسماً از سوی دولتی اعمال شود؛ اما متکی به قانون مشخص حقوقی نباشد.

سانسور غیررسمی به حالتی اطلاق می‌شود که ظاهراً حکومت با هر نوع تحدید آزادی اظهار مخالفت می‌کند و قوانین موجود نیز مؤید آزادی هستند، اما کارگزاران حکومت در روند ارتباطات ایجاد اخلاص می‌کنند. همیشه این نوع سانسور توسط دولتها صورت نمی‌گیرد، بلکه در مواردی توسط گروههای گوناگون صورت می‌گیرد.

در بعضی نوشته‌ها، سانسور رسمی و غیررسمی را با سانسور قانونی و غیرقانونی یکی دانسته‌اند.

### سانسور رایانه‌ای

استفاده از بزرگراههای اطلاعاتی، برنامه‌های رایانه‌ای و دیسکتهای فشرده به سرعت در حال افزایش است و این استفاده گسترده، مسئله بازرسی پیامها و حفاظت اطلاعات را پیش آورده است.

تبادل آزاد اطلاعات از طریق شبکه‌های بین‌المللی و جریان فرامرزی اطلاعات مشکلاتی را در زمینه سلطه فرهنگی، امنیت ملی و مسائل اخلاقی پدید آورده است. ایجاد قفل‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، ایجاد سطوح دسترسی در برنامه‌ها، و تعریف رمزهای ورود و... همگی برای این بررسیها و حفاظتها تعبیه شده‌اند. اما هیچ‌یک از این تدابیر نتوانسته است

مشکلات را به طور بنیادی رفع کند.

بررسیها نشان می‌دهد که ۸۳/۵ درصد تصاویر مورد استفاده در اینترنت را صور قبیحه تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> طی یک دوره یک ماهه کلمه "سکس" یک میلیون بار مورد جستجو واقع شده و از هر ده کلمه تایپ شده برای جستجو در اینترنت، شش کلمه مربوط به مطالب هرزه بوده است.<sup>۲</sup>

هر نوجوان می‌تواند به راحتی از طریق شبکه به مستهجن‌ترین تصاویر و فیلمها دسترسی یابد و بدون افت کیفیت برای همیشه آن را در حافظه رایانه خود حفظ و به دیگران منتقل کند. از طریق گفتگوی رایانه‌ای و جستجوهای بی‌شمار می‌تواند در مورد روابط جنسی، چگونگی خودکشی، تحریک و ایجاد تنفرهای نژادی و ... مطالب بی‌شماری را به دست آورد. محتوای نامطلوب و ناسالم بعضی شبکه‌ها و سهولت دسترسی به آنها، موضوع یک بحث بزرگ ملی در امریکا و اروپاست<sup>۳</sup> و برای مقابله با پیامدهای این مسئله که گاهی موجب نقض حاکمیت ملی و حقوق اولیه افراد است، شیوه‌های گوناگونی اتخاذ شده است.

بعضی کشورها ظاهراً صورت مسئله را پاک کرده، بهره‌گیری از شبکه‌های جهانی را ممنوع ساخته‌اند که البته این عمل، نمی‌تواند دیرپا باشد.

دیگر کشورها، هر یک با اتخاذ تدابیری سعی بر نظارت و تحدید شبکه‌ها دارند. امریکا با طرح قانون "پاکیزه‌سازی ارتباطات" که هدف آن دورنگهداشتن اینترنت از صور قبیحه و مقوله‌های تهاجمی و مضر است در این راه اقدام کرد. اما هنوز دو ماه از امضای آن نگذشته بود که به بهانه عدم مطابقت آن با موازین قانون اساسی با مخالفت روبه رو شد.<sup>۴</sup>

1. B.C. Wehrman. *The Cyberporn Scandal: new technology. old techniques*, Nebraska Library Association Quarterly 26 (Fall 1995), P. 19.

۲. "انقلاب دوم اینترنت" [به نقل از گاردین (۲ نوامبر ۱۹۹۷)]، مهر ۴۰ (۷ بهمن ۱۳۷۶)، ص ۱۵.

۳. حمید مولانا، "بزرگراه‌های اطلاعاتی، تأثیر اجتماعی"، رسانه ۴ (سال ششم، زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۹.

۴. "سانسور در اینترنت: اینترنت یا دایرةالمعارف جهانی" (به نقل از فایننشال

در سنگاپور مقامات مربوط دستور سانسور پاره‌ای از برنامه‌های بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی را صادر کرده‌اند و اعلام داشته‌اند که نگران تأثیرات سوء این برنامه‌ها بر روحیه و اخلاقیات سنگاپوری‌ها و برهم خوردن ثبات این کشورند. برنامه‌های سکسی، تبلیغات سیاسی از جمله مواردی است که مقامات سنگاپور "علامت ایست" در مقابل آنها قرار داده‌اند.

طبق تصمیمات تازه دولت سنگاپور، کتابخانه‌ها و مدارس این کشور که مجهز به رایانه‌های متصل به شبکه هستند، تنها می‌توانند اجازه دهند از برنامه‌های علمی و ادبی ویژه‌ای استفاده شود. حتی اگر احزاب سیاسی سنگاپور بخواهند به بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی دسترسی داشته باشند، باید از دولت اجازه بگیرند و پروانه ویژه داشته باشند.

آسوشیتدپرس نوشته است: سنگاپور اولین کشوری نیست که دست به سانسور بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی زده است. قبلاً چندین دولت دیگر از جمله آلمان، چین و ... استفاده از این شبکه‌ها را محدود کرده‌اند. بسیاری از دولت‌ها هم از صاحبان این شبکه‌ها در امریکا خواسته‌اند که بر برنامه‌های سکسی و خلاف اخلاق و پیام‌های گروه‌های سیاسی مخالف فیلتر بگذارند. جز امریکا و کانادا، در دیگر کشورها استفاده از این شبکه‌ها نیاز به کسب اجازه از دولت‌های متبوع براساس قوانین موضوعه دارد. این قوانین در دو سه سال اخیر وضع شده‌اند. سعی شده است که برای جلوگیری از رؤیت تصاویر مستهجن برنامه‌هایی طراحی شود که تصاویر زیادی را در حافظه دارد و ضمن مقایسه از پخش تصاویر نامناسب جلوگیری می‌کند؛ یا نرم‌افزاری که با برنامه‌های عامل داس و ویندوز سازگار است برای والدین طراحی شده است که از دسترسی فرزندان به بعضی برنامه‌ها

تایمز)، مهر (پیش شماره اول، ۲۵ دی ماه ۱۳۷۵)، ص ۳۰.

۱. "سانسور بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی"، همشهری، ۹۲۷ (سال چهارم، ۱۹ اسفند ۱۳۷۴)، ص ۲۰.

۲. اخبار علمی سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه ۲، ساعت ۲۰/۳۰ یکشنبه ۷۶/۶/۲۳ به نقل از خبرگزاری فرانسه.

جلوگیری می‌کند.<sup>۱</sup> البته در زمینه امکان به کارگیری این نرم‌افزارها و میزان تأثیر آنها بحث‌های زیادی هم صورت گرفته است.<sup>۲</sup> برای نمونه می‌توان از نرم‌افزار شرکت مایکروتروپ یاد کرد:

این شرکت انگلیسی نرم‌افزاری تهیه دیده است که به شکل بسیار پیچیده‌ای همچون یک "گوشت‌یاب" عمل می‌کند و از طریق تجزیه و تحلیل رنگها و شکلهای، تصاویر برهنه را تشخیص می‌دهد و از نمایش آن روی صفحه نمایش رایانه جلوگیری می‌کند؛ اما آنها را در پرونده محافظت شده‌ای روی دیسک رایانه ضبط می‌کند تا بعداً والدین یا ناظران دیگر بتوانند این تصاویر را واریسی کنند. در ضمن زمان ضبط تصاویر هم قید می‌شود تا به این وسیله بتوان دریافت چه کسی و در چه زمانی خواسته است آنها را تماشا کند. از این برنامه در مدارس هم استفاده می‌شود و در مواردی مسئولان مدارس به کمک آنها دریافته‌اند که دانش آموزان به جای اینکه از رایانه مدرسه برای انجام تکالیف مدرسه استفاده کنند با آن به گشت‌زنی در شبکه‌های اطلاعاتی برای یافتن صور قبیحه پرداخته‌اند. این وسیله در ضمن پیشگیرانه عمل می‌کند. زیرا وقتی کسی بداند در صورت تماشای این گونه تصاویر دیگران متوجه می‌شوند اساساً از این کار صرف‌نظر می‌کند.

نرم‌افزار دیگری نیز طراحی شده است که به مجرد تشخیص کلماتی مثل "سکس" یا "پورن" صفحه نمایشگر را سیاه می‌کند. البته گاهی هم این نرم‌افزارها متونی را که موضوعشان انتقاد از بی‌بندوباری است یا تصاویر برهنه‌ای را که کاربرد علمی دارند سانسور می‌کنند.<sup>۳</sup>

مسئله دیگری که این روزها به شدت افزایش یافته و می‌تواند نوعی اختلال در ارتباطات را پدید آورد، ویروس‌های رایانه‌ای است؛ ویروس‌هایی

1. C. Parker, "The reckoning", *Net* 12 (Nov 1995), P. 85.

2. K.G. Schneider, "Fears of fifth foster filtering follies", *American Libraries* 26 (Sep 1995), P. 798.

۳. ر. دوربین، "خصوصی‌سازی سانسور"، مهر، ۱۵ (سه‌شنبه، چهاردهم مرداد ۱۳۷۶)، ص ۱۹.

که نه تنها موجب اختلال در ارتباط می‌شوند بلکه گاهی موجب نابودی اطلاعات می‌شوند. انتقال این نوع ویروسها می‌تواند باعث سانسور در ارتباط شود.

گاهی خرابکاری در شبکه‌های رایانه‌ای به حدی جدی شده که پلیس مجبور به دخالت شده است. در سال ۱۹۹۰ پلیس مخفی در ایالات متحده طی عملیاتی موسوم به "شیطان خورشید"<sup>۱</sup> که برای ریشه‌کنی گروه خرابکاران کامپیوتر طراحی شده بود، به ۲۸ خانه حمله کرد و بیش از ۴۰ رایانه و ۲۳۰۰ دیسکت را ضبط کرد.<sup>۲</sup>

### سانسور اقتصادی

در دهه ۵۰ میلادی آلدوکس هاگسلی، گران شدن کتاب را عامل سانسور و عدم دسترسی خوانندگان به آن می‌دانست.<sup>۳</sup> جالب است بدانیم که او برای جلوگیری از این امر تولید صفحات گرامافون را که ارزان قیمت بود پیشنهاد می‌کرد؛ صفحاتی که مطالب خواننده شده کتاب روی آن ضبط شده باشد.<sup>۴</sup> همان بحثی که امروز در تولید دیسکتهای فشرده مطرح است. مسئله سانسور اقتصادی فقط به گرانی کتاب بازمی‌گردد. گاهی دولتها یا قطبهای اقتصادی با حمایتهای خود یا قطع حمایت از کتاب یا ناشری موجب نوعی سانسور اقتصادی می‌شوند. اصولاً کمکهای محرمانه همواره به منزله یک وسیله سلطه بر مطبوعات به کار گرفته می‌شود.<sup>۵</sup>

در امریکا روزنامه‌ها و مجلات بین ۷۰ تا ۷۵ درصد از درآمدها را از طریق آگهی کسب می‌کنند و فقط ۲۵ تا ۳۰ درصد از درآمدها را از طریق

1. Sun Devil

2. *Information Freedom and Censorship* (London: Library Association Publishing, 1991), P. 134-135.

۳. آلدوکس هاگسلی، "سانسور اقتصادی و ادبیات گویا" ترجمه مهوش بهنام، نامه انجمن کتابداران ۳ (دوره هشتم، پاییز ۱۳۵۴)، ص ۳۹۵.

۴. د. جیهان المکاوی، *حرية الفرد و حرية الصحافة* (قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۱)، ص ۱۰۵.

۵. یحیی کمالی‌پور، "عملکرد رسانه‌ها در امریکا"، رسانه ۳ (سال پنجم، پاییز ۱۳۷۳)، ص ۲۷.

فروش نشریه تأمین می‌شود. با این وضعیت مسلماً نحوه تخصیص آگهی از سوی مؤسسات دولتی و اقتصادی در جهت‌دهی این نشریات و ادامه بقایشان تأثیری تعیین‌کننده دارد. تأثیر این "فرشتگان نجات" در اداره مؤسسات مطبوعاتی کاملاً آشکار و غیرقابل انکار است.

با گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی، سانسور اقتصادی با شکل دیگری رخ نموده است: گرانی اتصال به شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فقدان دسترسی به ابزار و فن‌آوری ارتباطات موجب دوری بیش از نیمی از جهان از جریان ارتباطات جهانی است.

اکثر بزرگراه‌های اطلاعاتی در اختیار و در مالکیت شرکتهای بزرگ خصوصی است و سیاستگذاری، گسترش و مقررات این بزرگراهها با اهداف این شرکتهای بزرگ همراه است. بدیهی است که این همراهی در جهت منافع آن شرکتهاست و در زمان مناسب اخلاهای لازم در این جریان‌ات ارتباطی صورت می‌پذیرد.

ظهور امپریالیسم خبری و مطالعه در زمینه مالکیتها و نحوه عملکرد سازمانهای خبری مسلط، میزان دوری ملتها را از "عدالت اطلاعاتی" به‌درستی تبیین می‌کند.

### سانسور برهنه

در این اصطلاح واژه برهنه را در همان مفهومی به کار می‌گیریم که راسل در اصطلاح "قدرت برهنه" به کار برده است؛ یعنی قدرتی که از اتباع خود بدون همکاری فعالانه تنها تسلیم ناشی از ترس را طلب کند.<sup>۱</sup> در این مفهوم، حکومتها آشکارا دست به اخلا در جریان ارتباطات می‌زنند و محتوا و مسیر آن را مشخص می‌کنند.

۱. حمید مولانا، "بزرگراه‌های ارتباطی و آینده ارتباط"، رسانه ۳ (سال پنجم، پاییز ۱۳۷۳) ص ۴.

۲. برتراند راسل، شکل‌های قدرت در قدرت: فرانسائی یا شر شیطان، ویراسته استیون لوکس، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۳۵.

در این زمان در بسیاری از دولتها فقط به بهانه جنگ و حفظ اسرار مربوط به امنیت ملی به طور آشکار اخلاص ارتباطی رخ می دهد. اما حکومتهایی بوده و هستند که این اخلاص را نه تنها حق خود می دانند، بلکه بر این اعتقادند که باید فرد در مقابل جمع به فراموشی سپرده شود. موسولینی می گفت که از نظر یک فاشیست همه چیز در دولت مستبلور است. هیچ پدیده ای انسانی یا معنوی وجود خارجی ندارد و به طریق اولی خارج از دولت، ارزشی برای آن ملحوظ نیست. فاشیسم با یک سالاری یکی است. دولت فاشیست به منزله واحد تعیین کننده هر ارزش، حیات ملت را مورد گسترش، تفسیر و در نهایت تسلط به نفع خویشتن قرار می دهد.<sup>۲</sup>

این تصور که همه چیز در دولت جمع است و هیچ چیز نمی تواند مخالف دولت یا خارج از آن باشد،<sup>۳</sup> محمل اساسی برای به دست گیری همه وسایل ارتباطی و سانسوری وسیع بود. آنان در این کار خود هیچ پرده پوشی و پنهان کاری نداشتند و صرفاً افرادی مثل گوبلز که رئیس تبلیغات هیتلر بود سعی بر توجیه رفتار دولت داشتند.

همین وضعیت در حکومتهای فاشیسم مسلک امروزی و در حکومتهای کمونیستی نیز قابل مشاهده بوده و هست. لنین معتقد به عملگرایی بود؛ یعنی قرارداد دادن همه اسلوبهای موثر در خدمت هدف (تسلط بر حکومت) شیوه محبوب و مرجح او بود.<sup>۴</sup> بدیهی است چنین تفکری منجر به انقیاد و تملک همه وسایل ارتباط جمعی خواهد شد. به همین دلیل بود که در کشورهای بلوک شرق تا قبل از فروپاشی کمونیسم، شاهد شدیدترین نوع نظارت و سانسور بر تمام وسایل فکرساز بودیم.

### 1. Totalitarianism

۲. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)، ترجمه باقر ساروخانی (تهران: کیهان، ۱۳۶۶)، ص ۴۲۹.

۳. و. ف. کانل، همان، ص ۵۲۰. به نقل از:

B. Mussolini, *Fascism: Doctrin and Institution* (Rom: Ardita, 1935), P. 12-13.

۴. احسان طبری، شناخت و سنجش مارکسیسم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۴۱۰.

البته همیشه این نظارتها در لفافه‌ای از مصلحت‌طلبی و خیرخواهی پیچیده می‌شود. در *دائرةالمعارف بزرگ شوروی* در توجیه این دخالتها می‌خوانیم: «قانون اساسی شوروی به‌خاطر حفظ منافع مردم و به‌منظور تقویت و بهبود نظام سوسیالیستی، آزادی مطبوعات را برای همه شهروندان تضمین می‌کند. هدف از نظارت دولتی پیشگیری از نشر و اشاعه برخی از اطلاعات مثل اخبار مربوط به اسرار دولتی یا اخبار مضر به حال زحمتکشان در مطبوعات و رسانه‌های همگانی است.»<sup>۱</sup>

به هر رو در سانسور برهنه با پدیده‌ی اخلاص مستقیم در روند ارتباطات رو به رو هستیم و این پدیده هنوز به‌نوعی با شدت و ضعف در اغلب کشورها با آموزه‌های متفاوت اعمال می‌شود.

وقتی سازمان سیا اقدام به سانسور خاطرات یکی از رؤسای خود می‌کند، وی به خشم می‌آید و می‌نویسد: «هنگام بررسی کتاب من که مدت ۴ سال در سمت رئیس سازمان سیا امر حفاظت از اطلاعات محرمانه ملی را به‌عهده داشتم - و حداقل می‌دانستم که افشای بعضی اطلاعات چه اثری در امنیت ملی امریکا دارد - بیش از یکصد مورد ایراد گرفتند که در بین آنها می‌شد از نکات بی‌اهمیت و حاشیه‌ای گرفته تا اشکالات مضحک و مسخره مشاهده کرد. بعد هم که برای این ایرادها متوسل به مقامات بالای سیا شدم چون فقط توانستم در سه مورد بی‌اهمیت مجابشان کنم لذا از درج بقیه‌ی موارد خاطراتم محروم ماندم.»<sup>۲</sup>

این عمل سیا نمونه‌ی بارزی از سانسور برهنه است. نمونه‌های بسیار دیگری قابل ذکر است: در ژاپن هنوز بخشی از تاریخ از کتابهای درسی حذف می‌شود و دولت، سانسور در کتابهای درسی را از حقوق خود می‌داند.<sup>۳</sup> در ترکیه نیز که برای نزدیکی به اروپا، "آزادی" را شعار خود قرار

1. *Great Soviet Encyclopedia*. Ibid, P. 36.

۲. استانسفیلد ترنر، *پنهانکاری و دمکراسی*، ترجمه‌ی حسین ابرترابیان (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳)، ص ۷.

۳. "سی سال مبارزه بر علیه سانسور". به نقل از *اکسپرس* ۳ اوت ۱۹۹۵، صفحه‌ی اول (شماره ۳۹)، ص ۳۲.

داده، فقط در سال ۱۹۸۶، ۳۹ تَن کتاب و نشریه از جمله ترجمهٔ ترکی بریتانیکا به جرم تبلیغ برای جدایی طلبان کرد یا اظهارنظر در بارهٔ آرامنه، خمیر شده است.<sup>۱</sup> در غنا بعد از لغو پروانهٔ یک هفته‌نامه، سردبیر آن به قتل رسید؛<sup>۲</sup> یا در همین اواخر در بارسلون، پلیس اسپانیا هفت هزار جلد کتاب مربوط به نازیها و نازیسم را از کتابفروشیها مصادره کرد.<sup>۳</sup>

### سانسور پیچیده یا نوین

همان گونه که زمان استعمار کهنه به سرآمد و استعمار نوین جای آن را گرفت، گزافه نیست که بگوییم اکنون دست‌کم در غالب کشورها زمان سانسور برهنه نیز سپری شده است. به کارگیری روشهای آشکار برای اخلاص در ارتباطات، آشکارا و پیاپی مورد سرزنش قرار گرفته و به کارگیرندگان این شیوه‌ها در مجامع مختلف با اعلامیه‌های گوناگون محکوم شده‌اند. دکتر شریعتی می‌گفت که در استعمار کهنه دستها روی سرها بود و از زور استفاده می‌شد و در استعمار نو دستها میان سرها رفت و بر مغزها اثر گذارد. همین تحول در مورد سانسور هم رخ داده است.

حکومتگران به‌خوبی دریافته‌اند که گسترهٔ دنیای ارتباطات و حجم عظیم اطلاعات در حال مبادله را نمی‌توان با داغ و درفش تحدید کرد و بر آن نظارت داشت؛ بلکه باید بر چگونگی ایجاد پیام توسط پیام‌آفرینان و چگونگی فهم پیام توسط گیرندگان پیام اثر گذارد؛ اثری که هیچ نمود خارجی نیز نداشته باشد.

در بیش از صد سال پیش گوستاو لوبون در یکی از آثارش با عنوان روانشناسی توده‌ها که از نخستین تألیفات در زمینهٔ روان‌شناسی اجتماعی است، بر عامل تکرار تأکید کرده معتقد است آنچه تکرار شود بالاخره در ژرفترین زوایای ناخودآگاه انسان، یعنی در جایی که پایه و علل کردار وی

1. *Informaiton Freedom and ...* P. 326-327.

2. *Ibid*, P. 20-21.

۳. *ایران* (شماره ۵۴۶، ۲۴ آذر ۱۳۷۵)، ص ۴.

شکل می‌گیرد فرو می‌رود و پس از مدتی هم حتی اگر عامل رفتار فراموش شود، رفتار باقی می‌ماند. اکنون به نظر می‌آید که جامعه نوین به خوبی بهره‌گیری از این شیوه‌ها را، با استفاده بهینه از دستاوردهای روان‌شناسی و فراروان‌شناسی، آغاز کرده است و آحاد خود را به سوی یک "الیناسیون معرفتی" از همان نوعی که مارکس مطرح می‌کرد سوق می‌دهد.

گیرندگان و فرستندگان پیام چنان تربیت می‌شوند که پیامهای ایجادشده همان پیامهای دلخواه نظارت‌کنندگان باشد. حتی اگر پیامی هم ناخواسته ارسال شود، گیرندگان چنان تربیت شده‌اند که از آن پیام آن معنا را درک کنند که برنامه‌ریزی شده است. در پژوهشی که درباره تعدادی نژادپرست صورت گرفت، نکته جالبی به دست آمد. به هریک از آنان دو عکس، یکی سیاه‌پوستی آرام و دیگری سفیدپوستی چاقو به دست و در حال تهاجم، نشان دادند. سپس از آنان خواستند آنچه را دیده‌اند بیان دارند. آنچه از این آزمون برآمد این بود که در عکسهای مشاهده شده، سیاه‌پوست چاقو به دست و مهاجم بوده و سفیدپوست هیچ حالت تهاجمی نداشته است.<sup>۲</sup>

تلقینات مکرر چنان ادراک اینان را تربیت کرده است که واژگونه می‌بینند! و چه سانسوری از این خطرناکتر و نامحسوس‌تر! تصور نشود که این مسائل فقط در نتایج تحقیقات جلوه می‌یابد و در روند تبادل اندیشه بی‌تأثیر است. چنین نیست، برای نمونه گزارشها نشان می‌دهد که یک شرکت انتشاراتی نیویورکی از انتشار تصاویری که نشان‌دهنده اختلاط سیاهان و سفیدهاست اکراه دارد. زیرا در صورت چاپ این تصاویر، نشریاتش در ایالات جنوبی فروش نخواهد رفت.<sup>۴</sup>

۱. گوستاو لوبون، روانشناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها (تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹)، ص ۱۴۶.

۲. ژرژ گوروویچ و دیگران، طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر (تهران: پیام، ۱۳۴۹)، ص ۱۴۷.

۳. بافر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات...، ص ۶۹.

4. Charles Morgan, *The Freedom to Read and Racial Problems, In the Freedom of Inquiry* (Washington D.C.: A.L.A. 1970), P. 32.

همان گونه که در بخش فلسفه سانسور نیز چند نمونه ذکر شد، برای شکل دهی معنای پیام و درک آن توسط گیرنده از دستاوردهای علوم ارتباطات و روان‌شناسی استفاده می‌کنند و بهره‌گیری از مسائلی مانند "تصورات قالبی"، "پدیده بومرنگ"، "درونی‌سازی"<sup>۱</sup>، "ذهن شرطی‌شده"<sup>۲</sup> به صورت روزمره درآمده است.

کوشش برای سانسور نامحسوس فقط به استفاده از این موارد خلاصه نمی‌شود و در فرایند پیچیده ارتباطات با تعیین فیلترهای گوناگون و سرعت بخشیدن و کند سازی روند آن بر جریان ارتباطات تأثیر می‌گذارند. یکی از معروفترین این فیلترها، پدیده "دروازه بانان"<sup>۳</sup> است که اولین بار توسط کورت لوین<sup>۴</sup> به کار رفت. به نظر او مجراهایی وجود دارد که اخبار از آنها می‌گذرد. در این مجراها نقاطی وجود دارد که همچون در ورودی عمل می‌کند و فقط برای بعضی از اخبار گشوده می‌شود و بعضی را طرد و غیر قابل پخش تلقی می‌کند.<sup>۵</sup> ویلبور شرام<sup>۶</sup> در تعریف این مفهوم می‌نویسد:

«دروازه بانان که در سرتاسر شبکه‌های خبری جای می‌گیرند، شامل خبرنگاران هستند که باید تصمیم بگیرند در جریان یک دادگاه، یا یک حادثه خاص یا تظاهرات سیاسی، کدام قسمت را متبلور سازند؛ کدام خبر را نادیده بگیرند؛ کدامین را در مجرای وسیله ارتباطی جای دهند. همچنین دروازه بانان، مؤلفان را نیز شامل می‌شود. زیرا آنان باید تصمیم بگیرند از کدام موضوع یا فرد سخن بگویند؛ یا کدامین دیدگاه از زندگی را مطرح سازند. تولید کنندگان فیلم باید تصمیم بگیرند از کدام صحنه فیلم بگیرند. کتابفروشان باید تصمیم بگیرند کدام کتاب را برای فروش عرضه کنند و چگونه. معلمان باید تصمیم بگیرند کدام کتاب یا مرجع را درسی تلقی

1. Internalization

2. Conditioned mind

3. Gate keepers

4. Kurt Lewin

۵. ژان کازنو، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، منوچهر محسنی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵)، ص ۶۱.

6. Wilber Schramm

کنند. تلخیص‌کنندگان وقایع نیز باید تصمیم بگیرند کدامین حادثه یا خبر را در خلاصه خود جای دهند. حتی شوهر نیز باید تصمیم بگیرد در ساعات شب کدام یک از حوادث روزانه را برای همسرش تعریف کند.<sup>۱</sup>

در اهمیت کار این دروازه‌بانان همین بس که به گفته مسؤل آموزش خبرنگاران بی‌بی‌سی، از میان دو میلیون کلمه خبری که به اتاق خبر بی‌بی‌سی وارد می‌شود فقط ۲۰ هزار کلمه انتخاب و مخابره می‌شود.<sup>۲</sup> کورت لوین با نگاهی روانشناسانه به این مسئله پرداخته و فقط این مفهوم را در سنجش هنجارها و نظارت‌های اجتماعی مؤثر بر مجراهای ارتباطی مطرح کرده و هیچ‌گاه به این سؤال نپرداخته است که کدام یک از نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تکنولوژیکی این دروازه‌ها را به وجود آورده‌اند. او یک روان‌شناس علاقه‌مند به واکنش گروه‌های کوچک بود و نه اندیشمندی که تغییرات ساختاری نظامها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. لذا هیچ‌گاه به این مهم نپرداخت که دروازه‌سازان و مولدان دروازه‌ها چه کسانی هستند؟<sup>۳</sup>

گزینشهای دروازه‌بانان اگر در بستری طبیعی رخ دهد با سانسور ارتباطی پیدا نمی‌کند. اما در عمل چنین نیست. صاحبان قدرت و ثروت سعی بر دروازه‌آفرینی و نظارت بر دروازه‌بانان دارند. این نظارت، نامحسوس و بسیار پیچیده اعمال می‌شود. در اقصی نقاط جهان خبرنگار، به ظاهر، بدون هیچ نظارتی به کار می‌پردازد. اما او در آموزشها و دوره‌های کارورزی چنان تربیت شده است که منافع "امپریالیسم خبری" را به طور خودکار تأمین می‌کند. در تربیت او از شیوه‌های "هدایت از راه دور"،<sup>۴</sup> "نظارت از

۱. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات...، ص ۶۵-۶۶.

۲. نقی آفالو، "۸۰ ساعت در لندن"، سلام، ۱۹۷۸ (سال هفتم، ۱۱ فروردین ۱۳۷۷)، ص ۳.

۳. حمید مولانا، جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱)، ص ۳۹.

درون<sup>۱</sup> و "القا"<sup>۲</sup> که "اقناع ناخودآگاه"<sup>۳</sup> ثمره آن است بهره می‌گیرند.<sup>۴</sup> نحوه انعکاس وقایع انقلاب اسلامی ایران نمونه بسیار جالبی از این سانسورهای نامحسوس است. به قول آنتونی اسمیت<sup>۵</sup> که از خبرگان و سایل ارتباط جمعی در غرب است، انعکاس عکس‌العمل مردم ایران در مقابل سالها اختناق، صحنه‌سازی مشتکی فرصت‌طلب مارکسیست که با متعصبان مذهبی به وحدت رسیده بودند عنوان می‌شد. حتی مجله تایم در ژوئن ۱۹۷۸ پس از آنکه هزاران نفر در جریان انقلاب به شهادت رسیده بودند خبر داد که «شاه از پایگاههای وسیع مردمی به‌ویژه در میان ارتش، کشاورزان و طبقه کارگران صنایع که از اصلاحات ارضی منتفع شده‌اند. برخوردار است» طی چندسال اخیر نمونه‌های دیگری نیز قابل ذکر است. به گاه وقایع مهم همچون جنگ خلیج فارس، در زمان حمله به عراق، بنا به مصلحت با سکوت مرگبار رسانه‌ها مواجه بودیم و این سکوت چنان بود که گویا اصلاً جنگی در کار نیست و حمله‌ای صورت نگرفته و بر ملتی ستمی نرفته است. شاهد بودیم که در منازعه آمریکا و عراق بر سر بازرسی کاخهای ریاست جمهوری مصلحت چنان اقتضا کرد که همه رسانه‌ها چنان به "برجسته‌سازی بین‌المللی" دست زدند که گمان می‌رفت ظرف چند ساعت دیگر قرار است حمله‌ای عظیم رخ دهد. این واقعیتها بیانگر آنند که دروازه‌بانان در سطح جهانی به خوبی ایفای نقش می‌کنند. بیهوده نیست که بسیاری از کشورها با تأسیس مراکز فرهنگی در کشورهای دیگر، اعطای بورسها و حتی تأسیس باشگاهها سعی بر تأثیرگذاری بر دروازه‌بانان دارند.

دروازه‌بانان و دروازه‌آفرینان از شیوه‌های مختلفی برای اخلاص در

1. Self-control
2. Suggestion
3. Unconscious persuasion

۴. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات...، ص ۶۸.

5. Antony Smith

۶. آنتونی اسمیت، ژئوپولیتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شیروانی (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹)، ص ۶۶-۶۷.

ارتباط و تحریف استفاده می‌کنند. تافلر در دو فصل از کتاب جابه جایی قدرت به شرح روشهایی پرداخته است که برای دستکاری اطلاعات به کار می‌رود. بعدها او طی مصاحبه‌ای از نگارش این دو فصل احساس غرور کرده آن را بسیار مفید دانسته و گفته است که میلیونها شیوه اطلاعاتی وجود دارد که هر روز از آنها برای دستکاری اطلاعات استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

او در آن دو فصل مثالهای زیادی در باره چگونگی اخلاص در ارتباطات می‌آورد. از نقاب زدن به فرستنده پیام برای ناشناخته ماندنش و از نشتهای هدایت شده اطلاعات سخن می‌گوید. ولی روشهای ذکر شده ذیل عنوان "ماساژ پیام" بسیار مهم است. او معتقد است که انواع بی شماری از فریب در انبوه داده‌ها و اطلاعات که هر روز از کارخانه فکری دولت به بیرون جریان می‌یابد وجود دارد و به ذکر چند نمونه می‌پردازد:

#### روش حذف<sup>۲</sup>

به علت ستیزآمیز بودن سیاست، پیامهای سیاسی بیش از سایر پیامها آگاهانه گزینش می‌شود و واقعیتهایی نیز حذف و از جریان ارتباط خارج می‌شود.

#### روش کلی بافی<sup>۳</sup>

چون ذکر جزئیات ممکن است مخالفتهای سیاسی و یا مدیریتی را در پی داشته باشد، پیامها همیشه در لعابی از انتزاع غیرواقعی پوشانده می‌شود. اعلامیه‌های رسمی سیاسی نمونه‌های جالبی در این زمینه‌اند که نشان می‌دهند بارها از شیوه "بی حس سازی مغزی"<sup>۴</sup> استفاده شده است.

#### روش زمان بندی<sup>۵</sup>

در ارسال پیام به حدی تأخیر می‌شود که گیرنده پیام نه می‌تواند درک

۱. مری ایزنهارت، "خروش موج سوم: گفت شنودی با الوین تافلر و هدی تافلر در باب زندگی و کار در عصر اطلاعات" ترجمه شهیندخت خوارزمی، نگاه نو (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲)، ص. ۹۰.

2. The Omission Tactic
3. Generality Tactic
4. Brain-Numbing
5. Timing Tactic

درستی از معنای پیام داشته باشد و نه می تواند عکس العملی بروز دهد؛ مثلاً حجم عظیمی از اسناد بودجه زمانی به دست قانونگذار می رسد که فرصت هضم و تحلیل هوشمندانه آن را ندارد.

#### روش قطره چکانی<sup>۱</sup>

به جای آنکه مجموعه اطلاعات در سندی واحد ارائه شود، در زمانهای مختلف به تعداد کم و به تدریج ارائه می شود. در این شیوه پیکره اصلی اطلاعات تجزیه می شود و از دیدگاه گیرنده مخفی می ماند.

#### روش موجی<sup>۲</sup>

حجم عظیمی از اطلاعات گوناگون به فرد ارائه می شود تا آن چنان غرق شود که نتواند اطلاعات مورد نظر را دریابد.

#### روش تبخیر<sup>۳</sup>

شایعاتی بی اساس همراه واقعیت پخش می شود به طوری که پیام گیران نتوانند آنها را از هم تشخیص دهند.

#### روش بازگشتی<sup>۴</sup>

مطبوعات داخلی ماجرای دروغین را که مثلاً در خارج از کشور رخ داده است کشف و چاپ می کنند. این شیوه را مأموران اطلاعاتی و تبلیغاتی به کار می برند.

#### روش دروغ بزرگ<sup>۵</sup>

مبدع این نظر گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر بود و بر این تصور مبتنی است که دروغهای بزرگ راحت تر از دروغهای کوچک پذیرفته می شوند.

#### روش وارونه سازی<sup>۶</sup>

کمتر روشی به این اندازه گستاخانه است. در نهایت سادگی پیامی را

1. The Oribble Tactic
2. The Tidal Wave Tactic
- 3 . The Vapor Tactic
4. The Blow-Back Tactic
5. The Big Lit Tactic
- 6 . The Reversal Tactic

وارونه می‌کنند و ارسال می‌دارند.<sup>۱</sup>

شیوه‌ها و روشهای اخلاص نامحسوس در ارتباطات انسانی فقط به این موارد خلاصه نمی‌شود. فن‌آوری نوین نیز به کار گرفته شده است. در اوایل دهه ۱۹۶۰ جان اف. کندی، رئیس جمهور وقت امریکا، گفته بود که هدف ما از دستیابی به فن‌آوری ماهواره‌ای "کنترل" است.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۱ شاهد بودیم که هشتاد درصد مخایره و پردازش داده‌ها توسط ایالات متحده امریکا صورت می‌گرفت<sup>۳</sup> و اکنون با گسترده شدن فعالیت شبکه‌های رایانه‌ای و مطرح شدن جریان داده‌های فرامرزی، مسئله به خطر افتادن حاکمیت ملی بسیاری از کشورها مطرح شده است؛ تا حدی که دولتی مثل کانادا را واداشته است اعلام دارد که دولت باید برای قانونمند کردن جریان فرامرزی داده‌ها و تضمین این که اطلاعات حیاتی مربوط به حفظ حاکمیت ملی از نظارت خارج نخواهد شد، به سرعت وارد عمل شود.<sup>۴</sup>

با این نگاه، مسئله از حدّ اخلاص ارتباطات میان فردی فراتر می‌رود و سانسور به صورت اخلاص در جریان اطلاعات ملی یک کشور که در پدیده "امپریالیسم اطلاعاتی" متبلور می‌شود درمی‌آید.

فن‌آوری نوین در قالب شبکه‌های تلویزیونی باعث اخلاص در جریان اطلاعات به گونه دیگری شده است. دانشیانی چون پستمن بر این اعتقادند که مسئله سانسور کتاب اگر چه انزجارآور است، در این زمان بسیار پیش‌پا افتاده و بی‌تأثیر است. به نظر او پرداختن به آن باعث می‌شود توجه اذهان نقاد و دلسوز به مسائل اساسی ناشی از فن‌آوری نوین معطوف نشود. اگر انتشار کتابی ممنوع می‌شود، این امر در آزادی اندیشه و مطالعه دانشجو تأثیر چندانی نامطلوبی به جا نمی‌گذارد. ولی این تلویزیون است که تأثیر

۱. آلون تافلر، جابه جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی (تهران: بی‌نا، ۱۳۷۲)، ص ۴۲۰-۴۲۳.

۲. احمد جعفری چمازکنی، "جریان آزاد اطلاعات زمینه‌ساز نظم نوین جهانی"، کیهان هوایی (شماره ۱۱۳۰، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص ۱۷.

۳. حمید مولانا، جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی ...، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۳۳.

مهلك خود را برجای گذاشته است. و این کار را با چهره‌ای معصومانه و دستهای ناآلوده به گناه می‌کند. تلویزیون، کتاب یا کتابی را ممنوع نمی‌کند، بلکه آن را به کناری می‌اندازد و نامرئی می‌سازد.

«این تلویزیون است که با توسل به انواع کنگره‌ها ما را تشویق می‌کند که پیوسته به آن روی آوریم. اما تلویزیون رسانه‌ای است که اطلاعات را به گونه‌ای به ما عرضه می‌دارد که بی‌نهایت ساده شده فاقد محتوایی مفید و برانگیزاننده عقل و شعور و تفکر، فاقد زمینه‌های تاریخی گذشته و عاری از نظام و چارچوب هدف‌دار و سازنده شده است. تلویزیون وسیله‌ای است که تمام اطلاعات را در قالب نظام و ساختاری به نام سرگرمی و وقت‌گذرانی و شادمانی به نمایش می‌گذارد... جباران و ستمگران پیوسته اعصار از هر رنگ و قماش، همیشه می‌دانستند که تنها راه ارضای تمایلات درونی انسانها و تسکین نارضایی‌های روانی آنها، فراهم ساختن وسایل خوشگذرانی و سرگرمی آنهاست که در نتیجه توده‌های انبوه را آرام و متفرق می‌گردانند. اما هیچ کدام از آنان حتی در رؤیا هم نمی‌توانست تصور کند که روزگاری شرایطی ممکن است فراهم آید که در آن انسانها از تمام گروهها و قشرها و انبوه وسیع توده‌ها هر چه را که سرگرم کننده و مایه وقت‌گذرانی نباشد به کلی نفی و از خود دفع می‌کنند. ابزار سانسور، که قلدران اعمال می‌کنند، در عین حال نکته مثبتی را از شرایط جامعه نمودار می‌سازد و آن این که شعور اجتماعی آن جامعه تفاوت میان افکار عمومی جدی و سازنده را از امیال و خواسته‌های سرگرم کننده باز می‌شناسد و تفاوتش را جدی و اساسی تلقی می‌کند. شاهان و تزارها و رهبران مستبد گذشته تاریخ را (و نیز کمی‌سیرهای امروز را) چه چیزی می‌توانست بیشتر و بهتر از این خشنود و کامیاب سازد که بدانند سانسور ضرورتی ندارد به شرطی که بتوانند تمامی شعور سیاسی جامعه و افکار عامه را در قالب پیکره‌ای به نام سرگرمی و خوشی بریزند؛ و همه را یکجا به بستر عشرت بکشانند.»

### خودسانسوری

به نظر می‌آید تمهیداتی که در سانسور پیچیده تدارک دیده شده است، برای رسیدن به خودسانسوری است. در واژه‌نامه آکسفورد تعریفی از "ممیزی" شده است که به نوعی می‌توان آن را درباره خودسانسوری صادق دانست:

«قدرت یا نیروی فکری که عناصری از ناخودآگاه را سرکوب کند و مانع بروز آنها در خودآگاه شود.»<sup>۱</sup>

البته خودسانسوری همواره از ناخودآگاه سرچشمه نمی‌گیرد. این درست است که عواملی چون تصورات قالبی، اقناع و القا فرد را چنان تربیت می‌کند که ناخودآگاه به گونه‌ای ویژه ببیند و بنویسد و ارتباط برقرار کند؛ یا به قول زرین‌کوب "بت"ها می‌توانند حتی ناخواسته پژوهش را "سودار" و "کج" کنند، اما بسیاری مواقع خودسانسوری آگاهانه رخ می‌دهد و عوامل سیاسی، اقتصادی و ... می‌تواند علت آن باشد.

پژوهشی که در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ در ایران صورت گرفته است، نشان می‌دهد که پدیده خودسانسوری در مطبوعات وجود داشته است و عده‌ای علت آن را نگرانی از عواقب انتشار اطلاعات خود ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup> در پژوهش دیگری که درباره خودسانسوری در مصر صورت گرفته است، سانسورگران بیشتر قایل به نوعی خودسانسوری سلبی در بعد سیاسی و خودسانسوری ایجابی در بعد دینی بوده‌اند و عده‌ای از آنان نیز علت آن را ترس دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

خودسانسوری، هرگونه اخلاص نظام‌مندی است که فرد در تبادل پیام برای خود ایجاد می‌کند و ممکن است از خودآگاه یا ناخودآگاه فرد نشأت

1. *The Oxford English Dictionary*...., P. 1029-1030.

۲. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۳. مهدی محسنیان‌راد، سانسور و خودسانسوری در ایران...، ص ۶.

۴. د. سلیمان جازع الشمری، الصحافة والقانون فی العالم العربی و الولايات المتحدة (قاهرة: الدار الدولیه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۳)، ص ۱۰۵-۱۰۹.

گرفته باشد. این خودسانسوری به همان اندازه برای پدیدآورنده پیام مخرب و خطرناک است که برای گیرنده پیام. زیرا جامعه بدون این که بداند تصور می‌کند روند جریان اطلاعات طبیعی و سالم است و این برداشت بیشتر می‌تواند او را بفریبد.

### انواع سانسور

معمولاً ممیزی به دلایل سیاسی - اجتماعی، اخلاقی و دینی رخ می‌دهد. گاهی گونه‌ای سانسور علمی نیز در کتابهای درسی و متون دانشگاهی اعمال می‌شود که در این نوع سانسور مطالب به لحاظ ارزش علمی و شیوه پژوهش و گاه به لحاظ نگارش بررسی و حک و اصلاح می‌شود. اما در بسیاری از موارد این نوع ممیزی مستمسکی برای سانسور سیاسی و اجتماعی است که ممیزان به طور صریح امکان اعمال آن را ندارند.

#### سانسور سیاسی - اجتماعی

با توجه به پیچیدگی و گستردگی مسائل سیاسی - اجتماعی و نقش اساسی آن در زندگی جمعی انسان، اغلب ممیزی‌ها در این حوزه اعمال می‌شود یا به نوعی با آن در ارتباط است.

ضرورتها و نکات بسیاری وجود دارد که ممیزی به استناد آنها صورت می‌گیرد. یکی از مهمترین آنها "حفظ امنیت ملی و مصالح عمومی" است و بسیاری از تحدید آزادیهای انسانی با تمسک به این اصل اعمال می‌شود. این اصل از حفاظت اسرار نظامی و اطلاعات استراتژیک که بحق باید محفوظ بماند آغاز می‌شود و تا حد کوچکتترین انتقاد به دولتمردان و عملکرد دولتها تنزل می‌یابد. در زمان نخست‌وزیری اوزال در ترکیه دانش‌آموزانی که در تکالیف درسی شان از وی انتقاد کرده بودند، محاکمه شدند! به قول تافلر بعضی از حکومتها دچار "پارانویای مثبت" هستند؛

یعنی هرکاری می‌کنند محرمانه است؛ مگر این‌که خلاف آن اعلام شود.<sup>۱</sup> در بعضی از کشورها نیز به علت تغییرات سیاسی حدود سری بودن گاهی چنان دچار قبض می‌شود که کوچکترین سخن یک شهروند جاسوسی محسوب می‌شود و به اشد مجازات می‌رسد و زمانی چنان دچار بسط که بسیاری از خیانت‌های آشکار مغفول می‌ماند.

به استناد همین اصل امنیت ملی سالانه میلیون‌ها سند در بایگانی‌های محرمانه جای می‌گیرند. فقط در ایالات متحده امریکا هر سال ۲۰ میلیون سند را طبقه‌بندی محرمانه می‌کنند.<sup>۲</sup> این اسناد پس از گذشت ۴۰ یا ۵۰ سال منتشر می‌شوند و گاه نیز به دلیل همان مصلحت‌اندیشی "امنیت ملی و حفظ منافع عمومی" هرگز منتشر نمی‌شوند. برای مثال اسناد کودتای ۲۸ مرداد ایران که قرار بود منتشر شود با این توضیح که یکی از کارمندان سیا اشتباهی آنها را به ماشین امحاء سپرده است، منتشر نشد!

ارتش و جنگ نیز یکی از موارد مهم است که همیشه مطالب آن مهر محرمانه و سری می‌خورد و سانسور بسیار دقیقی بر آن اعمال می‌شود. در بعضی از مقاله‌نامه‌های بین‌المللی به محدودیت‌های دیگری نیز اشاره شده است؛ مثلاً در مقاله‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و حقوق سیاسی به این موارد برمی‌خوریم:

- هرگونه تحریکات و تبلیغات جنگی توسط قانون منع می‌شود.  
 - هرگونه حمایت و پشتیبانی از کینه و نفرت‌های ملی، نژادی، و مذهبی که باعث اغتشاش، تحقیر و جدایی انسانها و ایجاد خصومت شود و توسل به زور را به دنبال داشته باشد، از سوی قانون منع می‌شود.<sup>۳</sup>  
 به نظر می‌آید تعیین حدود و ثغور برای این حوزه امری ناممکن یا بسیار بعید باشد. با آنکه شعارهای بسیاری درباره "آزادی جریان اطلاعات" و "حق توضیح‌خواهی" و "شفاف‌سازی" امور سیاسی داده می‌شود، اما

۱. الوبن تافلر، جابه‌جایی در قدرت، ... ص ۴۰۸.

۲. همان، ص ۴۰۹.

۳. صادق طباطبایی، نمونه‌ای از دین‌ستیزی تکنوپولی و ...، ص ۳۶۲.

مقامات در عمل کمتر به آن پایبند می‌مانند.

در ژوئیه ۱۹۶۷، لیندون جانسون سندی را با عنوان "اعلامیه آزادی اطلاعات" امضاء کرد و طی مراسمی که به این مناسبت برگزار شد اعلام داشت که آزادی اطلاعات آن قدر حیاتی است که نه خواست مقامات دولتی و نه خواست شهروندان، بلکه تنها امنیت ملی باید تعیین کند چه موقع این آزادی محدود شود. چیزی از سخنان او نگذشته بود که گزارشگری سؤال کرد که آیا می‌تواند نسخه‌ای از پیش‌نویس اظهارات او را به دست آورد. این نخستین درخواستی بود که در پرتو آزادیهای جدیدی که در این اعلامیه تضمین شده بود، مطرح می‌شد. جانسون با خونسردی تمام این تقاضا را رد کرد!

### سانسور اخلاقی

هرگاه اخلال در ارتباط، با تکیه بر معیارهای اخلاقی صورت گیرد، گوییم "سانسور اخلاقی" رخ داده است. در تاریخ اندیشه یکی از مطرح‌ترین ممیزی‌ها، ممیزی اخلاقی بوده است و امروز نیز درباره آن بحثهای زیادی می‌شود. اگر اخلاق را دانش بد و نیکِ خوی‌ها بدانیم، با توجه به کثرت بدی‌ها و نیکی‌ها و خوی‌ها، مسلماً در زمینه‌های گوناگون زندگی با آن مواجه خواهیم بود.

ممکن است غیرمؤدبانه بودن یک متن ناروا تلقی شود و موجبی برای سانسور فراهم آید؛ یا افشای اسرار فردی و خانوادگی امری غیراخلاقی به حساب آید؛ و منجر به ممیزی اخلاقی شود.

یکی از دلایل سانسور اخلاقی، حفظ اخلاق عمومی است. اما از یک سو در طول زمان مصادیق "اخلاق عمومی" دگرگونی زیادی یافته است و از سوی دیگر عواملی مثل طرز بیان واژه‌ها، وضعیت فرستنده، گیرنده، عوامل فرهنگی و قومی و ملی بر آنچه ما آن را "اخلاق عمومی" می‌نامیم

۱. آلون تافلر، جابه جایی در قدرت...، ص ۴۰۸.  
 ۲. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، جلد اول، ذیل "اخلاق".

تأثیر بسیار دارد.<sup>۱</sup>

زمانی در اغلب کشورها بعضی از آثار بزرگانی چون دوما، فالکنر، همینگوی و ... با تکیه بر موازین اخلاقی ممنوع اعلام می‌شد؛ در حالی که اکنون تقریباً در همه کشورها این آثار ترجمه و بی هیچ مانعی منتشر می‌شود.

در گذشته رهبر فرقه عجارده اعتقاد داشت که سوره یوسف جزء قرآن نیست و باید از آن حذف شود. زیرا محتوای آن را غیراخلاقی می‌دانست. اکنون نیز در کشور ما جمله‌هایی چون: "او دست رد به سینه زنش زد." یا "به شوهرش با حالتی خاص نگاه کرد." غیراخلاقی قلمداد می‌شود و امر به حذف آنها می‌شود.

در سانسور سیاسی و اجتماعی به این دلیل که تحریکات یک نوشته ممکن است برای حکومت مشکل ایجاد کند به حذف و تغییر می‌پردازند و بیشتر به جنبه‌های عملی نوشته تکیه دارند. اما در سانسور اخلاقی اغلب، خود کلمات فی نفسه اهانت‌آمیز تلقی می‌شوند و ظاهراً در ذهن ممیزان صرف بیان آنها منجر به عمل می‌شود. به همین دلیل آثار هرزه و وقیح بیشترین موضوع در سانسور اخلاقی بوده است.

تعیین میزان و مناطی که به کمک آن بتوان هرزه و وقیح بودن یک اثر را سنجید همواره مورد بحث بوده است.

در طی بحثها و مبارزاتی که بر ضد این نوع آثار شده است سعی کرده‌اند به تعاریفی دست یابند. در یکی از دادگاهها ملاک هرزه بودن یک اثر را پاسخ مثبت به این پرسش دانستند که «آیا قصد اثر تباهی و فساد است؟» و محک سنجش جنبه‌های اخلاقی آثار ادبی را در این دانستند که «آیا پدر خانوار، می‌تواند آن متن را با صدای بلند در بین اعضای خانواده‌اش

1. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 16.

۲. بهاء‌الدین خرمشاهی، "خودسانسوری"، دانشگاه انقلاب، ویژه‌نامه کتاب (آبان ۱۳۷۴)، ص ۵۲.

۳. مینو محمد، "سانسور، گزارشی از ممیزی کتاب"، مهر ۱۳ (سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۷۶)، ص ۶.

بخوانند؟<sup>۱</sup>

این معیار، مشکلاتی را برای بعضی از آثار برجسته ادبی پدید آورد و آنها را در زمره آثار هرزه قرار داد. اثر گرانسنگی چون مثنوی مولانا تمثیلاتی دارد که اگر جدا از متن اصلی دیده شود، قطعاً هرزه و قبیح تلقی خواهد شد، اما با توجه به مقدمات و نتایج، قضاوت درباره آنها متفاوت خواهد بود.

برای تعیین تفاوت‌های متون از این نظر تلاشهایی صورت گرفته است که یکی از آنها تفکیک این نوع آثار به وقیح‌نگاری (هرزه‌نگاری) و ادبیات شهوانی<sup>۲</sup> است. وقیح‌نگاشته‌ها به آثاری گفته می‌شود که فقط به قصد تحریک اشتهای جنسی خواننده نوشته شده است.<sup>۳</sup> اما هدف اصلی ادبیات شهوانی، با اینکه ممکن است موجب تحریک شود، القای مسائل و نکات دیگری است؛ و اصولاً تلقی خواننده این نیست که نویسنده با محاسبه و برنامه قبلی قصد تحریک او را دارد.<sup>۴</sup> مهمترین نکته‌ای که در محاکم حقوقی بر آن تأکید شده اصل "کلیت اثر" است. آیا وجه غالب اثر جنبه تحریک‌کننده، اغوا، تباهی و فساد دارد یا با اینکه اثر بعضی صحنه‌ها را بسیار عریان نیز تصویر کرده، قصدش بیان مفاسد و مشکلات اجتماعی است؟ در سال ۱۹۶۶ یکی از محاکم قضایی ایالات متحده امریکا نکات ذیل را برای ممیزی این نوع آثار اعلام داشت:

الف. موضوع مسلط و عمده اثر، جلب کامل تمایلات شهوت‌انگیز و جنسی باشد.

ب. اثر، در توصیف و بیان مسائل جنسی، آشکارا به ارزشهای اجتماعی روزگار خود اهانت کند.

1. Maitha Boaz, *Ibid*, P. 320.
2. Pronography
3. Erotica
4. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 259.
5. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 247.

ج. اثر، کاملاً فاقد ارزش اجتماعی باشد.<sup>۱</sup>

چگونگی برخورد با آثار وقیح همیشه مورد بحث بوده و در این زمینه گروهها و حرکت‌هایی در جوامع مختلف پدید آمده است؛ مانند جمعیت جلوگیری از فساد که توسط کاستاک پایه‌گذاری شد و هنوز آثار اقدامات حقوقی وی در رویه قضایی امریکا در این مسائل مطرح است. عده‌ای نیز هر نوع منع هرزه‌نگاری را نابجا دانسته و معتقدند هیچ روشی برای تحدید این آثار موفقیت‌آمیزتر از آزاد گذاشتن آنها نیست. محدود کردن این آثار عملاً باعث می‌شود بیش از حد واقعی ارزش‌گذاری شوند و متقاضیانی ویژه پیدا کنند.<sup>۲</sup> به‌زعم اینان بزرگترین تهدید بر بازار این نوع نشریات، آزادی نشر آنهاست. لذا برخی از ناشران دانمارکی علناً مخالف چنین آزادی‌های انتشاراتی هستند. زیرا بر بازارشان اثر سوء می‌گذارد<sup>۳</sup> یا سندیکای جنایتکاران نه تنها با قانونی کردن قمار مخالفند، با رفع هر نوع سانسور نیز مخالفند. زیرا نبود سانسور باعث می‌شود کار آنان جنبه غیر قانونی پیدا نکند و همین امر سبب می‌شود آنان نتوانند این نوع کتابها را به قیمت بالایی به فروش برسانند.<sup>۴</sup>

گرچه این نظر ممکن است در بعضی موارد مصداق پیدا کند، اما نتیجه عملی آن برای بسیاری از کشورها بسیار خسارت‌بار بوده است. لذا اقدامات زیادی برای تحدید این نوع مطالب صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۷ در ایالات متحده امریکا قوانینی برای منع پخش مطالب جنسی وضع شد. قوانین مذکور، پخش مواد "آشکارا ناخوشایند" و توصیف‌گر "اعمال جنسی یا هر نوع تخلیه جنسی" یا "اعضای جنسی" را در موارد

۱. فلیس اف. لويس، "سانسور ادبی. در امریکا"، ترجمه محمد اف‌تخاری، کلک ۳۸ (اردیبهشت ۱۳۷۲)، ص ۵۸.

2. H.L. Mencken, "Comstockery", In: *First Freedom, Liberty and Justice in the World of Books and Reading*, (Chicago: A.L.A., 1969), P. 276.

3. Jay E. Daily, *Ibid*, P. 110.

4. *Ibid*, P. 132.

5. *Ibid*, P. 252.

معینی محدود ساخت. براساس همین سیاست تعداد زیادی از آثار ادبی، شعر و موسیقی در این کشور حق پخش ندارند.<sup>۱</sup> همچنین "قانون پاکیزگی اطلاعات" با هدف دور نگهداشتن اینترنت از صور قبیحه و مقوله‌های تهاجمی و مضر به تصویب رسیده است.<sup>۲</sup> انجمنها و سازمانهای فراوانی برای مبارزه با وقیح‌نگاری و جنایت شکل گرفته است. از آن میان می‌توان از تشکیلات فمینیستی وپ (Wap)<sup>۳</sup> نام برد که با هدف مبارزه با وقیح‌نگاری در سال ۱۹۷۹ شکل گرفت و بیش از ۵۰۰۰ عضو دارد.<sup>۴</sup> امروزه دهها پایگاه اینترنت پدید آمده است که هدف خود را مبارزه با این مقولات اعلام کرده‌اند. اما رشد روزافزون ارتباطات انسانی و به ویژه امکانات رایانه‌ای و شبکه‌های بین‌المللی، تبادل این نوع تصاویر و مقولات را غیرقابل تحدید ساخته است و جا دارد مجامع بین‌المللی با تکیه بر اراده عمومی و میل جامعه جهانی به هدایت اخلاقی، با توجه به تکثر و تنوع فرهنگها و ارزشها راهکارهای مناسبی را در این زمینه تدارک ببینند. مسلماً هر کشور با توجه به ساختار فرهنگی و عقیدتی و باورهای اخلاقی خود می‌تواند از طریق نهادهای مردمی و قانونی، زمینه‌های مصالح مردم را فراهم آورد؛ و با تعاریف مشخص و معین از افراط و تفریط‌هایی که معمولاً در این مقوله پدید می‌آید جلوگیری کند.

### سانسور دینی

ادیان همواره تکالیف و ارزشهایی را تعیین کرده و مؤمنان را به کارهایی واداشته و از اموری بازداشته‌اند. هرگاه اخلال در ارتباط با صبغه مذهبی و با اتکا به این تکالیف و ارزشها باشد، به آن سانسور دینی می‌گوییم.

این اخلالها را در دو زمینه می‌توان بررسی کرد: یکی متن مکتوب و

1. *Informaiton Freedom and...* P. 138-139.

۲. سانسور در اینترنت، اینترنت یا دائرةالمعارف جهانی... ص ۳۰.

3. *Women Against Pornography*

4. *Jonathon Green, Ibid, P. 359.*

مدون ادیان است که همیشه از سوی عوامل بسیاری در معرض تحریف و دگرگونی بوده است و دیگری جامعه‌ای است که بر اساس برداشت گروندگان به دین شکل گرفته است. اکنون به طور خلاصه به بررسی این موضوع در یهودیت، مسیحیت و اسلام به عنوان رایجترین ادیان توحیدی می‌پردازیم.

### سانسور در مسیحیت و یهودیت

آنچه اکنون با نام کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان در دسترس همگان است شامل دو بخش عهد عتیق و جدید است. کلیسایان عموماً هر دو بخش را محترم می‌شمارند. اما یهودیان فقط عهد عتیق را پذیرفته‌اند.

بحث محرف‌بودن این کتاب پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد که در حوصله این نوشته نیست. اما اجمالاً باید گفت که به نقل ویل دورانت افرادی مثل ولتر، فیلسوف معروف فرانسوی، بر حجیت و اصالت آن تردید کرده‌اند.<sup>۱</sup> اصولاً در عهد قدیم داستانهایی وجود دارد که نشان‌دهنده آن است که بعضی قسمت‌های این کتاب بعد از رحلت حضرت موسی (ع) نگارش یافته است. در سفر تثبیه می‌خوانیم:

«پس موسی بنده خداوند آنجا به زمین موآب بر حسب قول خداوند مرد و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور در دره‌ای دفن کرد و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است.»<sup>۲</sup>

کتاب دوم تواریخ ایام از عهد عتیق نقل می‌کند که حلقیای کاهن کتاب تورات را در خانه خداوند می‌یابد و آن را به پادشاه تسلیم می‌کند. او پس از دیدن متن متوجه می‌شود که آنچه عمل می‌کرده‌اند خلاف آن متن بوده است. لذا دستور می‌دهد که «بروید از خداوند برای من و بقیه بنی‌اسرائیل و یهودا و دربارہ سخنانی که در این کتاب یافت می‌شود مسئلت نمایید.

۱. عبدالکریم هاشمی نژاد، قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی (تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، بی‌تا)، ص ۸۷-۸۸.

۲. عهد عتیق، سفر تثبیه، باب سی و چهار، آیه ۶.

زیرا غضب خداوند که بر ما ریخته شده است عظیم می‌باشد چونکه پدران ما کلام خداوند را نگاه نداشتند و به هر آنچه در این کتاب مکتوب است عمل نمودند.<sup>۱</sup>

نحوه نگارش عهدین نشان می‌دهد که از زبان رسول نقل نشده بلکه تاریخ‌نویسی و نقل قول است. تورات چندین بار به طور کامل نابود شد و از آن جمله در زمان بختنصر (نبوکدنصر) بود که در بابل قیام کرد و تمام نسخه‌های تورات را نابود کرد و یهودیان و عالمان آنان را از دم تیغ گذراند. پس از این حادثه یکی از علمای یهود که قرآن از او به نام "عزیر" یاد می‌کند و یهودیان او را "عزایر" می‌نامند، ادعا کرد که تمام تورات را حفظ دارد. لذا یهودیان از او خواستند که تورات را دگر بار بنگارد. وی چنان کرد و تورات فعلی را نگاشت و عرضه داشت.<sup>۲</sup>

انجیل نیز وضع مشابهی دارد. نحوه نگارش و نقل قولها بیانگر روایتی تاریخی است. تعداد انجیلها در قرن چهارم هجری به بیش از یکصد و شصت عدد رسید که به فرمان امپراتور روم که پیرو آیین مسیح شده بود انجمنی از کشیشان تشکیل شد و از میان انجیل و رساله‌های موجود آنچه را با اغراض و سیاست و اهداف خود موافق تشخیص دادند پذیرفتند و بقیه را مردود شمردند.<sup>۳</sup> یکی از انجیلهای رد شده انجیل برنابا بود که در سال چهارصد و نود و دو میلادی نیز مطالعه آن طی فرمانی از سوی جلاسیوس اول ممنوع شد.

این انجیل قرنها ناپدید بود و از ترس کلیسا کسی جرئت نشر آن را نداشت. در قرن شانزده میلادی اسقفی به نام "فرامرینو" یک نسخه از آن را که به زبان ایتالیایی بود در کتابخانه "پاپ اسکوتس" به دست آورد. در قرن هیجدهم نیز یک نسخه اسپانیایی آن به دست آمد که دکتر "منکھوس" آن را

۱. عهد عتیق، کتاب دوم تواریخ ایام، باب سی و چهارم، آیه ۱۴-۲۳.

۲. محمدباقر بهبودی، "نقد و بررسی فصل الخطاب"، حوزه ۶۲ (خرداد و تیر ۱۳۷۳)، ص ۱۶۷.

۳. هاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء (تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳)، ص ۳۳۳-۳۳۴.

به انگلیسی ترجمه کرد.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۸ دکتر خلیل سعادت این کتاب را به عربی برگرداند.

قرآن با دقت و وضوح به مسئله تحریف در کتابهای آسمانی و به ویژه تورات پرداخته است و در چندین آیه اشاره می‌کند که یهودیان سخنان خداوند را جابه‌جا می‌کنند، بعد از آن که جای هر سخنی را می‌شناسند (... *يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ...*). این کار با هدف ایجاد اخلال در فهم درست کتاب خدا صورت می‌گیرد تا آنان به مقصد خود برسند. در ترجمه و تفسیر آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره بقره می‌خوانیم:

ای مؤمنان آیا طمع بسته‌اید که این یهودیان تسلیم شوند و ایمان بیاورند با آنکه گروهی از اینان کلام خدا را می‌شنوند و بعد از اندیشه کامل، کلام خدا را تحریف می‌کنند و نزد سایرین می‌برند تا راه ایمان را ببندند، با آنکه می‌دانند چه خیانتی را مرتکب می‌شوند.... وای بر دانشمندانشان که با دست خود رساله می‌نویسند و به مردم می‌گویند: این فرمان خداست تا با دستنویس خود سیم و زری ناچیز به دست آورند....<sup>۲</sup>

همان‌گونه که در قرآن با صراحت اعلام شده این اخلاها آگاهانه و به قصد سد راه مؤمنان و کسب مطاع دنیوی صورت می‌گرفته است. همین دانشمندان یهود بودند که موانع بی‌شماری را در ارسال پیامهای الهی عیسی (ع) و حواریون وی پدید آوردند و سرانجام نیز وی را به گمان خود مصلوب کردند. اما وسیع‌ترین و شنیع‌ترین سرکوب اندیشه با نام دین در قرون میانه و در محاکم تفتیش عقاید رخ داد که طی آن هزاران نفر همچون مسیح "باز مصلوب" شدند. پایه‌گذاران این محاکم افرادی عامی یا تبه‌کار نبودند. یکی از پایه‌گذاران این حرکت را می‌توان اینوسان سوم<sup>۳</sup> که از اعظم

۱. خلیل سعادت، *مقدمه انجیل برنابا*، ترجمه سردار کابلی (تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۳۹-۴۳.

۲. قرآن کریم، مائده، ۴۱.

۳. محمدباقر بهبودی، *معانی القرآن: ترجمه و تفسیر قرآن مجید* (تهران: خانه آفتاب، ۱۳۶۹)، ص ۱۰-۱۱.

پاپ‌ها بود دانست. خوب است بدانیم که نام او به معنای "معصوم" است. دادگاه‌های تفتیش عقاید آثار سوء سیاسی و اجتماعی جدی را در طی حدود هفت قرنی که برقرار بود در پی داشت.<sup>۱</sup>

با آنکه اناجیل آکنده از سخنانی است که دلالت بر عشق، صلح، صفا، گذشت و بردباری دارد، بسیاری از کشیشان و راهبان با تمسک به این فراز از انجیل که «اگر کسی در من نماند مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود»<sup>۲</sup> هر که را که می‌پنداشتند تفکرات، نوشته‌ها و گفته‌هایش کوچکترین مغایرتی با تفسیر کلیسا از دین دارد، با نام بدعت و کفر محکوم می‌کردند و در آتش می‌سوزاندند. این دادگاهها مانند دادگاههای معمولی نبود که دو طرف داشته باشد و بر اساس شکایت معین به رسیدگی پردازند. در آنجا خود بازپرسان به سراغ متهم می‌رفتند و از دیگران دعوت به جاسوسی و دادن گواهی می‌کردند. آنان لازم نمی‌دیدند که جرمی واقع شده یا امری تحقق خارجی یافته باشد، بلکه کارشان کندوکاو درونی و اثبات و استخراج عقیده فاسد از درون و ضمیر افراد بود.<sup>۳</sup> آنان چنان به زیاده‌روی پرداختند که در سال ۱۶۰۱ محکمه تفتیش عقاید در پرتغال اسب یک انگلیسی را که حیوانی تربیت شده برای نمایش بود با این تهمت که تحت تأثیر جادو است محکوم کردند و سوزاندند.<sup>۴</sup>

در بسیاری از موارد برای گرفتن اقرار، انواع شکنجه‌ها با ابزارهای گوناگون اعمال می‌شد و بارها بر سر و روی متهم آب توبه می‌ریختند و این کار را تا آنجا ادامه می‌دادند تا متهم بر اثر بیهوشی و درد و فشارهای روحی و جسمی، بی‌اختیار به آنچه آنها دنبالش بودند اعتراف کند.<sup>۵</sup> بیهوده

۱. مهدی بازرگان، گمراهان، حدیثی مفصل از قرون وسطای مسیحیت در ارتباط با سوره حمد (تهران، بی‌نا، ۱۳۶۲)، ۲۶.

۲. انجیل یوحنا، باب پانزدهم، آیه ۶.

۳. مهدی بازرگان، همان، ص ۵۲.

۴. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی (تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۳۵)، ص ۱۱۵.

5. Jochim Kahl, *The Misery of Christianity*, translated by N.D. Smith

نبود که مردم بازپرسان اولیه را که از فرقهٔ دمینیکن بودند به لقب "Domini-canes" به معنای "سگهای شکاری خدا" مفتخر کردند! عملکرد این سگان شکاری چنان بود که براساس نقل بعضی از مورخان، سکنهٔ اسپانیا را که در سدهٔ سیزدهم، سی میلیون نفر بود به یازده میلیون تقلیل داد! همین مورخان در آن زمان معتقد بودند که اگر خداوند کمک نکند به زودی سنگدلی و ناتوانی اسپانیا را به یک بیابان بی آب و علف تبدیل می‌کند.<sup>۲</sup>

با این توضیحات مسلماً در حوزهٔ کتاب و کتابت و اندیشه وضع به مراتب اسفناک‌تر بود. با آنکه به قول ویل دورانت سانسور و کلیسا هم‌اندازه کهنسالند، اما هرچه زمان به پیش می‌رفت میزان سخت‌گیری بیشتر می‌شد. نخستین محکومیت رسمی کتاب در ۳۲۵ میلادی که کتاب آریوس<sup>۳</sup> متهم به طرح مسائل ارتدادآمیز شد صورت گرفت. در سال ۴۰۰ میلادی کتابهای اوریژن<sup>۴</sup> محکوم شد و سپس با تشکیل دادگاههای تفتیش افکار این مسئله صورت جدی‌تری به خود گرفت.<sup>۵</sup>

میکائیل سروه<sup>۶</sup> جوانی اسپانیایی و دانشجوی پزشکی و اهل تحقیق در حکمت الهی بود. او به این نتیجه رسیده بود که اعتقاد به تثلیث خطاست و مانند هر متفکر دیگری به اشاعهٔ افکار خود پرداخت. او به لوتر و کالون خرده می‌گرفت که در بازگشت از عقاید سخیف کلیسای کاتولیک به قدر کافی شهامت ندارند. او اعتقاد به تثلیث را رد کرد. پس از طبع و نشر آخرین

---

(Harmondsworth: Penguin, 1971), P. 75.

۱. مهدی بازرگان، همان، ص ۵۰.
۲. فرآل، انگیزسیون یا دادگاه تفتیش عقاید، ترجمهٔ لطفعلی بریمانی (تهران: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۶۸)، ص ۱۴۶.
۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، اصلاح دینی، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای و دیگران، جلد ۶ (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۰۳-۱۱۰۵.

4. Arius

5. Origen

6. Martha Boaz, *Ibid*, 330.

7. Micheal. Servet

کتابش با نام بازگشت به اصل مسیحیت<sup>۱</sup> که موضوع آن توحید بود جنجالی عظیم از سوی کاتولیکها و پروتستانها برخاست. او را سنگ نجس جهنمی که دارای روح شیطانی است خواندند و گفتند که می‌خواهد آیین مسیحیت را واژگون کند. او مدتی متواری بود و در وین به معالجه بیماران پرداخت. پس از چندی به دلایل نامعلوم با پای خود به شهر ژنو و کلیسای کالون رفت و به بند افتاد. پس از چند ماه که بیرحمانه‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد، قضات دادگاه که تحت تأثیر کالون بودند چنین رأی دادند: «ما ترا محکوم می‌کنیم که زنجیر بسته در میدان شامپل<sup>۲</sup> زنده سوزانده شوی و نوشته‌هایت با کتاب سوزانده شود، تا این که جسمت به خاکستر تبدیل شود. به این طریق تو به زندگی ات خاتمه می‌دهی تا برای آنهایی که سعی می‌کنند چون تو به چنین جنایتی دست بزنند عبرت شوی»<sup>۳</sup>.

با اختراع چاپ و ازدیاد کتابها و سهولت تکثیر آنها، مسئله نظارت بر قلم و کتاب ابعاد گسترده‌تری یافت. در سال ۱۵۰۱ لایحه‌ای از سوی پاپ صادر شد که بر اساس آن برای کتابها مجوز چاپ صادر می‌شد. در سال ۱۵۵۹ نخستین فهرست کتابهای ممنوعه انتشار یافت. این فهرست که گاه‌گاهی هم تجدیدنظر می‌شد، سالها مشخص‌کننده وضعیت چاپ و نشر بود.<sup>۴</sup> به‌زعم نویسندگان آن روزگار "فهرست کتابهای ممنوع نوعی بلای اداری بود که دیر یا زود بر سر هر کس که در موضوعات جدی چیزی می‌نوشت نازل می‌شد و چاره‌ای جز این نبود که نویسنده تا زمانی که بار

1. Christianismi Restituion

2. Champel

۳. جورج سارتون، شش‌بال، ترجمه احمد آرام (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۳۹، چاپ سوم ۱۳۶۴)، ص ۱۶۵-۱۶۷.

سرگذشت این فرد را می‌توانید در مأخذ ذیل نیز ببینید:  
شمس‌الدین امیرعلایی، صعود محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری (تهران: دهخدا، ۱۳۶۱)، ص ۱۸۴-۲۰۱.

به نقل از:

Steen Zweig, Gastellion Calvin, texte français d'Alzir Hella Grasset,  
Conscience Contre Violence.

4. Martha Boaz, *Ibid*, P. 330.

دیگر نظر مقامات رسمی تغییر کند در انتظار بماند. از سه تن از حاکمان الهی دادگاه تفتیش افکار که کارشناسان متخصص در محاکمه گالیله بودند، دو تن بعداً دچار تحریم شدند که یکی از آنان اورجیوس<sup>۱</sup> کاردینال بود.<sup>۲</sup>

همگامی و همراهی کلیسا با حکومتها بر وخامت اوضاع افزود و به قول شریعتی وظیفه مذهب در آن دوران توجیه وضع موجود و تسکین توده‌های مردم و جانشین کردن بهشت موعود در اذهان مردم برای جبران جهنم موجود در زندگی آنان شد. از آن پس هرگونه توهین و تعرض یا انتقاد به وابستگان سلطنت نیز نوعی ارتداد و کفرگویی تلقی شد. حتی رهبران نهضت اصلاح طلبی پروتستان در قرن شانزدهم همچون کلیسای کاتولیک رم بر اطاعت از مقامات تأکید کردند. جان کنوکس و مارتین لوتر و ژان کالون نیز موارد ارتداد را به محاکمه می‌کشیدند.

در انگلستان، هنری هشتم خود را واجد قدرت پاپ خواند و به مجازات بدعت گذاران پرداخت. او نسخه‌هایی از عهد جدید را که ویلیام تین دیل گردآورده بود سوزاند و دستور قتل توماس مور را که از به رسمیت شناختن حکومت مطلقه شاه بر دین امتناع کرده بود صادر کرد.<sup>۳</sup>

آثار این سانسورها و فهرست رسمی کتابهای ممنوعه قرن‌ها برای ناشران و نویسندگان باقی بود. این تأثیر تا پایان قرن هجدهم در فرانسه و اوایل قرن نوزدهم در اسپانیا ملموس بود. آثاری مثل اندیشه‌های پاسکال، سقوط و گییون و بعدها آثار الکساندر دومای پدر و پسر و استاندال و زولا گرفتار تیغ سانسور شد. اما به مرور تأکید سانسور دینی بیشتر بر نحوه گفتار متمرکز شد و قانون به مطالب بحث‌انگیز درباره دین کاری نداشت؛ مگر این که این مطالب آگاهانه به قصد توهین به احساسات و باورهای دینی

#### 1. Oregius

۲. آرتور کوستلر، خوابگردها، ترجمه منوچهر روحانی (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۶۱)، ص ۵۵۲.

۳. علی شریعتی، اگر پاپ و مارکس نبودند (تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۵۶)، ص ۲.

#### 4. Martha Boaz, *Ibid*, P.330

مردم نگارش یافته باشد.<sup>۱</sup>

در امریکا و انگلیس و اغلب کشورهای اروپایی قوانین مربوط به کفرورزی در طول قرن نوزدهم معتبر ماند. در انگلیس قوانین مربوط به کفر و ارتداد تا امروز اعتبار خود را حفظ کرده است، لااقل در مقام نظریه مهمترین ابزار حفظ مسیحیت از فحاشی و استهزاء و اهانت به حساب می آید و در سالهای اخیر نیز به این قانون استناد شده و در مواردی نیز احکامی صادر شده است.<sup>۲</sup>

این قانون فقط به اهانت‌های نسبت داده شده به مسیحیت می پردازد و درباره سایر ادیان مسکوت است و این مغایر با اصل بی طرفی در جامعه غیردینی انگلیس است.

در سالهای اخیر مواردی از اهانت و بی حرمتی به ساحت دین موجب بروز برخوردهای جدی و شدیدی در غرب شده است. نمونه عینی آن مجسمه مسیح مصلوب اثر آندره سرانو<sup>۳</sup> بود که در سال ۱۹۹۰ به نمایش گذاشته شد و باعث اعتراض شدید مردم و سناتور هلمز شد.<sup>۴</sup> در همین سال (۱۹۹۰) در یکی از مؤسسات تابعه انتشارات رابرت ماکسول<sup>۵</sup> رمانی فکاهی با نام باورهای حقیقی<sup>۶</sup> اثر کارت انیس<sup>۷</sup> منتشر شد. در این کتاب استعارات و قیحانه‌ای نسبت به خداوند و مسیحیت وجود دارد. پیروان اتحادیه پروتستانها هجومی گسترده و همه جانبه را بر ضد آن آغاز کردند و آن را به اطلاع ماکسول رساندند. به دستور او همه نسخه‌های آن کتاب

1. Stuart Hannabus, "Issues of Religious Censorship", *Library Review* (Vol. 49, No. 8, 1994), P. 17-19.

۲. صادق طباطبایی، نمونه‌ای از دین ستیزی تکنوپولی و شیخون فرهنگی غرب، ضمیمه نیل پستمن، تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵)، ص ۳۳۵.

3. Andres Serrano

4. Stuart Hannabass, *Ibid*, P. 16.

5. Robert Maxwel

6. True Faith

7. Carth Ennis

گردآوری و لگدمال و معدوم شد. جالب است بدانیم که ماجرای این کتاب تقریباً ۱۸ ماه پس از شروع ماجرای رمان سلمان رشدی رخ داده است؛ رمانی که نسبتهای ناشایستی را به پیامبر اسلام روا داشت و عقاید مسلمانان را در زشت‌ترین شکل ممکن به سخره گرفت و وقتی عده‌ای از مصلحان عنوان کردند که وی باید از مسلمانان به خاطر توهینهایی که کرده است عذرخواهی کند - و او نیز چنین کرد - روزنامهٔ ایزرور در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۹ در سرمقاله خود نوشت: «نه انگلستان و نه مؤلف کتاب هیچ گونه دلیل و موجبی برای عذرخواهی ندارند.»<sup>۱</sup>

همین برخوردهای دوگانه باعث شد که عده‌ای با طرح لزوم تسری قانون کفرورزی به سایر ادیان، عنوان کنند که «مسیحیت و لیبرالیسم درونی شده، با عقلانیت که ویژگی جهان غرب پس از مسیحیت است وابستگی دارد و این می‌تواند به آسانی منجر به بی‌تفاوتی تفرعن‌آمیزی نسبت به فرهنگ اسلام شود. براساس این تحلیل دیدگاه رشدی، خام و ساده‌اندیشانه است. به نظر وبستر او با نوشتن آن مطالب نتوانسته است از عهدهٔ نشان‌دادن "بزرگترین مسئولیت" یک هنرمند در تفاوت قایل شدن بین فشارهای ظالمانه و سرکوبگرانه‌ای که تخیل انسانی نسبت به آن برمی‌آشوبد و فشارهایی که برای حفظ شکیبایی و بزرگواری انسانی لازم است برآید.»<sup>۲</sup>

### سانسور در اسلام

قرآن یکی از عوامل اخلال در ارتباط را شیطان می‌داند. در سورهٔ حج

آیه ۵۱ می‌خوانیم:

«و پیش از تو هیچ رسول یا نبی نفرستادیم مگر آنکه چون قرائت [وحی] آغاز کرد، شیطان در خواندن او اخلال کرد. آن‌گاه خداوند اثر القای

۱. صادق طباطبایی، همان، ص ۳۳۸.

۲. همان، ص ۳۵۸.

3. Stuart Hannabass, *Ibid*, P. 28.

4. Stuart Hannabuss, *Ibid*, P. 26-27.

شیطان را می‌زداید و سپس آیات خویش را استوار می‌دارد و خداوند دانای فرزانه است.<sup>۱</sup>

این دست‌اندازی‌های شیطانی در مکتوبات مکتب، همواره ادامه داشته و مشکل‌آفرین بوده است. از همان ابتدا در نوشتن و گردآوری کلام وحی چنان چندگانگی پدید آمد که عثمان مجبور شد تعدادی از قرآنهاي موجود را بسوزاند و به استاندارانش نیز دستور دهد همه قرآنها را بجز آنچه خودش جمع‌آوری کرده است بسوزانند. بسیاری را عقیده بر این است که همین قرآن گردآوری شده توسط عثمان «از هر جهت مطابق با واقع بوده و از خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله گرفته شده است».<sup>۲</sup>

چندگانگی پدیدآمده در نوشتن وحی در صدر اسلام شاید با طرح و نقشه و به قصد اخلال نبوده و اغلب محققان نیز صحت نسخه موجود را تأیید کرده‌اند. اما کسانی هم بوده‌اند که رأی بر نقصان مصحف موجود داده و کاستی آن را نیز عمدی و برای اخلال دانسته‌اند<sup>۳</sup> و حتی پدیدارشدن قرائتهای گوناگون را در ادوار بعدی خالی از اغراض سیاسی و فرقه‌ای ندانسته‌اند.<sup>۴</sup>

مسئله فقط به بحث تحریف در مصحف خلاصه نمی‌شود. گروههای زیادی با انگیزه‌های متفاوت به جعل و تحریف و امحای احادیث و روایات و اقوال تاریخی پرداختند.

حکومتگران برای مشروعیت بخشیدن به نظام خود، معاندان با هدف براندازی و نابودی اساس مکتب و غالیان با انگیزه برجسته‌سازی و منزّه کردن افراد و جریانهای دلخواه به این اخلالها روی آوردند.

۱. قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۴)، ص ۳۳۸.
۲. ابوالقاسم خوبی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هریس (تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۴)، ۲۴۵.
۳. علی کمالی دزفولی، قانون تفسیر (تهران، انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۵۴)، ص ۱۶۸-۱۷۶.
- و نیز رجوع کنید به: محمدباقر بهبودی، نقد و بررسی روایات تحریف در کتاب فصل الخطاب، حوزه ۶۲ (خرداد و تیر ۱۳۷۳)، ص ۱۶۵-۱۹۹.
۴. محمدباقر بهبودی، «مسأله تحریف و مشکلات ادبی قرآن مجید»، بینات ۳ (سال اول، پاییز ۱۳۷۳)، ص ۱۶۵-۱۹۹.

دستگاه خلافت امویان و عباسیان شبکه‌های رسمی حدیث‌ساز پدید آوردند و شبانه روز به تولید حدیث پرداختند و برای نقل و پخش آنها جایزه‌ها و صلح‌های سنگین تعیین کردند. افرادی نیز که خواهان نان و مقام بودند کتابی سرشار از احادیث مطلوب خلیفه می‌ساختند و درهم و دینار می‌گرفتند.<sup>۱</sup>

حاصل کار اینان که در قالب سانسوری سلبی و ایجابی ظهور می‌یافت دهها هزار روایت ساختگی و تحریف شده بود که در خلال کتابهای سیره و تاریخ و عقاید و تفسیر وارد شد «تا آنجا که اسلام راستین در زیر این پرده‌های خرافات پنهان گشته است و چهره واقعی‌اش دیده نمی‌شود. همین امر باعث پراکندگی مسلمانان در این روز و روزگار گشته و توده‌های اسلامی را به جمعیتها و گروههای پراکنده تقسیم کرده است.»<sup>۲</sup>

سید مرتضی نقل می‌کند که عبدالکریم بن ابی‌العوجاء که یکی از جاعلان بنام حدیث است وقتی پس از دستگیری قتل خود را نزدیک دید گفت که من چهارهزار حدیث ساخته‌ام که با آنها حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده‌ام.<sup>۳</sup> بر اساس پژوهشها یکصد و پنجاه صحابی موهوم که وجود خارجی ندارند شناسایی شده‌اند که مزوران و جاعلان حدیث از قول آنان حدیث نقل کرده‌اند.<sup>۴</sup>

خیرخواهی و محافظه‌کاری بعضی از متفکران نیز نوعی اخلال در ارتباط را در رساندن پیام ائمه (ع) به پیروان پدید آورده است. راویان و محدثان گاهی حدیثی را بی‌اشکال و "صحیح" می‌دانستند، اما با این احتمال که ممکن است مردم عامی گمراه شوند از ذکر آنها خودداری

۱. محمودرضا افتخارزاده، پیشینه تاریخی تألیف و حقوق مؤلفان در اسلام و جوامع اسلامی، مقدمه: فتحی درینی، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده (تهران: نشر هزاران، ۱۳۷۶)، ص ۷.

۲. مرتضی‌عسگری، ادیان آسمانی و مسأله تحریف، ترجمه حسن افتخارزاده (تهران، انتشارات روزبه، ۱۳۵۶)، ص ۵۸.

۳. محمدالباقر البهبودی، صحیح الکافی، الجزء الاول (بیروت، الدارالاسلامیه، ۱۴۰۱)، ص ج و د.

۴. مرتضی‌عسگری، خمسون و مائة صحابی مختلق (قم، التوحید للنشر، ۱۴۱۴).

می‌کردند. شیخ صدوق در باب رؤیت کتاب توحید می‌گوید: با آنکه در این باره از مشایخمان احادیث صحیحی در دست است اما برای پرهیز از گمراهی و کفرورزی نادانان از نقل آنها خودداری می‌کنم.<sup>۱</sup>

مسئله دیگری که موجب اخلال در روایات شیعی شده است "تقیه" است. امامان شیعه گاهی در وضعیتی به سر می‌بردند که نمی‌توانستند عقاید واقعی خود را بیان کنند و در پاسخ به سؤالات مراجعان مجبور بودند با کتمان مکنونات قلبی، فتاوی رایج و مشهور باب طبع حکومت را بیان کنند. مسلماً چنین روایاتی در وضعیت خودسانسوری بیان شده و فاقد ارزش استنادی است. عالمان دین برای رفع این اخلاهای گسترده در متون دینی، علم رجال و درایه را پایه‌گذاری کرده‌اند. آنان با شناسایی راویان و تقسیم‌بندی آنان به لحاظ میزان اعتماد و همچنین دقت در متن روایت و تطابق آن با متن کلام‌الله و دیگر احادیث به "اخلال‌شناسی" دقیق و موشکافانه‌ای می‌پردازند و سعی آنان این است که سره را از ناسره در متون موجود تشخیص دهند تا پیام پیشوایان مکتب با کمترین اخلال به پیروان برسد.

با همه این تلاشها، جنگها، اختلافات و تعصبات مذهبی موجب نابودی شمار زیادی از کتابهای ارزشمند اسلامی شده است؛ به صورتی که امروز فقط نامی از بعضی از آن کتابها باقی مانده است.

چند سال پس از سقوط اندلس در سال ۱۵۰۱ میلادی، فرمانی از سوی کلیساییان صادر شد که تمامی کتابهای اسلامی سوزانده شود. در اجرای این فرمان هزاران کتاب در میدان غرناطه آتش زده شد و سپس مراسم کتاب

۱. علی بن الحسین بابویه القمی، التوحید (تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۷ق)، ص ۱۱۹.  
 ۲. محمدباقر بهبودی، گزیده کافی (تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳)، ص هفده.

سرگذشت این کتاب نمونه‌ای از سانسور دینی در سالهای اخیر است. این کتاب ابتدا با عنوان صحیح الکافی (مشخصات قبلاً ذکر شده است) به زبان عربی در بیروت چاپ شد. پس از مدتی با فشار بعضی از عوامل بسیاری از نسخ باقیمانده آن بدون اجازه مؤلف تعویض جلد شد و عنوان آن به "زبدة الکافی" تغییر یافت. اجازه انتشار ترجمه آن نیز در تهران با نام صحیح کافی داده نشد و ترجمه با عنوان "گزیده کافی" منتشر شد. مقدمه صحیح الکافی نیز که مورد اعتراض بود در ترجمه فارسی تغییر یافته است.

سوزان در همه شهرها و روستاهای سلطان‌نشین غرناطه اجرا شد.<sup>۱</sup> در جنگهای صلیبی نیز کتابها و کتابخانه‌ها از آتش جنگ بی‌نصیب نماندند. برای نمونه کتابخانه طرابلس که تعداد کتابهای آن را تا سه میلیون جلد هم نقل کرده‌اند به آتش کشیده شد. این واقعه در سال ۱۱۰۹ میلادی رخ داد که پس از ده سال مقاومت طرابلس، صلیبیان توانستند وارد آن شوند.<sup>۲</sup> جرجی زیدان معتقد است که صلیبیان در شام و فلسطین سه میلیون کتاب را آتش زدند.<sup>۳</sup>

از این قبیل کتاب سوزی‌ها به مسلمانان نیز نسبت داده‌اند. مثل کتاب سوزی کتابخانه اسکندریه و کتاب سوزی کتابخانه‌های ایران، که بنا به تحقیق شهید مطهری این دو واقعه دروغ و بی‌اساس است. به عقیده وی شایعه سوزاندن کتابخانه اسکندریه را مسیحیانی ساخته‌اند که خود عامل اصلی آن جنایت بوده‌اند و شایعه دوم را نیز شعوبیان ساخته‌اند.<sup>۴</sup> بعضی از تحلیلگران نیز با توجه به روحیه حاکم بر حاکمان و عقاید آنان در باب "کفایت قرآن" این وقایع را غیرممکن ندانسته‌اند.<sup>۵</sup> در دوره خلافت اموی و عباسی نمونه‌های زیادی از نابودی کتاب رخ داده است. در سال ۳۱۱ تصاویر مانی و چهار عدل از کتب زنادقه در باب العامه بغداد به آتش کشیده شد و مقدار قابل توجهی طلا و نقره از آن فروریخت.<sup>۶</sup>

شناخت دیدگاه اسلام درباره سانسور بدون آگاهی از نظر این مکتب در باب آزادی عقیده و بیان میسر نیست. این آیین از آغاز با گشودن باب تفکر

۱. عبدالجبار الرفاعی، "بیداری اسلامی در اندلس امروز: ریشه‌ها و بستر آن"، ترجمه حسن اسلامی، آئینه پژوهش ۳ (سال سوم مهر و آبان ۱۳۷۱)، ص ۵۱.
۲. عمر عبدالسلام نووی، "کتابخانه‌های خاندان عمار در طرابلس شام به نام دارالعلم" نقل در دانش در جهان اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت (مشهد: کانون نشر کتاب، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۳-۱۶۴.
۳. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام جلد ۳، ترجمه علی جواهرکلام (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۳)، ص ۵۶.
۴. مرتضی مطهری، کتابسوزی ایران و مصر (قم: انتشارات صدرا، بی‌تا)، ص ۹۲.
۵. محمودرضا افتخارزاده، شعوبیه، نهضت مقاومت ملی ایران (تهران: بی‌نا، ۱۳۷۱)، ص ۲۹۹-۳۰۰.
۶. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، جلد ۲، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۲۰۵.

و تعقل و تدبر و دوری از تحمیل عقیده، نگاه نوینی را در دنیای آن روز مطرح ساخت. حتی به گاه نبرد نیز رعایت روحیه تحقیق و آزادی عقیده را به مؤمنان سفارش کرد. در سوره توبه به نمونه بسیار جالبی برمی خوریم. این سوره حکم یک اعلامیه جنگی به مشرکان را دارد و به جای بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ با بَرَاءَةٌ (بیزاری جست) شروع می شود. در این سوره که شیوه های برخورد خشن با کافران را مطرح می کند می خوانیم: «اگر کسی از مشرکان برای پژوهش و تحقیق تقاضای جوار و امان کند او را امان بده تا بیاید و کلام خدا را بشنود و اگر شنید و ایمان نیاورد او را به پناهگاه امن برسان تا از تعرض مؤمنان مصون بماند.»<sup>۱</sup>

اصولاً نگاه قرآن این است که «اگر خداوند با اراده حتمی می خواست، تمامی اهل زمین ایمان می آوردند [ولی این خواسته خداوند نیست که مردم با اراده حتمی ایمان بیاورند] پس آیا تو مردم را به جبر و اکراه وامی داری تا این که مؤمن شوند؟»<sup>۲</sup> حتی رسول گرامی نیز بر مردم سلطه نداشته بلکه فقط وظیفه تذکر داشته و موظف بوده است که راه را بنماید، خواه افراد ایمان آورند، شاکر شوند یا ناسپاس باشند.<sup>۳</sup>

حصین از انصاری بود که دو پسر نصرانی داشت. روزی از پیامبر سؤال کرد که آیا می توانم فرزندانم را مجبور به پذیرش اسلام کنم؟ خداوند با نزول آیه لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی<sup>۴</sup> وی را از تحمیل عقیده منع کرد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین می فرماید:

«جمله "لا اکراه فی الدین" دین اجباری را نفی می کند. چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که یک رشته معارف علمی دیگر را به دنبال دارد و روی هم رفته از اعتقادات تشکیل می شود و اعتقاد و ایمان

۱. محمد باقر بهبودی، معانی القرآن، همان، ص ۱۹۱.

۲. قرآن کریم، یونس، ۹۹.

۳. قرآن کریم، دهر، ۳.

۴. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، جلد ۴ (قم: دارالعلم، ۱۳۸۷ ق.)، ص ۱۷۹.

از امور قلبی است که اکراه و اجبار به آن راه ندارد. زیرا اکراه تنها در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی تأثیر می‌کند، اما اعتقادات قلبی و علل و اسباب آنها از سنخ اعتقاد و ادراک است و محال است که نتیجه علم، جهل باشد یا این که مقدمات غیرعلمی موجب تصدیق علمی گردد. بنابراین اگر جمله "لااکراه فی الدین" یک قضیه اخباری و در مقام بیان حال تکوین باشد، از آن یک حکم دینی به دست می‌آید که اکراهی بر دین و اعتقاد نیست. و اگر قضیه انسانی بوده به عنوان تشریح و قانونگذاری ذکر شده باشد، چنانکه جمله "قد تبین الرشد من الغی" گواه آن است، در این صورت معنایش این است که دیگران را از روی کراهت و ادا به اعتقاد و ایمان نکنید و این نهی است که متکی به یک حقیقت تکوینی است و آن همان است که اکراه تنها در افعال بدنی مؤثر است نه در اعتقادات قلبی.<sup>۱</sup> جمله "قد تبین الرشد من الغی" که پس از لااکراه فی الدین آمده است این معنا را می‌رساند که باید در پی تبیین حقایق بود و نه تحمیل عقاید. مسلماً تبیین حقایق وقتی میسر است که هرکس سخن خود را بی‌محابا بگوید و احتیاط و اضطرابی دل و دماغ او را نخراند.<sup>۲</sup> همین روحیه آزادیگری و عدالتخواهی اسلام نخستین بود که انگیزه رهایی از هرگونه ظلم و استبداد سیاسی و اقتصادی و مذهبی می‌شد و ستمدیدگان را امید و آرزو می‌بخشید و موجب گسترش سریع اسلام و چیرگی بر قدرتهای مطرح آن روزگار شد.<sup>۳</sup>

در دنیای آن روز که دنیای "تکلیف" و "بردگی" بود پیشوایانی همچون علی(ع) همگان را به عدالت و برابری می‌خواندند و به صراحت بیان می‌کردند: من بیش از یک بار و در موقعیتهای گوناگون از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «هیچ امتی روی پاکیزگی نخواهد دید مگر آنکه در آن امت

۱. محمدحسین طباطبایی، همان، ص ۱۷۳.

۲. احمد نراقی، "آزادی در قلمرو دین"، کیان ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵)، ص ۳۹.

۳. روزه گارودی، میراث سوم، ترجمه آریا حدیدی (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۴)، ص ۴۶-۴۷.

ضعیف بتواند حق خود را از قوی بدون لکنت زبان بگیرد.<sup>۱</sup> بدیهی است که چنین تفکری که مسلماً در عمل نیز از سوی رهبران رعایت می‌شده است، برای سایر ملتها بهترین جاذبه‌گرایش به اسلام را پدید می‌آورد و بسیاری از تحلیلگران معتقدند که همین عناصر ارزشمند اسلام بوده است که با کمترین عده و عده توانسته است در دنیای آن روز جهانگیر شود.

قرآن، باطل جلوه‌دادن حق و پرده‌پوشی آگاهانه حقایق را منع فرموده<sup>۲</sup> و به مسلمانان امر کرده است که افراد را با حکمت و پند نیکو به راه خداوند بخوانند و با آنان نیکو مناظره کنند؛<sup>۳</sup> و به بندگان که گفته‌های گوناگون را می‌شنوند و از بهترین تبعیت می‌کنند بشارت داده است.<sup>۴</sup> همین تأکیدات مکرر قرآنی و سیره عملی پیشوایان اسلام بود که ادب "استماع حق" را در مسلمانان اولیه پدید آورد.

وجود همین روحیه یکی از عوامل مهم پدید آمدن دوره "نهضت ترجمه" بود. دوره‌ای که بدون هیچ مانعی کتابهای بسیاری در فلسفه و حکمت به عربی برگردانده و به بحث گذاشته شد و زمینه‌ساز رشد علوم عقلی اسلامی شد. حتی اگر گمان عده‌ای از تحلیلگران را مبنی بر اهداف سیاسی ضد دینی یا ضد شیعی چنین نهضتی بپذیریم، نمی‌توانیم منکر آمادگی جامعه اسلامی آن روز برای پذیرش آن حرکت عظیم فرهنگی باشیم.

دیری نیاید که این تساهل و تسامح و گوهر آزادیگری اسلامی چنان با بحثهای فلسفی، کلامی، فقهی و سیاسی آمیخته شد که اخلاص مشکل آفرینی را در فهم مکتب و بحثهای بین مذاهب پدید آورد. گرچه این اخلاص به لحاظ حجم و چگونگی با آنچه در قرون میانه توسط کلیسایان پدید آمد قابل مقایسه نیست، اما همین مقدار نیز کاستی‌های فراوانی در

۱. علی بن ابی طالب (ع)، نهج البلاغه. ضبط نصح صبحی الصالح (بیروت): دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۹.

۲. قرآن کریم، بقره، ۴۲.

۳. قرآن کریم، نحل، ۱۲۵.

۴. قرآن کریم، زمر، ۱۷.

تعاطی افکار و رشد اندیشه پدید آورد.

تا آنجا که به بحث ما - سانسور کتاب - مربوط می شود، بسیاری از فرقه ها، گروهها و گرایشهای فکری، نوشته ها و کتابهای گروه دیگر را به جرم ارتداد و کفرورزی به آتش کشیدند یا با آب شستند.

در مجموعه ای متعلق به سده ۱۱ و ۱۲ هجری قمری به نمونه ای برمی خوریم که محمد تقی دانش پژوه آن را نقل کرده است:  
«ز صرافان یونانی دغل مستان که قلابند

ندارد نقدشان سکه ز دارالملک ایمانی

به نقل ثقات منقول است که ابوقرة الکندری کتابی به خدمت عبدالله مسعود رضی الله عنه آورد و گفت: این کتاب را در شام مطالعه کرده ام و لطایف آن در ضمیر من نهال اعجاب نشانده و غرایب نکالش به قبول خاطر ملتقی شده. عبدالله گفت: هلاک امم سالف به اتباع چنین کتابها و ترک کتاب الله بود. طشت و آب را طلب کرد و اجزای آن را مضمحل گردانید تا به حقیقت معلوم شود که مهاجرت کتابهای محرمة الانتفاع از اصول دین است و ارشاد راه یقین در اقتباس انوار مشکات کتاب الله العزیز و جوامع کلام نبوی مقصود و محصور است.

شیخ الاسلام قدس سره ذکر کرده که به امداد توفیق الهی کتاب ابن سینا که به شفا مترجم است و به حقیقت کتاب شفا است ده مجلد به اشارت خلیفه وقت الناصر لدین الله مغسول گردانیده. شکرالله تعالی سعیه.

و از آثار معجزات سید المرسلین و دلایل قوت روح خاتم النبیین علیه افضل صلوات المصلین آنکه در حدود سنه ستین و سبعمائه سلطان سعید مبارزالدین محمد بن مظفر یزدی در اطراف ممالک که حشر [عشر] ایالت او بود اعنی فارس و کرمان و یزد و صفاهان به بازوی تقویت دین و امداد عنایت از روضه مقدسه رحمة للعالمین کمابیش سه چهارهزار مجلد کتاب فلسفه در عرض یک دو سال به آب شست. مضمون "لیظهر علی الدین کله" همگان [همگان] را عیان گردد، و قل جاء الحق و زهق الباطل جهانیان

را محقق شود.<sup>۱</sup>

فلسفه‌ستیزی که عامل مهمی در هدم و نابودی مکتوبات علوم عقلی بوده است نخست به دست محمد غزالی به عنوان مبارزه بر ضد یونانی‌مآبی شایع شد و در سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری و بعد از آن وجهه سیاسی پیدا کرد. این تفکر موجب انهدام و تباهی انبوه نسخه‌های خطی شد. اغراض سیاسی بر شدت این ستیزگری می‌افزود.

«سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هجری که بر ری غلبه یافت، نسخه‌های کتابخانه آل بویه را - که درباره فلسفه و مذاهب مختلف مانند شیعه و معتزله و اهل نجوم بود - به آتش کشید و تعدادی از نسخ را که باقی مانده بود - به قولی صد بار شتر - به غزنین فرستاد. این کتابخانه اشمال داشت بر نسخه‌های کتابخانه ابوالفضل عمید، که فهرستش ده مجلد بود و کتابدارش ابوعلی مسکویه. پس از هدم و نابودی نسخه‌های کتابخانه مزبور، و گزارش کردن آن به خلیفه بغداد، سلطان محمود را از احیاگران سنت به شمار آوردند و در بزرگداشت او کوشیدند.»<sup>۲</sup>

در این تعصب ورزی‌ها مجموعه‌های شیعی بیشترین آسیب را دیده است. دارالعلم سابور در بغداد یکی دیگر از این نمونه‌هاست. در کتابخانه این مرکز علمی کتابهای نفیس و ارزشمندی گردآوری شده بود که مجموعه آن را بیش از ده هزار و چهارصد جلد تخمین زده‌اند. با آنکه توسط شیعیان اداره می‌شد در آن به روی همه دانشمندان، بدون وجود روحیه تعصب باز بود.<sup>۳</sup> اما همین انتساب به تشیع موجب شد که در سال ۴۵۱ هجری، که ورود طغرل بیک به خلیفه اعلام شد، سنیان که احساس قدرت کردند به محله شیعه نشین کرخ حمله کنند و دارالعلم را به آتش یکشند و غارت

۱. کتاب شویان، راهنمای کتاب (شماره ۸، زمستان ۱۳۴۴)، ص ۷۲.  
 ۲. نجیب مایل هروی، نقد و تصحیح متون (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹)، ص ۲۱۴-۲۱۵.  
 ۳. یوسف العث، کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین، سوریه و مصر)، ترجمه اسدالله علوی (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲)، ص ۱۳۷.

کنند!

این نگاههای تعصب‌آلود و برداشتهای مغرضانه زمینه نابودی و تغییر "اصل پیام" را در بسیاری از فرق اسلامی پدید آورد. چه بسا نسخه‌های معتبری که به علت مذهب مؤلف به دست اهل فرقه دیگری تغییر می‌یافت یا نابود می‌شد. حتی اندیشمندی مثل خواجه عبدالله انصاری چون مذهب اسماعیل پزشکی را نمی‌پسندید به قول نظامی عروضی «با او تعصب کردی و بارها قصد او کرد و کتب او بسوخت»<sup>۱</sup> یا ترکان حنفی هر کجا که از کتب این طایفه (شیعه امامیه) بود از کمال عناد بسوختند یا بشستند و آنها را از زمان بنی امیه و بنی عباس از مردم عالم پوشیده و پنهان داشتند.<sup>۲</sup>

فقه اهل تسنن یعنی مذاهب چهارگانه معروف کم و بیش تولدی حکومتی داشته و از ابتدا در خدمت قدرت قرار گرفته‌اند. نوع احکام آن مکاتب نیز هیچ گونه تعرضی را به حکومت بر نمی‌تابد و اجازه هیچ نگارشی را در امور دولتی نمی‌دهد. در متنی که متعلق به قرن هفتم هجری و نویسنده‌اش از فقهای شافعی مذهب است، ضمن آن که در حسبت واعظان به نظارت‌های لازم اشاره دارد در حسبت نامه‌نگاران می‌نویسد: آنان حق نوشتن نامه در امور دولتی را ندارند و فقط باید در امور عادی به نگارش پردازند.<sup>۳</sup>

به‌طور کلی سانسور و نظارت بر تألیف در این مذاهب در دو زمینه صورت گرفته است:

- سانسور و نظارت کلامی و سیاسی در زمینه عقاید

هرگونه تحقیق، اجتهاد، ابداع، تفکر و تعقلی که با عقاید کلامی و قالب‌های روایی و فقهی به رسمیت شناخته شده در تغایر بود، حرام تلقی می‌شد و جلوگیری از نقل و نشر آن و سوزاندن و انهدام کتابها واجب بود.

۱. یوسف العش، همان، ص ۱۳۸.

۲. نجیب مایل هروی، همان، ص ۲۱۷.

۳. همانجا.

۴. محمدبن محمد احمد القرشی، معالم القریه فی احکام الحسبه (کمبریج: مطبعة دارالفنون، ۱۹۳۷)، ص ۱۸۴.

اصلی که هنوز معتبر است.

- سانسور هرگونه جرح و انتقاد از بزرگان دین

انتقاد از سیره و شخصیت علمی، اخلاقی، سیاسی اصحاب، خلفاء، عالمان، فقها و مشایخ و ائمه مذاهب مستوجب کفر و مستلزم تعزیر و اجرای حد شرعی بود. تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از متکلمان، محدثان، مورخان و نویسندگان به علت تخطی از این سیره کشته شدند و آثارشان سوخته شده است.<sup>۱</sup>

برخورد با آزادی بیان و آزادی نشر در طول تاریخ اسلامی، تغییرات زیادی کرده است؛ حتی احکام کتاب نیز در گذر زمان و مکان دچار تحول شده است. در فقه جعفری نیز احکام این مسائل که تحت عنوان کتب ضاله مطرح شده است دگرگونی زیادی یافته است که به توضیح آن می‌پردازیم.

### کتابهای ضاله

از دیرباز حرمت کتابهای ضاله امری مسلم فرض شده و از بین فقها بجز صاحب حدائق الناضره کسی در حرمت آن تردید روا نداشته است.<sup>۲</sup> امام خمینی، حفظ، استنساخ، خواندن، درس گرفتن و درس دادن کتابهای ضلال را بدون داشتن هدف صحیح (قصد اشکال و ابطال) حرام دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در این باب سؤال این است که به چه کتابهایی ضاله گفته می‌شود؛ تعریف کتب ضاله چیست و تعلق حکم کدام است؛ یعنی این حرمت بر چه امری تعلق می‌یابد.

### تعریف کتابهای ضاله

فقیهان متقدم مفهوم "کتب ضاله" را روشن دانسته و به جعل حکم

۱. محمودرضا افتخارزاده، پیشینه تاریخی تألیف و...، ص ۱۶-۱۷.  
 ۲. محمدعلی سلطانی، "حکم فقهی کتب ضاله در گذر زمان"، آئینه پژوهش ۶ (سال ششم، بهمن و اسفند ۱۳۷۴)، ص ۳۰.  
 ۳. روح‌الله خمینی، تحریرالوسیله، جلد ۲ (تهران: مکتبه‌العلمیه الاسلامیه، ۱۴۰۸)، ص ۷-۸.

پرداخته‌اند. از قرن سیزدهم عده‌ای از فقیهان ضمن ارائه آرای خود به تعریف آن پرداخته‌اند. تعاریف آنان در عبارات ذیل قابل احصاء است:

۱. هر کتاب گمراه به معنای "غیر مفید"، کتاب ضاله است.
۲. هر کتابی که شامل باطل و دروغ باشد ضاله است، چه دارای مطالب خلاف عقیده و احکام باشد یا نباشد.
۳. هر کتابی که باعث گمراهی شود گرچه مطالب آن در واقع درست باشد ضاله است، نظیر پاره‌ای از مطالب کتابهای عرفانی که از دید عارفان مطالب آن صحیح است لکن برای مردم گمراه کننده است.
۴. هر کتابی که به انگیزه گمراه‌سازی و گول زدن توده مردم نوشته شده باشد و نیز هر آنچه از آثار گمراهی است چه به قصد گمراه‌سازی نوشته شده باشد یا به این قصد نوشته نشده باشد.
۵. هر کتابی که موجب فساد در عقیده دینی شود<sup>۱</sup>.

کاربرد این تعاریف برای تشخیص کتب ضلال از غیر ضلال یا به عبارت دیگر عملیاتی کردن این تعاریف کار بسیار مشکلی است. تباینهای مفهومی و همچنین به کارگیری مفاهیم ارزشی نامتعینی همچون "گمراه‌سازی"، "فساد عقیده"، "غیر مفید" و "باطل" که هر یک نیاز به تعریف جداگانه دارد این کاربرد را مشکلتر می‌کند. به همین علت است که در طول تاریخ و حتی در این زمان شاهد برخوردهای چندگانه‌ای در تعیین مصداق "کتب ضاله" بوده‌ایم.

زمانی مثنوی مولانا مصداق این مفهوم واقع می‌شد. زیرا عنوان می‌شد که صفحه‌ای از صفحات آن نیست «که اشعار به جبر یا وحدت موجود یا سقوط عبارات یا غیر آنها از اعتقادات فاسد نکرده باشد»<sup>۲</sup> در دوره دیگر کتاب شفا به شفا ملقب و تغسیل شد. و زمان دیگر فصوص و شروح آن، النفحات، الرشحات، الانسان کامل و ... به علت حکایات دروغ

۱. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۲۸-۲۹.

۲. محمدباقر مجلسی، عین الخیوة (تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، ۱۳۷۲ق.)، ص ۶۴۷.

و قضایای بی مفهوم مصداق قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup> این نگاه که ادامه همان فلسفه ستیزی و عرفان‌گریزی است که سابقاً از آن یاد کردیم حتی دامن بعضی بزرگان را نیز گرفته است. از امام خمینی نقل می‌شود: «در مدرسه فیضیه فرزند خردسال مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم». یا از ادامه تعلیقه‌هایی که علامه طباطبایی بر بحارالانوار می‌نگاشتند به علت مذاق فلسفی وی جلوگیری کردند.<sup>۲</sup> تصور نشود که این موج بعد از انقلاب اسلامی آرام گرفته است. همین تفکرات باعث شد که تفسیر سوره حمد امام خمینی که عده‌ای آن را «حقیقتاً روزنه‌ای جدید از جهان ناشناخته عرفان ناب بر روی مشتاقان معارف عالیه اسلام» می‌دانستند تعطیل شود.<sup>۳</sup>

عدم تعین و دقت تعاریف از یکسو و تحجر و غرض‌ورزی از سوی دیگر، همواره عامل سانسور وسیع مذهبی را فراهم آورده است. کتاب نظام حقوق زن در اسلام از سوی مقدسان حوزه علمیه مورد حمله واقع شد و حتی نگارش کتاب مسئله حجاب باعث شد نویسنده مصلح و محیی آن به «غرب‌زدگی» و «سنی‌گری» و «ترویج فساد اخلاق متهم شود». بعد از انقلاب نیز یکی از آثار ایشان با عنوان بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی<sup>۴</sup> مدتها مورد بحث و مناقشه بود.

حکایت حسینیة ارشاد نیز در دهه پنجاه و اتهام سنی و وهابی بودن علی شریعتی و ضاله بودن کتابهای او و داستان ضاله بودن کتاب شهید جاوید و تکفیر نویسنده آن نیز حدیثهای مکرری است که در این زمان هم با مفاهیم و مصادیق جدیدی رخ می‌نماید.

۱. جواد تهرانی، عارف و صوفی چه می‌گویند (تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۲)، ص ۳۲-۳۳.

۲. محمدباقر بهبودی، «مصاحبه»، حوزه (شماره ۷۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص ۱۹۰.

۳. ابوالفضل گرامی، «چرا تکفیر، چرا حذف؟»، جهان اسلام (شماره ۶۵، خرداد و تیر ۱۳۷۲)، ص ۱۳۵.

۴. همان، ص ۱۲۴.

۵. اطلاعات کتابشناختی کتاب چنین است: مرتضی مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی (تهران: انتشارات حکمت، ۱۴۰۳ق)

مسئله بعد متعلق حکم است؛ یعنی با این فرض که تشخیص دادیم کتابی ضاله است، آیا مثلاً نگهداری آن در کتابخانه‌های عمومی یا شخصی حرمت دارد یا آنکه خواندن و مطالعه آن حرام است؟ آیا آموختن و آموزش دادن آن روا نیست و ... که به اختصار به این موارد اشاره می‌کنیم.

### ۱. نگهداری کتب

همه فقیهان متقدم که قایل به حرمت کتب ضاله بوده‌اند، حفظ و نگهداری آن را هم حرام می‌دانستند. اما شیخ مرتضی انصاری با آنکه تصریح به حرمت حفظ کتب ضاله دارد، با تفسیر کتب ضاله به اضلال، زمینه لازم را در اختیار فقیهان قرارداد تا در حصول اضلال از راه حفظ کتب ضاله در کتابخانه‌ها دودل شوند. زیرا بر وجود کتب ضاله در کتابخانه عمومی و یا شخصی، مفسده‌ای مترتب نیست؛ به ویژه آنکه ممکن است در تلف کردن آن مفاسدی وجود داشته باشد.

افزون بر این، با از بین بردن نسخ موجود در کتابخانه، قطع ماده فساد که قویترین دلیل است تحقق نمی‌یابد. زیرا گسترش امکانات چاپ و تنوع ابزار اطلاع‌رسانی موجب شده است نظارت بر توزیع و نشر اطلاعات از بین برود و تلف کردن کتابهای حاوی مطالب ضاله، خود به ابزاری برای گسترش محتوای آن و اقبال مردم بدان تبدیل شود. از این رو اگر ملاک و مناط حرمت در کتابهای ضاله را اضلال آن بدانیم، قطعاً حفظ آن نمی‌تواند در جلوگیری از اضلال گامی مثبت باشد و در شرایطی ممکن است به تقویت اضلال منجر شود.

### ۲. نسخه برداری و نشر

حرمت نشر و چاپ کتابهای ضاله نظر دیگری در این زمینه است. «در صورتی که دلایل اقامه شده بر حرمت کتب ضاله تمام باشد و حکمت آن جلوگیری از گسترش گمراهی باشد، شمول آن بر نشر و توزیع جای بحث

۱. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۳۱.

ندارد. زیرا چاپ و نشر کتب ضاله زمینه لازم را برای گمراهی خوانندگان به وجود می‌آورد جز آنکه بگوییم اندیشه‌های گمراه‌کننده در چنین کتابهایی کم و بیش در ذهن بسیاری از افراد پیدا می‌شود و در صورتی که نشر پیدا کند، انگیزه خوبی برای دفاع مستدل و عقلانی از معارف اسلامی و پاسخگویی به شبهات، در بین نویسندگان و اندیشمندان متعهد ایجاد خواهد کرد. در دنیایی که از بین بردن اثر گمراهی از طریق پاسخگویی و روشنگری به مراتب آسانتر و رایجتر از، از بین بردن ماده فسادگشته است، عاقلانه‌ترین شیوه، مجوز نشر کتب ضاله و تشویق اندیشمندان به پاسخگویی است. جلوگیری از نشر کتب ضاله را باید به مواردی محدود کنیم که قطع ماده فساد جز از طریق جلوگیری از نشر مقدور نباشد.<sup>۱</sup>

شهید مطهری نیز با همین استنباط از کتب ضاله، این نوع کتابها را دو دسته می‌داند:

«یکی کتابهایی که ولو ضد دین، ضد اسلام و ضد خدا هستند ولی بر یک منطق و یک طرز تفکر خاص استوارند؛ یعنی واقعاً کسی به یک طرح و یک فکر خاص رسیده و با نوشتن کتاب، آن طرز فکر خود را عرضه می‌دارد. از این نمونه‌ها زیاد دیده می‌شود؛ یعنی هستند افرادی که بر ضد خدا، بر ضد اسلام، بر ضد پیغمبر حرف می‌زنند ولی در حرف خودشان صداقت دارند؛ یعنی این‌گونه فکر می‌کنند. به همین دلیل راه مبارزه با این گروه ارشاد است و هدایت و عرضه کردن منطق صحیح. ولی در نوع دوم کتابها مسئله این نیست. مسئله، مسئله دروغ و اغفال است... آیا، اگر جلو دروغ و اغفال را بگیریم مرتکب سانسور شده‌ایم.»<sup>۲</sup>

شهید باهنر نیز هنگام بحث درباره آزادی نشریات و مطبوعات عنوان کرد که «کسی می‌تواند یک نظریه الحادی را هم توضیح بدهد و منتشر کند اما یک وقت هست که دارد رویش تبلیغ می‌کند به طوری که دیگران را دارد

۱. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۳۲.

۲. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی (تهران: انتشارات صدرا، بی‌تا)، ص ۷۶-۷۷.

گمراه می‌سازد.» به زعم ایشان این دو حالت باید از هم تفکیک شوند.  
در اینجا لازم است به دو نکته توجه شود:

اولاً عملیاتی کردن این نظریات با توجه به مفاهیم ارزشی به کاررفته در آنها مثل "صداقت"، "دروغ"، "اغفال" و "گمراهی" بسیار مشکل می‌نماید. ثانیاً همه اندیشمندان دینی معاصر درباره کتب ضلال چنین نمی‌اندیشند. در مجلس تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این دو مبحث مطرح شده بود. در آن مجلس برای تأکید بر آزادی بیان متن ذیل پیشنهاد شده بود:

«بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی، در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده آزاد است و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی، فاش کردن اسرار نظامی، یا مخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت عمومی کشور، یا موجب گمراهی مردم باشد، ممنوع است.»<sup>۱</sup>  
در این زمینه دو دیدگاه مطرح شد. عده‌ای این متن را مبهم دانستند و معتقد بودند که ممکن است توسط دولتها مورد سوءاستفاده قرار گیرد و محدودیتهای نابجایی را اعمال کنند. برای مثال جمله "موجب گمراهی مردم باشد" ممکن است سوء تعبیر شود. «چه چیز می‌تواند موجب گمراهی مردم باشد؟ هرکس که چیزی می‌نویسد به نظر خودش در جهت روشن کردن مردم است. نمی‌گوید من دارم چیزی را برای گمراه کردن مردم می‌نویسم. شما یک چنین متنی را می‌نویسید، بعد می‌دهید دست دولتی و همیشه هم می‌گویید که احتمال دارد دولتهای نابابی بیایند. خوب احتمال نمی‌دهید آن دولت بیاید یک چنین متنی را بگیرد و هرچه مخالف میلش شد بگوید این باعث گمراهی مردم است.»<sup>۲</sup>

۱. حمید آیتی، آزادی عقیده و بیان به همراه دو نوشته حقوقی دیگر (تهران: فردوسی، ۱۳۷۳)، ص ۳۱.  
۲. "فهم دینی در آزمون قانون اساسی"، حوزه (شماره ششم، سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۳)، ص ۱۲۴-۱۲۵.  
۳. همانجا.

عده‌ای دیگر نه تنها متن پیشنهادی را کافی نمی‌دانستند بلکه با عنوان کردن مبحث کتب ضلال نظر دیگری را ارائه می‌دادند. آیت‌الله سبحانی در این زمینه اظهار داشتند: «ما واقعاً برای نشر کتب ضاله، خصوصاً کتابهایی که در ردّ خدا و ردّ این مسائل می‌نویسند، باید یک قانون رسا و گویا داشته باشیم تا این کتابها به این گستردگی همه جا را نگیرد. آیا آزادی بیان تا این حد هست؟ فرض کنید یک نفر در ردّ رسالت پیامبر اکرم (ص) در کمال ادب، در ردّ قرآن در کمال ادب، مطالبی بنویسد، آیا ما می‌توانیم اینها را تحت عنوان آزادی بیان و قلم به کشور اسلامی تجویز کنیم؟»<sup>۱</sup>

### ۳. آموزش کتب ضاله.

حرمت تعلیم و تعلم کتب ضاله را نخستین بار شهید اول در لعمه مطرح ساخت. به طور کلی همگان گمراه‌سازی از طریق آموزش را حرام می‌دانند و حتی کسانی که حفظ کتب ضاله را حرام نمی‌دانند، گمراه‌سازی از طریق آموزش را حرام می‌دانند.<sup>۲</sup> البته عنصر "گمراه‌سازی"، تعیین کننده است. شهید مطهری درباره یکی از استادان مارکسیست دانشکده که در کلاسها تبلیغ می‌کرده می‌نویسد: «من نامه‌ای به‌طور رسمی به دانشکده نوشتم... و توضیح دادم که به عقیده من لازم است در همین جا که دانشکده الهیات است، یک کرسی ماتریالیسم دیالکتیک تأسیس شود و یک استادی هم که وارد به این مسائل باشد و به ماتریالیسم دیالکتیک معتقد باشد، تدریس این درس را عهده‌دار شود. این طریق صحیح برخورد با این مسئله است و من با آن موافقم. اما این که فردی پنهانی و به صورت اغوا و اغفال بخواهد دانشجویان ساده و کم‌مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد و برایشان تبلیغ کند، این قابل قبول نیست.»<sup>۳</sup>

مسئله این نظر با توجه به عنصر "گمراه‌سازی" مطرح شده است؛ یعنی

۱. فهم دینی در قانون اساسی، همان، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۳۲.

۳. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب...، ص ۶۳-۶۴.

در تدریس صریح و آشکار مارکسیسم بدون فریبکاری زمینه‌ای برای "گمراه‌سازی" نمی‌بیند.

#### ۴. نگارش کتب ضاله

به لحاظ فقهی در صورتی که حفظ و نگهداری کتب ضاله محکوم به حرمت باشد، ایجاد و نگارش چنین کتابهایی به طریق اولی حرام خواهد بود. مگر آنکه بگوییم در مواردی ممکن است از مطلب حق و نوشته‌ای درست، اضلال به وجود آید یا ممکن است کتب ضلال موجب ره جستن به حق و درستی شوند. در این صورت باید بگوییم نگارش کتب ضاله در صورتی که اضلالی در خارج ایجاد نکند محکوم به حرمت نیست و کتب حق در صورتی که باعث گمراهی در خارج شود محکوم به حرمت خواهد بود. از این رو حرمت یا حلیت در مرحله نگارش کتاب مطرح نیست، بلکه در مقام عمل و اجرای محتویات کتاب و نتیجه به دست آمده از آن مفهوم پیدا می‌کند.

#### ۵. نابود نکردن کتاب ضلال

عده‌ای از فقیهان اتلاف کتابهای ضاله را یک تکلیف شرعی دانسته‌اند. ولی همه قایل به چنین نظری نیستند: «ادله‌ای که برای اثبات حکم اقامه شده است، در صورتی که بتواند حکمی را ثابت کند بیشتر از حرمت حفظ نخواهد بود و حرمت حفظ ملازم با وجوب اتلاف نیست و وجوب اتلاف نیازمند دلیل است که در مقام وجود ندارد. به ویژه آنکه در مواردی کتب نه به اعتبار محتوایش بلکه به اعتبار خواننده موجب اضلال می‌گردد؛ نظیر کتب عرفا و حکما که در موارد اضلال عامل مؤثر فهم خواننده است و گرنه خود نوشته عامل مؤثر و قوی در ایجاد گمراهی نیست و اگر اعتقاد به وجوب اتلاف داشته باشیم، باید حکم به اتلاف این قبیل کتب کنیم که بسیار بعید است.»<sup>۱</sup>

۱. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۳۲-۳۳.

عوامل بسیاری بر توسعه و تضییق حکم کتب ضاله مؤثر بوده است که اکنون به طور خلاصه به ذکر آنها می‌پردازیم:

#### ۱. وضعیت فرد

ممکن است خواندن و نگهداری کتابی برای کسی حرام و برای دیگری جایز یا واجب باشد. از علامه فضل‌الله در حکم دیدن فیلمهای مستهجن جنسی و تصویرهای مستهجن سؤال می‌کنند. پاسخ ایشان چنین است: حرمت دارد. اما در عین حال معتقدیم که این امر ممکن است استثناپذیر باشد زیرا برای بعضی انسانهای مبتلا به سردی جنسی که هم در زن و هم در مرد بروز دارد، نگاه کردن به این فیلمها موجب نجات زندگی از تباهی است. بنابراین در چنین مواردی مشاهده چنین صحنه‌هایی به عنوان دارو جهت درمان است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌آید مسئله اساسی، غلتیدن در گمراهی و فساد است، به ویژه در مسائل فکری و عقیدتی. هرچه دایره آگاهی و اطلاع مردم بیشتر شود و قدرت فکری و نیروی نقد آنان بالا رود، به همان اندازه دایره حکم کتب ضاله محدودتر می‌شود. روزی خواندن کتابهای آسمانی محرف یا آثار مخالفان مذهب ممکن بود موجب گمراهی شود. پس آنها را ضاله می‌دانستند. اکنون که سطح آگاهی جامعه اسلامی به حدی رسیده است که عملاً چنین هراسی نابجاست، بنابراین بعید است آن حکم باقی باشد. شاید به همین علت بود که صاحب جواهر نوشت: «بسیاری از کتب مخالفان و ملل فاسد در این روزگار به علت نقض و بی‌ارزش‌سازی آنها از سوی علما از عنوان ضلال خارج شده‌اند و به کتاب تلف شده می‌مانند. بنابراین اتلاف به معنی از بین بردن آنها واجب نیست؛ بلکه خرید و فروش و مزد گرفتن برای نوشتن آنها مانعی ندارد.»<sup>۲</sup>

۱. محمدحسین فضل‌الله. "ازدواج زودهنگام"، پیام زن (شماره ۶۹، آذر ۱۳۷۶)، ص ۵۶.

۲. محمدعلی سلطانی، همان، ص ۴۲.

اگر معتقد باشیم که «از طریق خواندن کتاب با توجه به وجود تنوع در کتابها و نشریات و سرعت نقد و رد نویسی کسی به گمراهی نمی‌افتد، می‌توان ادعا کرد که حکم کتب ضلال همچون موضوع بردگی از بین رفته است؛ مگر آنکه کسی در صحت چنین تصویری تردید بورزد» که البته بیشترین تردید در مورد کتابهای هرزه‌نگاری است.

## ۲. موضوع

تغییر موضوعها عامل دیگری است که در تحول حکم کتابهای ضاله نقش داشته است. زمانی کتابهای مسیحی و یهودی بیشترین عناوین کتابهای ضاله را تشکیل می‌دادند. با پیدایش فرقه‌های دینی و تشدید تخاصمات بین فرقه‌ای، این مسئله درون‌دینی شد و حکم کتابهای ضاله بر کتابهای سایر فرقه‌ها تسری یافت؛ و با مطرح شدن مقوله وحدت بین مسلمانان و بحث تقریب بین مذاهب، کتابهای آنان نیز از این شمول خارج شد.

## ۳. زمان

از آنجایی که حکم کتب ضاله به علت تصور فقها درباره تأثیر کتابهای ضاله در اضلال و فساد جامعه است و ظرفیت جامعه در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل مختلف تغییر می‌کند، بدیهی است که حکم متعلق به آن نیز تغییر پذیرد. اگر روزی به علت محدود بودن روابط فرهنگی بین مردم و شکاف در بین جوامع، چنین تصور می‌رفت که تحدید فساد از طریق از بین بردن ماده فساد امکان‌پذیر است؛ یا عوامل جغرافیایی جلو گسترش بی‌رویه آموزشهای فسادانگیز را می‌گرفت، در عصر حاضر نمی‌توان هیچ اندیشه و فکری را برای مدتی از دیگران مخفی داشت یا محتوای یک اثر را با از بین بردن آن نابود کرد. امروزه نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌توانند به راحتی محتوای کتابخانه‌ای را در خود جای دهند و از جایی به جای دیگر منتقل

سازند. امکاناتی که ماهواره در اختیار بشر قرار داده است، افزونتر از آن است که بتوان از انعکاس محتوای نوشته‌ای یا خبری در سطح جهانی پیشگیری کرد. بنابراین عامل زمان و زمانه به روشنی می‌تواند پدیده‌ی از بین بردن کتاب برای مبارزه با فساد را بی‌معنا کند و حتی آن را به عامل گسترش و تبلیغ فساد تبدیل سازد. از سوی دیگر، به علت درگیریهای طولانی مردم با نظامهای مستبد که برای تداوم حاکمیت خود از گسترش اندیشه‌های آزادی‌بخش ممانعت به عمل می‌آورند، انسانها به نوعی شرطی شده‌اند و هر اندیشه‌ای را که با آن برخورد حذفی شود، درست و قابل دفاع تلقی می‌کنند. در چنین شرایطی نه تنها بعید می‌نماید که طرح از بین بردن کتاب ضاله تأثیری در پیشگیری از فساد داشته باشد، بلکه به نوعی به ابزار تشویق جامعه برای روی آوردن به چنین نوشته‌هایی تبدیل خواهد شد. زمان همان گونه که می‌تواند در شیوه مبارزه با فساد تأثیر بگذارد، در تحول مفهوم فساد نیز می‌تواند نقش داشته باشد.

زمانی منسوخ بودن کتابی دلیل بر ضاله بودن آن کتاب به حساب می‌آید؛ در حالی که اکنون چنین نیست و از این کتابها در زمینه‌های مختلف می‌توان بهره گرفت؛ مثلاً روزگاری تورات و انجیل کتابهای باطل تلقی می‌شدند؛ در صورتی که امروزه به عنوان یکی از کتابهای مهم در مطالعات تاریخی ادیان و شاخه‌های گوناگون دین شناسی حتی بین مسلمانان قابل استفاده‌اند.

«تحقیقات عمیقی که امروزه در "مقارنه‌ی ادیان" انجام گرفته و می‌گیرد، کمک بسیاری به بازیافت جوهره و تعالیم اصیل ادیان می‌کند و اگر در عصر سیدکاظم طباطبایی یزدی، انجیل به خاطر کتمان بشارت پیامبر اکرم (ص)، از دید وی جزو کتب ضاله بود، در عصر حاضر از طرق دیگر از جمله از طریق یافتن مشابهت‌های کلی در تعالیم جوهری انجیل و قرآن، می‌توان تصدیقی جدی بر وحیانی بودن قرآن کریم ارائه کرد.»<sup>۱</sup>

۱. محمدعلی سلطانی؛ همان، ص ۴۳

## ۴. مکان

ممکن است کتابی در مکانی هیچ تأثیر منفی نداشته باشد، در حالی که در مکانی دیگر اثر منفی شدیدی داشته باشد. چاپ و نشر کتابهای ضد دینی و غیردینی در جامعه‌ای ناآشنا با معارف دینی مضر خواهد بود. با همین استدلال نظر شهید باهنر و شهید مطهری بر انتشار هر نوع کتاب الحادی به شرط صداقت و دوری از فریبندگی بود. «در جوامعی که دسترسی به اندیشمندان آسان است، طرح شبهات دینی ایراد کلی و دست کم ایراد پایدار به باورهای مردم وارد نمی‌کند.»<sup>۱</sup> همان گونه که به اختصار نقل شد حکم کتابهای ضاله تحت شرایط زمانی، مکانی و انسانی تغییر یافته، گاه مصادیق جابه جا شده و زمانی حکم آن تغییر کرده است عناوینی به آن افزوده شده و عناوینی از دایره حکم خارج شده است. طرح همین مباحث - توسعه و تضييق احکام - که اکنون در حوزه‌های علمیه به آن پرداخته می‌شود، نوعی عرفی شدن و عصری شدن مباحث دینی و دوری از مقدس پنداری احکام است. در خارج از حوزه فقه نیز به ویژه در چند دهه اخیر مباحث بسیار مهمی درباره آزادی عقیده و بیان از دیدگاه اسلام مطرح شده است. در این زمینه دو دیدگاه مرزی وجود دارد:

از یک سو عده‌ای همچون طنطاوی معتقدند آنچه امروز در اروپا "آزادی" خوانده می‌شود، مطابقت تام با عدل، حق، شورا و مساوات در اسلام دارد و از سوی دیگر افرادی مثل عبدالعزیز بدری حتی از به کارگیری اصطلاحات جدید نیز پرهیز دارند و معتقدند که حتی صفت اسلامی هم نمی‌تواند دموکراسی را تطهیر کند. به عقیده او اسلام فقط حقوق و محدودیتها یا مجازاتهایی به نام حدود می‌شناسد نه انواع و اقسام آزادی، و اصولاً در اسلام "حر" فقط در مقابل "عبد" معنا می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. محمد علی سلطانی، همان، ص ۴۳.

۲. د. سلیمان جازع الشمری، الصحافة والقانون فی العالم العربی و الولايات المتحدة (قاہرہ: الدار الدولیة للنشر و التوزیع، ۱۹۹۲)، ص ۴۳.

۳. حمید عنایت، اندیشه میاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی

علامه طباطبایی این موضوع را از دیدگاه حدود آزادی از نظر اسلام و غرب بررسی کرده و معتقد است که حریت به آن معنا که در تمدن جدید دیده می‌شود در اسلام وجود ندارد. «اما در مقابل، یک نوع حریت به انسان عطا کرده که دنیای وسیعی در برابر او گشوده می‌شود و آن آزادی از قید بندگی غیرخداست!، این آزادی اگر چه در یک جمله خلاصه می‌شود ولی پس از دقت و بررسی مشاهده خواهد شد که معنای دامنه‌داری دارد که بسیاری از قید و بندهایی را که در جهان متمدن امروز وجود دارد از پای بشر باز می‌کند؛ یعنی هر ملتی را از قید هر نوع استعمار و استعباد و سیادت سایر ملل آزاد ساخته و هر طبقه‌ای از طبقات اجتماع را از بند رقیت و بندگی سایر طبقات رها می‌کند و از این رو افراد و جامعه‌های قوی و ضعیف و نژادهای گوناگون را علی‌السویه از آزادی بهره‌مند ساخته است و این بزرگترین آزادی است که اسلام به بشر عطا نموده است.»<sup>۱</sup>

محمدباقر صدر نیز ضمن تقسیم آزادی به آزادی طبیعی و اجتماعی، آزادی طبیعی را عنصر ذاتی سرشت انسان دانسته و معتقد است که همه موجودات زنده با نسبت‌های مختلف از آن برخوردارند.

از دیدگاه وی آزادی اجتماعی توسط نظام اجتماعی اعطا می‌شود و «اجتماع آن را برای افراد خویش ضمانت می‌کند» و این آزادی اجتماعی «دارای یک مفهوم حقیقی و یک شکل ظاهری است»؛ یعنی آزادی ذاتی و آزادی صوری. «آزادی ذاتی قدرتی است که انسان از جامعه برای اقدام به عمل معین تحصیل می‌کند» و جامعه تمامی لوازم و شرایط آن را فراهم می‌آورد. اما در آزادی صوری افراد در ظاهر توان اجرای کاری را دارند؛ ولی در عمل هیچ‌گاه چنین امکانی برای آنان فراهم نمی‌آید.

صدر معتقد است اسلام آزادی اجتماعی ذاتی را برای انسانها تضمین کرده است و آزادی بیان، اصل شخصیت انسانی است.<sup>۲</sup>

(تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲)، ص ۲۴۰-۲۴۱

۱. محمدحسین طباطبایی، *فرازهایی از اسلام* (تهران: جهان‌آرا، ۱۳۵۵)، ص ۴۲-۴۴.

۲. محمدباقر صدر، *اقتصاد ما*، ترجمه محمدکاظم موسوی (بی‌تا، بی‌تا، ۱۳)، ص ۳۳۵-۳۳۹.

وجود این دیدگاههای متفاوت و متباین، زمینه را برای حکومتگران کشورهای اسلامی در جهت سوءاستفاده متناسب با آموزه‌هایشان فراهم آورده است. کلام حمید عنایت بسیار مستدل به نظر می‌رسد که:

«بی‌شک آشتی بین اسلام و دموکراسی خیلی آسانتر می‌بود اگر موضوعاتی که اسلام عقیده آزاد درباره آنها را اجازه نداده، محدود به سه اصل اساسی ... (وحدانیت خدا، نبوت محمد(ص) و باور به آخرت) بود. ولی در واقع همان‌طور که تجربه‌های حکومت‌های اسلامی در زمان ما نشان داده، موضوعات ممنوعه محدود به این موارد عالی نمی‌ماند؛ بلکه به مسائل بی‌اهمیت‌تر پیش پا افتاده‌ای که حاکمان تعداد و ماهیتش را معین می‌نمایند نیز تسری می‌یابد. در این شرایط حتی عدم توافقیهای کوچک با حکومت، می‌تواند نهایتاً معارض با آن اصول یا مخالف با اجماع مقدس قلمداد شود، تا چه رسد به حق انتقاد از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمده و مقاومت در برابر بی‌عدالتی.»<sup>۱</sup>

### سانسور و کتابداری

فعالیت‌های اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی، گردآوری، پردازش، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات است. رسالت این حوزه، تسهیل جریان اطلاعات، حفاظت از آزادی در تبادل آن و پدیدآوردن محیط مناسب برای دستیابی همگان به اطلاعات است و به همین مناسبت می‌تواند بیشترین نقش را در "اخلال‌آفرینی" یا "اخلال‌زدایی" فرایند ارتباط داشته باشد. با توجه به زمینه بحث این پژوهش (سانسور کتاب) امکان وقوع ممیزی را در مراحل مختلف فعالیت‌های یک کتابخانه بررسی می‌کنیم:

### سانسور در مرحله کتاب‌گزینی (گردآوری)

مسئولان کتابخانه و کتابداران در بسیاری از کتابخانه‌ها تصمیم‌گیرنده نهایی درباره ورود یک کتاب به مجموعه هستند. با توجه به محدودیت

۱. حمید عنایت، اندیشه‌های سیاسی در اسلام...، ص ۳۴۰.

امکانات و بودجه، مسلماً میزان خرید کتاب بی حد نیست و کتابدار باید چون "یک دروازه بان" به گزینش پردازد. بدیهی است انتخاب هر کتاب، عدم انتخاب کتاب دیگر را در پی خواهد داشت. مسئله مهم تشخیص مرز میان انتخاب و سانسور است که طی سالها موجب بحثهای زیادی شده است.

در سال ۱۹۵۴ مقاله‌ای با عنوان "انتخاب، نه سانسور" به این مهم پرداخته و عنوان کرده است که کتابداران سعی دارند انتخاب را که جنبه مثبتی دارد به خود نسبت دهند و سانسور را به دیگران. نویسنده در آن مقاله ضمن ایجاد خدشه در این باور سعی کرده است مرزبندی مناسبی را ارائه دهد. جالب است که او در ابتدای مقاله خود بیان می‌کند که عنوان مقاله او شاید این تصور را القا کند که او می‌خواهد بگوید: «من انتخاب می‌کنم و او سانسور می‌کند» و ۴۰ سال بعد نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان «آنها سانسور می‌کنند و من انتخاب می‌کنم» مجدداً همین بحث را مطرح کرده است.<sup>۱</sup>

طرح مکرر این بحث طی سالهای متمادی نشانگر آن است که هنوز کتابخانه‌ها به شدت با آن مواجه هستند. اصولاً هر انتخاب متضمن گزینشی اخلاقی و ارزشی است که شخصیت و نظام ارزشی حاکم بر گزینشگر بر آن تأثیر بسزایی دارد.<sup>۲</sup> اگر کتابدار صرفاً با تکیه بر ارزشهای خود و به علت مخالف بودن مطلبی با عقیده‌اش کتابی را رد کند، مسلماً ارتباط در آن کتابخانه دچار اخلال شده به سانسور تمایل یافته است.

همیشه این اخلال عمدی نیست. گاهی اقبال به یک رشته خاص، سانسوری ناخواسته را در یک مجموعه سبب می‌شود. شاهد بوده‌ایم که

۱. ستر اشایم، "انتخاب نه سانسور"، ترجمه کامران فانی، نامه انجمن کتابداران ایران ۴ (دوره ۴، ۱۳۵۰)، ص ۱۱-۱۴.

2. M. Pedrsen, "They Censor I Select", *Publisher's Weekly* (No. 2, Jan 1994), P. 34-36.

3. J.D. Schweinsburg, Professional Awareness of the Ethics of Selection, *Information Ethics* (No. 2, Fall 1995), P. 35

مثلاً تخصص و علاقه یک رئیس کتابخانه به تاریخ باعث می شود طی مدت محدودی مجموعه یکسویه شود و سمت و سوی تاریخی به خود بگیرد. مسلماً در این مدت مراجعان بسیاری از منابع مطلوبشان محروم مانده اند و در جریان اطلاع یابی آنان اخلاص رخ داده است.

یکی از توصیه های اساسی به کتابداران، پدید آوردن مجموعه ای متوازن با توجه به اهداف کتابخانه است که عملاً قضاوت های ارزشی و فردی آن را دچار مشکل می کند.<sup>۱</sup> راهکار مناسبی که برای ایجاد مجموعه متوازن و جلوگیری از سانسور پیشنهاد می کنند، تهیه خط مشی مدون و جامع برای انتخاب و تهیه کتاب است.<sup>۲</sup> البته تدوین خط مشی ها نیز به دور از تأثیر ارزشها و معتقدات تهیه کنندگان آن نیست،<sup>۳</sup> اما با توجه به اینکه تهیه خط مشی علی القاعده توسط گروه صورت می گیرد، از تأثیر علایق و سلیق فردی در انتخاب کتاب خواهد کاست و مجموعه متوازن تری را تضمین خواهد کرد.

هر قدر خط مشی دقیق تر و اجرایی تر تدوین شود و درحین کار نیز در آن تجدیدنظر شود مسلماً بیشتر می تواند از لغزیدن به ورطه سانسور جلوگیری کند.<sup>۴</sup> اما تجربه ثابت کرده است کتابدار و شخصیت وی بیشترین تأثیر را در روند تهیه و انتخاب دارد. اگر او شخصیت رشد یافته و بالغی داشته و تکثر اندیشه را به عنوان یک واقعیت پذیرفته باشد، نه از وجود کتاب مخالف نظر خود برآشفته می شود و نه سعی می کند مجموعه ای یکسویه و موافق نظر خود پدید آورد. او با نگاهی مثبت و پویا سعی در بهره گیری هر چه بیشتر از تمامی امکانات موجود دارد. از این رو در حد

1. A.D. Partt, "Are we really infallible at book selection?". *Library Journal* (No. 8, Nov 1995), P. 44.

2. Le Roy Charles Merritt, *Book Selection and Intellectual Freedom*, (New York: Wilson, 1970), P.24-32.

۳. علی محمد اقتداری، سازمان مدیریت: سیستم و رفتار سازمانی (تهران: مولوی، ۱۳۷۲)، ص ۷۵-۷۶.

4. Q.M. Buck, "Censorship of the Arts and Humanities in Libraries", *Reference Librarians* (No. 47, 1994), P. 124.

مقدورات خویش مجموعه‌ای غنی و همگن برای مراجعان فراهم می‌آورد. مرز میان انتخاب و سانسور نیز در همین برخورد مثبت قابل تبیین است. هدف از انتخاب، "اخلال‌زدایی" است. زیرا انتخاب بدون برنامه و هدف، مجموعه‌ای نامتجانس را پدید می‌آورد که به هیچ وجه پاسخگوی اهداف کتابخانه نخواهد بود. کتابدار با انتخاب کتاب سعی دارد مناسب‌ترین خدمت ممکن را به مراجعان ارائه دهد؛ در حالی که دید سانسورگر چنین نیست. او با نگاه منفی به موضوع می‌نگرد. برای انتخاب‌کننده مسئله مهم، یافتن دلایل است برای قبول کتاب. بر مبنای چنین اصل راهنمایی، او سخت به دنبال یافتن ارزشها و قدرت و برتری اثر است تا بدان وسیله بر ایرادهای کم اهمیت‌تر فایق آید. در حالی که برای سانسورگر مسئله مهم، یافتن دلایلی است بر ضد کتاب تا بدان وسیله آن را تحریم کند. همین اصل راهنما او را وامی‌دارد به دنبال ضعفها و ایرادها و امکان وجود سوءفهمها باشد. انتخاب‌گر مثبت‌گرا از خود می‌پرسد واکنش طبقه فهم کشورش در مقابل محتوای کتاب چه خواهد بود. ولی سانسورکننده همواره در فکر ترس‌آلود تأثیر محتوای آن کتاب بر قشر ضعیف و خردگریز و گنگ جامعه است.

#### سانسور در مرحله سازماندهی مواد (پردازش)

یکی از اهداف سازماندهی مواد، تسهیل دستیابی مراجعان به منابع موردنیازشان است. فهرستها و نمایه‌ها، با توجه به گستردگی منابع، تنها مدخل ورود به مجموعه کتابخانه است و هرگونه نقص و بی‌دقتی باعث می‌شود در روند اطلاعاتیابی اخلال حاصل شود.

اگر در یک فهرست تحلیلی، سرعنوانهای موضوعی متناسب با محتوای موضوعی و به تعداد کافی داده نشود و اگر در یک نمایه مقالات، توصیفگرها به طور دقیق و به تعداد موردنیاز به کار نرود، مسلماً مقدمات اخلال در مرحله بازیابی فراهم آمده است. هرچه فهرستنویس و نمایه‌ساز متخصص از وسعت معلومات و بلوغ اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و

نسبت به حساسیت کار خود بیشتر آگاه باشد، مسلماً نتیجه کار او مفیدتر خواهد بود. به راستی اگر فرد مغرضی بخواهد در مرحله نمایه‌سازی یا فهرست‌نویسی اخلال کند، - به ویژه وقتی امکان نظارتهای چندگانه وجود ندارد - با چه راهکاری می‌توان از آن جلوگیری کرد؟

متأسفانه ابزارهای موجود فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی بی‌نقص و خالی از اخلال نیست و به کارگیری آنها نیز بدون تغییر و انطباق‌های لازم موجب اخلال بیشتری می‌شود. تاکنون طرح‌های رده‌بندی دیویی و کتابخانه کنگره آمریکا در بسیاری از کتابخانه‌ها به کار گرفته شده است.

برای ویرایش ۱۹ دیویی چنین مقرر شده بود که با توجه به کاربرد و فروش زیاد آن در خارج از آمریکا نیازهای سایر کشورها نیز در نظر گرفته شود، اما عملاً کاستی‌های فراوانی دارد که کشورها مجبورند خود به گسترش رده‌های موردنیاز پردازند و بیشتر، نیازهای کتابخانه‌های آمریکا در آن لحاظ می‌شود. وضعیت رده‌بندی کنگره نیز همین‌گونه است. بیشترین انتقاد وارد بر آن قالب شدیداً غربی آن است، که به دلیل آن فهرست‌نویسان مجبورند مواد خود را در رده‌هایی قرار دهند که برای آنان در حکم تختخواب پروکروستس است و با نیازهای آنان همخوانی ندارد. «چگونه می‌توان به این طوح اعتراض نداشت که این چنین فاقد دانش اولیه است که برای تمام تاریخ افریقا همان قدر جا در نظر گرفته که برای کولیها؟... در آن تخصیص فضا به تاریخ نیجریه ۱/۹۹۹ فضای است که به کولیها اختصاص داده شده است که به شهادت تک‌نگاری‌های منتشره عملاً یک مقوله تهی است.»<sup>۲</sup>

در هر دو طرح کنگره و دیویی رگه‌هایی از "برجسته‌سازی" و

۱. جوتل، سی. دواونینگ، صدمین سال دیوئی، ترجمه محمود حقیقی ۳ (دوره نهم، پائیز ۱۳۵۵)، ص ۳۷۰.

۲. دیوید هینایگ، "سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره: آیا قتل از روی ترحم راه حل است؟" فصلنامه کتاب (دوره دوم، شماره ۱-۴، بهار تا زمستان ۱۳۷۰)، ص ۷۶-۷۷.

«اهمیت‌دهی» غیر معمول به بعضی از موضوعات و جریانها دیده می‌شود که می‌تواند موضوع تحقیق گسترده‌ای باشد. تأثیر باورداشتها و گرایشهای فکری پدیدآورندگان این طرحها غیر قابل انکار است. سخن هوشنگ ابرامی در این زمینه شنیدنی است:

«در هر دو طرح دیویی و کتابخانه کنگره که موضوعها براساس نظم شمارشی مرتب می‌شوند، سایه‌ای از نفوذ فکری طراحان که شاید بتوان به آن نام تعصب داد نمایان است؛ مثلاً در رده‌بندی دیویی، مذهب (۲۰۰) تحت تأثیر مذهب پروتستان و تاریخ (۹۰۰) تحت تأثیر گرایش انگلوساکسونی است؛ یا در رده‌بندی کنگره بیش از هرچیز به نیازهای ایالات متحده توجه شده است. مقایسه رده‌های D با رده‌های E-F این وضعیت را روشن می‌کند.»

به کارگیری درست و بجای این ابزارها و رعایت نیازها و معیارهای مربوط به هر جامعه می‌تواند در اخلاص زدایی نقش اساسی داشته باشد. ولی در این مرحله نیز تأثیرگذار نهایی کتابدار است. هر موضوع‌دهی نامناسب موجب عدم دسترسی درست به منبع خواهد بود و در این مرحله تجربیات، تخصص و دقت فهرستنویس است که نقش اول را دارد. در فهرست تحلیلی کتابها اگر به کتابی در باب محرّمات در اسلام موضوع «تابو» داده شود، به‌راستی چه کسی برای یافتن آن با اصطلاح «تابو» دنبال آن خواهد گشت. این امکان فقط در جامعه امریکا ممکن است محقق شود! در این مرحله عوامل دیگری مثل تأخیر آگاهانه در سازمان‌دهی، چیدن نادرست کتابها و کارت‌برگه‌ها و ... می‌تواند اخلاص‌زا باشد.

### سانسور در مرحله امانت

مراجعان کتابخانه بیشترین تماس را با این بخش دارند و اهداف

۱. هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش‌شناسی (تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶)، ص ۱۴۱.

۲. سرعنوانهای موضوعی فارسی، ویرایش دوم (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳)، ص ۲۴۰.

کتابخانه در این مرحله محقق می‌شود. وجود آیین نامه و خط مشی مدون و گویا در این مرحله نیز می‌تواند تا حد زیادی از سانسور جلوگیری کند.<sup>۱</sup> در این مرحله کتابداران با مشکلاتی مواجه‌اند و عکس‌العمل‌های مختلفی را در مقابل مسائل پیش‌آمده از خود نشان می‌دهند. امتناع از خرید منابعی که مراجعان خواهان آنند، وجین زودتر از موعد، نگهداری بعضی از کتابهای مسئله‌دار در اتاقی در بسته یا قفسه‌ای دور از دسترس، محدود ساختن امانت نسخه‌های خریداری شده فنون متداول سانسور آرامی است که توسط کتابداران اعمال می‌شود.<sup>۲</sup>

در پژوهشی که در ۹۰ کتابخانه با ۲۰۴ کتابدار در امریکا انجام شده، نتایج ذیل به دست آمده است:

۲/۳ پاسخگویان اشاره کرده بودند که اگر کتابی، خود یا نویسنده‌اش؛ مسئله‌ساز باشد، از خرید آن امتناع می‌کنند.<sup>۳</sup> گفته بودند که چنین کتابهایی را برای همیشه از قفسه‌ها برمی‌دارند.<sup>۴</sup> اظهار داشته بودند که پرهیزشان از انتشارات مسئله‌ساز از روی عادت است. فقط ۸ نفر از آزمودنیها گفته بودند که به طور نظام‌مند و با برنامه اقدام به سانسور می‌کنند.<sup>۵</sup>

عواملی که کتابداران را به محدودیت و حذف وامی دارد، اعتراضات و فشارهای افراد، گروهها و دولتهاست. البته ممکن است کتابدارانی هم صرفاً با تکیه بر عقاید فردی خویش اخلاقی پدید آورند.

گاهی دولتها از بعد سیاسی - اجتماعی با موضوع برخورد می‌کنند و دستور حذف بعضی کتابها را می‌دهند که می‌تواند بسیار مشکل‌ساز باشد و انجمنهای کتابداری نیز سعی کرده‌اند راهکارهای مناسب مقابله با این نوع سانسور را پدید آورند.<sup>۶</sup> اما گاهی افرادی که گمان می‌کنند به نوعی از وجود

1. "Censorproof Your Library", *School Library Journal* 12 (Vol. 40, Dec. 1994), P. 44.

2. Charles Morgan, "The Freedom to Read and Racial Problems", In: *Freedom of Inquiry* (Washington, D.C.: A.L.A. 1965), P. 34.

3. *Ibid*, P. 32.

۴. ر. ک. فرانچس د. سوزا، "ایفلا: نیروی پشتیبان آزادی بیان"، ترجمه فریبرز خسروی در گزیده مقالات ایفلا ۹۵ (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵)،

بعضی کتابها لطمه دیده‌اند شاکی می‌شوند و تقاضای حذف بعضی کتابها را می‌کنند.

یکی از کتابخانه‌های امریکا نامه‌ای از والدین دختر جوانی دریافت می‌کند که فرزندشان به اتفاق چهار دختر دیگر به طرز فجیعی به وسیله یک جنایتکار جنسی به قتل رسیده است. قاتل پس از دستگیری اعتراف می‌کند که تحت تأثیر آثار هرزه قرار داشته است. آنان درخواست می‌کنند که این کتابها از کتابخانه حذف شوند و می‌نویسند: «به قول ویل دورانت تمدنها با نظم آغاز می‌شوند؛ با آزادی رشد می‌کنند و با بی‌بندوباری و هرج و مرج می‌میرند. به حسب قاعده پاسخ این اعتراض، این است که اینها بهایی است که ما برای آزادی می‌پردازیم. اما آیا دموکراسی به معنای عدم احساس مسئولیت است؟» موارد بسیاری در این زمینه وجود دارد که بعضاً برای اقدام نهایی دادگاه دخالت کرده احکامی را صادر کرده است.

در بعضی موارد، میثاقهای بین‌المللی محدودیت‌هایی را اعلام داشته‌اند؛ مثل آثاری که مبلغ نژادپرستی و جنگ‌افروزی باشند یا موجب افزایش خشونت شوند. اما مسئله فقط به کتابهای هرزه و مشکل‌دار خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌توان از بعد دیگری نیز به آن نگریست. اگر یک دانش‌آموز ابتدایی کتابی را که به هیچ‌وجه در حد فهم او نیست و موجب تنفر او از کتاب می‌شود طلب کند، آیا کتابدار موظف است منفعلانه آن را به او تحویل دهد؟ آیا پرداختن زود هنگام به آثار و شاهکارهای جهانی موجب نمی‌شود که ارزش آنها به درستی شناخته نشود؟ یکی از نویسندگان نمونه جالبی را ذکر می‌کند:

«برادر کوچکم را سالها پیش از خواندن کتابی منع کردم. نه به خاطر اینکه واژه‌ها و وقایع آن بد بود؛ بلکه به این دلیل که خودم ارزش کتاب را درک کرده بودم و دلم می‌خواست برادرم در سن بالاتری آن را بخواند تا

ص ۱۳۵-۱۴۲.

۱. در این زمینه در منبع ذیل نمونه‌های درس‌آموزی نقل شده است:

Anderson Arthur James, *Problems in Intellectual Freedom and Censorship* (New York, R.R. Bowker, 1974)

بتواند زیباییهای آن را درک کند و او هم مثل من با کتاب رابطه برقرار کند و درست خواندن را تجربه کند. به نظر من زود خواندن آن موجب می‌شود نتواند چنان‌که باید از آن لذت ببرد.»

خواندن چیست؟ واقعاً خواندن چیست؟ چشم‌دوختن به واژه‌ها یا دریافت آنها و گردآوری‌شان در یک زمینه خاص؟<sup>۱</sup>

عده‌ای به سبب همین نکات بر این باورند که اعتقاد به این که دموکراسی مستلزم آن است که مطالعه کودکان را به خود آنان واگذاریم، دموکراسی نیست، بلکه آنارشسیسم و هرج و مرج است و این که کودکان از روندهای آنارشیستی رنج می‌برند تأسف آور است. همین مشکلات سبب شده است که گروهی قایل به نوعی سانسور حمایتگر و محافظ باشند و به‌ویژه لزوم آن را برای کتابهای کودک و بعضی کتابخانه‌ها، مثل کتابخانه‌های آموزشی ضروری بدانند. اما همچنان مسئله اساسی تشخیص مرز میان درست و نادرست در سانسور حمایتگر خواهد بود که باید با وضوح و دقت تمام به آن پرداخت و سعی کرد با رشد "تفکر نقاد" زمینه انتخابی رشد دهنده را در درون افراد پدید آورد.

در این مرحله ممکن است اخلاهای دیگری از خارج کتابخانه اعمال شود. در سپتامبر ۱۹۸۸ اف بی آی، کتابداران سراسر ایالات متحده امریکا را تحت فشار قرار داد تا اسامی و عادات مطالعاتی برخی مراجعان کتابخانه را که "دشمن ایالات متحده" پنداشته می‌شدند فاش سازند. در موردی که عوامل اف بی آی از نتیجه بازدیدشان از کتابخانه به علت عدم همکاری کتابدار ناراضی بودند از نوارهای صوتی و دوربینهای مخفی برای نظارت بر میزهای مرجع استفاده کردند. پیشینه‌های منتشرشده در ۱۹۸۹

1. Theodore Gill, "The Freedom to Read and Religious Problems". In: *Freedom of Inquiry* (Washington, D.C.: A.L.A 1965), P. 41.
2. Anderson Arthur James, *Problems in ...*, P. 66.
3. Protective Censorship
۴. علی‌اصغر سیدآبادی، "آیا میز کتاب کودک الزامی است؟"، همشهری (۱۵ مرداد ۱۳۷۷)، ص ۱۱.
5. Anderson Arthur James, *Problems in ...*, P. 185.

نشان می‌دهد که اف بی آی سوابق ۲۵۰ کتابدار و دیگر کسانی را که از این برنامه انتقاد می‌کردند تهیه کرده است. انجمن کتابداران امریکا به مخالفت با این برنامه برخاست. اما شواهدی در دست است که این برنامه دست کم در شهر نیویورک ادامه یافته است.<sup>۱</sup>

شبهه این اخلاص ممکن است برای هر کتابداری پدید آید. آگاهی وی نسبت به جامعه، وجدان کاری و تخصص او می‌تواند از این خسارتها بکاهد.

---

1. *Information Freedom and....*, P. 137-138.



"قلمی را که خدا در قرآن مجید بدان سوگند خورده  
نمی‌توان اسیر سلاسل و اغلال یک اداره مستبده کرد  
و مقید به قیود و نظارت مستبدین و ظالمین نمود.  
خداوند هیچ ملک و فرشته‌ای را نگماشته که پیش از  
وقت اعمال صادره از انسان را تفتیش کند تا چه رسد  
به موکل نمودن شیاطین"

میرزا جهانگیر صور اسرافیل

سرمقاله صور اسرافیل، ۱۰ خرداد ۱۲۸۱

## فصل سوم



## تاریخ سانسور

عده‌ای پدید آمدن سانسور را همزمان با اختراع و گسترش چاپ می‌دانند و معتقدند که سانسور وقتی معنا یافت که کتاب همچون یک رسانه جمعی به طور گسترده به کار گرفته شد و ایجاد خطر کرد. اما تاریخ نشان می‌دهد که سانسور به مفهوم اخلاقی در ارتباط و پیام در رسانه کتاب، از زمانهای بسیار دور مطرح بوده و برای تحدید و نظارت آن برنامه‌ریزی می‌شده است. پس بحث سانسور را اختصاراً در دو دوره قبل و بعد از اختراع چاپ بررسی می‌کنیم. تاریخ رسمی سانسور در ایران نیز جداگانه ارائه خواهد شد.

## تاریخ سانسور تا اختراع چاپ

در بخش فلسفه سانسور توضیح داده شد که بر اساس جهان‌بینی حاکم بر اندیشمندان روزگار باستان برای هر کس "تکلیف مقدر"ی معلوم شده بود که می‌بایست طبق آن رفتار و عمل می‌کرد و طبعاً هرگونه آزادی نیز در چهارچوب همان مقدرات معنا می‌یافت. مسلماً با این نگاه عده‌ای که قوه عاقله محسوب می‌شدند به جای دیگران که در چنین جایگاهی نبودند، می‌اندیشیدند و تصمیم می‌گرفتند و از انحرافات جلوگیری می‌کردند. حتی سنت آزادیگری موجود در آن دوران مانع نمی‌شد که عرصه کتاب و اندیشه

از محدودیت و تعرض به دور بماند.

در قرن پنجم پیش از میلاد در آتن، آناکساگوراس به اتهام بی‌دینی جریمه و تبعید و کتابهایش سوزانده شد. کتابهای پروتاگوراس نیز پس از آنکه وی به اتهام کفر از آتن فرار کرد سوزانده شد. لوی پید را نیز متهم به بی‌دینی کردند. معروفترین شهید آزادی بیان سقراط بود که در ۳۹۹ پیش از میلاد به اتهام بی‌دینی و نفی خدایان حکومتی و به فسادکشاندن جوانان به مرگ محکوم شد.<sup>۱</sup> وی در دادگاه خود را کاملاً بی‌گناه دانست و حتی اعلام داشت که تن به سکوت هم نخواهد داد: «ممکن است در میان شما یک نفر پیدا شود که بگوید ای سقراط! حال که چنین است پس خاموشی گزین و دست از اظهار عقاید و افکار خود بردار. ولی برای من خیلی مشکل است که بتوانم به شما بفهمانم که تن دادن به چنین کاری برای من مقدور نیست. چون اگر بگویم این خلاف اراده و خواست پروردگار است، شما باور نخواهید کرد و تصور می‌کنید که به راستی سخن نگفته‌ام و اگر بگویم بزرگ‌ترین نعمت در زندگی این است که انسان بتواند هر روز قدمی در راه حقیقت بردارد و خود و دیگران را از غفلت بیدار کند این را کمتر از سخن اولم باور خواهید کرد»؛<sup>۲</sup> و پس از استماع رأی دادگاه مبنی بر اعدام خود گفت: «شما مرا محکوم به مرگ کردید و من به زودی معدوم خواهم شد. ولی دشمنان من از جانب حقیقت محکوم به ننگ و بدنامی شده‌اند.»<sup>۳</sup>

افلاطون شاگرد سقراط قایل به سانسور بود و در جمهوریت خود اظهار داشت که هرآنچه را برای جوانان زیانبار باشد، مانع خواهد شد و افسانه‌ها و نمایشنامه‌هایی را که درباره‌ی خدایان سخنان خلاف حقیقت بگویند سانسور خواهد کرد.<sup>۴</sup> حماسه هومر از جمله آثاری بود که باید پاکسازی می‌شد.

1. Martha Boaz, *Ibid*, P. 328.

۲. محمدعلی جمال‌زاده، *آزادی و حیثیت انسانی* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸)، ص ۳۰۹-۳۱۰. به نقل از آپولوجیا افلاطون.

۳. همان، ص ۳۱۱.

4. Martha Boaz, *Ibid*, P. 929.

در روم نیز وضع همین منوال را داشت. با آنکه نگرش ویژه قوانین رومی به حقوق انسان در تاریخ جایگاهی ویژه دارد، اما زیربنای آن همان "تکلیف و تقدیر" بود. در آن جامعه افراد کمی از حقوق انسانی کامل برخوردار بودند. بردگان که اکثریت را تشکیل می‌دادند شخص به حساب نمی‌آمدند و از آنان با عنوان "انسانهای تهی از شخصیت و ویژگی انسانی" یاد می‌شد.<sup>۱</sup> همان‌گونه که در ریشه‌یابی سانسور عنوان شد، اصطلاح "سانسورگر" در آن جامعه برای اولین بار برای دو مأموری به کار رفت که اجازه داشتند در کلیه شئون زندگی افراد بازرسی کنند.<sup>۲</sup>

در عصر امپراتوری روم برعکس دوره جمهوری پیشین محال بود آثاری که مخالفی سیاسی در برداشت با اسم و امضای شخص همراه باشد، به ویژه اگر اثری امپراتور یا خانواده او را مورد حمله قرار می‌داد، نویسنده به مرگ محکوم و در صورت نیکبختی تبعید می‌شد.

سرنوشت سخنور پرآوازه، تیتوس لابینوس در این زمینه شاهد مناسبی است. او از طرفداران پرمپیوس بود و گرایش سیاسی خود را در نوشته‌ها و خطبه‌هایش پنهان نمی‌کرد، غافل از این که زمان جمهوری که در آن سخنوران اندیشه‌های سیاسی خود را آزادانه بیان می‌کردند به سر رسیده است. پس مصوبه مجلس سنای روم همچون آذرخشی فرود آمد و کتابهای وی را طعمه آتش ساخت و خود وی نیز خودکشی کرد. کتابهای کاسیوس سیفر نیز سوزانده و خودش به تبعید محکوم شد. در این دوران شک در محتوای یک کتاب کافی بود تا نویسنده را به دادگاه بکشانند. چنین موردی برای کرموتیوس کوردوس پیش آمد. او در یکی از کتابهایش کشتندگان امپراتور یولیانس را ستوده و آنان را رومیان اصیل دانسته بود. با آنکه او در مجلس سنا به دفاع از کتاب خویش برخاست، مجلس رأی به سوزاندن کتاب وی داد.

۱. عبدالهادی حائری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین (مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۴)، ص ۳۰.

۲. پلوتارک، همانجا.

در دورهٔ پایان این امپراتوری که به شدت با تضادها و کشمکشهای اجتماعی و ایدئولوژیکی همراه بود، سوزاندن کتابها و کتابخانه‌ها نمودی از جنگ دینی و سیاسی به شمار می‌آمد. در آغاز، کتابهای مسیحیان را می‌سوزاندند. ولی هنگامی که مسیحیان حکومت را به دست گرفتند، کتابهای بت‌پرستانه و به ویژه کتابهای بدعت‌گذاران را هیمة آتش ساختند.... در سال ۳۰۳ میلادی دیوکلتیانوس فرمان مشهور خود دال بر سوزاندن کتابهای مسیحیان را صادر کرد که در بسیاری از نقاط اجرا شد. هم او طی فرمان دیگری که قبلاً در سال ۲۹۷ صادر کرده بود دستور داد تمامی کتابهای مانویان و حتی رهبر آنان در آتش افکنده شود.<sup>۱</sup>

در سال ۳۸۰ امپراتور تئودوسیوس اول مسیحیت را مذهبی رسمی اعلام کرد و بسیاری از تنگناها برای مسیحیان پایان یافت و برای پیروان دیگر ادیان و عقاید آغاز شد. در سال ۴۴۵ تئودوسیوس دوم مقرر کرد که پاپ بالاترین قدرت در کلیساست و دولت باید برای اطاعت از پاپ اعمال قدرت کند که این شیوه بیش از هزار سال پایدار ماند.<sup>۲</sup>

در دورهٔ همین امپراتور، حکومتهای محلی و اسقفها و مؤمنان، بدون آن که در انتظار فرمان امپراتور باشند، کتابهای مانویان و نسطوریان و دیگران را می‌سوزاندند. سوزاندن کتاب در برابر کلیساها شیوه‌ای برای تصفیه حساب با این آیینها بود. متقابلاً آنان نیز در سرزمین تحت سلطه‌شان کتابهای مسیحیان را می‌سوزاندند.

در این مبارزات نمادگرایانه، فاجعه به سوزاندن چند نسخه کتاب پایان نیافت؛ بلکه سوزاندن کل کتابخانه‌ها هدف قرار گرفت. کتابخانهٔ انطاکیه به جرم داشتن کتابهای بت‌پرستانه سوزانده شد. ولی مشهورترین کتابخانه‌سوزی در اسکندریه رخ داد. در سال ۳۹۱ میلادی کتابخانهٔ عظیم اسکندریه با هدف نابودی آخرین باقیماندهٔ فرهنگ بت‌پرستی یونانی -

۱. الکساندر استیچویچ، کتاب در پویه تاریخ، ترجمهٔ حمیدرضا آذیر و حمیدرضا شیخی (مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۱۳۳-۱۳۸.  
2. Martha Boaz, *Ibid*, P. 330.

رومی مصر توسط فرستادگان امپراتور به آتش کشیده و کاملاً نابود شد.<sup>۱</sup> این واقعیت، خبر نابودی کتابخانه توسط مسلمانان در سده‌های بعد را بیشتر مخدوش می‌کند.

بحث اخلال در جریان اندیشه در روزگار باستان منحصر به یونان و روم نبود، در سایر نقاط نیز گاهی حرکت‌های نابودکننده‌ای رخ می‌داد. در سال ۲۱۳ پیش از میلاد چین چی هوانگ تی امپراتور چین توصیه‌ی رایزن بزرگ لی سوا را پذیرفت و دستور داد تمام کتابها و حتی تألیفات کنفوسیوس را بسوزانند. او کتابهای پزشکی، داروسازی و کشاورزی را از این دستور مستثنی کرد. به دستور او در یک روز چهارصد و شصت نویسنده را که جرئت کرده بودند برضد امپراتور قلم بزنند سوزاندند و عده‌ای دیگر را به ساخت دیوار چین گماردند.<sup>۲</sup> در ایران نیز با وجود روحیه‌ی آزادیگری که در آیین زردشت وجود داشت، در روزگار ساسانیان کسانی مدعی رهبری و پاسداری این کیش شدند که راه ستمگری و آزادی‌کشی را درپیش گرفتند. در این دوره روحانیان متعصب زردشتی هیچ دیانت دیگری را تحمل نمی‌کردند و با توجه به نفوذی که آنان بر دربار داشتند، پیروان سایر کیشها هیچ‌گاه در امان نبودند. مانویان و مزدکیان شکنجه و آزارشده‌گاهی به صورت گروهی اعدام می‌شدند. مانی به دستور بهرام اول، پادشاه ساسانی و دستیاری کرتیر، رهبر روحانی زردشت، زیر شکنجه در زندان درگذشت. سپس سر او را جدا و پوستش را پر از گاه کردند و بر دروازه‌های شهر آویختند تا درس عبرتی برای همگان شود.<sup>۳</sup> به نقل گیرشمن، مزدکیان نیز در زمان قباد پس از آنکه در مباحثه‌ای با روحانیان زردشتی و مسیحی مغلوب شدند، همگی قتل عام شدند و کتابهایشان سوزانده شد.<sup>۴</sup>

طی سده‌های میانه کتاب و کتابت در اروپا وضعیت بسیار اسفباری

۱. الکساندر استیچویچ، همان، ص ۱۴۱.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مشرق‌زمین گاهواره تمدن...، ص ۷۷۰.

۳. عبدالهادی حائری، همان، ص ۱۶-۱۷.

۴. رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۳۶۳.

یافت و آغاز دادگاههای تفتیش عقاید بر شدت آن افزود. در بخش سانسور دینی نمونه‌هایی ذکر شد که از تکرار آنها خودداری می‌شود. به طور کلی طی آن دوران مبارزه با کتابهای ممنوع و خطرناک به مراتب آسانتر از این مبارزه‌ها در عصر یونان و روم بود. در این دوره به ندرت می‌توان اندیشمندی را یافت که اثری مغایر با آموزه‌های رسمی کلیسا آفریده باشد و مورد مؤاخذه قرار نگرفته باشد. با سیطره بیشتر کلیسا، این سخت‌گیری‌ها، هرچه به پایان این دوره نزدیک می‌شویم، شدیدتر می‌شود تا اینکه کاملاً بر تولید کتاب استیلا می‌یابد.

تلمود، کتاب مقدس یهود بارها ممنوع و به آتش کشیده شد. ترجمه کتاب مقدس به زبانهای ملی ممنوع بود و حتی در برخی موارد در اختیار داشتن این ترجمه‌ها نیز جرم محسوب می‌شد. در سال ۱۲۹۹ کلیسای تولز قراری صادر کرد که بر اساس آن کسی حق نداشت متون عهدین را در اختیار داشته باشد؛ در این میان سفر مزامیر را استثنا کرده بودند. همین ممنوعیت بعدها در انگلستان، اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی اعمال شد.

در سرزمینهای اسلامی آن دوران نیز اختناق در بیشتر زمانها در حکومت امویان و عباسیان، در حد اعلای خود بود. شکنجه و آزار مخالفان، شمع آجین کردن و دهان را از سرب گداخته پرکردن، جزای کسانی بود که در مخالفت با عقاید رایج و سیاست غالب یا سخنی بر زبان آورده یا مطلبی نوشته بودند.

همان گونه که قبلاً نقل شد فقط در سال ۳۱۱ هجری در بغداد چهار عدل کتاب زندیقان به آتش کشیده شد.

### تاریخ سانسور پس از اختراع چاپ

چاپ با صفحات یکپارچه حداقل از قرن ششم در چین سابقه داشته است. این نوع چاپ در ژاپن و کره نیز متداول شد. اما خبری از آن به غرب

۱. رومن گیرشمن، همان، ص ۲۳۵-۲۳۷.

۲. آدام متز، همان، ص ۲۰۵.

نرسیده بود و به هر دلیل استفاده از آن گسترش نیافت. در پایان سده‌های میانه به کارگیری باروت در سلاح‌های آتشین که "اختراع شیطانی" لقب گرفت، با "اختراع رحمانی" چاپ جبران شد؛ اختراعی که به زعم بسیاری موجب ظهور و گسترش اومانیسیم (انسان‌گرایی) شد و پایه‌های تسلط کلیسا را ویران ساخت. تا قبل از اختراع و گسترش چاپ، تنها راه تکثیر کتاب، استنساخ بود. این کار حتی در بلاد مسلمانان که در آن کاغذ به وفور و ارزان یافت می‌شد، بسیار گران بود. ابن هیثم پایه‌گذار علم بینایی<sup>۱</sup> برای رونویسی یک جلد کتاب اقلیدس هفتاد و پنج درهم دریافت می‌کرد که با آن شش ماه زندگی می‌کرد.<sup>۲</sup> این وضعیت موجب می‌شد قیمت یک کتاب به حدی گران شود که صرفاً طبقه خاصی بتواند از آن استفاده کند. صرفنظر از بعضی از سرزمینهای اسلامی که در آن دارالعلم‌ها و دارالحکمه‌ها زمینه استفاده عموم را از کتاب فراهم می‌آوردند، در مغرب زمین کتاب چنان شیئی قیمتی و کمیابی بود که نادر کتابهای موجود در کلیسا را برای محفوظ ماندن با زنجیر به میز می‌بستند. بهای یک کتاب عادی در آن دوران بین ۱۶۰ تا ۲۰۰ دلار به نرخ پول آمریکا در سال ۱۹۴۹ برآورد شده است.<sup>۳</sup> همین گرانی کتاب زمینه بیسوادی کم‌سابقه‌ای را در غرب فراهم آورده بود.<sup>۴</sup> در این وضعیت پیدایش ابزارهای که بتواند کلام مکتوب را به سرعت و ارزان در دسترس همگان قرار دهد، می‌توانست موجب تحولات عظیم و

۱. جورج سارتون، همان، ص ۱۶۷.

۲. ورون ل. سولیه، ادبیات رنسانس، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب (تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۹)، ص ۲۵.

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، کارنامه اسلام (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۴۰.

#### 4. Optic

۵. زیگفرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱)، ص ۲۸۰.

۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۴، ترجمه ابوالقاسم طاهری (تهران: اقبال، ۱۳۴۳)، ص ۱۲۹.

۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲۰، ترجمه پرویز مرزبان (تهران: اقبال، ۱۳۴۵)، ص ۲۵۷.

تعیین‌کننده باشد و آغازگر دوره‌ای از تاریخ شود که مک لوهان آن را کهکشان گوتنبرگ نام نهاد. متأسفانه این اختراع در بسیاری از کشورهای جنوب با تأخیری چند صد ساله به کارگرفته شد.

با پدید آمدن چاپخانه‌های جدید و گسترش روزافزون کتاب، کلیسایان حلقهٔ محدودیت کتاب و کتابت را تنگتر کردند. سرعت گسترش چاپخانه به حدی بود که مقامات را به وحشت انداخته بود. اولین کتاب چاپ گوتنبرگ، انجیل معروف ۴۲ سطری بود که در سال ۱۴۵۰ چاپ شد. از آن پس این فن به سرعت در اروپا گسترش یافت. اولین چاپخانه در پاریس در سال ۱۴۷۰ و در لیون در سال ۱۴۷۳ دایر شد. دیری نپایید که لیون کانون تجارت شد و ۲۰۰ مؤسسهٔ چاپ در آن به کار مشغول بودند. در همین شهر بود که دوله اتین را که چاپخانه‌داری انسان‌گرا بود به علت انتشار آثار مغایر با شئون کلیسا محاکمه کردند و در سوم اوت ۱۵۴۶ زنده در آتش سوزاندند.<sup>۱</sup> طی پنجاه سال نخستین پس از اختراع چاپ ۸ میلیون کتاب چاپ شد که برابر با همهٔ دست‌نوشته‌های قرون وسطی بود.<sup>۲</sup>

نگرانی فزایندهٔ کلیسا و حکومت‌های وقت موجب شد منشورها و فرمانهای پایی به منظور ایجاد محدودیت در کار چاپ و انتشار کتابها به سرعت گسترش یابد و چاپگران نیز هر روز خود را با کمیته‌های سانسور و دادگاههای ویژه رو به رو ببینند.

برای گریز از خطرهایی که نشر گسترده برای کلیسا و حکومت پدید آورده بود، تدابیری اندیشیدند و چندین سده با شدت و ضعف آنها را به کارگرفتند که ذیلاً آنها را برمی‌شمریم:

#### ۱. سانسور پیش از انتشار

سراسقف برتولت فون هنبرگ<sup>۳</sup> نخستین کسی بود که در سال ۱۴۸۵ م. در

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۲۰، ص ۲۵۴.

2. Jesse H. Shera, *The Foundation of Education for Librarianship* (New York: John Wiley & Sons, 1972), P. 93.

3. Berthold Vonhenneberg

مانیتس سانسور پیش از انتشار را متداول ساخت. این شیوه به شدت مورد پسند مقامات حکومتی و کلیسایی واقع و به طور گسترده به کار گرفته شد. حکومتگران، فرمانروایان و رؤسای شوراها شهر طی سالهای طولانی تصمیمات و منشورهای فراوانی صادر کردند و هیئتهای زیادی پدید آوردند که وظیفه مطالعه کتاب پیش از ارسال برای چاپ را به عهده داشتند. این هیئتها چنانچه مطلب مخالف دین، مصالح حکومت و اخلاق عمومی در کتاب نمی یافتند، اجازه چاپ صادر می کردند و این اجازه نامه ها نویسندگان و ناشران را از گزندهای احتمالی درامان می داشت. آنان معمولاً نظر هیئت را که مثلاً عبارت "منعی ندارد" بود در کتاب نیز چاپ می کردند؛ رسمی که هنوز برای بسیاری از کتابهای دینی در کشورهای کاتولیک برجای مانده است.

سخت گیری این هیئتها به ویژه در سده هیجدهم به حدی رسید که اکثر نویسندگان به خودسانسوری رو آوردند و برای پیشگیری از عواقب و دردسرها متون مشکل ساز را تألیف نمی کردند. اما کسانی چون ولتر و روسو نیز بودند که زیر بار سانسور نمی رفتند و زندان، تبعید، مصادره کتاب و بسیاری از شکنجه ها را تحمل می کردند.

## ۲. فهرست کتابهای ممنوع

با اینکه تدبیر سانسور پیش از چاپ در بسیاری از موارد موفق بود، چاپخانه ها و ناشران زیادی بودند که کتابهای ممنوع را چاپ و منتشر می کردند. این اقدام، کلیسا را واداشت که "کتابهای خطرناک" را به اطلاع مؤمنان و شهروندان برساند تا آنان از خرید، امانت و مطالعه آنها خودداری کنند و نیز کسانی را که این محدودیتها را نادیده می گرفتند به کیفر برساند. در نیمه نخست سده شانزدهم که اشاعه کتابهای لوتر و سایر ناهمخوانان با حکومت و کلیسا گسترش یافت، حکومتگران، دانشگاهها و رؤسای شوراها شهر با توجه به عقاید و منافع خود دست به انتشار کتابهای ممنوع زدند. گاهی پیش می آمد که یک کتاب در یک شهر ممنوع و

در شهر دیگر آزاد اعلام می‌شد.

در انگلستان هنری هشتم همزمان بر حکومت و کلیسا مسلط شد. او لوتر و لوتریان و آثار آنان را بسیار خطرناک می‌دانست. در اولین فهرست کتابهای ممنوعی که در ۱۵۲۶م. منتشر ساخت و شامل هجده کتاب بود، پنج کتاب لوتر به چشم می‌خورد. سه سال بعد فهرستی با هشتاد و پنج عنوان منتشر کرد که شامل بیست و دو کتاب از لوتر بود. او مجموعاً هجده فهرست کتابهای ممنوع منتشر ساخت؛ و فقط به انتشار فهرست بسنده نکرد، بلکه کتابهای بسیاری را سوزاند و حتی دستور قتل سر توماس مور نویسنده و شخصیت برجسته ادبی و دینی را که از پذیرش حکومت مطلقه شاه بردین امتناع کرده بود صادر کرد.

حاکمان بعد از هنری هشتم نیز سعی کردند سیره او را در این زمینه دنبال کنند. ادوارد ششم کاتولیکها را به محاکمه کشاند و ماری، پروتستانها و انگلیکنها را تقبیح کرد و افرادی چون اسقف اعظم کانتربری و اسقف ورچستر را در آتش سوزاند!

نقص اساسی اقدامات تحدیدآمیز حکومتها در انتشار فهرست کتابهای ممنوع این بود که فقط در حوزه فرمانروایی آنان جاری بود و برای دیگر ممالک الزامی را پدید نمی‌آورد. تنها نهادی که تا حد زیادی این توانایی فرامرزی را داشت کلیسای رم بود. از این رو در سال ۱۵۵۷ نخستین فهرست کتابهای ممنوع، معروف به "فهرست رم" که دستگاه تفتیش عقاید رم آن را تهیه کرده بود، منتشر شد.

این فهرست در سالهای بعد تجدید نظر و تکمیل شد. هیئت ویژه‌ای از کاردینالها برای رسیدگی به این فهرست تشکیل شد که تا سال ۱۹۱۷م. که وظیفه‌اش به شورای دیگری محول شد، به کار خود ادامه داد. اعضای این هیئت با اهتمام به پیگیری کتابها می‌پرداختند و بر حسب قرائت کلیسا در هر دوره کتابهایی را به فهرست می‌افزودند یا از آن می‌کاستند. این فهرست از زمان نخستین چاپ در ۱۵۵۷ تا آخرین چاپ در سال ۱۹۴۸ چهل بار

تجدید چاپ شد.

در این فهرستها آثار گوناگون و بسیار متفاوت و بعضاً متضادی به چشم می‌خورد.

از آثار مخالفان سرشناس کاتولیکها، ملحدان مشهور، لوتریان، نویسندگان اخترگویی، فیلسوفان و ادیبان گرفته تا رسالات فونتنی و داستانهای منظوم لافونتن که توجیه بعضی از آنان با معیارهای آن زمان بسیار مشکل می‌نماید؛ همچنین آثار بزرگانی چون رابله، دکارت، بالزاک، پاسکال، جان لاک، دانیل دیگوس، آثار اصحاب دائرةالمعارف مثل مونتسکیو، ولتر، روسو، دیدرو و هزاران نفر دیگر در این فهرستها به چشم می‌خورد.

فهرست رم فقط منع‌کننده نبود، بلکه بسیاری را وامی داشت تا در پی یافتن کتابهای ممنوع باشند. ضرب‌المثلی بود که می‌گفت: «آنچه رم ممنوع می‌کند خواندنی است.»<sup>۱</sup>

### ۳. کتابسوزان

در سده‌های میانه با توجه به قلت تعداد نسخه‌ها، برای نابودی کتابها از آتش، کمتر استفاده می‌شد. اما ظهور چاپ و گسترش کتابهای مخالف نظر حکومتگران و کلیسایان از یکسو و بی‌اثر شدن تدابیری مثل سانسور پیش از انتشار و پس از انتشار و فهرست کتابهای ممنوع از سوی دیگر، سبب شد به نابودی نسخه‌های کتاب روآورند. در بعضی از موارد حتی یک نسخه را نیز باقی نگذاشتند.

در ۱۵۲۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه پاریس آثار لوتر به آتش کشیده شد و کتاب عهد جدیدی را که لوتری مذهب انگلیسی، ویلیام تیندال<sup>۲</sup> به انگلیسی ترجمه کرده بود سوزاندند و از شش هزار نسخه آن یک نسخه باقی نماند. در سال ۱۵۳۶ مترجم نیز چون کتابهایش به آتش سپرده شد.

۱. الکساندر استیجویچ، همان، ص ۵۰۴-۵۰۹.

2. William Tyndal

لوتریان نیز به نوبه خود با نابود کردن کتابهای کاتولیکی مقابله به مثل کردند. در بحبوحه جنگ دهقانی آلمان در سال ۱۵۲۹، لوتریان با به آتش کشیدن کتابفروشیها نفرت خود را از کلیسای کاتولیک ابراز داشتند. در کتابخانه‌های شهر آشوب‌زده بسیاری از کتابها پاره و در آب ریخته شد یا کیلویی به فروش رسید! بعدها در بسیاری از کتابخانه‌های دیرهای فرانسه این واقعه تکرار شد. کالون در تفتیش عقاید از کلیسای رم از لوتری‌مسلمان معروف نیز سخت‌گیرتر بود که رفتار وی را دربارهٔ سروه نقل کردیم. قابل ذکر است که گاهی با مواردی رو به رو می‌شویم که نشان می‌دهد برخورد کلیسا تسامح‌آمیز بوده است:

در سال ۱۵۷۳ پائولو ورونز<sup>۱</sup> به خاطر ترسیم تابلوی نقاشی با عنوان "شام آخر در خانه شمعون" بدعت‌گذار خوانده شد و به دادگاه تفتیش عقاید احضار شد. او در جلسه دادگاه درخواست کرد پروانه کارش لغو نشود و سه ماه به او فرصت داده شود تا تغییراتی در تابلو ایجاد کند. بعد از سه ماه فقط عنوان تابلو را به "جشن در خانه لوی" تغییر داد و همین تغییر نام، دادگاه را راضی کرد.<sup>۲</sup>

حکومتگران نیز چون کلیسایان از آتش برای تحدید آثار بهره می‌گرفتند. در سال ۱۶۵۲ نسخه‌های دفاع از ملت انگلیکان اثر جان میلتن به دلایل سیاسی در فرانسه طعمه حریق شد و در سال ۱۶۶۰ نسخه‌هایی از دیوان او در انگلستان به همان سرنوشت گرفتار آمد.

در سال ۱۷۶۲ به فرمان مجلس فرانسه کتاب مشهور و تربیتی امیل آشکارا در پاریس آتش زده شد. همین مجلس در ۱۷۷۴ فرمان سوزاندن یادداشتهای بومارشه را با دلیل خدشه وارد کردن به قدرت حکومت صادر کرد. کتاب نامه‌های ولایتی پاسکال و بسیاری از نوشته‌های ولتر نیز بنا به

۱. سوند دال، تاریخ کتاب، ترجمه محمدعلی خاکساری (مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۲۱۳.

2. Verones

3. The Dictionary of Art, *Ibid*, P. 175.

دلایل متفاوت به آتش کشیده شد.<sup>۱</sup>

واقعیت این است که در دورهٔ میان عصر نوزایی تا انقلاب فرانسه همهٔ حرکت‌های اجتماعی، عقیدتی، سیاسی و فرهنگی قدرت نفوذ خود را در کلام مکتوب می‌یافتند. شاید در هیچ دوره‌ای، کتاب تا به این پایه در روند رخداد‌های تاریخی مؤثر نبوده است و به علت همین تأثیر تعیین‌کننده کتاب در آن ایام بود که به شدت از سوی حکومتگران تحدید می‌شد. عده‌ای نیز با نثار جان و مال خود توانستند با بهره‌گیری از همین رسانه حرکت‌هایی بنیادی را آغاز کنند.

با وقوع انقلاب فرانسه آهسته، آهسته آزادی بیان و نشر حقی از حقوق اساسی انسان شناخته شد و در قانون اساسی بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار گرفت. این تحولات که با کاهش نفوذ کلیسا آغاز شد، تشکیل حکومت‌های دموکراتیک را در پی داشت که موجب شد نظارت بر نشر به قانونمندی بگراید و از محدودیت‌های آن کاسته شود. البته این کاهش محدودیت‌ها با نشیب و فرازهای بسیاری همراه بوده است که چند نمونه آن ذکر می‌شود:

با شروع آزادی نشر یکی از بحث‌انگیزترین مسائل، نشر هرزه‌نگاری‌ها و صور قبیح بوده است که حتی امروزه نیز سبب بحث‌های زیادی می‌شود. در ۱۷۴۹ کتابی با عنوان فانی هیل<sup>۲</sup> یا خاطرات یک بانوی خوشگذران اثر جان کیلند اسکاتلندی منتشر شد. چند سال بعد یک انگلیسی را به خاطر فروش این رمان به مجازات با قاپوق محکوم کردند؛ یعنی کننده چوبی بر دست و گردنش نهادند و در انظار عمومی رسوایش کردند. وقیح‌نگاری‌های این کتاب با آنکه محتاطانه نگارش یافته بود به حدی بود که تا دو‌یست سال فروشندگان کتاب در دو سوی اقیانوس اطلس جرئت نگهداری آن را نداشتند. سرانجام در سال ۱۹۶۳ پس از گذشت بیش از دو قرن، این کتاب منتشر شد و چون نشر آن مورد اعتراض قرار گرفت، دادگاه

۱. الکساندر استیویج، همان، ص ۵۱۳-۵۱۴.

بوستون نشر آن را محکوم و دادگاه عالی ماساچوست نیز رأی دادگاه بوستون را تأیید کرد. اما سرانجام در سال ۱۹۶۶ دادگاه عالی امریکا با شش رأی در برابر سه رأی آن رأی را نقض کرد.<sup>۱</sup> اصولاً در ایالات متحده امریکا دو قانون از تصویب کنگره گذشته که بر آثار چاپی اثرگذار بوده است. یکی از این قوانین، قانون مربوط به واردات کتاب است که بر اساس آن کارکنان گمرک از ورود آثار کلاسیک نویسندگانی چون ولتر، روسو و بوکاچیو به کشور جلوگیری می‌کردند. در ۱۹۳۰ این قانون اصلاح و ورود آثار کلاسیک و کتابهایی که ارزش علمی و ادبی داشتند بلامانع اعلام شد.

قانون دیگر مربوط به کتابهای مستهجن بود که با تلاش آنتونی کومستاک در ۱۸۷۳ به کنگره رفت و در کمتر از یک ساعت تصویب شد و به امضای گرانت رئیس جمهور وقت امریکا رسید و تاکنون نیز لغو نشده است.<sup>۲</sup>

پس از تصویب این قانون و انتصاب کامستاک به سمت دبیر جمعیت جلوگیری از فساد ایالت نیویورک، اجازه دستگیری افراد نیز به وی داده شد. او با استفاده از این مقام به تعقیب و مجازات توزیع‌کنندگان کتابهای غیرمجاز و نویسندگان آثار مربوط به پیشگیری از آبتنی پرداخت. این دستگیریه‌ها و یورشها فقط شامل آثاری مثل *فانهیل* یا *ترک شهوت‌انگیز* که وقیحانه بودنشان تقریباً مورد اتفاق نظر بود نمی‌شد، بلکه بسیاری از آثار کلاسیک را نیز در بر می‌گرفت. در سالهای آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، آثار ادبی نویسندگان برجسته مورد حمله قرار گرفت. در ۱۸۹۰ سونات کروتیزر لئو تولستوی که به شدت به بی‌بندوباریهای اخلاقی روسیه حمله کرده بود، از سوی مقامات اداره پست شهر نیویورک تحریم شد. در حالی که در همان سال در فیلادلفیا مشمول قانون مربوط به هرزه‌نگاری واقع نشد! در ۱۹۰۵ از اجرای نمایشنامه *حرفه خانم وارنر*

۱. فلیس اف. لوئیس، همان، ص ۵۸.

2. Martha Boaz, *Ibid.* P. 330.

۳. فلیس اف. لوئیس، همان، ص ۴۹-۵۰.

نوشته جرج برنارد شاو که شرایط اجتماعی و وضعیت فحشاء را در زمان نویسنده ترسیم می‌کند، جلوگیری شد و تهیه‌کننده و عده دیگری در شب اول نمایش دستگیر شدند.

این تحدیدها باعث شد نویسندگان و ناشران، خود موارد زیادی را رعایت کنند تا دچار مشکلات بعدی نشوند. این رسم و عادت پاکسازی ادبیات از هر نوع واژه ناپاک که پیش از دوران سلطنت ملکه ویکتوریا در انگلستان آغاز شده بود، در زمان حکومت وی نیز (۱۸۳۷-۱۹۰۱) همچنان تداوم یافت و آثاری مثل نمایشنامه‌های شکسپیر را هم دربرگرفت. از این رو لذا بسیاری از دست‌درکاران کتاب سعی می‌کردند از قبل متوجه محدودیتها باشند و ممیزی‌های لازم را اعمال کنند؛ هرچند کتابها و نویسندگان بسیاری از این خودسانسوری دور بودند.

خورشید می‌درخشد اثر ارنست همینگوی، حشرات اثر ویلیام فالکنر، خنده تلخ و ازدواجهای بسیار اثر شرود آندرسن از جمله کتابهایی بودند که تحریم شدند. همچنین کتاب یک وجب خاک خدا اثر ارسکین کالدول در ۱۹۵۰ اثری شرم‌آور شناخته و تحریم شد.

دادگاهها نیز براساس قوانین احکامی را در باره ناشران به اجرا گذاشتند. در ۱۹۶۳ رالف کینزبرگ به دلیل توزیع پستی آثار مستهجن محکوم به پنج سال زندان و پرداخت ۲۸۰۰۰ دلار جریمه شد. در ۱۹۶۴ دادگاه عالی استیناف فیلادلفیا نیز این رأی را تأیید کرد. در همین ایام در نیویورک ادوار میشکین به جرم توزیع کتابهای دیگرآزاری و خودآزاری به سه سال زندان و پرداخت ۱۲۰۰۰ دلار جریمه محکوم شد که دادگاه عالی استیناف نیز رأی را تأیید کرد.

در دهه‌های اخیر اعمال سانسور در این جوامع فقط با اتکا به قانون و از سوی مقامات قانونی رخ نداده است. گروههای فشار و انجمنهای بسیاری بنا به مصالحی که خود تشخیص می‌دهند دست به سانسور می‌زنند. نمونه‌هایی از کتابهای سانسور شده این گروهها عبارت است از: کتاب جنایت و مکافات اثر داستایوسکی به این دلیل که به مقدسات

توهین کرده است.  
 کتاب بانو و سگ ملوس از چخوف به این علت که نویسنده اش روس است.  
 کتابی از برنارد شاو به دلیل آن که یکی از روحانیان ویسکانسین اظهار داشته بود که شاو یک ملحد است.  
 کتاب fail-safe به این دلیل که مبادا اعتماد به نظام دفاعی امریکا از درون سست شود.<sup>۱</sup>  
 کتابهای دیگری نیز مورد حمله گروههای فشار قرار گرفته است که از بین آنها می توان از:  
 خاک خوب از پرل باک، دنیای قشنگ از آلدوس هاکسلی، ناطوردشت از سالینجر، کشتن مرغ مقلد از لی هارپر<sup>۲</sup> نام برد.  
 علاوه بر جنبه های اخلاقی، یکی از مواردی که موجب ممیزی و تحدید اطلاعات در کشورهای دموکراتیک می شود، بحث امنیت ملی است. مخفی کاریهای زیادی با این عنوان صورت می گیرد و محدودیتهایی برای رسانه ها ایجاد می شود. پس از تحریم عمومی مطبوعات در حمله به گرانادا در ۱۹۸۳ قانونی وضع شد که بر اساس آن دسترسی به اطلاعات مربوط به مانورها و حمله های نظامی منحصر به مطبوعات شد که پنتاگون بر آنها نظارت داشت. هرچند در حمله به پاناما در سال ۱۹۸۹ با اینکه قرار بود این گروه مطبوعات دسترسی سهلتری به اطلاعات داشته باشند، خبرنگاران را از جریان جنگ دور نگه داشتند و به ۲۰۰ روزنامه نگار به محض ورود به پاناما گفته شد که اگر از پایگاه هوایی هوارد خارج نشوند امنیت آنان قابل تضمین نخواهد بود و به این ترتیب از دستیابی به گزارشهای دست اول جلوگیری کردند. گروهی از عکاسان رویتزر و خبرنگاران سی ان ان (CNN) در جریان این حمله بازداشت، تهدید و

1. Lee A. Burrell, *Censorship and the Public Schools In: Freedom of Inquiry...* Ibid, P. 22-23.

2 Martha Boaz, *Ibid*, P. 334.

ارباب شدند و چند روزنامه‌نگار نیز کشته شدند. در ژوئن ۱۹۹۰ گروه حقوق بشر با نام "ناظران امریکا" اظهار داشت که پنجاه نظامی پانامایی، بیست و سه نظامی امریکایی و سیصد غیرنظامی پانامایی کشته شده‌اند. آمار و ارقام دیگر حاکی از کشتار ۱۰۰۰ نفر در پاناما و ۵۲۳ نفر از کارکنان پنتاگون بود. در ژانویه ۱۹۹۰ هیئت مستقل تحقیق اظهار داشت که در آن حمله احتمالاً بیش از ۴۰۰۰ نفر کشته شده‌اند.<sup>۱</sup> نمونه دیگر در این زمینه نحوه انعکاس خرابیهای حاصل از جنگ آمریکا با عراق بود که تاکنون نیز به درستی منتشر نشده است.

در دو دهه اخیر وجه مشترک همه کشورهای دموکراتیک برخورد قانونمند با کتاب و انتشارات بوده است. گرچه ممکن است تخلفاتی رخ داده و وجود سانسور پیچیده موارد نامحسوسی از این پدیده را به وجود آورده باشد، وجه غالب، تحدیدها و نظارتهای آشکار و قانونی بوده است که نهادهای مربوط اعمال کرده‌اند.

در کشورهای غیردموکراتیک و خودکامه اعم از کشورهای فاشیستی و کمونیستی سابق و فعلی و حکومتهای خودکامه بسیاری از کشورها، نظارت و تحدید وسایل ارتباط جمعی با درجات متفاوت ادامه دارد. در این کشورها مخالفت با سیاستهای رسمی سرکوب می‌شود. در بعضی از کشورها چون چین و کوبا هنوز بدون هیچ پرده پوشی مطبوعات ابزاری در دست و تملک حکومت است.<sup>۲</sup> اخیراً نیز مؤسسه‌ای به نام "خانه آزادی"<sup>۳</sup> با بررسی گسترده‌ای اعلام داشته است که ۸۰ درصد جمعیت جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که وسایل ارتباط جمعی آنها آزاد نیست و به گونه‌ای دچار سانسور است. این گزارش می‌افزاید که اغلب مطبوعات و دیگر وسایل ارتباط جمعی در کشورهای در حال توسعه آزاد نیستند و دستگاههای دولتی با اعمال نفوذ از راههای مختلف، گزارشهای تهیه شده

1. *Information Freedom...*, P. 136.

2. Louis Lusky, *Censorship. In Americana...*, P. 161.

3. Freedom House

را سانسور می‌کنند.

"خانه آزادی" که مقر آن در امریکاست برای سنجش میزان آزادی در هر کشور، تأثیر قوانین، تصمیمات کشوری، نفوذهای سیاسی و اقتصادی را بر گزارشهای خبری بررسی کرده است. هر چه مجموع امتیازهای داده شده در موارد فوق کمتر باشد، آزادی وسایل ارتباط جمعی در آن کشور بیشتر است؛ به شکلی که کمتر از ۳۰ امتیاز وسایل ارتباط جمعی کاملاً آزاد، بین ۳۱ تا ۶۰ امتیاز، نیمه آزاد و بیشتر از ۶۱ امتیاز، غیرآزاد محسوب می‌شوند.

در این گزارش کشور چین با ۸۱ امتیاز و اندونزی با ۷۵ امتیاز از دید مردم این کشور نامطلوب‌ترین وسایل ارتباط جمعی را دارند. در بین کشورهای در حال توسعه که کمتر از ۳۱ امتیاز گرفته‌اند و از وسایل ارتباط جمعی آزاد برخوردارند می‌توان از فیلیپین، مجارستان، افریقای جنوبی، کره جنوبی و شیلی نام برد. کشورهای آلمان، کانادا و امریکا حدود ۱۲ امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. در این گزارش از ایران نامی به میان نیامده است.<sup>۱</sup>

### سانسور رسمی در ایران

سانسور رسمی در ایران بعد از استفاده از چاپ و انتشار روزنامه و گسترش آن شکل گرفت. در اروپا بین اختراع چاپ و نشر روزنامه بیش از یک قرن و نیم فاصله است و این فاصله در ایران حدود چهار قرن و دقیقاً ۳۸۲ سال است. نخستین روزنامه ایران در سال ۱۲۵۳ ق. (۱۸۳۷ م.) با عنوان "کاغذ اخبار" به کوشش میرزا صالح شیرازی کازرونی منتشر شد که اکنون فقط سه شماره از آن در دست است.<sup>۲</sup> اما آغاز نشر روزنامه به معنای واقعی آن و به طور مرتب و منظم را باید از اقدامات امیرکبیر و نشر

۱. "خانه آزادی: سانسور برای ۸۰٪ مردم"، آدینه (شماره ۱۲۸، ۱۳۷۷)، ص ۴.  
 ۲. محمداسماعیل رضوانی، "مقدمه‌ای بر تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران"، مقدمه روزنامه وقایع اتفاقیه (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳)، ص ۱-۶.

روزنامه "وقایع اتفاقیه" بدانیم.<sup>۱</sup>

دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.)

کمی پس از نشر اولین شماره روزنامه وقایع اتفاقیه در پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ ق.، ناصرالدین شاه یکی از کارگزاران انگلیسی دربار به نام ادوارد برجس<sup>۲</sup> را که به "برجیس صاحب" معروف بود و عباس میرزا او را به سمت چاپچی استخدام کرده بود، مأمور بازبینی محتوای روزنامه وقایع اتفاقیه کرد. پس از عزل امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ ق. روند انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه به کلی دگرگون شد و فقط اخبار خارجی در آن منتشر می شد.<sup>۳</sup> بعضی نویسندگان مأموریت برجیس صاحب را در امر بازبینی روزنامه وقایع اتفاقیه آغاز ممیزی غیر رسمی در ایران دانسته اند.<sup>۴</sup> اما به نظر می آید که این نظارت بیشتر جنبه فنی داشته است و با توجه به اینکه مطبوعه، نویسنده، مترجم، و روزنامه، همگی دولتی و در خدمت دولت بوده اند و حتی به نوشته همان نویسندگان، همه مطالب قبل از چاپ به رؤیت شاه می رسیده است،<sup>۵</sup> به کارگیری لفظ ممیزی در این مرحله غیردقیق است. احتمالاً دیدگاه صدرهاشمی در این زمینه مبنی بر این که اصولاً تفتیش جراید دوره ناصری به علت دولتی بودنشان امر بی حاصلی بوده است، از صحت بیشتری برخوردار است.

در سال ۱۲۷۷ ق. پس از انتشار چهارصد و یک شماره از روزنامه وقایع اتفاقیه، ناصرالدین شاه علاقه مند شد که روزنامه دربارش مانند روزنامه اروپاییان مصور باشد. پس ابوالحسن خان نقاش کاشانی ملقب به صنیع الملک را مأمور این کار کرد. حاصل آن روزنامه "دولت علیّه ایران"

۱. محمد صدرهاشمی، تاریخ جرائد و مطبوعات ایران، جلد اول (تهران: انتشارات کمال، ۱۳۶۳)، ص ۲.

2. Edward Burgess

3. Ahmad Karimi Hakkak, "Censorship" in the *Iranica*.

۴. گوئل کهن، تاریخ سانسور و مطبوعات در ایران، جلد ۱ (تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۰)، ص ۳۶.

۵. گوئل کهن، همان، ص ۳۷.

۶. محمد صدرهاشمی، همان، ص ۱۱.

بود که به نظر اندیشمندان تاریخ مطبوعات «ارزش و اهمیت آن به مراتب بیش از روزنامه و قایع اتفاقیه است. زیرا اخبار و وقایع آن همانند روزنامه اتفاقیه است اما تصاویر متعدد آن ارزش آن را دو چندان کرده است.»<sup>۱</sup> در شماره ۵۵۲ سال ۱۲۸۰ این روزنامه، اعلانی دولتی درج شده است که در آن صراحتاً بر لزوم مراقبت و مواظبت در امر چاپ تأکید شده است. این اعلان را می توان سرآغاز ممیزی رسمی در ایران دانست:

«نظر به اینکه امر چاپخانه های ممالک محروسه ایران تا کنون در تحت قاعده معینه نبوده و در انتظام آن اهتمامی نمی شد، اختلالی یافته متدرجاً از محوطه نظم خارج افتاده، هرکس در هر مقام هر نسخه که می خواست قطع نظر از اینکه انتشار آن نسخه از جهت دولت و ملت مستحسن یا مستقبح و یا متداول شدن آن بین الناس از گوشزد اطفال یا اشعه مضامین آن بین الرجال نافع یا مضر بوده باشد؛ چاپ مینمود و حکایات نامناسب که ذکر آن در این مقام مناسب نیست بطبع میرساندند که موجب جرأت خوانندگان و شنوندگان در ارتکاب مناهی و ملامتی و سفک دماء و متابعت اهواء می گردید، خاصه اطفال که از مبادی احوال و خواندن این حکایات نامربوط میشدند و این روایات منطبعه غیر مستحسنه در جبلت ایشان کالینقش فی الحجر مرکوز و کالطبیعة الثانیة ثابت می گردید و گاه می بود که بعلت استمرار در استماع و مذاکره این گونه ترهات در گرداب هواجس نفسانی و وساوس شیطانی غوطه ور می گشتند. از آنجا که رحمت نامتناهی حضرت الهی مقتضی رأفت و مرحمت خاطر خورشید مظاهر اعلی حضرت شاهنشاهی ولی نعمت کل ممالک محروسه ایران آمده است و اراده سنیة همایونی اقتضا نمی فرماید که از جزئی و کلی امور ملکی و ملتی عاطل و باطل مانده و مردم از صراط مستقیم که موجب نعیم دینی و فیض عظیم عقبی است، منحرف و مایل باشند محض خیرخواهی و عنایت درباره خلایق که ودایع حضرت خالق اند امر و مقرر فرمودند که

۱. اسماعیل رضوانی، «معرفی اجمالی روزنامه ایران»، مقدمه روزنامه ایران (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴)، ص ۲.

صنیع الملک رئیس و مباشر امر روزنامه و نقاشخانه و کارخانه دولتی در کلیه امور چاپخانه‌های ممالک محروسه نیز مراقب و مواظب باشد. و چنانچه ذکر یافت بعضی از نسخ که موجب انزجار طباع و مودی بخلاف او امر جهان اتباع شرعیه است و از حلی و حلل منافع ملکی و ملتی عاطل است سمت انطباع نیابد و در عوض کتابهایی که ظاهراً و باطناً قریب المنفعة و عديم المضرة است طبع نمایند تا خوانندگان و شنوندگان را به مدارج حسن عقاید بیفزاید و فواید مرضیه حاصل آید.<sup>۱</sup>

اعتماد السلطنه نیز راه کار را در رؤیت تمام مواد چاپی و زدن مهر بر آنها می‌یابد. او از این کار با عنوان "ایجاد سانسور داخله" نام می‌برد: «از اوایل طلوع دولت مقرر گردید که هیچ کتابی و جریده و اعلان و امثال ذالک در هر کارخانه از مطابع جمیع ممالک محروسه ایران مطبوع نیفتد، الا پس از ملاحظه مدیر این اداره و امضای وی. از وقتی که مسئولیت انطباعات با نگارنده شده است نشان امضاء را مهری قرارداد مشتمل بر عبارت "ملاحظه شد" و صورت شیری خفته و خورشید.<sup>۲</sup>

پس از گذشت شش سال از انتشار روزنامه دولت علیه ایران در سال ۱۲۸۳ ق. رأی ناصرالدین شاه بر این قرار گرفت که تعداد روزنامه‌ها افزایش یابد و هر ماه "چهار صغرا" روزنامه طبع شود. «اول روزنامه دولتی بدون تصویر، دوم روزنامه دولتی مصور، سوم روزنامه ملتی که به طور آزاد نوشته شود و چهارم روزنامه علمی.»<sup>۳</sup> مجدداً در آخرین ماه سال ۱۲۸۷ شاه طی فرمانی محمدحسن خان را مأمور ساماندهی روزنامه‌ها کرد. متن فرمان چنین است:

«روزنامجات دولت علیه که در دارالخلافة بطبع می‌رسد مغایر سلیقه ما و خالی از نتایج و فوایدی بود که در هر مملکت از روزنامه حاصل

۱. دولت علیه ایران، جلد دوم (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰)، ص ۶۳۹.

۲. محمدحسن اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۳. محمداسماعیل رضوانی، معرفی اجمالی روزنامه ایران...، همانجا.

است. محمدحسن خان پیشخدمت و مترجم مخصوص را که از وضع روزنامه‌جات خارجه و ترتیب اخبار و کیفیت انتشار آن اطلاعات کامل داشت به این خدمت مأمور فرمودیم که مطابق تعهدات خود از ابتدای سنه قوی‌ئیل شروع به انتظام عمل درالطباعه کرد، بقسمی که مقصود خاطر ماست در ترتیب و تنظیم روزنامه‌جات اهتمامات حسنه مرعی دارد.<sup>۱</sup>

ناقل این سند معتقد است که این نوشته «به احتمال زیاد اولین فرمان سانسور مطبوعات در ایران است»<sup>۲</sup>، که با نقل قولهایی که پیش از این داشتیم صدق نمی‌کند. حاصل این فرمان، تولد روزنامه ایران بود که سالها به طور مرتب انتشار یافت. نخستین شماره این روزنامه در روز یکشنبه یازدهم محرم ۱۲۸۸ منتشر شد و اعتمادالسلطنه طی اعلانی اهداف آن را اعلام کرد.

در سال ۱۲۹۶ ق. مجموعه قوانینی از سوی کنت دومونت فرت ایتالیایی<sup>۳</sup> به ناصرالدین شاه عرضه شد. کنت نظامی ماجراجویی بود که در جنگ با گاریبالدی آزادیخواه معروف ایتالیایی حضور داشت و زخم برداشت. او رئیس نظمیۀ دربار ناصری بود؛ و برای آنکه به بگروبندهای رایج صورتی قانونی بدهد، این مجموعه را که به «قانون جزای ۱۲۹۶» معروف شد، ارائه کرد. این قانون مختص مطبوعات نیست؛ اما موادی از آن مجازاتهایی را برای تخلفات مطبوعات معین کرده است که به این لحاظ اولین قانون سانسور محسوب می‌شود.

ناصرالدین شاه دستور اجرای آن قانون را این گونه صادر کرد: «نایب السلطنه. این کتابچه کنت را خواندم تماماً بسیار بقاعده و درست است. یکدو فقره را ما کم و زیاد کردیم ملاحظه کنید همین کتابچه و

۱. عبدالله عقیلی، «اولین فرمان سانسور مطبوعات در ایران»، آینده (شماره ۹، سال هفتم، ۱۳۷۰)، ص ۷۹۹.

۲. همانجا.

3. Cont de Monte Farte

۴. علی اکبر قاضی زاده، «نخستین قانون مطبوعات»، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و آثار، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران (شماره ۱، س ۱، ۱۳۷۶)، ص ۶۵۶

همین دستخط را در مجلس اول دارالشوری که منعقد می‌شود بدهد [بدهید] قرائت کنند وزراء هم این کتابچه را امضا کرده بدهند بکنت او هم بدهد چاپ کرده منتشر نمایند و از تاریخ امضا وزراء مشغول اجراء قوانین بوده ذره تخلف نشود همه این قوانین صحیح و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً و انشاءً باید مجری شود همین دستخط را بده کنت ملاحظه نماید بداند ما قواعد را پسندیده‌ایم.»<sup>۱</sup>

این قانون که از آن باید به عنوان نخستین قانون ممیزی در ایران نام برد در بخش مربوط به آزادی بیان و قلم مقرر می‌دارد:

«... کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب و یا دولت و ملت بوده باشد، از پنج ماه الی پنج سال حبس خواهد شد.

... کسی که جسارت نموده بر ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه‌ها بچسباند هرکس بوده باشد و همچنین کسیکه مخالف مردم، حرکتی کرده و اذیت برساند، بر حسب حد تقصیر او، از یکماه الی پنجسال حبس خواهد شد.

... کسی که کنکاش و خیالات تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریراً و تقریراً بدولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او، بر حسب حدود تقصیرات، از یکسال الی پانزده سال محبوس خواهد شد.»<sup>۲</sup>

مدرکی دال بر استفاده از این قوانین در باب مطبوعات موجود نیست. اما به طور کلی مسئولان تنبیهاتی را اعمال می‌کردند.

اعتمادالسلطنه شخصاً نسخه‌های شعری را که از بازینی او نگذشته بود و فقط با نظر معاونش محمدحسین فروغی اجازه چاپ یافته بود سوزاند. او مسئول چاپ دارالفنون را به علت چاپ تراکتی که به تأیید او نرسیده بود فلک کرد. خود شاه نیز بارها روزنامه و کتابها را پیش از چاپ بررسی می‌کرد و یک بار اجازه چاپ سالنامه‌ای را که تقریباً توزیع شده بود لغو

۱. گوتل کهن، همان، ص ۹۹.

۲. گوتل کهن، همان، ص ۹۸-۱۰۱.

کرد.<sup>۱</sup> ممیزی شدید مطبوعات داخلی مانع از انتشار بعضی از مقالات در روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نبود. اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات به این موضوع این گونه اشاره دارد:

«چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی و یا قدح فریقی و یا هجاء شخصی و یا هزل فاحشی بود یلاحظ مبارک این پادشاه (منظور ناصرالدین است) میرسید از انتشار آن‌ها همواره آثار کراحت بر جبین همایون هویدا بود تا وقتی که رساله هجو سلاله شیخ هاشم شیرازی مطبوعه بمبئی را بطهران آوردند و نسخه حضور مهرظهور بردند از مشاهده آن اشعار ناسزاوار در حق آن دانشوران بزرگوار شعله خشم شاهنشاهی زیانه زدن گرفت و در وقت بتحجیر و اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت؛ بنده نگارنده حاضر در درگاه بود معروض نمود که دولت‌های اروپیه برای سد راه این عیب از ممالک خویش؛ دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن سانسور است و چون شرحی از شرائط و شئون آن براند بر خاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا در تحت نظر این خانزاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود و از آن وقت باز راه این عیب بسته است و رشته این تجارت گسسته.»<sup>۲</sup>

اعتمادالسلطنه از زمان این واقعه یاد نمی‌کند؛ اما آن گونه که از روزنامه خاطرات وی بومی آید باید ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۲ ق. باشد. او در خاطرات پنج‌شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی می‌نویسد: «همچنین عریضه‌ای را که پریروز داده بودم در باب ایجاد "سانسور" به جهت کتب چاپی و غیره خیلی پسند فرموده بودند. مقرر شده بود این کار به من رجوع شود.»<sup>۳</sup>

در دوره ناصری همه دولتمردان موافق سانسور نبودند. در زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله (۱۲۸۸-۱۲۹۰ ق.) آزادی بیشتری اعمال می‌شد. افرادی مثل میرزا علی خان امین‌الدوله که رئیس اداره کل

1. Ahmad Karimi Hakkak, *Ibid*, P. 135.

۲. محمد حسن اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار...، ص ۱۵۹.

۳. محمد حسن اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ص ۳۳۹.

پستخانه بود سانسور را تأیید نمی‌کرد. از این رو برخی از نشریات مثل قانون، اختر و عروة الوثقی از این طریق یا از طریق قاچاق وارد کشور می‌شد و این درباریان را می‌آشفت. بارها شاه دستور داد تا نشریات موهن را که در مرز یا در پستخانه توقیف شده بود در حضور خودش بسوزانند. او میرزایوسف خان مستشارالدوله را که از وابستگان سپهسالار و صاحب منصب روشنفکری بود به تصور این‌که مقاله‌ای برای روزنامه‌های مخالف خارج از کشور نوشته است به زنجیر کشید و دستور داد خانه میرزا محمد علی فروغی را بازرسی کنند؛ زیرا تصور می‌رفت که با میرزاملکم خان سردبیر روزنامه قانون دوستی دارد.<sup>۱</sup>

شدت عمل اداره سانسور و اختلافات بین دولتمردان ناصری باعث شد بعضی از کتابهای اعتمادالسلطنه نیز دچار سانسور شود. عریضه او به ناصرالدین شاه و پاسخ رندانه او شنیدنی است:

«تصدق خاکپای اقدس همایونت شوم، ان شاءالله، از جسارت این عریضه والله به تاج و تخت شاهانه هیچ مقصود ندارد جز عرض بیچارگی خود. بدواً جسارت می‌کند که هفتصد و پنج جلد از این کتاب تقدیم امین الممالک شد. مابقی نیز تا پنج روز داده می‌شود. هزار و پانصد تومان ضرر که سهل است برای رضایت خاطر مبارک جانم را قربان می‌کنم... یک کار پرزحمت بی‌فایده برای این غلام مانده است که اتصالاً ایراد می‌گیرند. گاهی مسأله اعلان سید هندی را بهانه می‌کنند و آن افتضاح چهارسال پیش را به سر خانه‌زاد می‌آورند و ابداً تمجید از ده کرور بیست کرور تألیفات خانه‌زاد ننمودند. حالا دیگر مطالب تاریخ فرانسه را حربه نموده‌اند، با وجودی که بقدر ذره‌ای مطالعه این کتاب ضرر بدین و دولت و ملت وارد نمی‌آورد. بلکه ثابت می‌کند که لویی چهاردهم با این تمجید و توصیف که کتب تواریخ از شجاعت و عدالت و سخاوت و علم او پر است چه جور آدمی بوده است تا عوام بدتر از انعام دعا به بقای سلطنت و وجود مبارک کنند که لله الحمد چنین پادشاه رئوف عالمی دارند و ناسپاسی نمایند.

1. Ahmad Karmi Hakkak, *Ibid*, P. 136.

نمی دانم کدام مطلب این کتاب مضر به حال دولت بود. از این قبیل کتب بفارسی و عربی و ترکی هزار مجلد نوشته و طبع شده. تاریخ پطر کبیر ترجمه سیول که در عهد شاه مرحوم طبع شده حاضر است ملاحظه فرمایید که بلوای روس را به چه زبانها بیان کرده. تاریخ ناپلئون اول که در وزارت مرحوم اعتضادالسلطنه به فارسی چاپ شد بلوای فرانسه را به چه وضوح بیان نموده. در آن ازمنه چون رجال دولت مشغول به خدمات حقیقی دولت بودند ایرادی نمی گرفتند. حالا چون بحمدالله آسوده هستند و هیچ کاری ندارند و اثبات وجودی باید بکنند [بکنند] و با خانه زاد بی لطف هستند تمام حسن خدمت شان را به ایراد به اغلام منحصر نموده اند....»

و ناصرالدین شاه در پاسخ وی می نویسد:

«عریضه مفصل شما را خواندم. اکتفا در جواب بهمین کلمات می کنم و کافیست. شخص باید در دنیا فیلسوف باشد و حکیم. این دنیای بی معنی ابداً به این گفتگوها نمی ارزد. یعنی هیچ نمی ارزد و ابداً هیچ کس به هیچ کس در دسر نباید بدهد. هرچه را می گویند بکنند، هرچه را می گویند نکنند. ابداً سؤال و جواب ندارد.

حیف است (کذا) آنکه پریشان کنی دلی

زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی

این عالم بی مصرف نجس باین حرفها نمی ارزد. آسوده خاطر باش. خوشحال و خوش مسرت باش و از التفات، نهایت اطمینان داشته باش. دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی ارزد. زیاده چه بنویسم خودت فیلسوف هستی. اما نه فیلسوف رشتی که هیچ نمی فهمد.»

همان گونه که از پاسخ شاه معلوم می شود او شخصاً در جریان سانسور قرار داشت و در بسیاری موارد مستقیماً دخالت می کرد.

علی خان ناظم العلوم کتابی با عنوان تلماک از فرانسه به فارسی ترجمه

۱. محمدحسن اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات...، ص ۱۰۴۵-۱۰۴۶.

۲. همان، ص ۱۰۴۵.

کرد. در این کتاب دربارهٔ عدالت و چگونگی حکومت کشورها در قرون گذشته بحث شده بود. ناظم‌العلوم یک نسخه از آن را به ناصرالدین شاه هدیه کرد. او با خواندن آن کتاب متغیر شد و دستور توقیف کتاب را صادر کرد!

در مجموع، دورهٔ ناصری با ممیزی غیررسمی آغاز شد و سپس سانسور پیش از انتشار شکل گرفت. واژهٔ سانسور وارد ادبیات فارسی شد و ادارهٔ سانسور با نام وزارت انطباعات به ممیزی تمامی مطبوعات پرداخت و ورود هر نوع مواد چاپی از خارج از کشور تحت نظارت قرار گرفت.

### دورهٔ مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۵ ق.)

سانسور در این دوره با نشیب و فرازهای بسیاری همراه بود. طی دورهٔ نخست وزیری میرزا علی خان امین‌الدوله نشر روزنامه‌های غیردولتی آغاز و ضوابط و قوانین تنبیهی وزارت انطباعات به ندرت اعمال شد. امین‌الدوله شخصاً به روزنامهٔ تربیت توجه خاصی داشت و آنرا ترویج می‌کرد.

این وضعیت در دورهٔ علی اصغر خان امین‌السلطان ملقب به اتابک اعظم (۱۳۱۶-۱۳۲۱ ق.) دگرگون شد. او از نفوذ جراید فارسی بیمناک بود. محدودیتهای شدیدی دربارهٔ نشر اخبار در مطبوعات ملی اعمال کرد و طی دستور صریحی وزود هرگونه نشریهٔ فارسی را به خاک ایران ممنوع کرد. او طی اعلان رسمی که در شمارهٔ ۹۹۰ روزنامهٔ رسمی ایران در دهم ذی‌عقده ۱۳۱۸ به چاپ رسید و ذیلاً نقل می‌شود، به این امر مبادرت ورزید:

«بر هیچ کس پوشیده نیست که از مبادی جلوس میمنت مانوس همایون شاهنشاهی خلدالله تعالی سلطانه تا بحال نظر بکمال میل و توجهی که خاطر خطیر همایون سلطنت را بجلب انواع وسائل و اسباب ترقیات مادی و معنوی این دولت و مملکت بوده و ترویج و توسیع دایره

۱. رحیم رضازاده ملک، *سوسمارالدوله* (تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۴)، ص ۷۲.

روزنامه‌جات و آزادی اقلام و افکار روزنامه‌نگاران را تا یک درجه از وسایل حصول این مقاصد مقدسه دانسته‌اند. غایت مساعدت و انواع مرحمت و اعانت را تا حال دربارهٔ جراید فارسی‌زبان راجع بایران مبذول فرموده‌اند ولی از آنجا که در تمام ممالک متمدنه عالم معمول است که روزنامه مربوط بوقایع و حالات داخله هر مملکت خصوصاً راجع بمسائل سیاسی و مطالب رسمیه هر دولت آنست که در داخله آن مملکت بطبع و انتشار میرسد و شبهه نیست که روزنامه که خارج از مملکتی و دور از مرکز دولتی نگارش یابد، روزنامه آن مملکت خوانده نمیشود؛ چرا که مرآت حقایق احوال و اعمال آن دولت نیست و بجهات و علل عدیده ببری از شوایب کذب و خلاف و اشتباه نتواند بود، بناء علی‌ذکر نشر این‌گونه روزنامه در داخله مملکت و حوزه یکدولت بجای انتاج سود و فایده متضمن انواع مفاسد و مضرت است و روزنامه‌جات فارسی‌زبانی که امروز راجع باحوال مملکت و دولت ایران در ممالک خارجه بطبع میرسد، تقریباً همه همین حالت را هم رسانیده و بهیچوجه فایده‌تی که منظور دولت است از آن‌ها حاصل نمیشود چه غالب مطالب و مندرجات آنها از روی اشتباه یا مبنی بر سوء اغراض بعضی وقایع‌نگاران است. لهذا بحکم دولت همه آن جراید غدغن و ممنوع از ورود بداخله ایران گردید و چون در آینده هم بهمین علت دوری از مملکت و دایره دولت ممکن نیست رفع این مفاسد و عیوب از آن‌ها بشود بعد از این نیز ابدا اجازه ورود و دخول بایران را نخواهد یافت. اما اگر روزنامه‌نگاران فارسی‌زبان بداخله ایران بیایند بترتیباتیکه در تمام دول سائره مرعی و معمول است بآن‌ها اجازه طبع روزنامه در ایران داده خواهند شد.»

در دورهٔ صدارت عین‌الدوله وزارت انطباعات به عهدهٔ ندیم‌السلطان گذارده شد. عین‌الدوله در ابتدای صدارتش توجه چندانی به مطبوعات نداشت. ندیم‌السلطان نیز که فردی سلیم‌النفس و آزادیخواه بود، تنگنای زیادی را برای ارباب جراید فراهم نمی‌آورد. در ایام سفر مظفرالدین شاه و عین‌الدوله به فرنگ روزنامه‌ها هرچه خواستند نوشتند.

پس از بازگشت مظفرالدین شاه، ندیم‌السلطان معزول شد و به دستور عین‌الدوله سخت‌گیری نسبت به مدیران مطبوعات آغاز شد و بعضی از آنان دستگیر و تبعید شدند.<sup>۱</sup>

بر خلاف تمام این سخت‌گیری‌ها آهسته، آهسته نشریات رونق یافتند و به ویژه از شبنامه‌ها برای آگاه‌سازی عامه مردم استفاده شد. این انتشارات نقش مهمی در ایجاد انقلاب مشروطیت در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۲۴ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۶م. ایفا کردند.

تدوین نخستین قانون مشروطه که در آن بر آزادیهای اساسی تأکید شده بود، مایه حرکت و آزادی بیشتری شد. اما حتی پیش از امضای مشروطیت توسط مظفرالدین شاه برای تدوین‌کنندگان قانون اساسی روشن و مسلم بود که بسیاری از عبارات آن مبهم است و نیاز به تبیین دارد. از این رو طی چند ماه متمم قانون اساسی تدوین شد و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ق. از تصویب نمایندگان گذشت و به امضای محمد علی شاه رسید. ماده ۲ این متمم مفهوم آزادی مطبوعات را چنین توضیح می‌دهد: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین اسلام آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و تابع و موزع از تعرض مصون هستند.»

فاصله بین امضای قانون مشروطه و تصویب نخستین قانون مطبوعات در محرم ۱۳۲۶ق. دوره بسیار پرشوری در تاریخ مطبوعات و نشر کتاب کشور است. در این دوره پس از چند دهه اختناق شدید، مطبوعات بدون هیچ‌گونه نظارتی منتشر شدند. این وضعیت تا پنجم محرم سال ۱۳۲۶ق. که نخستین قانون مطبوعات به تصویب مجلس رسید ادامه داشت. لازم است بدانیم که این تنها قانون مطبوعاتی است که در آن وضعیت کتاب نیز همانند مطبوعات مشخص شده است. در تمام قوانین دیگر که تا

۱. محمد صدرهاشمی، همان، ص ۱۳.

زمان نگارش این رساله تدوین شده، وضعیت نشر کتاب مسکوت مانده است.

کودتای محمد علی شاه بر ضد مشروطیت در جمادی الاول ۱۳۲۶ و بمباران مجلس ضربه سنگینی بر آزادیهای به دست آمده وارد آورد و دوباره سانسور وسیعی را حاکم کرد. جهانگیرخان شیرازی سردبیر صوراسرافیل و سلطان العلما سردبیر روح القدس اعدام شدند. بسیاری از مدیران روزنامه‌ها و نویسندگان مانند دهخدا و مساوات در کشورهای مختلف آواره شدند. آوارگی آنان تا پیروزی آزادیخواهان و فرار محمد علی شاه به روسیه ادامه داشت. تا مدتی پس از پادشاهی احمد شاه نیز دولت همچنان محدودیتهایی برای مطبوعات پدید می‌آورد. اما رونق و کیفیت کار آنها آهسته، آهسته افزایش می‌یافت.

پس از انحلال دوره دوم مجلس، دوباره دوره انحطاط و خمودی پیش آمد که با افتتاح مجلس سوم تحرک تازه‌ای در مطبوعات ایجاد شد. در دوره فترت که از انحلال دوره سوم مجلس شروع و به افتتاح دوره چهارم ختم شد و نزدیک به ده سال دوام داشت (۱۳۳۰-۱۳۴۰ ق.) تحولات زیادی در مطبوعات پدید آمد که بعضی تاریخ‌نگاران این دوره را دوره "بلوغ جراید فارسی" دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در این دوره طی مصوبه‌ای که در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ق. به تصویب هیئت وزیران رسید، مقرر شد تا تصویب مقررات مربوط به تشکیل هیئت منصفه، پرونده‌ها در محکمه‌های عدلیه رسیدگی شود و در مواردی که در قانون مطبوعات تصریح نشده باشد، موافق قانون جزای عرفی حکم صادر شود که این مصوبه زمینه محدودیتهای نوینی را پدید آورد.

انحلال مجدد مجلس در ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م. و به دنبال آن استقرار قوای روس در گیلان و اشغال جنوب کشور توسط انگلیسی‌ها دوره بحران و بی‌ثباتی دیگری را پدید آورد. در این دوره نه تنها دولت مرکزی سانسور وسیعی را اعمال می‌کرد، بلکه نیروهای اشغالگر در شمال و جنوب

۱. محمد صدراشمی، همان، ص ۲۴-۲۵.

مطبوعات محلی را تحت فشار قرار دادند و حتی موجب مهاجرت آنها شدند.

### سانسور در حکومت پهلوی اول

با کودتای اسفند ۱۲۹۹ فرایند تحدید آزادی آغاز شد. انتشار شعری ضد دینی از عارف قزوینی و مقالات دیگری در انتقاد از علما و تشکیلات دینی اعتراضات و بیانیه‌های مختلف روحانیان را به دنبال داشت. ساختمان بعضی روزنامه‌ها تخریب شد. سردبیر روزنامه پژوهش و میرزا ابوالقاسم کحال‌زاده مدیر روزنامه پژوهش را به جرم ارتداد مهدورالدم دانستند. در پی این وقایع در دهم آبان ۱۳۰۱ قانونی با عنوان "قانون راجع به نظارت مطبوعات" به تصویب مجلس رسید:

«ماده اول - چون مطابق اصل بیستم متمم قانون اساسی عامه مطبوعات بغیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام آزاد و ممیزی فقط در مورد کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام ممنوع نیست، عموم مدیران جراید و یا مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت بخواهند در امور مربوطه بدین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً انشاء و یا نقلاً و لوهزلاً چیزی طبع کنند قبلاً بناظر شرعیات که خبرویت او بتوسط دونفر مجتهد جامع‌الشرایط تصدیق و از ظرف وزارت معارف در تهران و در هر یک از مراکز ایالات و ولایات معرفی شده باشد مراجعه نمایند تا مذاقه نموده پس از آن که عدم مضر بودن آن بدین اسلام و مذهب کتباً تصدیق شد طبع و نشر کنند.

ماده دوم - هرگاه یکی از مدیران جراید و یا مجلات و یا ارباب مطابع و یا دیگری از مفاد ماده فوق تخلف نمود، مدعی‌العموم و یا مدعی خصوصی قضیه را بناظر شرعیات قانونی و یا مجتهد عادل مسلم رجوع مینماید، بعد از تصدیق کتبی مشارالیه بمضر بودن، بفوریت اوراق منتشره جمع‌آوری و توقیف شده مدیر و نویسنده و طبع‌کننده مستنداً بتشخیص ناظر شرعیات و یا مجتهد عادل مسلم مطابق قانون مطبوعات مجازات

خواهند شد.<sup>۱</sup>

پس از آن یکی از روحانیان به نام شمس‌الافاضل به سمت ناظر شرعیات در وزارت معارف مشغول به کار شد و به ممیزی مطالب ضد دین پرداخت.

این نوع ممیزی دوام چندانی نیافت. زیرا با قدرت گرفتن رضاخان در مقام وزیر جنگ و سپس رئیس‌الوزرا سانسور همه‌جانبه وسیعی اعمال شد.

او در مقام وزیر جنگ رسماً اعلام کرد که هیچ مخالفتی را تحمل نخواهد کرد. به مناسبت سالگرد کودتای سوم اسفند نامه‌ای بدون امضا در روزنامه ستاره ایران به چاپ رسید که در آن به رابطه کودتا با نصرت‌الدوله فیروز میرزا و انگلیس‌ها اشاره شده بود. در پاسخ به این مقاله رضاخان بیانیه‌ای صادر و تهدید کرد که از این پس هر نویسنده‌ای که مخالف با اظهارات رسمی حکومت چیزی بنویسد تنبیه خواهد شد و هر نشریه‌ای که آن را چاپ کند توقیف می‌شود. نشر مقاله‌های انتقادی در یکی از نشریات سبب شد که دستور دهد سردبیر را در دفتر کارش حاضر کنند و قبل از گسیل وی به زندان شخصاً وی را تنبیه کرد!

این خشونت‌ها باعث نمی‌شد نویسندگان آزاداندیش دست از اعتراض بردارند. آنان با شیوه‌های گوناگون سعی داشتند حقایق را برملا سازند. وقتی رضاخان در خواندن اسامی اعضای کابینه خود در مجلس دچار اشکال شد، مقاله ذیل در یکی از نشریات آن دوره به چاپ رسید:

#### توشیح عقاید

«رضای ملت بر اینست که قائد ایران حکومت  
خان خانی و ملوک‌الطوایفی را از دست یک مشت  
بیسواد برهاند و مملکت ایران مانند ممالک مهم اروپا  
که مقدرات خود را خودشان تعیین میکنند بشود که

۱. مجموعه قوانین فرهنگی (تهران: اداره کل نگارش و آمار، ۱۳۳۹)، ص ۲۱۲.

2. Ahmad Karimi Hakkak, *Ibid*, P. 135.

وزرای خود را بمسئولیت خود تعیین نموده و رئیس عالی خود را خود انتخاب کند - هرگاه یک ملتی بواسطه موانع نتوانست مقدرات خود را با دست خود تعیین و در قضایا بمجلس و اراده نمایندگان تکیه کرده خود را زنده بعالم معرفی کند نمیتواند در دنیای امروزه زندگی مستقل بنماید و وقتی یک ملتی خود را نتوانست زنده بداند چطور میتواند در پیشگاه دنیای آزاد قرن بیستم خود را لایق و شایسته درک ترقیات شناسانده محو ریاست ها و سلطنت های موروثی را خواستگار و در مقابل جمهور ملل سرفراز شده آسایش خود را چنانچه لازم است اداره نماید همچنین تسطیح طرق تجارت و سایر تأمینات لازمه را تدارک کند ولی دست اجنبی نمیگذارد ناجی ایران و قائد توانای ایرانیان سردار ملت آزادانه اصلاحات را اجرا نماید و آمال ملی را برآورد چه بنویسیم و چه ننویسیم ملت باید صلاح خود را تشخیص دهد لذا ما بملت میگوئیم گوش بدسائس اجانب نداده بالفاظ موشح و لفافه دار پی برده بطواهر کلمات ملون عقاید ملی را که تلگرافات ایالات شاهد آنست نیالوده از حقه بازان عوام فریب پرهیز کنند - ما حقایق ساده را مینویسیم و میگوئیم بگذار مرتجعین ما را تکفیر کنند! بر رسولان پیام باشد و بس!

اگر کلمات اول هر سطر و سطر آخر را کنار هم بگذاریم عبارت زیر

۱. حسین مکی، تاریخ بیست ساله: انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله دیکتاتوری پهلوی، ج ۳ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ص ۱۹، ۲۰.  
در سال ۱۳۴۸ نیز کتابی با عنوان مصیبت نامه به اداره ممیزی ارائه شد که در آن، قطعه شعری به نام حبیب بود که حروف اول مصرعهای آن جمله "خمینی پیروز است" را می ساخت. ساواک این کتاب را ممنوع الانتشار کرد. (پرونده شماره ۱۸۹۳ آرشیو سازمان مدارک انقلاب اسلامی)

حاصل می‌شود:

رضاخان بیسواد که وزرای خود را نتوانست به مجلس معرفی بنماید چطور لایق ریاست جمهور است. تأمینات نمی‌گذارد آزادانه بنویسیم لذا موشح عقاید حقه را می‌نویسیم و می‌گوییم بگذار مرتجعین ما را تکفیر کنند، بر رسولان پیام باشد و بس.

در این دوره، تهدید، چوب و فلک، تبعید و قتل برای خاموشی نویسندگان و روزنامه‌نگاران شیوه رایج رضاخان بود. وقتی مطبوعات به واریز عواید ناشی از مالیات و املاک خالصه به حساب وزارت جنگ بدون دخالت وزارت مالیه اعتراض کردند، رضاخان با مشت دندان فلسفی، مدیر روزنامه حیات جاوید را شکست. هاشم‌خان محیط مدیر روزنامه وطن را نیز قزاقان به شدت مضروب و در قزاقخانه حبس کردند.<sup>۱</sup> میرزا حسین خان صبا مدیر روزنامه ایران را به جرم نوشتن لطیفه‌ای در مورد ایل زعفرانلو که رضاخان را در جنگ با کلنل پسیان یاری کرده بودند، دستگیر و در میدان مشق فلک کردند.<sup>۲</sup> قتل میرزاده عشقی، پس از نشر چند کاریکاتور و مقالات تند بر ضد دیدگاه جمهوری رضاخانی، موجب شد مقدمات استیضاح دولت در مجلس فراهم آید.<sup>۳</sup> اما روند حوادث چنان شد که نه تنها دولت سردار سپه استیضاح نشد، بلکه با انقراض حکومت قاجاریه، حکومت خودکامه رضاشاه آغاز شد.

#### دوره سلطنت (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

رضاخان در دوره وزارت جنگ و نخست‌وزیری خود سعی کرد مطبوعات و مجلس را که همواره از آنها وحشت داشت به انقیاد درآورد. تعداد زیادی از جراید را به تعطیلی کشاند و تعدادی را نیز با افکار خود

۱. ملک‌الشعراى بهار، تاریخ مختصر سیاسی ایران، جلد ۱ (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷)، ص ۲۲۵.

۲. علی دشتی، پنجاه و پنج (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴)، ص ۹۵-۹۶.

۳. برای اطلاع بیشتر از جزئیات قتل میرزاده عشقی ر.ک. به: حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران...، ص ۵۴-۶۱.

همراه ساخت و به خدمت گرفت. در مجلس نیز با ترفندهایی مخالفان را در اقلیت قرار دادند. وقتی در مجلس پس از قتل عشقی و تحصن روزنامه‌نگاران بحث استیضاح دولت از سوی مدرس مطرح شد، روزنامه ستاره ایران از آن با عنوان استیضاح، افتضاح نام برد و به شدت به مدرس حمله کرد.

این عوامل باعث شد رضاخان سلطنت را در جوی آغاز کند که از جراید مخالف اثری نباشد. بدون شک دوره سلطنت رضاشاه از سیاهترین زمانها در تاریخ اندیشه ایران محسوب می‌شود. در این زمان نه تنها مطبوعات بلکه چاپ هر برگه‌ای منوط به کسب اجازه از بازرس ویژه در شهربانی بود که در قالب مهر "روا" در بالای صفحات انجام می‌پذیرفت. بازرسان و ممیزان شهربانی که معمولاً سواد لازم را برای این کار دارا نبودند، مشکلات فراوانی را به بار می‌آوردند. به نظر می‌آید گفته تقی ارانی که در دادگاه در مورد یکی از ممیزان گفته بود هر چه را نمی‌فهمید سانسور می‌کرد و چون هیچ نمی‌فهمید همه چیز را سانسور می‌کرد، درباره اکثر ممیزان آن دوره صادق باشد. از قول ناشری نقل شده است: «در زمان رضاشاه اداره اطلاعات شهربانی هر کتابی را که می‌خواست چاپ شود باید می‌دید و روی هر صفحه مهر «روا» می‌زد تا چاپخانه چاپ کند. من دیوان حافظ را که بارها چاپ شده بود به شهربانی بردم تا اجازه چاپ بگیرم. متصدی گفت: بروید و یک ماه دیگر بیایید. گفتم: این دیوان بارها چاپ شده است. شما اجازه بدهید که آن را ببرم و چاپ کنم. گفت: خیر، زودتر از یک ماه نمی‌شود، یک ماه دیگر بیایید. بعد از یک ماه که رفتم، دیدم بجز یک صفحه روی سایر صفحات مهر «روا» زده است. بعد آن یک صفحه را باز کرد و گفت: این یک شعر را باید عوض کنی:

رضا به داده بده وز جبین گره بگشای

که بر من و تو در اختیار نگشادست

۱. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، (تهران: نشر علم، ۱۳۷۲)، ص ۷۸۱.

گفتم: آقا، این شعر متعلق به حافظ است من چطور آن را عوض کنم؟! بر فرض که عوض کنم، جای آن چه بگذارم!!؟

متصدی گفت: چون کلمه «رضا» اسم اعلیحضرت همایونی رضاشاه کبیر است، آن را بردار و کلمه دیگری جای آن بگذار! مثلاً «حسن به داده بده»، «تقی به داده بده»، «نقی به داده بده»<sup>۱</sup>.

نظمیه رضاخان چنان ناشیانه دست به سانسور می زد که لازم بود برای قانونی جلوه دادن آن اقداماتی صورت گیرد. در ماه اسفند ۱۳۱۳ در نامه‌هایی که از اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه صادر شده عنوان شده است که «به نظر این اداره بهتر است در این موارد اداره محترمه نظمیه نظر اداره انطباعات را که شعبه خاصی برای نظارت شرعیات دارد استفسار نماید تا بوسایل و مجوزات قانونی بتوقیف آن‌ها مبادرت شود»<sup>۲</sup>.

سانسور و اختناق حاکم باعث شد که اغلب متفکران فقط به تبعات بی خطر ادبی پردازند و انجمنهای زیادی تحت نظر حکومت شکل گرفت. حتی نشریات فارسی خارج از کشور نیز مبارزه خود را معطوف به مسائلی مثل عقب افتادگی ایران و لزوم پیوستن به قافله تمدن اروپایی می کردند. مرکز این نشریات برلن بود و مجلات کاوه، ایرانشهر و فرنگستان در آنجا منتشر می شد.

نویسندگان کاوه معتقد بودند «قبول و ترویج بلاشرط و قید تمدن اروپا و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و کل اوضاع فرنگستان بدون هیچ استثنا...»<sup>۳</sup> راه رستگاری ایران است

۱. محمدتقی فلسفی، خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۳۵۳.

شبهه این مطلب نیز در مآخذ ذیل نقل شده است:

عبدالرحیم ذاکر حسینی، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۹.

۲. اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران به شماره تنظیم ۳۷۱۴، ۲۹۷۰۰ که تصویر آنها در پیوست آمده است.

۳. مسعود بهنود، از سیدضیاء تا بختیار (تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۱-۱۱۲.

و فرنگستان نیز که جوانان ایرانی مقیم آلمان مثل احمد فرهاد، غلامحسین فروهر، جمال‌زاده، دکتر تقی ارانی، مشرف‌الدوله نفیسی و مرتضی یزدی در آن آثار خود را به چاپ می‌رساندند، می‌نوشت: «ایران باید روحاً، جسماً، ظاهراً و باطناً فرنگی مآب شود.»

طرح این نظریات، القائات نظریه‌پردازان داخلی رضاخان و عوامل دیگر موجب شد برای نفی نظام سنتی جامعه ایرانی به همانندسازی پوشش با غربیان روی آورده شود. سفر رضاشاه به ترکیه که به تدبیر فروغی صورت گرفت وی را بر اجرای این امر مصمم‌تر ساخت. او در جامعه‌ای اقدام به کشف حجاب کرد که به نوشته یکی از اندیشمندان حوزه تاریخ تا آن زمان در آن یک نمونه یافت نمی‌شد «که تصویر زنان ایرانی و حتی بانوان درباری سربرهنه و بی‌حجاب باشد.» مسلماً چنین حرکتی با اعتراضات زیادی توأم بود. اجتماع مسجد گوهرشاد مشهد که در مخالفت با این امر تشکیل شده بود به خاک و خون کشیده شد و هزاران نفر در خانه‌های خویشان محبوس شدند و عده‌ای نیز با اکراه با لباس جدید در انظار ظاهر می‌شدند. این حرکات نشان می‌دهد که نظام رضاشاهی فقط به سانسور در حوزه اندیشه و کتابت بسنده نکرده و اعمال و رفتار و پوشش مردان و زنان را نیز تحت نظارت و سانسور قرار داد. علاوه بر مبارزات و مخالفت‌هایی که با این کار شد، یکی از ظریفترین اعتراض‌هایی که به این امر در فرهنگ مردم صورت گرفت این بود که همچون کلاه پهلوی لباس زیر زنان را نیز با لقب پهلوی مفتخر ساختند!

در سال ۱۳۱۶ دستگیری گروه ارانی نظام را واداشت گسترش مرام اشتراکی را بهانه کند و با به کارگیری قانون مقدمین بر علیه استقلال و امنیت کشور دست به شدت عمل بزند.

قانون مقدمین بر علیه استقلال و امنیت کشور در سال ۱۳۱۰ به

۱. مسعود بهنود، همان، ص ۱۱۲.

۲. رضا شعبانی، گفتار اول، مقدمه و واقعه کشف حجاب (تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱)، ص ۱۰.

تصویب رسیده بود و براساس آن هرگونه تبلیغ برای مرام اشتراکی ضدیت با سلطنت جرم شناخته می‌شد.<sup>۱</sup> چون تشخیص تبلیغی بودن هر سخن با پنهان‌پژوهان شهربانی بود، وضع بسیار دشواری پدید آمده بود. در عین فارسی‌گرایی حاکم، به کاربردن کلمه "کارگر" ممنوع شد و به جای آن باید "عمله" به کار می‌رفت. در دستگاه سانسور، جمله "تیرنگاهت بر قلبم کارگر افتاد" تبدیل به "تیر نگاهت بر قلبم عمله افتاد" می‌شد! یا این کلام علی (ع): «کسی که نتواند بر نفس خود حکومت کند حکومت بر مردم نتواند کرد» موجب توقیف روزنامه می‌شد.<sup>۲</sup>

برای جلوگیری از ورود کتابها و نشریات مخالف چاپ شده در خارج از کشور مرزها به شدت بازرسی می‌شد. طی آیین نامه‌هایی ورود دیوان شعر لاهوتی که به زبان فارسی در مسکو چاپ شده بود و شرح حال کلنل پسیان چاپ برلن ممنوع اعلام شد.<sup>۳</sup>

عوامل شوروی برای عبور از سد گمرک که به شدت بازرسی می‌شد، جلد کتابهای کمونیستی را با جلد کتابهای کلاسیک که ممنوع نبودند عوض می‌کردند و از گمرک عبور می‌دادند. سرپاس مختار، رئیس شهربانی معروف رضاشاه طی نامه‌ای به این موضوع اشاره کرد که از این طریق چند جلد کتاب تاریخ حزب کمونیست وارد کشور شده است.<sup>۴</sup> رضاشاه حساسیت عجیبی نسبت به انتقادات و مطالب مخالف نشریات خارج از کشور داشت. او به علت درج مطالبی در یک مجله فکاهی فرانسوی، رابطه ایران را با فرانسه قطع کرد.<sup>۵</sup> در این دوره، زمانی ورود نشریاتی را مثلاً از امریکای شمالی به طور کلی ممنوع اعلام می‌کردند و زمانی دیگر ورود

۱. عبدالرحیم ذاکر حسینی، همان، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۱۹.

۳. محمد صدرهاشمی، همان، ص ۳۱.

۴. سندهای شماره  $\frac{۲۴۰}{۹۵/۶۴/۴}$  و  $\frac{۲۴۰}{۹۵/۶۴/۴}$  سازمان اسناد ملی ایران، پیوست

۵. سند شماره  $\frac{۲۴۰}{۹۵/۶۴/۱۲}$  سازمان اسناد ملی ایران، پیوست

۶. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳)، ص ۴۶.

عناوین مشخصی را غیرقانونی اعلام می‌داشتند.<sup>۱</sup>

### سانسور در حکومت پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

این مرحله از حیات سیاسی - اجتماعی مطبوعات و کتاب را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

دوره دوم: از ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۱

دوره سوم: از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

### سانسور در دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۳۲)

این دوره که پس از سالهای طولانی اختناق و سکوت آغاز شد، برای نشریات آزادی نسبی ارزشمندی را به ارمغان آورد. در سالهای اول فقط نوشتن بر ضد "متفقین" و به سود کشورهای "محور" که در حال جنگ بودند موجب محدودیتهایی می‌شد.<sup>۲</sup> اما مطبوعات در انتقاد از وکلا، وزرا، و حتی خود شاه آزادی داشتند. نشر بیش از هزار عنوان مجله و روزنامه<sup>۳</sup> در این دوازده سال بهترین گواه رونق مطبوعات در این دوره است؛ هرچند آمار نشان می‌دهد که نشر کتاب وضع چندان مطلوبی نداشته است.

#### ۱. فراوانی کتابهای منتشرشده در دوره اول<sup>۴</sup>

سال	۱۳۲۰	۱۳۲۱	۱۳۲۲	۱۳۲۳	۱۳۲۴	۱۳۲۵	۱۳۲۶	۱۳۲۷	۱۳۲۸	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲
عنوان	۳۲۸	۲۸۶	۱۹۳	۳۲۸	۳۲۸	۳۱۰	۳۶۹	۳۱۳	۵۰۵	۳۰۸	۵۳۸	۴۸۰	۳۸۲

۱. سندهای شماره  $\frac{۳۴۰}{۹۵/۶۴/۱۰}$  و  $\frac{۲۴۰}{۹۵/۶۴/۱۱}$  سازمان اسناد ملی ایران، پیوست  
 ۲. محمد بهارلو، "سانسور و فکر خطرناک نویسنده"، *دنیای سخن* ۷۳ (سال دوازدهم، ویژه نوروز ۱۳۷۶)، ص ۲۹.  
 ۳. محمود طلوعی، همان، ص ۷۸.  
 ۴. کتاب و مطبوعات در ایران (تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، ۱۳۵۲)، ص ۲۴.

میانگین تعداد کتابهای منتشر شده در این دوره ۳۵۹ عنوان کتاب در سال است که نشانگر کاستی چشمگیری است و با توجه به این که در این دوره تقریباً هیچ محدودیتی در نشر کتاب وجود نداشت و هیچ یک از شیوه‌های سانسور کتاب به کار گرفته نمی‌شد، می‌توان این کاستی را در عوامل دیگری جستجو کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

- ضعف در حوزه فرهنگ و اندیشه به علت سپری کردن یک دوره سرکوب و اختناق

- ضعف در زمینه تألیف و ترجمه

- ضعف آماده سازی فنی و تولید کتاب

- ضعف سرمایه گذاری در صنعت کتاب

- ضعف تبلیغ، توزیع و فروش

- ضعف نقد و بررسی کتاب

- ضعف عمومی، شرایط ناشی از پیامدهای جنگ و اشغال و سطح

پایین سواد و ضعف فرهنگی

با تمام این ضعفها آزادی سیاسی این سالها پس از یک دوره طولانی اختناق و حاکمیت زور، زمینه بسیار مساعدی را برای رشد و غنای فرهنگی فراهم آورد و تأثیر عمیق خود را در تحولات اندیشه در ایران معاصر به جای نهاد.

سانسور در دوره دوم (۱۳۳۳-۱۳۴۱)

پس از کودتای ۲۸ مرداد و روی کار آمدن حکومت نظامی وضع دگرگون شد. در سالهای اول کودتا هنوز حال و هوای مطبوعات چنان بود که جریان دادگاه و دفاعیات مصدق و یاران وی در مطبوعات منعکس می‌شد. با آنکه تأسیس ساواک در سال ۱۳۳۶ بر محدودیتها افزود و سانسور سیاسی وسیعی را حاکم کرد، آزادی نسبی حاکم بر این دوره به

۱. عبدالحسین آذرنگ، "دوره‌های عادی و بحرانی نشر کتاب در ایران"، دانشگاه انقلاب (ویژه‌نامه کتاب، آبان ۱۳۷۴)، ص ۴۱-۴۲.

ویژه در سالهای آخر آن در مقایسه با دوره بعد وضعیت مطلوب تری فراهم آورده بود.

در طی این سالها، همچون دوره پیش، وضعیت نشر کتاب مطلوب نبود و اعتنایی جدی به آن نمی شد.

### ۲. فراوانی کتابهای منتشرشده در دوره دوم<sup>۱</sup>

سال	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۴۰	۱۳۴۱
عنوان	۳۹۴	۷۹۸	۵۷۰	۶۹۰	۶۲۱	۴۸۵	۵۶۸	۵۸۷	۸۰۳

میانگین ۶۱۲ عنوان کتاب در این دوره نشانگر وضع نامطلوب نشر کتاب است. با نشر ۴۸۵ عنوان کتاب در سال ۱۳۳۸ که ایران حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت داشت، برای هر میلیون نفر ۲۴ عنوان کتاب منتشرشده بود؛ در حالی که در همان زمان در کشور دیگری برای هر میلیون جمعیت ۵۰۰ عنوان کتاب منتشر می شد.

در این دوره نخستین تحلیلها و تعلیلهای سیاسی - اجتماعی نشر یافت. اما نشر کتابهای سبک و سطحی و ضدارزش نیز آغاز شد که تا سقوط پهلوی ادامه داشت.

پرونده‌های موجود نشان می دهد که در این دوره، سانسور پیش از انتشار به طور جدی اعمال نشده است و اگر پس از نشر کتاب با اعتراض رو به رو می شدند، آن را بررسی می کردند.

در سال ۱۳۴۱ خبری در روزنامه اطلاعات مبنی بر جمع آوری و سوزاندن تعدادی کتاب درج شد. وزیر فرهنگ وقت که از این کار بی اطلاع بود، موضوع را از مدیر کل اداره نگارش سؤال کرد. وی در پاسخ توضیح داد که چاپخانه‌ها موظف هستند پس از تحویل دستنوشته کتاب با گواهی وزارت فرهنگ آن را به چاپ برسانند؛ ولی این ماده در تمام موارد از طرف چاپخانه‌ها رعایت نمی شود. اداره نگارش به محض این که مستقیماً یا به

۱. کتاب و مطبوعات در ایران...، ص ۲۴.

وسيله دستگاههای ديگر از انتشار کتابهای مضره اطلاع می‌یابد، بعد از بررسی، دستور جمع‌آوری را به اداره آگاهی صادر می‌نماید. موضوعهای کتابهای جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که سانسور صورت گرفته بیشتر اخلاقی و مذهبی و کمتر سیاسی بوده است.

### سانسور در دوره سوم (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

این دوره پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در حالی آغاز شد که انتشار کتاب و جراید به لحاظ کیفی و کمی به طور فزاینده‌ای رشد یافت. در سال ۱۳۴۸ یعنی یکی از سالهای میانی این دوره ۴۷۰۹ عنوان کتاب منتشر شد که بیشترین تعداد نشر در طول حکومت پهلوی است.

فراوانی کتابهای منتشر شده در دوره سوم

سال	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷
عنوان	۷۵۱	۱۰۲۸	۱۷۵۲	۲۱۳۷	۳۱۶۹	۳۶۲۱	۳۷۰۹	۳۳۵۹	۳۳۷۲	۳۳۷۳	۳۰۷۸	۱۸۷۲	۱۰۹۳	۱۶۸۹	۳۲۷۷	۳۹۹۴

در طول این ۱۶ سال، ۴/۲ برابر کل دو دوره قبل که ۲۲۰۰۰ عنوان بود کتاب منتشر شد و گرچه این وضع در مقایسه با آمار جهانی در همان سالها مطلوب نبود، برای ایران آن روزگار تحول عظیمی به شمار می‌رفت. به لحاظ کیفی نیز نشر کتابهای گرانسنگی در حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی، نظام را متوجه قدرت دگرگون‌ساز کتاب ساخت. از این رو در این دوران شدیدترین سانسورها در حوزه اندیشه اعمال شده. اقراب بسیاری ممنوع‌الکلم و ممنوع‌المنبر شدند و انواع تضيیقات آغاز شد. هر کتاب قبل از نشر به بهانه گرفتن شماره ثبت کتابخانه ملی می‌بایست به اداره نگارش تحویل داده می‌شد و آنان نیز با بررسی تک تک صفحات و اعمال اصلاحات اجازه نشر صادر می‌کردند یا کتاب را غیر قابل انتشار اعلام می‌کردند.

۱. ر.ک. به قسمت پیوست

۲. ر.ک. به قسمت پیوست



نباید منعکس شود، حتی اگر از زبان خود بوتو باشد.  
- عکس ملاقات کفیل وزارت اطلاعات بحرین با وزیر اطلاعات حتماً امروز چاپ شود.

- راجع به اجساد مومیایی حتی یک کلمه خبر و مطلب دیگر چاپ نشود.

- آسوشیتد پرس از لندن خبر داده است که دولت انگلستان به دستگیری سازمان سیا دولت دکتر مصدق را سرنگون کرد. این مطلب را اخیراً یک روزنامه‌نگار فرانسوی نوشته است. (چاپ نشود)

- هفت نفر کوهنورد در کرج سقوط کرده و کشته شده‌اند. این خبر قابل چاپ نیست.

- راجع به سالروز قتل عام ارامنه هیچ‌گونه خبر، مطلب و عکسی قابل چاپ نیست.

- در مورد شیوع وبا در همدان و اطراف که تلفات هم داشته مطالبی چاپ نشود!

با تمام این تحدیدها، نظام، جراید موجود را تحمل نکرد و در سال ۱۳۵۳ دستور تعطیلی و توقیف بیش از ۵۰ روزنامه و مجله صادر شد و به اجرا درآمد!

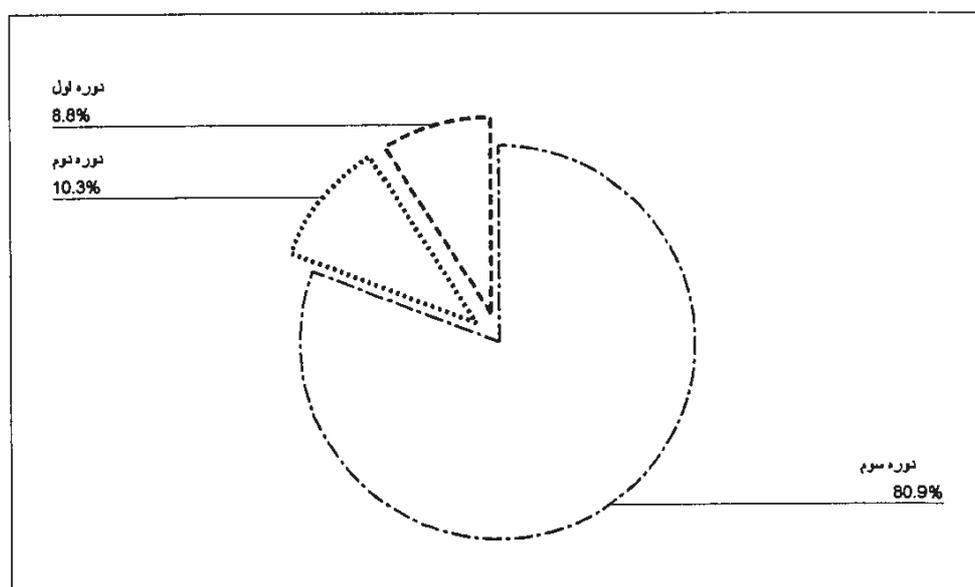
در سالهای ۵۶ و ۵۷ با شروع انقلاب زمینه آزادسازی مطبوعات فراهم آمد و در ماههای آخر این دوره جراید با کمترین ممیزی منتشر می‌شدند. اما در مورد کتاب چنین نبود. اسناد نشان می‌دهد که اداره نگارش تا روزهای آخر عمر رژیم پهلوی به کار مشغول بوده است که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت. تنها تحولی که در ماههای آخر رخ داد، نشر کتابهای موسوم به "جلد سفید" بود که بدون مجوز به چاپ می‌رسیدند و بسیاری از کتابهایی که در گردونه ممیزی معطل مانده بودند به این صورت منتشر

۱. جواد مجابی، سخن در حلقه زنجیر (تهران: انتشارات سمندر، ۱۳۵۷)، ص ۱۴-۱۵.

۲. محمود طلوعی، همان، ص ۷۹۵.

شدند که بعضاً اعتراض ناشران اصلی را در پی داشت.<sup>۱</sup> در مجموع تعداد عنوانهای نشریافته در دوره سوم نسبت به دو دوره قبل حتی بدون احتساب کتابهای جلد سفید بسیار زیادتر بود که نمودار ۱ به خوبی آنرا نشان می‌دهد.

۱. نمودار مقایسه‌ای تعداد کتابهای منتشرشده در سه دوره



فزونی تعداد کتابهای نشریافته، به کارگیری شیوه‌های مختلف برای فرار از سانسور و یکسان نبودن نظرهای دولتمردان سبب می‌شد که در این دوره فقط به سانسور پیش از انتشار بسنده نکنند. گاهی اداره نگارش به کتابی اجازه نشر می‌داد ولی مقامات امنیتی دستور جمع‌آوری و نابودی آن را می‌دادند.

در سال ۱۳۵۴ مدیرکل اداره نگارش علت سانسور بعد از انتشار را چنین بیان کرد: «در زمینه مسائل کتاب تنها ما دخالت نمی‌کنیم بلکه هر

۱. ر.ک. به قسمت پیوست

وزارتخانه و سازمانی بنا به وظیفه و نقشی که به عهده دارد در این کار دخالت می‌کند؛ مثلاً ممکن است یک کتاب حقوقی بعد از انتشار به دلیل این که با فلان ماده قانونی مغایر است، دادگستری اقدام به جمع‌آوری آن کند و همین‌طور سایر ادارات و سازمان‌ها در رابطه با وظایف و زمینه کارشان. البته در بررسی بیست و یک هزار پرونده اداره نگارش در این پژوهش مشخص شد که تنها سازمانی که رسماً به سانسور بعد از انتشار می‌پرداخته ساواک بوده است. این سازمان هر کتابی را که مضر تشخیص می‌داد سریعاً جمع‌آوری و نابود می‌کرد. خاطره یکی از ناشران شنیدنی است:

«تلفن کردند که از ساواک آمده‌اند و می‌خواهند دیوان عشقی را ببرند. گفتم به آنها بگویید که این کتاب اجازه نشر و نمره ثبت کتابخانه ملی گرفته. گفتند نشان دادیم ولی می‌گویند آن کسی که اجازه داده، غلط کرده. کتابی را که نوشته پدر ملت ایران اگر این بی‌پدر است بر چنین ملت و گور پدرش... اجازه نمی‌دهند.»<sup>۱</sup>

### ممیزان و دیدگاه‌های آنان

در سال ۱۳۵۴ مدیرکل اداره نگارش که در واقع سرسانسورگر نظام به شمار می‌آمد طی مصاحبه‌ای زیرکانه، اسامی عده‌ای از نویسندگان را مطرح ساخت: «در هرچیز اعتراض باشد در صلاحیت بررسی‌های [بررسی‌های] ما اصلاً جای اعتراض نیست، چرا که این‌ها خود در زمره بزرگ‌ترین نویسندگان و صاحب‌نظران این کشور به حساب می‌آیند و در صلاحیت آن‌ها نه به ادعای من، بلکه به اعتقاد همه نویسندگان و صاحب‌نظران ما شکی نیست، مثلاً در گذشته ما ممیزهایی چون حکیمت، نیمایوشیج، فرامرزی و دکتر صورتگر داشته‌ایم بدین ترتیب چه کسی

سازمان سانسور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۵۱.

۱. ایرج زندپور، «سانسور (بررسی)» کتاب پس از چاپ؟، رستاخیز جوانان (شماره

۲۳، ۱۳۵۴/۸/۱۹)، ص ۷۴.

۲. «امیرکبیر و عبدالرحیم جعفری»، گفتگو (شماره ۷، بهار ۱۳۷۴)، ص ۷۴.

می‌تواند به صلاحیت آنها اعتراض کند یا شک نماید. حالا هم همین‌طور است و بررسی‌های [بررسی‌های] ما عموماً از صاحب‌نظران و علماء بنام تشکیل شده‌اند.»<sup>۱</sup>

در بررسی ۲۰۳۱۳ پرونده اداره ممیزی مربوط به سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ مشخص شد که حتی یک مورد کتاب توسط افرادی که نام برده شده‌اند بررسی و ممیزی نشده است. به نظر می‌آید زندپور نام عده‌ای را مطرح ساخته است که در قید حیات نباشند تا از خود دفاع کنند و دیگران هم در نفی یک عمل محرمانه و مخفیانه اقدام مستندی نمی‌توانستند به عمل آورند.

در بین دهها ممیز اداره نگارش فقط نام چند نویسنده و محقق به چشم می‌خورد که کار آنان نیز مداوم و بلندمدت نبوده بلکه بعضاً در حد بررسی دو یا سه کتاب بوده است که به نظر می‌آید این چند عنوان نیز به بیانه نظرخواهی در مورد ارزشمند بودن کتاب برای چاپ لژی سوری اداره نگارش به آنها داده شده است. زیرا یکی از فعالیتهای اداره نگارش، علاوه بر سانسور، نشر کتابهای مورد نظرشان بوده است.

معرفی نامهایی به غلط به عنوان ممیزان، فقط توسط گردانندگان نظام صورت نگرفته است؛ بلکه حتی مخالفان نیز به علت مستور و محرمانه بودن فعالیتهای ممیزی به اشتباه افتاده‌اند.

در کتاب جلد سفیدی که در سال ۱۳۵۶ با نام قتل عام قلم و اندیشه نشر یافت، می‌خوانیم: «اداره نگارش علاوه بر کارکنان و بررسی‌های خود که اغلب آنها در عین حال از مأموران یا به جهت شغلی از وابستگان سازمان امنیت هستند، گروه دیگری را در خدمت دارد که در دو ساله اخیر این گروه را تقویت کرده است. این گروه عبارتند از عده‌ای از نویسندگان و مؤلفان دست دوم و از کارافتاده‌ای که زمانی یک دو تا کتاب منتشر کرده‌اند و یا چند مقاله در روزنامه‌ها نوشته‌اند. این افراد به عنوان هاله‌ای برگرد اداره سانسور عمل می‌کنند و هر یک با توجه به قدر و ارزش خود برای دستگاه سانسور

۱. ایرج زندپور، سانسور (بررسی) کتاب پس از چاپ ... ص ۲۶.

و یا با توجه به معروفیتی که داشته‌اند هر ماه بین یکهزار تومان تا سه هزار از اعتبار مخصوصی که در اختیار وزیر فرهنگ و هنر است پاداش مستمر میگیرند. اکثر این افراد در ضمن کارمند شاغل یا بازنشسته وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی دیگر و یا سازمان‌های دیگر وزارت فرهنگ و هنر هستند. افرادی نظیر: مهدی برادران قاسمی مفسر رادیو، فرهنگ فرهی رپرتیو، ابوالقاسم پاینده نماینده دوره قبل مجلس، دکتر مهاجرانی واعظ معروف، محمد علی زرنگار مدیر کل سابق مطبوعات وزارت اطلاعات و رئیس سابق سانسور آن وزارتخانه و رئیس کنونی امور انتشارات حزب رستاخیز، فرامرز برزگر سردبیر سابق مجله تهران مصور و معاون سابق همین اداره سانسور، دکتر ذبیح‌الله صفا رئیس سابق دانشکده ادبیات، دانشی نماینده مجلس از آبادان و معمم و گوینده اخبار مذهبی رادیو، بشارت مدیر روزنامه سابق صدای وطن، بهبهانی واعظ معروف، دانش نوبخت از فعالین گروههای فاشیستی سابق، سیامک پورزند روزنامه‌نگار سابق، زین‌العابدین مؤتمن دبیر سابق ادبیات، جعفر شاهی مدیر روزنامه جوانمردان، ابراهیم خواجه‌نوری رئیس تبلیغات شرکت سابق نفت، محمود طلوعی مفسر سابق رادیو و روزنامه ایران نوین و نماینده دوره سابق مجلس، منوچهر آتشی شاعر، ابراهیم صهبا شاعر، ابوالحسن احتشامی نماینده سابق مجلس و روزنامه‌نگار سابق، دکتر رحمت مصطفوی روزنامه‌نگار سابق، علی اصغر افراسیابی روزنامه‌نگار سابق، آلبرت کوچوئی عضو تلویزیون، سبکتکین سالور نویسنده رادیو ایران و گروهی دیگر.»

با بررسی انجام‌شده در پرونده‌های اداره کل نگارش مشخص شد که بعضی از اینان اصلاً با اداره نگارش همکاری نداشته‌اند.

یکی از معروفترین ممیزان تاریخ نشر ایران محرم‌علی خان است که پس از مرگش معلوم شد نام خانوادگی‌اش زینعلی بوده است.<sup>۱</sup> او در ۱۲۸۹ ش. در یکی از روستاهای آذربایجان متولد شده بود. تحصیلاتش در

۱. علی بهزادی، شبه خاطرات (تهران: نشر زرین، ۱۳۷۶)، ص ۵۳۶.

حد خواندن و نوشتن بود که بعدها کاملترش کرد. در سال ۱۳۰۷ وارد خدمت نظمی شد. در سال ۱۳۱۷ در قسمت اطلاعات (کارآگاهی) به کار پرداخت. در آن زمان سانسور کتاب و مطبوعات در دست "شمیم" بود که بدون مهر "روای" او هیچ برگه‌ای اجازه چاپ نداشت. شمیم متوجه استعداد محرمعلی خان شد. وی را به اداره خود منتقل و پس از مدتی به سمت معاون خود منصوبش کرد.

بعد از شهریور بیست که به شمیم حملات زیادی شد و «او مانند بسیاری از پایه‌گذاران دیکتاتوری برکنار شد»، محرمعلی خان جانشین وی شد. او ممیزی در وزارت اطلاعات و جهانگردی را تا سال مرگش (۱۳۵۴) ادامه داد. او حتی در حکومت مصدق نیز به کار دعوت شد. مرحوم فاطمی معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت روزی وی را احضار کرد. مرحوم فاطمی روزنامه‌نگار بود و محرمعلی خان را به عنوان سانسورچی می‌شناخت. محرمعلی خان که تصور می‌کند فاطمی قصد انتقام‌جویی از او را دارد با حالی نزار به دفتر فاطمی وارد می‌شود و به قول خودش با گردنی کج می‌ایستد. او «یک صفحه کاغذ به سوی من دراز کرد و گفت: - محرمعلی خان این‌ها روزنامه‌هایی هستند که اجازه انتشار ندارند. همین الان می‌روی چاپخانه‌هایشان را پیدا می‌کنی و جلوی انتشارشان را می‌گیری. این حکم قانونی توقیف آن‌هاست. بعد مثل اینکه فهمید در آن لحظه چه فکری به مغزم راه پیدا کرده، گفت:

- می‌دانی محرمعلی خان، دولت سانسور را لغو کرده، جلوی بگیر و ببند فرمانداری نظامی را گرفته. الان مطبوعات اجتماعات و احزاب کاملاً آزاد هستند، ولی در چنین شرایطی عده‌ای می‌خواهند از آزادی‌هایی که داده شده سوء استفاده کنند. ما مدرک داریم که بعضی از این روزنامه‌نویس‌ها از خارجی و از شرکت نفت انگلیس پول می‌گیرند تا علیه

۱. علی بهزادی، همان، ص ۵۲۲. البته پرونده‌های موجود بیانگر آن است که شمیم تا سال ۱۳۳۵ به کار ممیزی مشغول بوده است.

دولت فعالیت کنند. بعضی بدون صلاحیت روزنامه‌هایی را اجاره می‌کنند و علیه نهضت مردم ایران چیز می‌نویسند...»<sup>۱</sup>

کسانی که دربارهٔ محرمعلی خان مطلبی نوشته‌اند بر این نظر تقریباً متفقند که:

اگرچه او یک سانسورچی بود و مسلماً مورد علاقه روزنامه‌نویس و اهل قلم نمی‌توانست باشد «اما بین یک مأمور که وظیفه خود را با حسن نیت و بی‌غرضانه انجام می‌دهد و کسی که به منظور خوش‌خدمتی پرونده‌سازی می‌کند و تیشه به ریشه افراد می‌زند تفاوت وجود دارد. محرمعلی خان کسی بود که وظیفهٔ محوله را بدون کینه‌ورزی و بی‌خبث‌طینت، ولی با جدیت انجام می‌داد. با آن که بعد از ۲۸ مرداد محرمعلی خان بزرگترین درگیری‌ها را با روزنامه‌نویسان کانون مطبوعات، که در آن زمان مخالف دولت سپهد زاهدی بودند داشت، هیچ یک از دوستان ما ادعا نکرد او از حد انجام وظیفه پا را فراتر گذاشته است. همه ما خاطراتی داشتیم که در کل انسانیت این مرد کم‌سواد ولی باهوش، جدی ولی با حسن نیت را می‌رساند.»<sup>۲</sup> ممیزان ادارهٔ نگارش هیچ وقت چنین حسن نیتی نداشته‌اند. اسناد موجود بیانگر آن است که بعضی از آنان کاسه از آتش داغتر و از مسئولان نظام هم سخت‌گیرتر و دل‌سوزتر شده بودند! که در این جا چند نمونه ذکر می‌شود:

- کتابی با عنوان هنرمند و زمان او برای گرفتن مجوز به ادارهٔ نگارش ارائه می‌شود. یکی از ممیزان در مورد نشر آن نظر منفی می‌دهد و چنین می‌نویسد: «نظرات کمونیست‌ها را رواج می‌دهد اما چه فایده، ما سخت‌گیری می‌کنیم اما ارگان حزب رستاخیز در مقالات خود نظریات مارکس را اثبات می‌کند.»<sup>۳</sup>

۱. علی بهزادی، همان، ص ۵۲۸.

۲. همانجا.

۳. آرشیو ادارهٔ نگارش سابق که در "سازمان مدارک انقلاب اسلامی" نگهداری می‌شود. پروندهٔ شمارهٔ ۱۲۸۱۸.  
از این پس فقط شمارهٔ پرونده ذکر خواهد شد.

- نام کتابخانه سلطنتی بعد از نام کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه ملک آمده است باید اصلاح شود.<sup>۱</sup>

- ممیز دیگری درباره کتابی در زمینه جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش نظر داده است: «اگر این کتاب ایران را جزو کشورهای جهان سوم می‌داند، انتشار آن محل تأمل است.»<sup>۲</sup>

- ممیز دیگر درباره کتاب تاریخ ماد می‌نویسد: اگر بر فرض محال، ماده ۲۱ متمم قانون اساسی هم ملاک و سند بررسی نبود، چاپ این کتاب از نظر هر ایرانی باید زهر هلاهل تلقی شود.<sup>۳</sup> جالب است که علی‌رغم نظر منفی سه ممیز درباره این کتاب، با افزودن مقدمه‌ای به آن اجازه نشر داده می‌شود.

بعضی از این ممیزان خود را چنان عقل کل تلقی می‌کردند که فهمشان را مناط درک یا عدم درک جامعه کتابخوان می‌پنداشتند. یکی از آنان نظر خود را چنین بیان می‌کند: «در مجموع از خزعبلات کتاب چیزی در نیافتم. پس دیگری هم سردر نمی‌آورد. لذا انتشارش بلامانع است.»<sup>۴</sup>

- در ممیزی کتاب سروش آریامهر می‌خوانیم: این کتاب کوچک و این آمار، برازنده چنان نامی نیست.<sup>۵</sup>

- به راین نیز برای اصلاح کتاب انجمنهای مخفی در انقلاب مشروطیت توصیه می‌شود که «از فرمایشات شاهنشاه بیشتر استفاده شود.»<sup>۶</sup>

- در رد کتاب آزادی هند اثر مرحوم بازرگان می‌خوانیم: «مبارزه ملت هند را به عنوان سرمشقی برای ملت ایران دانسته است در صورتی که وضع اجتماعی دو کشور متفاوت است و اصلاحات اخیر شاهنشاه آریامهر جای

۱. پرونده شماره ۵۲۵۱

۲. پرونده شماره ۱۷۷۷

۳. پرونده شماره ۲۰۳۸

۴. پرونده شماره ۱۴۳۱۴

۵. پرونده شماره ۱۳۹۰۴

۶. پرونده شماره ۱۶۱۵۰

هیچ گونه بحثی باقی نمی‌گذارد. کتاب دارای کنایاتی است که تأثیر نادرستی در جوانان می‌گذارد.»<sup>۱</sup>

- در بررسی کتاب توسعه و رشد اقتصادی می‌خوانیم: «نخستین نظریه غلط مؤلف تئوری تکنولوژی درون‌زا است که در عمل چیزی نیست جز عقب ماندگی و صحنه‌گذاری به عقب ماندگی!»<sup>۲</sup>

همان گونه که ملاحظه می‌شود بسیاری از ممیزان دیدگاه‌های خود را چنان عنوان می‌کردند که بعدها دچار مشکل نشوند. زیرا اگر کتابی با نظر مثبت ممیزان منتشر می‌شد و بعداً ساواک به آن ایراد می‌گرفت برای ممیز مشکلاتی ایجاد می‌شد.

در بسیاری از اظهارنظرها روحیهٔ مداحی‌گری برای تقرب به ارباب نظام دیده می‌شود و در این راه حتی بسیاری از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی - مثل جهان سومی بودن ایران - در عین علم ممیز به آن نادیده گرفته می‌شد. در مواردی نیز که ممیز نظر منصفانه‌ای ابراز می‌داشت، سخت‌گیری و مصلحت‌اندیشی سرممیزان باعث مشکل می‌شد. بعضی از این سرممیزان مثل زندپور از توده‌ای‌های به حکومت پیوسته بودند<sup>۳</sup> که برای حفظ موقعیت خود و اثبات سرسپردگی به شدت سخت‌گیری می‌کردند.

ممیزان بعد از بررسی کتاب معمولاً دیدگاه‌های خود را در سه قالب مثبت، منفی و مشروط ابراز داشته‌اند. نظر آنان زمانی مثبت خوانده می‌شد که نشر کتاب را بدون هیچ تغییری بلامانع تشخیص دهند. وقتی تغییراتی را سلباً و ایجاباً پیشنهاد می‌کردند، نظر آنان مشروط و اگر به طور کلی کتاب را غیرقابل انتشار می‌دانستند، دیدگاه آنان منفی تلقی می‌شد.

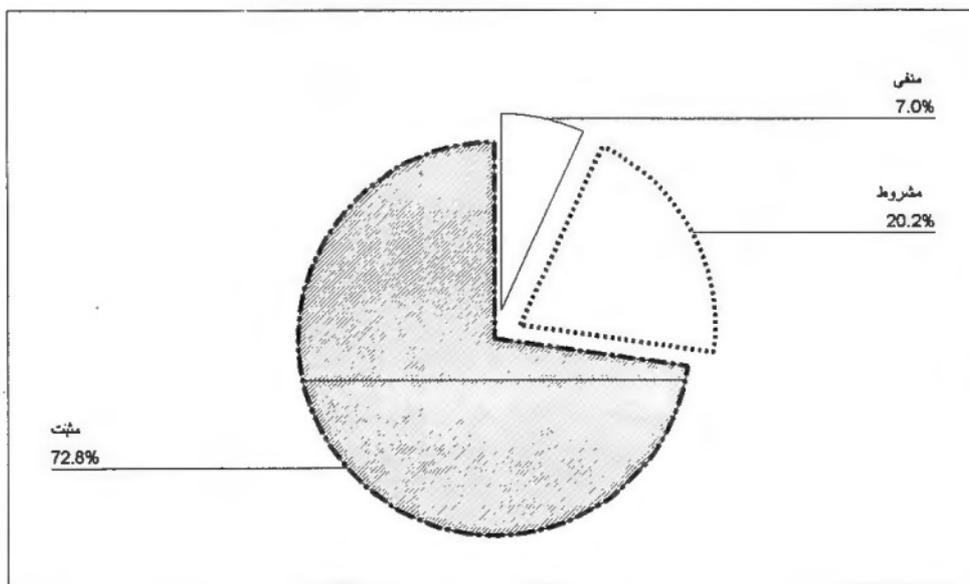
با توجه به این‌که بسیاری از کتابها در موضوعه‌هایی نشر می‌یافت که نظام از آنها احساس خطر نمی‌کرد، لذا نظر غالب ممیزان دربارهٔ نشر کتابها باید مثبت می‌بود.

۱. پروندهٔ شمارهٔ ۵۳۲۹

۲. پرونده شماره ۱۳۵۱

۳. امیرکبیر و عبدالرحیم جعفری، همان، ص ۷۵.

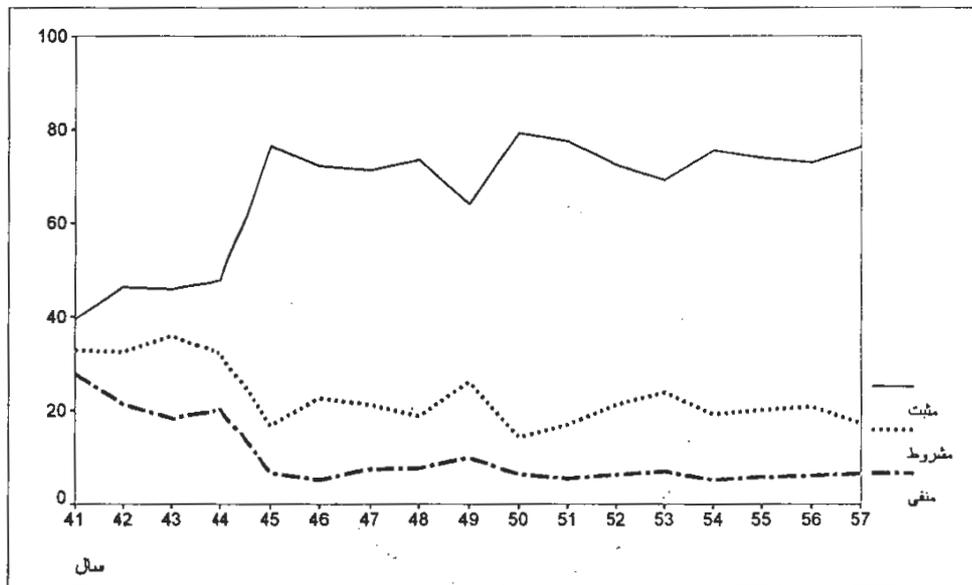
## ۲. نمودار درصدی دیدگاههای ممیزان



البته این نظرها در طی شکل‌گیری ادارهٔ سانسور و در طول زمان افت و خیزهایی داشته است. در سالهای اولیه که معمولاً کتابهای مشکل‌دار به ادارهٔ نگارش ارجاع می‌شد، درصد نظرها نسبتاً به هم نزدیک بود. اما به تدریج که قرار شد همهٔ کتابها ممیزی شوند، نظرای مثبت نیز رشد یافته و از سال ۴۵ و ۴۶ به بعد حرکت نسبتاً یکنواختی داشته است.

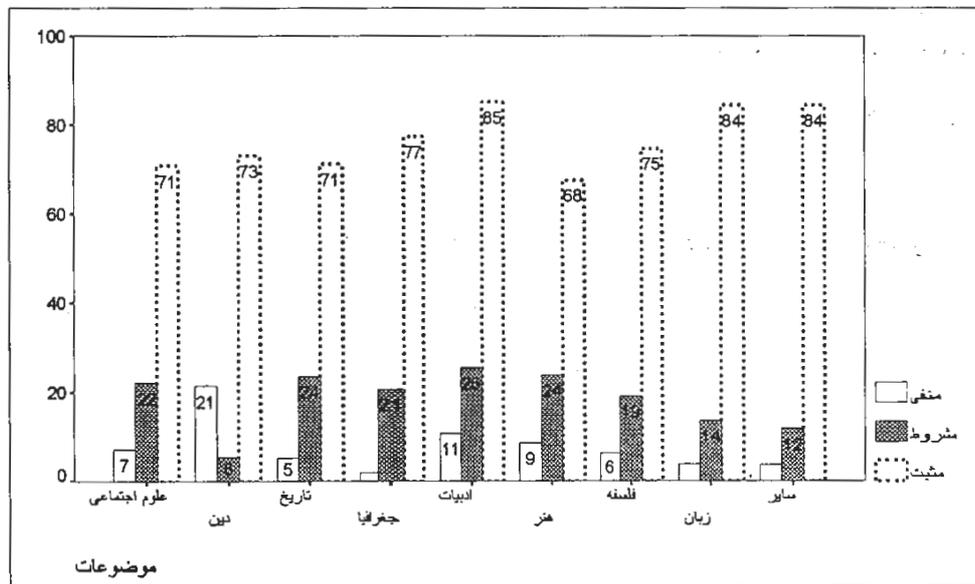
عامل دیگری که فزونی آرای مثبت را سبب شده است، رشد چشمگیر کتاب طی این دوره نسبت به سالهای پیش است. چنانکه ۷۵۱ عنوان در سال ۱۳۴۲ یکبار به ۱۰۴۸ عنوان در سال ۱۳۴۳ و ۱۷۵۲ عنوان در سال ۱۳۴۴ افزایش می‌یابد (نمودار ۳).

## ۳. نمودار مقایسه‌ای دیدگاه‌های ممیزان



نوع نگاه ممیزان با توجه به موضوع کتابها نیز طبیعتاً یکسان نبوده است. بیشترین نظر مشروط در باره کتابهایی ابراز شده است که بیشترین زمینه ابهام و ایهام را می‌توانند داشته باشند مثل کتابهای ادبی. عدم صراحت و روی آوردن به زبان نمادین در این حوزه‌ها باعث می‌شد ممیزان هر کلمه یا جمله را "قابل تأمل" بدانند و رأی بر اصلاح آن بدهند. بیشترین نظر منفی، با توجه به حساسیت نظام، درباره کتابهای دینی ابراز شده است (نمودار ۴).

## ۴. نمودار مقایسه‌ای دیدگاه‌های ممیزان در موضوعات مختلف

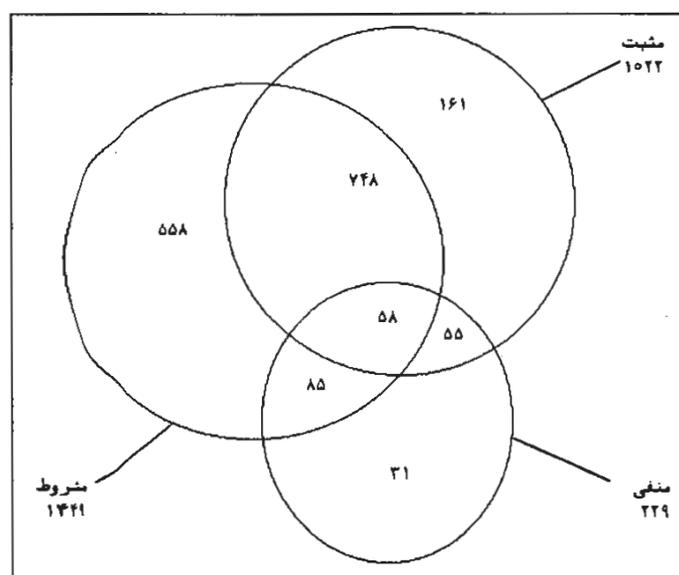


## میزان همخوانی دیدگاه‌های ممیزان با یکدیگر

رقم  $72/8$  درصد نظر مثبت ممکن است ابتدا این فکر را القا کند که نظرهای ممیزان با هم بسیار سازگار و همخوان بوده است. انتظار نیز چنین است که آنان هم با خواسته‌ها و مناطهای نظام آشنا باشند و هم توانایی سنجش میزان انطباق مطالب کتابها را با معیارهای تعیین شده داشته باشند. اما آمار و ارقام به دست آمده عکس این را ثابت می‌کند. اگر از کتابهایی که علتی برای سانسور آنها وجود نداشته است صرف نظر کنیم، مسلماً ممیزان باید درباره کتابهایی که اجازه نشر نیافته یا به طور مشروط اجازه نشر گرفته‌اند هم عقیده بوده یا حداقل به میزان زیادی دیدگاه‌های نزدیک به هم داشته باشند؛ در حالی که چنین نیست. برای نمونه به بررسی کتابهایی می‌پردازیم که صدور مجوز آنها مشروط به اصلاحاتی بوده است. از مجموع  $1742$  عنوان کتابی که با شرط تغییرات مجوز دریافت داشته‌اند درباره  $1698$  عنوان آن آرای ممیزان به ثبت رسیده

و ممکن است دربارهٔ یک کتاب چند ممیز نظر داده باشند. چنانکه نمودار نشان می‌دهد دیدگاه ممیزان در بارهٔ این کتابها که به هر دلیل "مشکل‌دار" تشخیص داده شده‌اند، کمترین همخوانی را با هم دارد. دربارهٔ این کتابها ممیزان نظرهای خود را در سه قالب مثبت، منفی و مشروط ابراز کرده‌اند.

۵. نمودار چگونگی اشتراک دیدگاه ممیزان دربارهٔ کتابهایی که به‌طور مشروط اجازهٔ نشر یافته‌اند



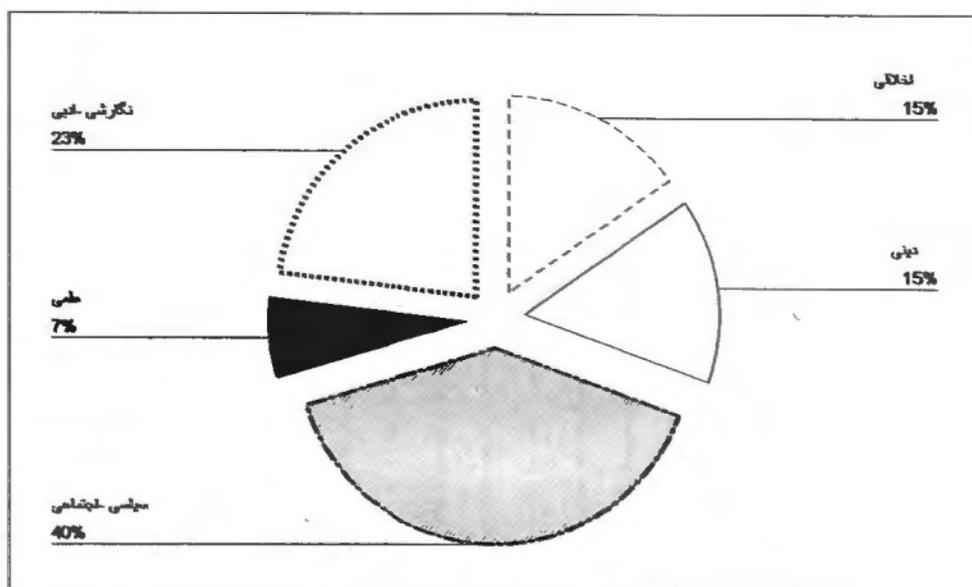
از مجموع ۱۶۹۸ عنوان فقط دربارهٔ ۳۲/۸ درصد آن یعنی ۵۵۸ عنوان همه ممیزان هم‌عقیده بوده‌اند و دیدگاه دیگری نداشته‌اند؛ یعنی اگر ادارهٔ ممیزی فقط نظر ممیزان را اعمال می‌کرد، فقط ۴۸۱ عنوان می‌بایست پس از تغییرات اجازهٔ نشر یابند؛ در حالی که عملاً دربارهٔ ۶۷/۲ درصد این کتابها دچار اختلاف نظر هستند. حتی یک نظر منفی هم داده نشده است. این اعداد بیانگر این واقعیت است که حتی دربارهٔ کتابهایی که به زعم دستگاه نگارش آن زمان "مشکل‌دار" محسوب می‌شده‌اند، وحدت دیدگاه قابل اتکایی وجود نداشته است.

### انواع سانسور در حکومت پهلوی دوم

سانسورهای صورت گرفته در این دوره در همان پنج قالب کلی، ممیزی سیاسی - اجتماعی، دینی، اخلاقی، علمی و نگارشی قابل تقسیم است. در نگاه اول ممکن است اصطلاح ممیزی نگارشی به این دلیل که رساننده مفهوم اصلاح نگارشی است بی معنا به نظر برسد. اما توجه داشته باشیم که تعدادی از کتابها به همین دلیل اجازه نشر نیافته‌اند؛ بی آنکه به مؤلف فرصت اصلاح کردن داده شود.

گاهی یک کتاب از چند دیدگاه، مثلاً از لحاظ سیاسی، دینی و علمی، ممیزی می‌شد و از آن ایراد می‌گرفتند. نمودار زیر نشان می‌دهد که در طول حکومت پهلوی دوم هریک از این نوع سانسورها به میزان متفاوتی به کار رفته است.

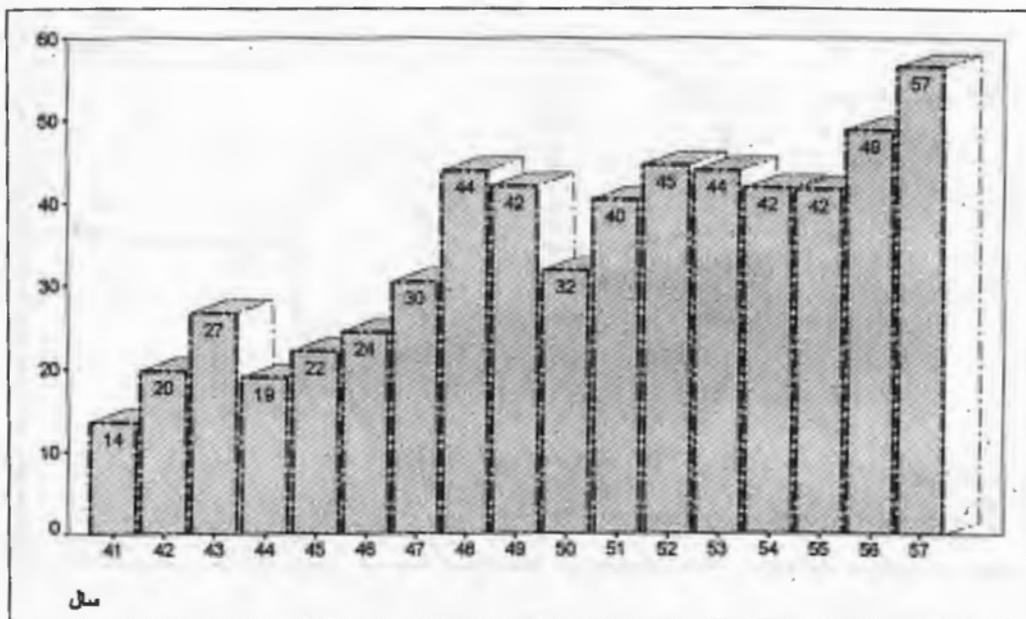
۶. نمودار فراوانی انواع سانسور



### سانسور سیاسی - اجتماعی در حکومت پهلوی دوم

همان گونه که نمودار فوق نشان می‌دهد ممیزی سیاسی - اجتماعی بیشترین فراوانی را در حکومت پهلوی دوم داشته است. نداشتن پایگاه در میان اندیشمندان و صاحب نظران موجب می‌شد که حوزه اندیشه، بزرگترین مخالف و خطر برای نظام محسوب شود. یکی از حکومتگران آن دوره در جلسه‌ای دانشجویی اظهار کرده بود: «آقایان مواظب باشید. هرچه مطالعه کتابهای خارج درسی کمتر، بهتر. شما مسئولیت بزرگی دارید و باید مراقب باشید. هرچه برسر این مملکت آمده از کتاب آمده.» به راستی نیز نوع تلقی اغلب ممیزان در سانسور کتابها چنین بوده است. رشد فزاینده این نوع سانسور نسبت به سایر انواع آن در طی دوره سوم حکومت پهلوی دوم بیانگر بالا رفتن حساسیت اداره سانسور و احساس خطر از این ناحیه است.

۷. نمودار سانسور سیاسی (به درصد)



فشارهای حکومت و اختناق حاکم همیشه باعث شده است نوعی نمادگرایی، ایهام و طنز برای بیان مشکلات و مفاصلد به کار گرفته شود که به زعم بعضی حتی موجب شکفتگی‌هایی شده است.<sup>۱</sup> اگر حافظ با بیان آسمانی خود به سالوس و ریا و مردم‌فریبی با زیرکانه‌ترین شکل آن حمله می‌کند و می‌گوید:

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت

حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو<sup>۲</sup>

✱

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد

که می حرام ولی به ز مال اوقافت<sup>۳</sup>

✱

باده محتسب شهر ننوشی زنهار

که خورد باده‌ات و سنگ به جام اندازد<sup>۴</sup>

✱

در میخانه ببستند خدایا میسند

که در خانه تزویر و ریا بگشایند<sup>۵</sup>

✱

عبید نیز در موش و گربه خود به حاکمان زهدفروش توبه‌شکن به زیباترین شکل حمله می‌برد و در قالب طنز و مطایبه فقر و بی‌چیزی مردم را به صریحترین شکل بیان می‌دارد:

«از مولانا عضدالدین پرسیدند که در زمان خلفا مردم دعوی خدایی می‌کردند و اکنون نمی‌کنند. گفت: مردم این روزگار را چندان ظلم و

۱. محمدعلی سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا سال ۱۳۵۰ (تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۶)، ص ۱۹۶.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان خواجه حافظ شیرازی، به تصحیح ابوالقاسم انجوی شیرازی (تهران: جاویدان، ۱۳۵۸)، ص ۲۲۴.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۵۶.

گرسنگی افتاده است که نه از خدایشان یاد می‌آید نه از پیغمبر.<sup>۱</sup> در دوره مورد بحث ما نیز «وقتی گفته شد که مثلاً شمشیر و تفنگ از متن مکتوب اشعار و قصص باید حذف شود و سانسور شود تا مبارزه مسلحانه را تداعی و تبلیغ نکنند. کم کم و حتی بدون تنظیم و تصویب یک قرارداد خاص، کلمات جدیدی خودبه‌خود جانشین کلمات محذوف و سانسور شده قبلی شد؛ مثلاً «خار» و «تیغ» و «شاخه گل» جای شمشیر و تفنگ را گرفت و «شب» به جای حکومت فاشیستی و دیکتاتوری نشست. «پرچین» جایگزین حصار زندان شد. تا آنجا که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خودش با به کار بردن اسم تاج محل که اصلاً مربوط به ایران نیست و نام آن بنای تاریخی معروف در هند است همان کاری را کرد که با به کار بردن کاخ سلطنتی سعدآباد می‌توانست بکند. بنابراین به جای محرکات قبلی کلماتی مثل نسیم، گل سرخ، خار، ماهی سیاه و حتی آب و هوا و خاک و یاد هم محرک شد.<sup>۲</sup> این نمادگرایی دستگاه سانسور و ممیزان را نسبت به واژه‌هایی از قبیل سیاهی، فقر، تباهی، طاغوت و نابرابری حساس ساخت و باعث شد که آنها را اشاراتی برای حمله به نظام تلقی کنند و تبلیغ هرگونه روشنی، برابری، اتحاد و ... را حملاتی بر ضد نظام بیندارند. برای نمونه:

- در کتاب، حمله به «شب» و «سپاهی» شده است که محل تأمل است.<sup>۳</sup>

- عنوان «پشت این کوه بلند روشنی می‌کارند» به «بادها زوزه‌کشان می‌میرند» تبدیل شود.<sup>۴</sup>

- درباره کتاب فاطمه (س) بر کرسی رهبری ممیز می‌نویسد: مطالبی درباره فرعونها و طاغوتها آمده که محل تأمل است.<sup>۵</sup>

- جمله «فقر بسیاری از استعدادها را سرکوب می‌کند» حذف شود.<sup>۶</sup>

۱. عبدالله عیید زاکانی، کلیات عیید زاکانی، به تصحیح و مقدمه عباس اقبال آشتیانی (تهران، بی‌نا، ۱۳)، ص ۲۹۲.

۲. جلال رفیع، در بهشت شداد (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۴۷۱.

۳. پرونده شماره ۱۱۳۳۳

۴. پرونده شماره ۱۴۱۶۹

۵. پرونده شماره ۳۰۸۳

۶. پرونده شماره ۱۱۰۹۱

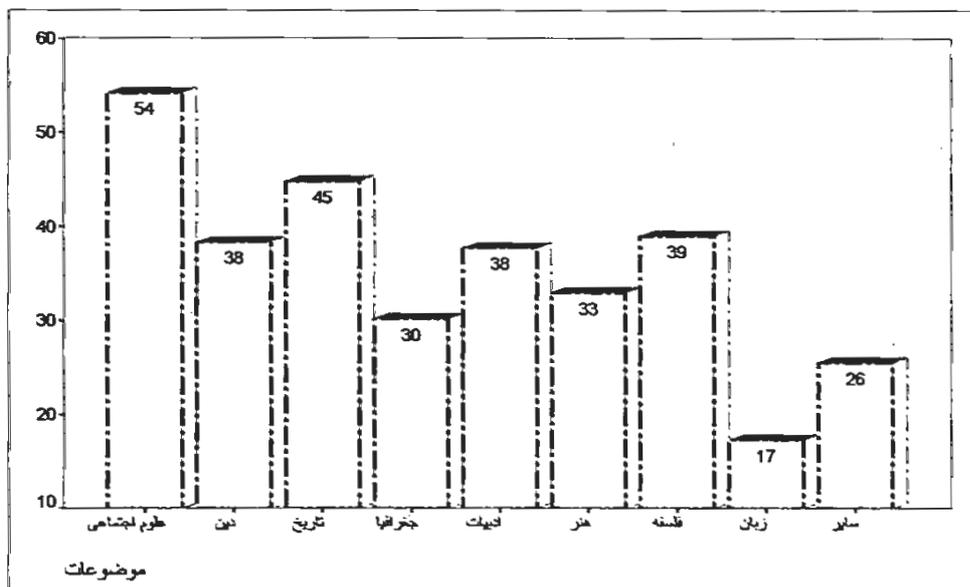
- درباره کتاب انتظار عامل مقاومت و حرکت ممیز می نویسد: کلمه طاغوت دارای ابهام است.<sup>۱</sup>

- کلیشه‌های روی جلد که مربوط به افریقای سیاه و رهایی از اسارت است حذف شود.<sup>۲</sup>

- درباره کتاب تا دمیدن سحر می خوانیم: با استعاره اسارت پرنده و قفس، مطالبی در مورد زندان و زندانیان و آزادی بیان می کند که قابل تأمل است.<sup>۳</sup>

سانسور سیاسی فقط در کتابهایی با موضوعهای اجتماعی رخ نمی داد. البته بیشترین سانسور در کتابهای "علوم اجتماعی" صورت گرفته است، اما در سایر موضوعها نیز سانسور سیاسی به شدت اعمال می شد (نمودار ۸).

۸. نمودار موضوعی سانسور سیاسی (به درصد)



۱. پرونده شماره ۱۱۷۰۵

۲. پرونده شماره ۱۶۰۳۰

۳. پرونده شماره ۹۷۵۸

حساسیتهای سیاسی - اجتماعی ممیزان را در مقولات ذیل می‌توان تقسیم کرد:

۱. به کارگیری نامها و لقبهایی که ویژه خانواده سلطنتی بود یا به نوعی به آنها اشاره داشت؛ مثل:

- درباره کتاب کار در اسلام، ممیز نظر می‌دهد: کلمات پادشاه حذف شود.<sup>۱</sup>

- عنوان داستان پادشاه ثروتمند عوض شود.<sup>۲</sup>

- درباره روی جلد رساله مرحوم شاهرودی بررسی می‌نویسد: ترکیب رئیس‌المله شاید نارسا باشد و بهتر است حذف شود.<sup>۳</sup>

- در کتاب پرستش در اسلام به جای کلمه سلطنت از دیگر اسامی حضرت حق آورده شود.<sup>۴</sup>

- کلمه سلطنت از کتاب صلح امام حسن حذف شود.<sup>۵</sup>

- درباره کتاب ایران در آستانه ظهور اسلام بررسی می‌نویسد: کتاب از ظلم و ستم و عیش و نوشهای شاهان ساسانی صحبت کرده است. اگرچه سندیت دارد، ولی نشر آن به مصلحت نیست.<sup>۶</sup>

- در ممیزی کتاب سقوط ۷۹ اثر پل اردمن می‌خوانیم: از شاهنشاه با نام شاه و یا پهلوی یاد می‌کند و اهانتهایی را به ایشان روا داشته، مثل اینکه از ایشان به عنوان یک دیکتاتور یاد می‌کند... توهینهایی که به قدری مضحک است که گاهی از سادگی صدها هزارتن که این عقاید ابلهانه را باور می‌کنند در حیرتم.<sup>۷</sup> لازم است بدانیم که این اظهارنظر فیلسوفانه! در صورت ۱۳۵۷/۷/۲ صورت گرفته است.

- آنان برای تنزیه پادشاه و اطرافیان او به کیمیای سعادت اثر غزالی نیز

۱. پرونده شماره ۱۹۵

۲. پرونده شماره ۱۴۱۷۴

۳. پرونده شماره ۱۴۹۰۵

۴. پرونده شماره ۱۵۲۱۲

۵. پرونده شماره ۸۹۱۳

۶. پرونده شماره ۴۷۸۲

۷. پرونده شماره ۱۵۹۳۹

رحم نکردند و چنین نظر دادند: عبارت «مگس بر نجاست آدمی نیکوتر از آن که علما بر درگاه سلطان» حذف شود.<sup>۱</sup>

- ممیز دربارهٔ دخترک کبریت‌فروش چنین نظر داده است: جمله «و بدین ترتیب ژان کودن به آرزوی خود رسید، همسر شاهزاده شد و به تخت سلطنت رسید.» باید حذف شود.<sup>۲</sup>

۲. از نشر کتابهای مذهبی که به روشنگری می‌پرداختند، با برچسبهای کلی مثل «خلاف مصلحت نظام» یا «مارکسیسم اسلامی»، جلوگیری می‌شد.

- انقلاب تکاملی اسلام با این استدلال که «شبهه مطالب تبلیغی مارکسیست‌های اسلامی» است ممنوع‌الانتشار می‌شود.<sup>۳</sup>

- دربارهٔ کتاب بت‌شکن می‌خوانیم: نویسنده هدف سیاسی دارد. از مارکسیست‌های اسلامی است. پر از کنایه و اشاره است که نباید ساکت نشست و باید بتها را شکست که بتها همیشه هستند.<sup>۴</sup>

- کتاب بعثت و ایدئولوژی به جرم «طرفداری از عقاید ارتجاعی و سخنانی برخلاف میراث‌های ملی» سانسور می‌شود.<sup>۵</sup>

- دربارهٔ کتاب حکومت اسلامی و ولایت فقیه اثر امام خمینی که در سال ۱۳۴۹ منتشر شد چنین نظر داده‌اند: مطالب خلاف مصلحت نظام دارد. از پخش آن جلوگیری شود. در نوار مرزی توزیع شده است.<sup>۶</sup>

- کتاب سرود جهشها از محمدرضا حکیمی چنین ممیزی شده است: پشت جلد کتاب یک قطره خون جلوه‌گر است. دعوت به عصیان کرده و اشاره به [امام] خمینی دارد.<sup>۷</sup>

۱. پروندهٔ شمارهٔ ۱۲۸۲۲

۲. پروندهٔ شمارهٔ ۵۰۹۳

۳. پروندهٔ شمارهٔ ۱۳۴۶۸

۴. پروندهٔ شمارهٔ ۱۲۶۸۵

۵. پروندهٔ شمارهٔ ۸۸۴۴

۶. پروندهٔ شمارهٔ ۱۰۱۹۳/۱

۷. پروندهٔ شمارهٔ ۹۸۸۱

- «مسئله جهاد در غنیمت و تولا و تبری باید حذف شود چون در رساله‌های عملیه امروز وجود ندارد.» این نظری است که درباره کتاب توضیح‌الاحکام مرحوم محمد شیرازی داده شده است.<sup>۱</sup>

- دیدگاه ممیز درباره کتاب بی‌نهایت کوچکها چنین بود: در مورد عدم جدایی دین از سیاست باید با مقامات صالحه صحبت شود؛<sup>۲</sup> و در نتیجه مقامات صالحه! [ساواک] کتاب را ممنوع‌الانتشار اعلام کردند.

۳. هرگونه نقد و انتقاد نسبت به حکومت پهلوی و پیشنهاد برای اصلاح وضع موجود موجب سانسور می‌شد:

- چون در مورد فعالیت‌های غیرقانونی کارمندان دولت و پوشالی بودن دستگاه‌های دولتی است ضمن مقدمه بنویسد که به روزگار قبل از انقلاب شاه و مردم و یا حتی قبل از سال ۱۳۳۲ مربوط می‌شود! این دیدگاه ممیز درباره کتاب بازرس مخفی است.

- بررسی درباره پنج داستان مرحوم آل‌احمد می‌نویسد: «به روز آزادی زن کنایات فراوانی دارد و داستان خونابه مملو از ابهام و ایهام است.»<sup>۴</sup>

- کتاب احزاب سیاسی طوری نوشته شود که نظام تک‌حزبی رجحان یابد.<sup>۵</sup>

- افلاطون نیز از سانسور بی‌نصیب نماند. در مورد آپولوژی او نظر دادند: «دادگاهها جمع بسته نشود. ابداً رأی همه دادگاهها ظالمانه نیست!»<sup>۶</sup>

- درباره خرده برداشت مرحوم آل‌احمد می‌خوانیم: «انتقادات بی‌پرده‌ای دارد بهتر است با مقامات مشورت شود.» ممیز دیگری نظر می‌دهد: «دربرگیرنده مطالبی است که ممکن است از نظر مقامات سیاسی

۱. پرونده شماره ۱۸۱۷

۲. پرونده شماره ۱۳۰۷۴/۱

۳. پرونده شماره ۶۵۲۰/۱

۴. پرونده شماره ۱۱۷۸۷

۵. پرونده شماره ۱۴۱۰۸

۶. پرونده شماره ۶۲۳۷

و امنیتی کشور تحریک‌آمیز باشد.<sup>۱</sup> و درباره کتاب خونابه انار از همین نویسنده نظر می‌دهند: «دارای مطالبی پیرامون مسئله نفت، سانسور مطبوعات و تقسیم املاک است که باید اصلاح شود.»<sup>۲</sup>

- در سال ۱۳۴۵ دیوان فرخی یزدی برای چاپ به اداره نگارش ارائه می‌شود و ممیز چنین نظر می‌دهد: «اشعار این شاعر مناسب آن روزگار بوده و بهتر است ناشر منتخبی از اشعار را چاپ کند و از چاپ اشعاری که مناسب روزگار نیست و اصولاً درست و معقول هم نیست خودداری کند.»<sup>۳</sup> گویا ممیز خود را به فراموشی زده است؛ همین اشعاری که او آن را مناسب "آن روزگار" دانسته است موجب دوخته شدن دهان شاعر و قتل وی شد.

۴. ممیزان نسبت به نشر هر مطلبی که ممکن بود بوی انتقاد و نارضایتی بدهد حالتی بیمارگونه داشتند. یکی از نویسندگان واقعه جالبی را نقل می‌کند:

«دختری داستانی نوشته بود درباره دهقانی که کنار دریاچه هامون مزرعه‌ای داشت و چون آب دریاچه خشک شده بود مزرعه را از دست داده و بدبخت شده بود. مجله توقیف شد. تعجب کردم و به مقام مربوطه تلفن کردم که چه اشکالی در این داستان دیده‌اید؟ گفت شما خودتان این داستان را خوانده‌اید؟ گفتم البته. گفت: مصلحت می‌دانید که چنین مطلبی نوشته شود؟ گفتم اشکالی در آن نمی‌بینم. گفت: یک‌بار دیگر بخوانید تا متوجه شوید. به وزیر اطلاعات تلفن کردم و گفتم: نیامدن باران و خشک شدن دریاچه مربوط به سیاست داخلی است یا خارجی؟ توضیح خواست. گفتم: موضوع داستان خشک شدن آب دریاچه به علت نیامدن باران است و آن را به این علت توقیف کرده‌اند. گفت خودم رسیدگی می‌کنم. ساعتی

۱. پرونده شماره ۱۴۶۳۴

۲. پرونده شماره ۱۴۶۲۶

۳. پرونده شماره ۴۷۹/۵۱

بعد همان مقام مربوطه تلفن کرد که: آقا!... با وجود اصلاحات اراضی نباید نوشت که مزرعه‌ای خشک می‌شود. گفتم: آخر اصلاحات ارضی که تعهد باران نکرده است. گفت: در هر حال این جور مطالب به گوش خارجی‌ها می‌رسد و دستاویزی برای عیب‌جویی از رژیم می‌شود. دیدم با این جور آدم‌ها جر و بحث فایده ندارد. گوشی را گذاشتم و باز چند صفحه از مجله را کندیم و به همان صورت ناقص منتشر کردیم.<sup>۱</sup>

۵. نام بعضی افراد موجب سانسور می‌شد:

- کتاب قاسطین و ناکثین و مارقین بدون ذکر نام نویسنده و حسینیه ارشاد منتشر شود.<sup>۲</sup>

- درباره کتاب دین در آئینه زمان ممیز نظر می‌دهد: مأخذهای ذکر شده از بازرگان حذف شود.<sup>۳</sup>

- درباره کتاب اصول علم اقتصاد با ترجمه عبدالحسین نوشین دستور دادند که نام مترجم به ع - ن تبدیل شود.<sup>۴</sup>

- درباره کتاب خلقت انسان که آفرینش انسان را از نگاه قرآن توضیح می‌دهد چنین می‌خوانیم: در صورتی که نام نویسنده (یدالله سبحانی) و سوابق وی ایرادی نداشته باشد، نشر آن بلامانع است.<sup>۵</sup>

در زمینه حساسیت به نام بعضی از افراد وقایع مضحکی نیز رخ داده است. یکی از ناشران نقل می‌کند که «تصمیم می‌گیرد برای کودکان کتابی مصور را با عنوان "چگونه بوته گل سرخ می‌روید" منتشر کند. در این کتاب تمام مراحل رشد گل با عکس و نقاشی به نمایش درآمده بود که به علت دشواری بودن کار، انتشارش مدتی طول کشید. در این میان وقایع دستگیری و محاکمه خسرو گل‌سرخ هم رخ داد و یک سال پس از این ماجرا کتاب

۱. محمود طلوعی، همان، ص ۷۹۸.

۲. پرونده شماره ۱۱۷۲۸/۱۵

۳. پرونده شماره ۱۰۱۵۶

۴. پرونده شماره ۱۰۳۶۶

۵. پرونده شماره ۱۴۶۳۵

مزبور با کاغذ گلاسه صد و چهل گرمی، در چند رنگ و با تیراژ پنج هزار نسخه چاپ شد و برای بررسی به اداره نگارش وزارت فرهنگ ارسال گردید. یک مرتبه از چاپخانه تلفن کردند که از اطلاعات شهربانی آمده‌اند که این کتاب توقیف است و باید آن را ببرند. رفتم پهلوی معاون اطلاعات شهربانی که این کتاب سیاسی نیست مال بچه‌هاست. گفت نه آقا این کتاب بوتۀ گل سرخ، شرح حال خسرو گل‌سرخ است. همه را بردند و آتش زدند.<sup>۱</sup>

۶. به کتابهای مارکسیستی و اصطلاحات مربوط به آن حساسیت نشان داده می‌شد.

- حتی افلاطون نیز از این امر مستثنا نشد! نوشته‌ای از افلاطون با نام دیالکتیک برای چاپ ارائه می‌شود. ممیزان نظر می‌دهند که عنوان آن باید تغییر کند.<sup>۲</sup> سرانجام با نام جدل، اوتیدم در سال ۱۳۴۸ منتشر می‌شود.

- سیمای انسان راستین اثر اریک فروم با این استدلال که «بیان زندگی مارکس است» اجازه نشر نمی‌یابد.<sup>۳</sup>

- درباره کتاب حماسه عاشورا که یک کتاب مذهبی است می‌خوانیم: «عبارت پرچم سرخ را تویی صاحب» نباید به کار رود.<sup>۴</sup>

- کتاب تصویری از ویتنام از نظر تبلیغی ایراد دارد. ساواک این کتاب را ممنوع‌الانتشار کرد.<sup>۵</sup>

- کتاب جهان سوم با دشواریها و دورنماهایش به علت تبلیغات شدید سوسیالیستی قابل انتشار نیست.<sup>۶</sup>

- کتاب دوران کودکی ما کسیم گورکی جزء کتب مضره اعلام شد.<sup>۷</sup> ممیز

۱. امیرکبیر و عبدالرحیم جعفری... ص ۷۳-۷۴.

۲. پرونده شماره ۳۰۸۵

۳. پرونده شماره ۱۲۸۱۶/۲

۴. پرونده شماره ۱۳۲۷۹

۵. پرونده شماره ۱۳۰۶۳

۶. پرونده شماره ۸۹۸۸

۷. پرونده شماره ۲۰۳۰۸/۱

دیگری در بررسی کتاب ماکسیم گورکی، نوشته کورنلی زلنيسکی می‌نویسد: در انتشار این کتاب اگرچه نمی‌توان روی مطلب خاصی انگشت گذاشت، اما بهتر است کمیسیون در سطح بالا در این زمینه نظر دهد.<sup>۱</sup>

۷. انتقاد از عملکرد بعضی کشورها ممنوع بود:

- عنوان "علیه اسرائیل" به "درباره اسرائیل" تغییر یافت.<sup>۲</sup>

- بررسی درباره کتاب این است حقیقت آنها می‌نویسد: دارای تبلیغات

روسی و ضداسرائیلی است و انتشارش به صلاح نیست.<sup>۳</sup>

- در کتاب افریقای پرتغال و امپریالیسم بین‌المللی جمله «هنوز ایالات

متحده با موذی‌گری بر سیاست دروغ‌پردازی متوسل شده است» حذف شود.<sup>۴</sup>

- علت گردآوری و معدوم ساختن کتابی چنین توضیح داده شده است:

«ایالات متحده غول وحشتناکی معرفی شده که شیره جان امریکای لاتین را می‌مکد. مؤلف با خشمی شدید توأم با نفرت از امریکا یاد کرده و شدیدترین اهانتها و اتهامات را به آن دولت و سران آن در گذشته و حال وارد کرده است و زمامداران آنجا را نوکر زرخرید دست به سینه کارتل‌ها و تراست‌ها معرفی کرده است.»<sup>۵</sup>

- به کتاب کنفرانس مذهبی لبنان به علت تعرض نسبت به امریکا،

انگلیس، ترکیه و پاکستان مجوز داده نمی‌شود.<sup>۶</sup>

- ممیز کتاب جهان عرب و اسرائیل می‌نویسد: «مطالب مربوط به

تماسهای اردن و اسرائیل جرح و تعدیل شود. موضوع کمکهای اسرائیل به ملک حسین حذف شود.»<sup>۷</sup>

۱. پرونده شماره ۵۶۶۶

۲. پرونده شماره ۹۷۰۲

۳. پرونده شماره ۳۰۷۷

۴. پرونده شماره ۱۰۴۳۵

۵. پرونده شماره ۱۹۶۶

۶. پرونده شماره ۸۲۷

۷. پرونده شماره ۱۰۵۳۰

۸. نشر هر نوع مطلب پیرامون انقلاب سایر کشورها یا هر نوشته‌ای که به نوعی با حرکت‌های اجتماعی مرتبط بود یا به گونه‌ای بنیادی مسائل اجتماعی را بررسی می‌کرد ممنوع بود.

- درباره کتاب تقاضی دیواری و انقلاب مکزیکی ممیز نظر داده است: «چون مایه تحریک و جنبش در آن است، چاپ آن به صلاح نیست.»<sup>۱</sup>  
- مطلب درباره انقلاب مکزیکی از کتاب حماسه شمال جک لندن حذف شود.<sup>۲</sup>

- در سال ۱۳۵۲ کتابی با عنوان جنبش ۱۹۶۸ فرانسه، به اداره نگارش ارائه شد و درباره آن چنین نظر دادند: «در مورد این جنبش روزنامه‌ها و مجلات مطالب زیادی نوشته‌اند و پنج سال از آن گذشته است. لذا چاپ آن ضرورت ندارد.»<sup>۳</sup>

- کتاب امدادهای غیبی شهید مطهری با این شرط چاپ شد که جمله «انقلابی که مانند انقلاب دیگران کارش تنها این نبود که طبقه‌ای را به جان طبقه دیگر بیندازد» حذف شود.<sup>۴</sup>

- بررسی کتاب پلویون علی که برای کودکان نگارش یافته بود، نوشت: «در مورد ستمکشان، ستمگران و ساختن دنیای بهتر مطالبی دارد که باید اصلاح و تجدیدنظر شود.»<sup>۵</sup>

- «فرار دولتمردان به خارج در صورت وقوع انقلاب حذف شود» این نظری بود که در سال ۱۳۵۲ ممیز کتاب عقده‌های گشودنی ابراز داشته بود و پنج سال بعد نیز دیدیم که عملاً چقدر مفید واقع شد!

- در سال ۱۳۵۶ ممیز کتاب دوستان خوب نوشت: سطورری که مربوط به همکاری مورچگان و پیروزی آنهاست حذف شود زیرا تشویق‌کننده

۱. پرونده شماره ۱۳۰۴۷

۲. پرونده شماره ۱۴۴۵۱

۳. پرونده شماره ۱۹۵۷۳

۴. پرونده شماره ۱۳۱۶۵

۵. پرونده شماره ۳۷۷۸

۶. پرونده شماره ۱۲۹۹۵

انقلاب است!

- بسیاری از کتابهای مرحوم آل احمد به ویژه غرب زدگی و روشنفکران که حاوی تحلیلهای جدیدی از مسائل سیاسی - اجتماعی بود بارها در حیات و ممات وی بررسی شد. او پیرامون سانسور کتابهایش می نویسد: «اما بعد، علت تأخیر کاغذنویسانی مقداری هم گرفتاری های ایام است. کارنامه سه ساله چاپ نشده جمع شد. دویست نسخه اش تاکنون سگ خور مقامات امنیتی شده، ولی الباقیش را دربردیم. و گویا این یکی هم به سرنوشت غرب زدگی دچار خواهد شد، که بشود جنس قاچاق و الخ... و بعد اینکه روشنفکران رفت زیر چاپ تا صفحه ۱۹۲ چاپ شد و متوقف ماند، یعنی که ناشر را صدا کردند و تهدید و ارعاب که مبادا، مبادا، و الخ... و ناشر الباقی متن (دویست صفحه ای) را برگردانده که «اصلاح» کنم و تاکنون نکرده ام. یعنی دو ماه است کار معوق مانده و گمان می کنم بی سرانجام بماند، یا همین مقدار را که چاپ شده «درمی آوریم»»<sup>۱</sup>

ممنوع‌الانتشاربودن این کتابها تا آخرین روزهای حیات نظام ادامه داشت. در سال ۵۶ که مجدداً کتاب غرب زدگی برای کسب مجوز به اداره نگارش ارائه شد چنین نظر دادند: «با ذکر مقدمه ای مشخص شود که برخی مطالب مربوط به قبل از انقلاب شاه و مردم بوده است. اهانت به مقامات مملکتی، تعرضهای نسبت به سیاست غرب خصوصاً امریکا، استعمارگردانستن امریکا، حذف شود»<sup>۲</sup> ناشر شدیداً به این نظر اعتراض می کند و آن را «منافی امانتداری» می داند.<sup>۳</sup> دستور جمع آوری کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران نیز در تاریخ ۵۷/۷/۲۹ به وزارت فرهنگ و هنر داده شد. ممیزان درباره این کتاب نظر داده بودند که «فصل مربوط به

۱. پرونده شماره ۱۵۹۶

۲. جلال آل احمد، سانسور و اختناق در فرهنگ جلال آل احمد، گردآورنده:

مصطفی زمانی نیا (تهران، انتشارات پاسارگاد، ۱۳۶۳)، ص ۹۰.

۳. پرونده شماره ۶۴۴

۴. ر.ک. به پیوست

تخطئه مقام سلطنت و مقام ظل‌اللهی کلاً باید حذف شود.<sup>۱</sup>

۹. نشر کتاب به زبانی بجز فارسی ممنوع بود. کتب عربی مذهبی اجازه نشر نداشتند. در موارد بسیار حتی یک خط ترکی، کردی، بلوچی، موجب می شد کتاب ممنوع‌الانتشار شود.

- کلیات کنزالمصائب به این دلیل که به زبان ترکی نوشته شد اجازه نشر نیافت.<sup>۲</sup>

- مولودنامه حضرت رسول که به زبان کردی و اورامی و عربی بوده با این توضیح که «انتشار این‌گونه کتابها به ترویج و توسعه زبان ملی و رسمی کشور لطمه وارد می‌سازد و با مقررات فرهنگی مغایرت دارد»<sup>۳</sup> اجازه نشر نیافت.

- در سال ۱۳۵۴ درباره هوپ‌هوپ نامه نظر دادند: «انتشار کتاب به زبان ترکی و کردی میسر نیست»<sup>۴</sup>

- کتاب رازهای آیین پارسان پس از حذف اشعار کردی اجازه نشر می‌یابد.<sup>۵</sup>

- به کتاب با موجهای ارس به دریا پیوست پس از حذف جملات ترکی اجازه نشر داده شد.<sup>۶</sup>

- به کتاب مدیحه حضرت رسالت به علت کردی بودن اجازه نشر داده نشد.<sup>۷</sup>

- کتاب نماز اقویانینگ مقصودی که به زبان ترکمنی بوده است مجوز نشر نیافت.<sup>۸</sup>

۱. پرونده شماره ۸۶۵۶

۲. پرونده شماره ۳۲۲

۳. پرونده شماره ۳۷۴

۴. پرونده شماره ۹۱۶۶

۵. پرونده شماره ۸۲۵۶

۶. پرونده شماره ۲۱۵۴

۷. پرونده شماره ۸۶۵۲

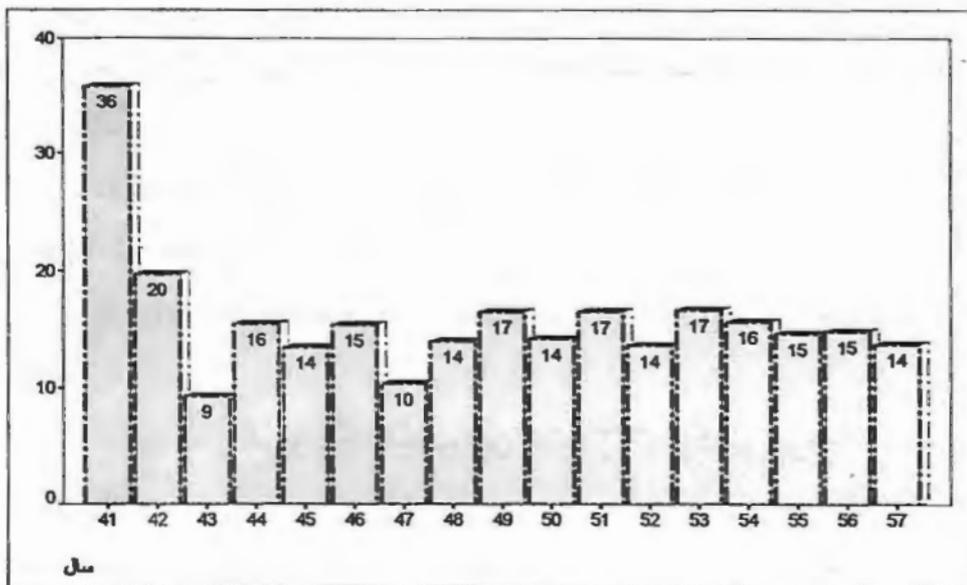
۸. پرونده شماره ۱۲۸۱۰

- کتاب خیامون ریاعیلری به علت ترکی بودن جمع آوری شد.<sup>۱</sup>  
 - دو سطر ترکی از کتاب افسانه‌های مادر بزرگ حذف شود.<sup>۲</sup>

### سانسور دینی در حکومت پهلوی دوم

بعد از سانسور سیاسی، مهمترین ممیزی، سانسور دینی است. نمودار فراوانی این سانسور نشان می‌دهد که اگر از سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ که طی آن فقط کتابهای مشکل دار بررسی می‌شد صرف نظر کنیم، ۱۴ سال باقیمانده یعنی از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۷ روند سانسور دینی تغییر زیادی نداشته است.

۹. نمودار فراوانی سانسور دینی (به درصد)



۱. پرونده شماره ۱۴۶۳۸

۲. پرونده شماره ۱۲۷۹۵

در این دوره بعضی مخالفت‌های صریح با عقاید و احکام دینی، نوشته‌هایی که عقاید اقلیتها را مورد بررسی یا انتقاد قرار می‌داد، مطالبی که ادعا می‌شد در بیان احکام و طرح اصول مذهب دچار کجروی و اشتباه شده‌اند و هرنوع نوگرایی و برداشت انقلابی از دین از جمله مسائلی بودند که موجب سانسور دینی می‌شدند. در موارد بسیاری سانسور دینی بهانه‌ای برای سانسور سیاسی-اجتماعی بود:

- در ممیزی کتاب جهان‌بینی و محیط مرحوم شریعتی می‌خوانیم: «این کتاب هسته فکری و اندیشه‌ای مارکسیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد و معاد را انکار کرده است.»<sup>۱</sup> این در حالی است که بسیاری از نویسندگان معتقدند شریعتی در انتخاب کلمات دقت زیادی می‌کرد تا به مارکسیسم اسلامی متهم نشود.<sup>۲</sup>

- بحث غدیر خم از نظر قرآن شریف چنین ممیزی شده است: مخالفت اهل تسنن با حدیث غدیر کمی تند بیان شده است. عبارات مربوط به اصلاح احکام توسط خلیفه دوم اصلاح شود.<sup>۳</sup>

- تشیع علوی و تشیع صفوی در سال ۱۳۵۷ چنین ارزیابی شده است:

۱. کتاب شمشیری است بران و عسلی است زهرآلود و خطرناک  
 ۲. ساسانی بودن مادر امام حسین (ع) را منکر شده است و آن را ساخته طرفداران سلطنت می‌داند.

۳. اجمالاً قلوب عالم تشیع و مقامات روحانیت و مراجع تقلید را جریحه‌دار خواهد کرد و مطالبی را تجزیه و تحلیل کرده که عنوان‌کردنش در زمان حال جایز نیست.<sup>۴</sup>

- «نویسنده دنبال غرض خاصی است و آن حیف و میل انفال است. صفحات ذکر شده تحریک‌آمیز است و باید حذف شود» این نظری است که

۱. پرونده شماره ۱۰۵۱۲

۲. اروند آبراهامیان، «علی شریعتی، ایدئولوگ انقلاب ایران»، ترجمه حسینعلی نودری، جامعه (۲۶ خرداد ۱۳۷۷)، ص ۷.

۳. پرونده شماره ۱۰۹۷۳

۴. پرونده شماره ۱۳۰۲۸

درباره کتاب انفال یا ثروت‌های عمومی داده شده است.<sup>۱</sup>

- کتاب اقتصاد مقایسه‌ای به نوعی تبلیغ مارکسیستی است.<sup>۲</sup>

- درباره کتاب سیمای مسیحیت نوشته‌اند: در آن جملاتی توهین‌آمیز نسبت به کشیشان و کلیسا نوشته شده است که باعث جریحه‌دار شدن عواطف مذهبی برادران مسیحی می‌شود.<sup>۳</sup> این کتاب ممنوع‌الانتشار شد.

- در کتاب شهید همه اعصار، ابلیس را حاکم دنیا معرفی کرده و اسطوره کلاغ قابل تأمل است.<sup>۴</sup>

- در ممیزی این است آیین و هابیت می‌خوانیم: بی‌طرفانه نیست و نیشها و مخالفت‌های فراوانی دارد و به قلم یک شیعی متعصب نوشته شده است. در بعضی صفحات نسبت به اسلاف دودمان سعودی مطالبی نوشته است که از لحاظ مناسبات میان ایران و عربستان درخور تأمل است.<sup>۵</sup>

- از کتاب تأیید هدایت در اثبات ولایت صفحات زیادی به علت نفاق‌افکن بودن باید حذف شود.<sup>۶</sup>

- درباره کتاب جهاد و شهادت از مرحوم طالقانی نظر داده‌اند: بسیار نامناسب و برخلاف مصالح مملکت است.<sup>۷</sup>

- شیعیگری چنین ممیزی شده است: از زیانبارترین کتابهای کسروی است. از نظر سیاسی و مذهبی نشر آن زیانبار است. به مقام ائمه و علمای بزرگ ناسزا روا داشته و تهمت زده است.<sup>۸</sup>

- «مطالبی پیرامون زوال‌پذیری اسلام [!] آمده که مغایر صریح قرآن است و مطلب درباره نوکران مذهب که باید اصلاح شود. نویسنده دل‌پری دارد و گوشه‌هایی می‌زند.» این دیدگاه ممیزان درباره کتاب اسلام‌شناسی

۱. پرونده شماره ۲۰۷۸

۲. پرونده شماره ۱۶۰۱۲

۳. پرونده شماره ۱۴۹۳۱

۴. پرونده شماره ۱۰۹۷۳

۵. پرونده شماره ۱۲۴۸۳

۶. پرونده شماره ۵۳۱۲

۷. پرونده شماره ۱۹۸۸

۸. پرونده شماره ۸۹۷/۷

مرحوم شریعتی است!<sup>۱</sup>

- کتاب صاحب‌دلان بیاید به کعبه سفر کنیم در مناسک اشتباههایی دارد و واجب و مستحب را مخلوط کرده است!<sup>۲</sup>

- ممیز کتاب نگرشی تحلیلی به سوره روم می نویسد: «نویسنده مطالعه بیشتری در قرآن بنماید.»<sup>۳</sup> این اظهار نظر در ۵۶/۱۱/۱۹ صورت گرفته که چند ماه بود که نویسنده کتاب (مرحوم شریعتی) در قید حیات نبود.

- نویسنده کتاب جام جم مدعی است که با ارواح مقدسه ائمه اطهار دائماً در تماس است و با اولیا و بزرگان دین پیوسته در ارتباط است که خلاف دین و عقل است!<sup>۴</sup>

- «کتاب اسلام شناسی زیربنای توحید بحث غاصب بودن خلفا را مطرح کرده که به مصلحت نیست.» این کتاب توسط شهربانی جمع آوری و معدوم شد.<sup>۵</sup>

- به کتاب بحثی فشرده و کوتاه در زمینه نقش عینی وحی به این علت که از آن می توان تعبیرات گوناگونی داشت مجوز داده نشده است.<sup>۶</sup>

- کتاب عصای موسی در ادامه و اثبات کتاب شهید جاوید است و با وقایع اخیر اصفهان ارتباط دارد.<sup>۷</sup>

- از کتاب در خانه فاطمه، دختر وحی صفحاتی که درباره خلفاست حذف شود.<sup>۸</sup>

- از کتاب خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، اشاره به اضمحلال جامعه روحانیت و فقدان شخصیت علمی شیعه حذف شود.<sup>۹</sup>

- در ممیزی حسین وارث آدم می خوانیم: نویسنده امام حسین (ع) را

۱. پرونده شماره ۳۸۱۴

۲. پرونده شماره ۸۸۹۰

۳. پرونده شماره ۱۳۵۶

۴. پرونده شماره ۱۷۵۷۷/۱

۵. پرونده شماره ۱۱۹۸۲

۶. پرونده شماره ۲۰۰۷

۷. پرونده شماره ۲۲۵

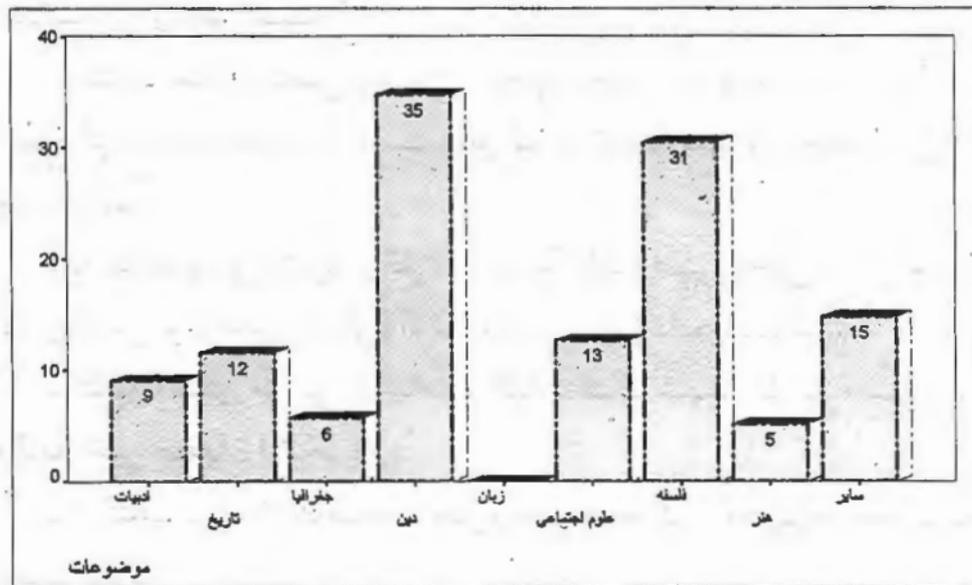
۸. پرونده شماره ۸۱۴۳

۹. پرونده شماره ۳۰۲

دستاویز قرار داده و برای خود روضه خوانی کرده است. آخوندها و ملایان را عاملان فساد و عقیده در بین مردم معرفی کرده که خالی از تحریک نیست!

همان‌گونه که از مثالها بر می‌آید سانسور دینی بیشتر در کتابهای دینی صورت گرفته که نمودار شماره ۱۰ مؤید آن است:

۱۰. نمودار موضوعی سانسور دینی (درصد)



هرچند ملاحظه می‌شود در سایر موضوعات نیز ممیزی دینی رخ داده است:

- در کتاب روان‌درمانی تسکین و التیام زخم وارده بر حضرت علی (ع) را به وسیله حضرت ختمی مرتبت مربوط به هیپنوتیزم می‌داند که صحیح نیست و اصولاً چنین روایتی مبالغه آمیز است.<sup>۱</sup>

- در ممیزی فلسفه و علوم طبیعت می‌خوانیم: مطالب مخالف نص صریح قرآن و اسلام است و نویسنده نتوانسته مبدأ حیات و خلقت را بیان کند و حیات را مادی دانسته است. چنانچه مؤلف ایرادات وارده را مرتفع نماید با بررسی مجدد تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد.<sup>۲</sup>

- سیر تکامل عقاید دینی در ایران چنین ممیزی شده است: مطالبی خلاف صریح قرآن و اخبار و مذهب حقه جعفری است. مطالب عموماً بدآموز بوده و موجب ارتداد و گمراهی خواننده است. نویسنده با استفاده از عکس شخص اول مملکت و ذکر آیین شاه‌پرستی خواسته مطالب خود را نشر دهد.<sup>۳</sup>

- زناشویی و اخلاق راسل چنین ممیزی شده است: مطالب برخلاف دستورهای اسلام است.<sup>۴</sup>

- کتاب روزبه مشروطیت به علت طرح تغییر الفبا، توهین به علما و کیش شیعه و تبلیغ عقاید احمد کسروی ممنوع‌الانتشار می‌شود.<sup>۵</sup> نویسنده به علت نشر عقاید کسروی به دادگاه احضار و محاکمه می‌شود. در تاریخ ۴۰/۶/۲۷ دادگاه شعبه ۹ تهران وی را تبرئه می‌کند. این از موارد نادری است که در طول تاریخ سانسور، دادگاه درباره کتابی اظهار نظر کرده است.

- درباره غرب بیمار است می‌خوانیم: مطالبی درباره انحطاط و زوال

۱. پرونده شماره ۸۸۸۴

۲. پرونده شماره ۴۹۰

۳. پرونده شماره ۱۱۵۳

۴. پرونده شماره ۱۹۸

۵. پرونده شماره ۱۱۹۷۸/۱

۶. ر.ک. پیوست

اصول انسانی و اخلاقی در غرب و نقش کلیسا در بحرانهای معنوی مغرب زمین و اثر شوم ماشینیزم در زندگی بشر و عواقب زیان آور آزادی جنسی... دارد که باید حذف شود.<sup>۱</sup>

- دو داستان آخر چراغ آخر چوبک باعث نفاق و تحریک عواطف برادران اهل سنت است و به خلفای اول و دوم اهانت شده است.<sup>۲</sup>

- نمایشنامه محور مختصات حضرت مریم را بدکاره معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

- در سال ۱۳۴۸ ساواک نامه‌ای به اداره نگارش نوشت و اعلام کرد که تعدادی از تألیفات جلال آل احمد در انتشارات نیل پیدا شده [از جمله کتاب خسی در میقات]، اداره نگارش هم طی نامه‌ای پاسخ داد که این کتاب مغایر مذهب شیعه است و جزء کتابهای ضاله محسوب می‌شود.<sup>۴</sup>

- در ممیزی کتاب کویر می‌خوانیم: به نظر می‌آید نویسنده ادعای پیامبری دارد.<sup>۵</sup> بسیاری از ردیه‌نویسان بر آثار مرحوم شریعتی نیز چنین ادعایی کرده‌اند. حال کدام یک بر دیگری تأثیر گذارده‌اند؟ محل تأمل است.

### سانسور اخلاقی

سانسور اخلاقی معمولاً به سانسور مباحثی مانند: القای مفاسد، مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی، به‌کارگیری کلمات زننده و مستهجن و عدم رعایت عفت قلم و افشای اسرار زندگی خصوصی می‌پردازد.

در طی حکومت پهلوی دوم با رشد نسبی نشر کتاب، انتشار کتابهای سطحی، مبتذل و گاه غیر اخلاقی نیز رشد یافت و کتابهای ضد ارزشهای ملی و سنتی و اخلاق دینی منتشر شد که البته نظام سانسور آن روز

۱. پرونده شماره ۳۹۶۱

۲. پرونده شماره ۱۰۱۶۱

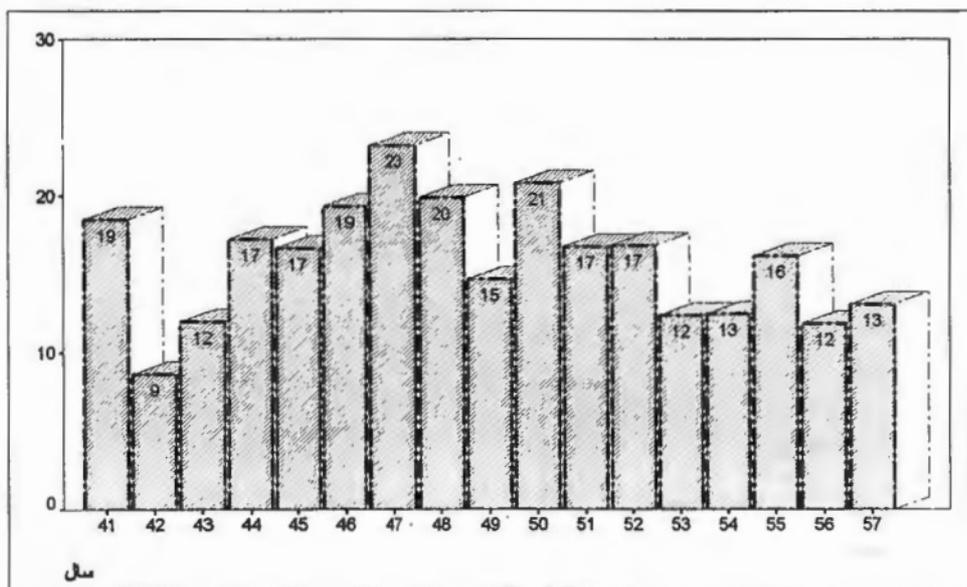
۳. پرونده شماره ۷۹۶۵

۴. پرونده شماره ۱۴۶۳۲/۱

۵. پرونده شماره ۷۲۰۸

نمی‌خواست یا نمی‌توانست از آن جلوگیری کند. میزان ممیزی اخلاقی در طی حکومت پهلوی دوم به لحاظ تعداد دقیقاً با سانسور دینی برابر بوده و همان‌گونه که نمودار شماره ۱۱ نشان می‌دهد تقریباً روند ثابتی داشته است. اسناد موجود نشان می‌دهد که برخلاف اعلام نظر ممیزان مبنی بر وقیح یا مضربودن بعضی کتابها، اداره نگارش به این کتابها اجازه نشر داده است. می‌توان گفت که اداره نگارش درباره ممیزی اخلاقی نسبت به سایر انواع ممیزی از خود تسامح بیشتری نشان داده است که در بخشهای بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۱۱. نمودار فراوانی سانسور اخلاقی (به درصد)

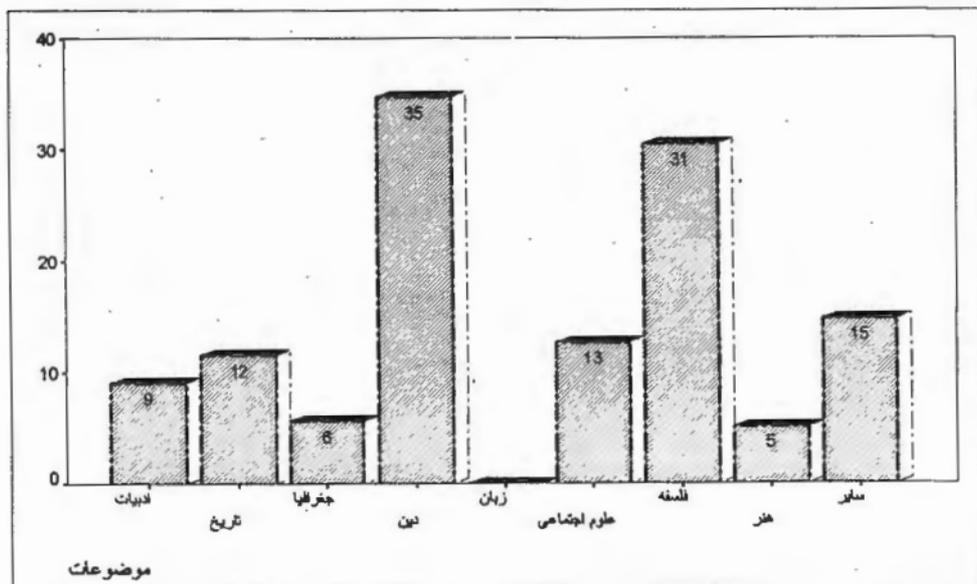


تمام کتابهای ر. اعتمادی که برای اخذ مجوز به اداره سانسور ارائه شده‌اند بدون استثناء مجوز دریافت کرده‌اند. درباره یکی از کتابهای او می‌خوانیم: عبارات رکیک و برخلاف عفت عمومی دارد. مطالب کفرآمیز است. عبارت عایشه سلیطه، ناروا و اهانت به زوجه رسول خداست. دیگری درباره همین کتاب می‌نویسد: مایه بدآموزی است و دانشجویان و جوانان را اغوا می‌کند!

گاهی سانسور اخلاقی جنبه سیاسی یافته است:

- در بررسی کتاب قصه حسن و محبوبه مرحوم شریعتی می‌خوانیم: مطالب زننده و خلاف عفت عمومی دارد. مطالب خالی از ایهام نیست. مطالبی که از قول روشنفکر نگاشته شده کفر و زندقه است و توهین به گروهی از مردم و تجار بازار و علما و روحانیون است. در حالی که مطالعه سطحی این کتاب نشان می‌دهد که هیچ رگه‌ای از "مطالب خلاف عفت عمومی" ندارد.

۱۲. فراوانی موضوعی سانسور اخلاقی (به درصد)



۱. پرونده شماره ۱۹۲۳

۲. پرونده شماره ۲۰۳۱۵

- از داستان باباجعفر کلمه پدرسوخته و داستان خان نایب که داستان معروف "گنه کرد در بلخ آهنگری به شوستر زدند گردن مسگری" را القا می‌کند حذف شود.<sup>۱</sup>

بیشترین سانسور اخلاقی در کتابهای هنری و ادبی صورت گرفته است. سانسورهای اخلاقی همیشه جنبه سیاسی نداشت. گاهی وقیح‌نگاری‌هایی برای گرفتن مجوز به اداره نگارش ارائه می‌شد و گاه در لابه‌لای نوشته‌ها مطلب نامناسبی نوشته می‌شد. در ممیزی یکی از کتابهای قاضی سعید می‌خوانیم:

- وقایع‌سازی از رذایل اجتماعی برای تحریک غریزه جنسی و القای مفاسد در این کتاب وجود دارد. انتشار این نوع کتابها به زیان جوانان است.<sup>۲</sup>  
- برخلاف علم و فلسفه و اصول اخلاقی، روحیه یأس و ناامیدی و بدبینی را در خواننده تشویق نموده تا جایی که منجر به خودکشی و نیستی گروهی از مردم خواهد شد.<sup>۳</sup>

- برای خواننده جوان زیان دارد و عمل انتحار را مورد تشویق قرار داده است.<sup>۴</sup>

- کتاب شگرف فریدون توللی چنین ممیزی شده است: ابیاتی که تعریف از افیون است و شعر دیگری راجع به تریاک حذف شود.<sup>۵</sup>  
- درباره کتاب از مرگ تا مرگ می‌خوانیم: جملاتی برخلاف عفت عمومی ذکر شده و اهانت ضمنی به عقیده و ایمان شده است.<sup>۶</sup>

### سانسور علمی

در ممیزی علمی، کتاب به لحاظ درستی مطالب، تطبیق با موازین

۱. پرونده شماره ۹۴۷۸

۲. پرونده شماره ۸۹۴۹

۳. پرونده شماره ۶۵۰

۴. پرونده شماره ۷۶۹

۵. پرونده شماره ۸۸۸۷

۶. پرونده شماره ۷۳۵

علمی، درستی ارجاعات بررسی می‌شد. در حکومت پهلوی دوم این نوع ممیزی کمترین فراوانی را داشته (جدول شماره ۶) و در طی فعالیت ادلوه نگارش نیز بجز سالهای اول افت و خیز زیادی نداشته است.

علاوه بر تطبیق با موازین علمی و صحت مطالب، استفاده از منابع غیر موثق و اشتباههای تاریخی نیز از موارد دیگر سانسور علمی محسوب می‌شد.

- در ممیزی طبیب خانواده چنین می‌خوانیم: وزارت بهداری مطالب آن را گمراه کننده و نادرست و غیر منطبق با موازین علمی روز تشخیص داده است.<sup>۱</sup>

- کتاب حسین بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معاویه را برادر عمر دانسته است که باید اصلاح شود.<sup>۲</sup>

- درباره زمینه انقلاب مشروطیت اثر تقی زاده نوشته شده است: یونان را نخستین سرچشمه تمدن بشری می‌داند که اشتباه است.<sup>۳</sup>

- ممیز درباره راهنمای گریدد انگلیش نوشته است: این گونه کتابها با روش تدریس جدید مغایرت دارد.<sup>۴</sup>

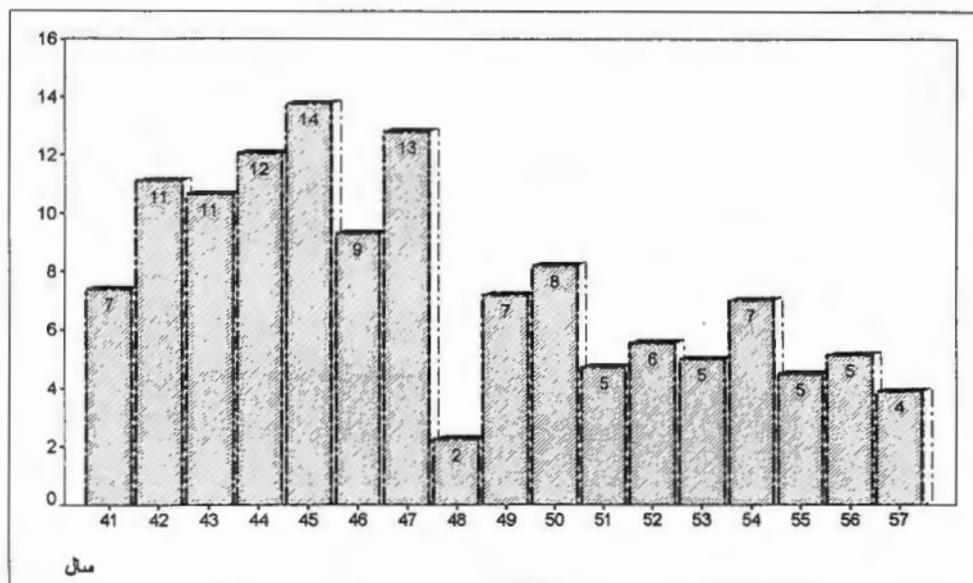
۱. پرونده شماره ۳۶۱

۲. پرونده شماره ۶۸۴۳

۳. پرونده شماره ۱۰۶۲۰

۴. پرونده شماره ۴۱۶

۱۳. نمودار فراوانی سانسور علمی (به درصد)



همان گونه که نمونه‌ها نشان می‌دهد سانسور علمی در بیشتر موضوعها صورت گرفته است که نمودار ۱۴ مؤید آن است.

اشتباه در ترجمه، عدم رعایت اصول و روشهای تدریس در تدوین کتابهای زبان خارجی، از جمله عواملی است که باعث شده موضوع زبان بیشترین درصد سانسور را داشته باشد. موضوعهای تاریخی و جغرافیایی و فلسفی نیز مشمول این نوع سانسور بوده است:

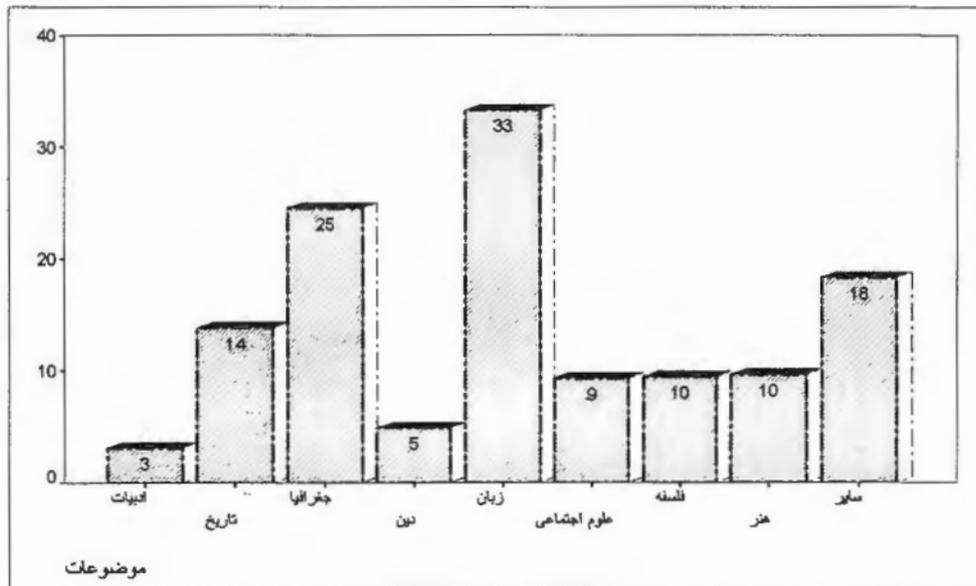
- در ممیزی گیل نامه اثر ابراهیم فخرایی می‌خوانیم: مطالب مربوط به کمپانی رژی چندان درست نیست، یپریم از آرامنه گیلان معرفی شده در صورتی که او از آرامنه تبعه عثمانی بوده و در دوران مشروطه به ایران آمده و مأموریت او زیر پوشش به راه انداختن کوره آجرپزی پنهان بوده است.<sup>۱</sup>

- درباره کتاب آکادمی علوم می‌خوانیم: اغلاط علمی بسیار دارد. مخصوصاً درباره سبکهای ادبی و هنری و فکری باید تجدیدنظر شود زیرا مطالب آن ابدأ صحیح نیست.<sup>۲</sup>

۱. پرونده شماره ۹۴۳۱/۱

۲. پرونده شماره ۱۸۹۶/۱

## ۱۴. نمودار موضوعی سانسور علمی (به درصد)



- ایران و جنگ دوم جهانی چنین ممیزی شده است: ... در نسبت قتل ثقة الاسلام به صمد خان و مسافرت مشیرالدوله برای قرارداد ۱۹۰۷ جای تردید است.... نقل یاغی‌گری هزاره‌یی‌ها در خراسان نیاز به دقت بیشتری دارد، مأخذ تلگراف‌ها معلوم نیست!

- «از نظر واحدهای جغرافیایی ایران و حدود آن دچار اشتباه شده است که باید اصلاح شود.» این نظر درباره کتاب تاریخ زبان و ادبیات در خارج از ایران ابراز شده است.<sup>۱</sup>

- ممیز درباره کتاب بحثی پیرامون ماتریالیسم و کمونیسم نظر داده است: «اصل کلمه دیالکتیک را از کلمه دیالوگ می‌داند که اشتباه است. ایده آلیسم را مذهب اصالة الروح می‌داند ولی ایده به معنی روح نیست. تباین اجتماع ضدین کاملاً نارسا و نامفهوم است و دلایل رد مطالب مذکور

۱. پرونده شماره ۹۴۹۷

۲. پرونده شماره ۱۱۹۸۴

سست است. هراکلیت را به جای سقراط پدر دیالکتیک می‌داند... اخلاق را جزء مذهب و مذهب را ضامن اخلاق می‌داند. نتایج علم‌الاخلاق را در تعریف از اخلاق آورده است. ماتریالیسم را با کمونیسم مخلوط کرده در صورتی که اولی مرام از جنبه علمی و مذهبی و دومی مسلک سیاسی است!

### سانسور نگارشی - ادبی

ممیزان اداره نگارش در بررسیهای خود درباره بسیاری از کتابها به لحاظ نحوه نگارش و ساختار ادبی و بلاغت آنها اظهار نظر کردند. این نوع ممیزی پس از سانسور سیاسی بیشترین فراوانی را دارد و از سال ۴۶ به بعد روند نسبتاً ثابتی داشته است.

- در بررسی کتاب پرتگاه زندگی می‌خوانیم: کتاب دارای انشایی نپخته، با غلطهای انشایی فراوان و اشعاری است که قالب شعری ندارند. نویسنده باید مدتها آثار بزرگان را بخواند.<sup>۱</sup>

- بررسی درباره کتاب حکومت بر دلها می‌نویسد: درهم‌ریختگی قواعد دستور زبان و انشاء عبارات غیرقابل تحمل است.<sup>۲</sup>

- "رباعیات قهرمانی": این اشعار از وزن عاری و دور از موازین ادبی است. بنا به گفته شاعر در مقدمه، ایشان از افکار بزرگان ادبای شعرای فارسی زبان الهام گرفته، بدین معنی که عبارات موزون و منظوم بزرگان سخن را گرفته و با درهم‌ریختن و در واقع ویران کردن آن عبارات، عبارات مخلوط و نارسا و خنده‌آوری تحویل داده است.<sup>۳</sup>

سانسور نگارشی فقط در کتابهای ادبی صورت نگرفته و کم و بیش در همه موضوعها مشکلات نگارشی مشاهده شده است.

- سقراط نوشته آلبرکامو خوب ترجمه نشده در ترکیب جمله‌ها و

۱. پرونده شماره ۸۹۲۳

۲. پرونده شماره ۷۷۴۱

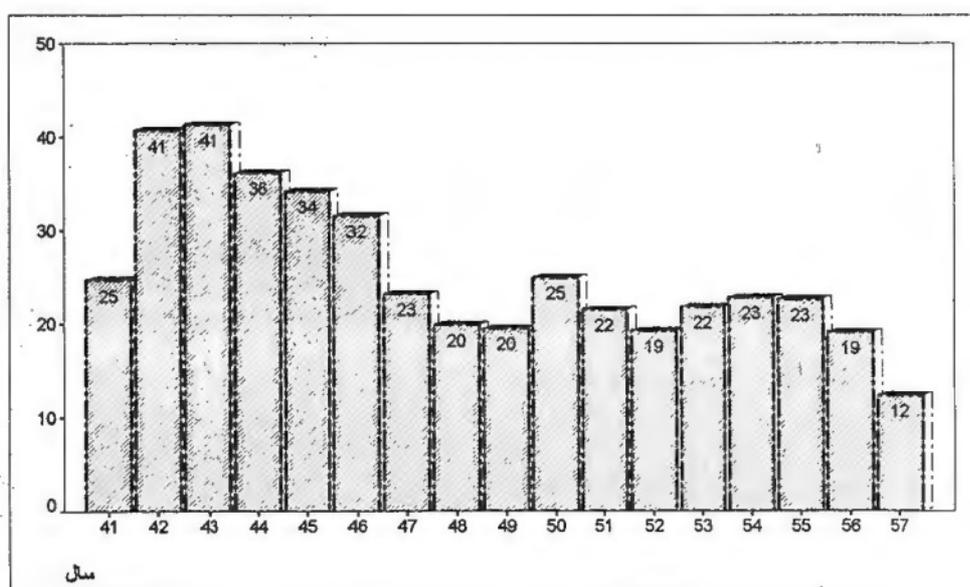
۳. پرونده شماره ۱۳۲۴۸

۴. پرونده شماره ۱/۹۸۸

انتخاب کلمات و در انتقال مفهوم به خوانندگان دقت کافی به کار نرفته است!

- غلطهای قرآنی در تجلی انسان در قرآن تصحیح شود!

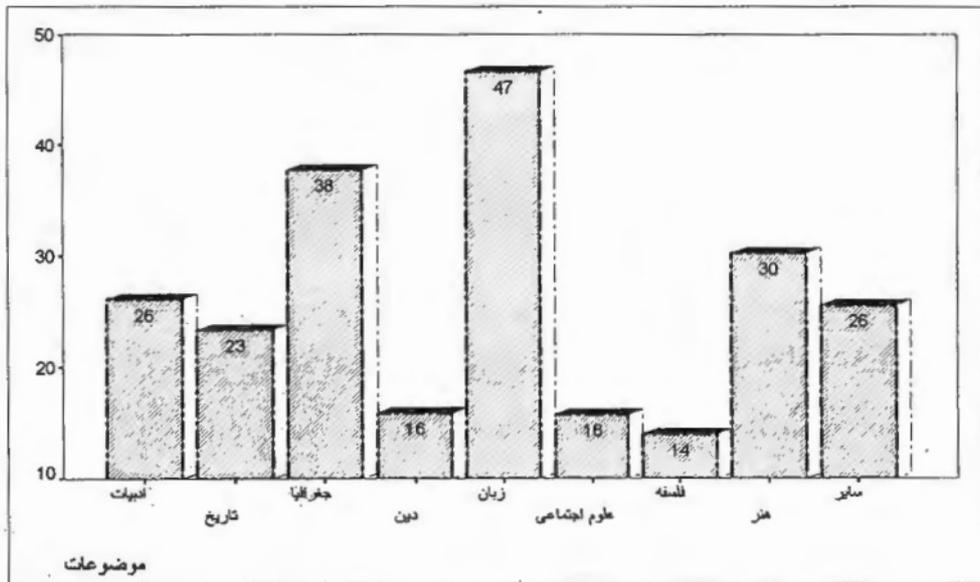
۱۵. نمودار فراوانی سانسور نگارشی - ادبی (به درصد)



۱. پرونده شماره ۷۶۷

۲. پرونده شماره ۴۳۲

۱۶. نمودار موضوعی سانسور نگارشی - ادبی (به درصد)



- دانشنامه، از نظر سبک نگارش دارای جملات و اصطلاحات غیرمأنوس غیرمصطلح است.<sup>۱</sup>
- در ممیزی یکصد و پنجاه سخن از کنفوسیوس آمده است: آنچه‌ان بد و نامفهوم است که ارزش یک بار خواندن را هم ندارد. دیدن این گونه کتابها یک عمر کفاره لازم دارد. از راه دلسوزی به نویسنده فهمانیده شود که دنبال کار دیگری را بگیرد.<sup>۲</sup>
- در بررسی دعای عرفه امام حسین سیدالشهدا آمده است: ترجمه و توضیح به قدری به هم آمیخته که ترجمه گم شده است. غلطهای زیادی در شکل و اعراب کلمات دیده می‌شود و ترجمه، اشتباه زیادی دارد.<sup>۳</sup>
- در ممیزی روان در سلامت و بیماری می‌خوانیم: انشاء کتاب ضعیف

۱. پرونده شماره ۵۶۱۳

۲. پرونده شماره ۱۱۰۵۹

۳. پرونده شماره ۱۱۰۷۶

است و بهتر است به وسیله شخص ادیبی تجدیدنظر شود.<sup>۱</sup>  
 - درباره جهان سوم اصطلاحی استعاریه‌ای: نیروی سوم می‌خوانیم: در  
 رسم‌الخط فارسی ابداعاتی دارد که برای تسهیل در قرائت تجویز می‌کند که  
 بعضی کلمات را مثلاً به این گونه بنویسیم فلمثل - فعلن - خنثا - اهتراز.<sup>۲</sup>

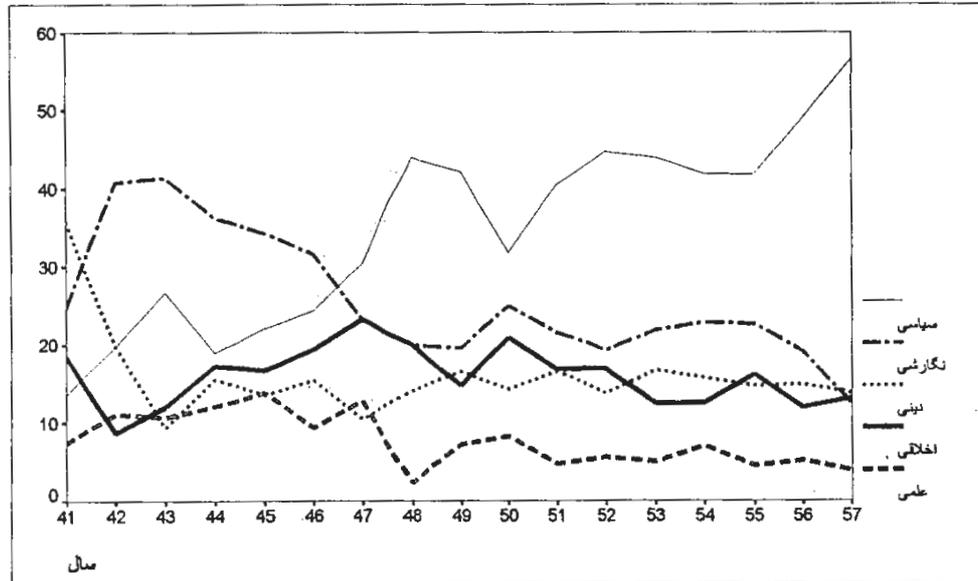
### مقایسه انواع سانسور

نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد که بیشترین درصد سانسورها سیاسی و  
 کمترین آن علمی بوده است. اما این نسبتها در آغاز کار اداره نگارش به  
 گونه‌ای دیگر بوده است؛ یعنی در سال ۴۱ بیشترین سانسورها به ترتیب  
 دینی، نگارشی، اخلاقی، سیاسی و علمی بوده است و اگر در این سال  
 ۱۳/۵۸ درصد سانسورها سیاسی بوده در سال ۵۷ این تعداد ۵۶/۶۰  
 درصد، یعنی بیش از چهار برابر شده است. رشد میزان نشر کتاب از ۸۰۳  
 عنوان در سال ۴۱ به ۲۹۹۷ عنوان در سال ۵۷ نیز به گونه‌ای وسعت  
 سانسور سیاسی را مشخص می‌سازد. بجز سانسور سیاسی و علمی که پس  
 از افت و خیزهای نخستین سالها، اولی بیشترین و دومی کمترین بوده  
 است، سایر ممیزی‌ها، یعنی دینی، اخلاقی و نگارشی از سال ۴۶ به بعد  
 روندی نزدیک به هم داشته و در سال ۵۷ تقریباً بر هم منطبق شده‌اند.

۱. پرونده شماره ۱۰۵۱۰

۲. پرونده شماره ۸۹۸۹

## ۱۷. نمودار مقایسه‌ای انواع سانسور

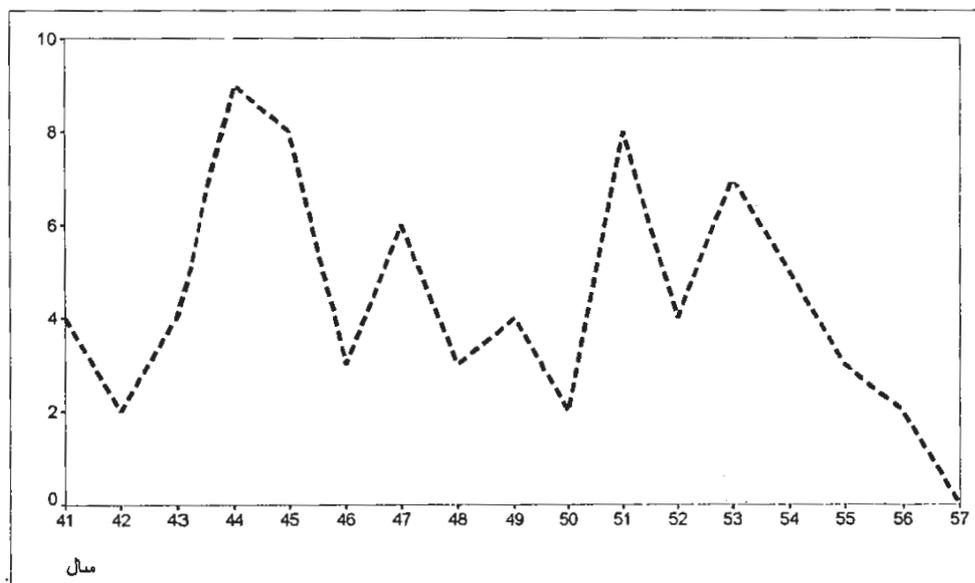


## روشهای سانسور در حکومت پهلوی دوم

## سانسور پیش از انتشار و پس از انتشار

سانسور کتاب، به ویژه در دوره سوم حکومت پهلوی دوم، پیش از انتشار صورت می‌گرفته است. در نخستین سالهای کار اداره نگارش، نسخه دستنویس را برای بررسی و صدور مجوز انتشار می‌پذیرفتند. اما پس از مدتی مقرر شد نسخه چاپ شده قبل از صحافی برای گرفتن اجازه نشر و گرفتن شماره ثبت کتابخانه ملی ارائه شود. این کار خود سانسوری را به حد اعلا رساند. نویسندگان و ناشران برای از دست نرفتن سرمایه، مجبور شدند به گونه‌ای بنویسند که با دستگاه سانسور درگیر نشوند. اداره نگارش نیز از حربه تأخیر در پاسخگویی به عنوان نوعی "سانسور اقتصادی" بهره می‌برد. در مواردی نیز کتاب پس از انتشار با اعتراض ساواک مواجه می‌شد که تعداد آن در جامعه مورد بررسی بسیار اندک بوده است.

## ۱۸. نمودار فراوانی کتابهایی که ساواک ممنوع‌الانتشار ساخت



ساواک و سایر تصمیم‌گیران به اعتراض بسنده نمی‌کردند و حتی کتاب مجاز را ممنوع‌الانتشار می‌کردند یا برخلاف نظر منفی ممیزان برای کتاب مجوز صادر می‌کردند:

- ممیز درباره کتاب قوم من، تاریخ بنی اسرائیل نوشته آبا ابان، یکی از وزرای کابینه اسرائیل، نوشت: کلیمی متعصبی است که حملاتی به اسلام و مسیحیت کرده است و توهین به پیامبر اسلام دارد. برخلاف این اظهارنظر، بدون هیچ‌گونه تغییری در کتاب به آن مجوز داده شد!

برعکس در مورد دیگری که کتابی با عنوان رژیم نژادپرست یهود برای گرفتن مجوز ممیزی می‌شود، ممیزان نظر می‌دهند که مقدمه جامعی برای حسن تفاهم و روشنی اذهان بیفزاید و چاپ شود. اما اجازه چاپ برای آن صادر نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۱. پرونده شماره ۱۸۰۴۸

۲. پرونده شماره ۱۸۳۶۸

- ساواک کتابهای اسلام و نابسامانی‌های روشنفکران، آینده در قلمرو اسلام، تکامل مبارزه ملی، عرب و اسرائیل، نقش شخصیتها در تاریخ اسلام و تبعیضات نژادی را پس از نشر جمع‌آوری و بعضی را معدوم کرد. - به کتاب حالا نوبت آسیاست نوشته هیگل ابتدا با نظر مثبت ۴ ممیز مجوز داده شد. اما پس از چندی ساواک با این استدلال که مطالب کمونیستی دارد مجوز را لغو و نسبت به صدور مجوز قبلی اعتراض کرد!

### سانسور قانونی و غیرقانونی

برای بیان سانسور غیرقانونی در حکومت پهلوی دوم لازم است نگاهی گذرا به وضعیت قانون ممیزی در آن دوره بیندازیم:

#### مبانی قانونی سانسور کتاب در دوره پهلوی

در دوره پهلوی هیچ قانون مشخصی برای ممیزی کتاب به تصویب مجلس نرسید. تنها قانون مطبوعات که صراحتاً وضعیت کتاب در آن مشخص شده بود، قانونی بود که در پنجم محرم سال ۱۳۲۶ ق. (۱۲۸۶ ش.) به تصویب مجلس رسید. در این مصوبه درباره کتاب می‌خوانیم:

«موافق اصل بیستم از قانون اساسی، عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده بشود نشردهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. مقرر می‌شود طبع کتب و روزنامه‌جات و اعلانات و لوایح در تحت قوانین مقررہ ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات وضع میشود آزاد است. هرکس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید

بدون عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف با التزام شرعی ملتزم و متعهد شود.

#### فصل اول - چاپخانه و کتابفروش

ماده ۱- چاپخانه حق ندارد چیزی بطبع برساند بدون اینکه اسم نویسنده و رسم او را بداند و بدون اینکه اسم و رسم خود را در آخر آن مطبوع درج کند.

ماده ۲- کتابفروش حق ندارد از مطبوعات آنچه را که نویسنده و مطبوعه آن بطور وضوح معرفی نشده‌اند بفروشد مگر کتبی که قبل از این تاریخ طبع شده و بجهتی دیگر از جهات قانونی ممنوع نباشد.

ماده ۳- کتابفروش حق ندارد کتابی را بفروشد که قانوناً قدغن شده باشد.

#### فصل دوم - طبع کتب

ماده ۴- طبع کتب متداوله غیر از کتب ممنوعه و کتب جدیده، غیر از کتب مذهبی آزاد است. کتب جدیده مذهبی باید قبل از طبع بنظر و ممیزی هیئتی که در اداره معارف بنام مجمع علوم دینی تشکیل می‌شود رسیده و تصویب شده باشد.

ماده ۵- از هر نسخه که بطبع میرسد چاپ‌کننده دو نسخه برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات می‌فرستد. در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و در سایر بلاد بشعب وزارت علوم و اداره معارف می‌فرستد در هر صورت قبض رسید دریافت می‌کنند و در آن قبض باید عنوان کتاب و عده نسخ آن که بطبع رسیده مذکور باشد. چاپ‌کننده بموجب این فصل ملتزم شرعیست که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد بسته بنظر حاکمه قضیه<sup>۱</sup>

۱. قانون مطبوعات، مصوب محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری، ضمیمه، گونل کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، جلد ۲ (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۲)، صفحات پیوست

در هیچ یک از قوانین مطبوعات بعدی حتی قانون مطبوعات که بعد از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده ذکر از کتاب به میان نیامده و تکلیف آن مشخص نشده است و تعریفهای ارائه شده از مطبوعات در این قوانین شامل کتاب نمی‌شود.

اگر قانون مصوبه ۱۲۸۶ را تا ۱۳۳۴ که قانون مطبوعات بعدی به تصویب رسید جاری بدانیم، باید معتقد باشیم که از سال ۱۳۳۴ به بعد هیچ قانون مشخصی درباره کتاب در طی ۲۳ سال وجود نداشته است. اغلب مسئولان نیز در مصاحبه‌های خود فقط به قانون اساسی مصوبه سال تکیه می‌کرده‌اند!

در تاریخ ۱۳۳۶/۹/۱۰ آیین‌نامه تأسیس چاپخانه‌ها به تصویب هیئت وزیران رسید. در ماده ۱۵ آن آمده بود: «مدیر چاپخانه در صورتی که تقاضای سفارش‌دهنده را قبول نمود سفارش‌دهنده بایستی نمونه خطی مورد سفارش را با امضاء صریح خود و گواهی وزارت فرهنگ به چاپخانه تسلیم نماید.» همان‌گونه که ذکر شد این مصوبه در دوره دوم به طور جدی به کار گرفته نشد.

آیین‌نامه دیگری را شورای فرهنگ عمومی با عنوان «آیین‌نامه اصلاحی آیین‌نامه تأسیس چاپخانه راجع به نحوه ثبت انتشار کتاب و رساله و سایر نشریات» به تصویب رساند. ماده یک این آیین‌نامه مستمسک اصلی در سانسور دوره سوم بود.

«مدیران چاپخانه‌ها مکلف‌اند دو نسخه از نشریات مورد چاپ را بعد از چاپ کامل متن و قبل از صحافی با ذکر هویت مؤلف یا مترجم و تعیین تعداد نسخی که از اثر منظور منتشر خواهد شد به کتابخانه ملی تهران ارسال دارند تا حداکثر ظرف مدت ده روز در دفتر مخصوصی که برای این موضوع ترتیب داده می‌شود به ثبت رسد.»

ملاحظه می‌شود که در این مصوبات سخن از ممیزی به میان نیامده است. اما بیش از بیست هزار پرونده ممیزی موجود در اداره نگارش به

استناد ثبت اثر در کتابخانه ملی شکل گرفته است. به نظر می‌آید سانسور بسیار گسترده‌ای که به ویژه در دوره سوم صورت گرفته است هیچ جایگاه قانونی نداشته و با آنکه رسماً اعمال می‌شده، غیرقانونی بوده است.

### سانسور سلبی و ایجابی

در تحلیل ۴۳۵۸ نظر مشروط ابراز شده از سوی ممیزان مشخص شد که بیش از ۹۸ درصد سانسورها سلبی و کمتر از ۲ درصد آن ایجابی بوده است. بیشترین موارد ایجابی نیز شامل کتابهای انتقادی می‌شده است که سعی کرده‌اند مؤلف را وادارند مقدمه‌ای بر آن بیفزاید یا آن را به سالهای قبل نسبت دهد. با آنکه درصد سانسور ایجابی کم است، نمونه‌های عبرت‌آموزی دارد:

- ممیز کتاب منهای معنویت می‌نویسد: به جای پادشاهان جبار از خلق جبار استفاده شود!
- ممیز کتاب نامه‌های سرگردان می‌نویسد: در مقدمه نوشته شود که مربوط به قبل از انقلاب شاه و مردم بوده است.<sup>۱</sup>
- در بررسی انقلاب مشروطیت اثر ایوانف می‌خوانیم: با مقدمه‌ای مشخص کنند که برخی مطالب با حقیقت وفق نمی‌کند.<sup>۲</sup>
- به جای عنوان "امریکا علیه جهان سوم" "امریکا در برابر یا در مقابل جهان سوم به کار رود.<sup>۳</sup>
- در کتاب حسین آنکه هرگز تسلیم نشد، به جای سلطنت، حکومت و به جای پادشاه، امیر ذکر شود.<sup>۴</sup>
- در بررسی مرثیه‌های کولی، ممیز می‌نویسد: به جای کلمه ظلم، عشق

۱. پرونده شماره ۳۸۸۵

۲. پرونده شماره ۱۳۲۴۸

۳. پرونده شماره ۱۲۸۴۵

۴. پرونده شماره ۱۸۲۵۴

۵. پرونده شماره ۱۷۳۶۱

- یا وهم و به جای دریای انقلاب، نی لبک [!] گذارده شود.<sup>۱</sup>
- کلمه شهسوار دین به استن دین تبدیل شود.<sup>۲</sup>
- در کتاب داستان کرانه‌های خزر نام شوکت‌الملک به شرپرست تبدیل شود.<sup>۳</sup>
- بعضی اشعار اختران ادب اگر مربوط به متقدمین است بلامانع است. ولی باید تصریح شود. در غیر این صورت این اشعار حذف شوند.<sup>۴</sup>
- عنوان چین، قدرت بزرگ فردا به "آیا چین قدرت جدیدی در جهان خواهد شد" تغییر یابد.<sup>۵</sup>
- عنوان پرچین‌های فاصله به "تراشه‌های شمشاد" تغییر یابد.<sup>۶</sup>
- عنوان شهید زنده و جاوید است به "حماسه شهادت" تغییر یابد.<sup>۷</sup>
- در کتاب شاهزاده و گدا از مارک تواین به جای شهبانو، شاهزاده خانم به کار رود.<sup>۸</sup>
- در کتاب ماه نو از تاگور به جای شهربانو، ملکه گذاشته شود.<sup>۹</sup>
- در سی و چهار داستان از ادبیات جهان، پادشاه چانه کج به سردار یا تاجر چانه کج تبدیل شود.<sup>۱۰</sup>
- در کتاب گفتار عاشورا به جای دولت و زمامداران و دستگاه دولتی کلمه مناسب دیگری نظیر دستگاه خلافت به کار برده شود. اطلاق پادشاه اسلام پناه به یزید صحیح نیست. تخت سلطنت بهتر است به مسند خلافت تبدیل شود.<sup>۱۱</sup>

۱. پرونده شماره ۵۱۶۴
۲. پرونده شماره ۱۰۱۱۵
۳. پرونده شماره ۱۶۵۰۰
۴. پرونده شماره ۱۱۷۰۱
۵. پرونده شماره ۳۲۴۱
۶. پرونده شماره ۶۳۲
۷. پرونده شماره ۱۳۲۷۸
۸. پرونده شماره ۱۱۹۷۹
۹. پرونده شماره ۸۳۳۳
۱۰. پرونده شماره ۹۴۱۲
۱۱. پرونده شماره ۱۵۴۱۵

### چگونگی صدور مجوز

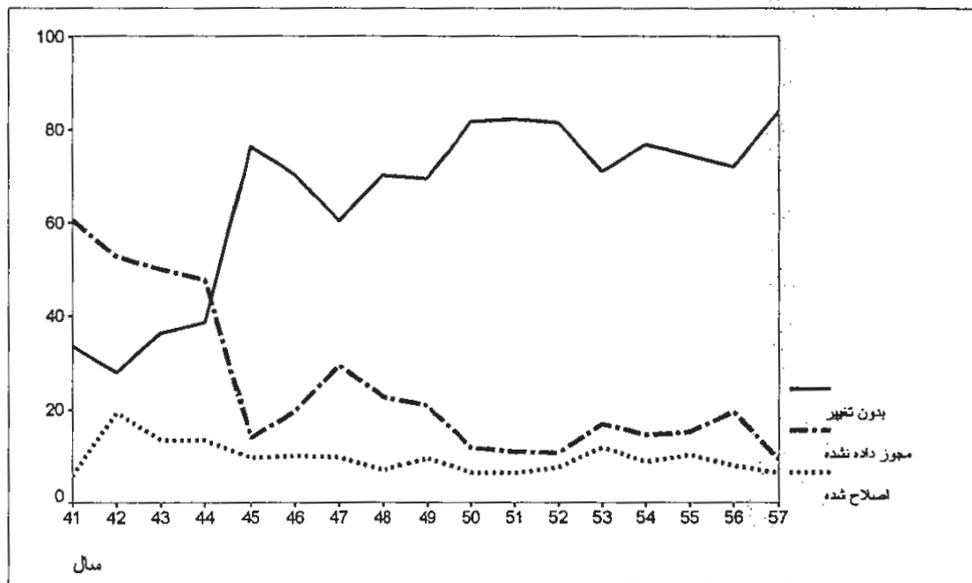
اداره سانسور برای پاسخگویی به کتابهای ارائه شده سه شیوه برخورد داشت:

۱. بدون هیچ گونه تغییری مجوز داده می شد.
  ۲. پس از اصلاحات سلبی یا ایجابی و تغییرات لازم مجوز صادر می شد.
  ۳. مجوز داده نمی شد و بی جواب می ماند.
- از مجموع ۲۰۳۱۳ پرونده بررسی شده مشخص شد که به ۷۳/۵ درصد کتابها بی هیچ تغییری مجوز داده شده است. در این کتابها، یا موضوعی برای سانسور یافت نمی شد یا در حدی نبود که برای انتشارش مانع تراشی شود. ۳۴/۹ درصد کتابها یا با تغییرات لازم اجازه نشر یافته اند یا اصلاً اجازه نشر نیافته اند. البته درصد فراوانی این روشها در سالهای مختلف تغییر کرده است.

۴. جدول فراوانی چگونگی صدور مجوز

درصد	فراوانی	توضیح
۷۳/۵	۱۴۹۲۸	بدون تغییر مجوز داده شده
۱۶/۸	۳۴۲۰	بدون مجوز و جواب
۸/۶	۱۷۴۲	اصلاح شده
۱/۱	۲۲۳	پرونده های نامشخص
۱۰۰	۲۰۳۱۳	جمع

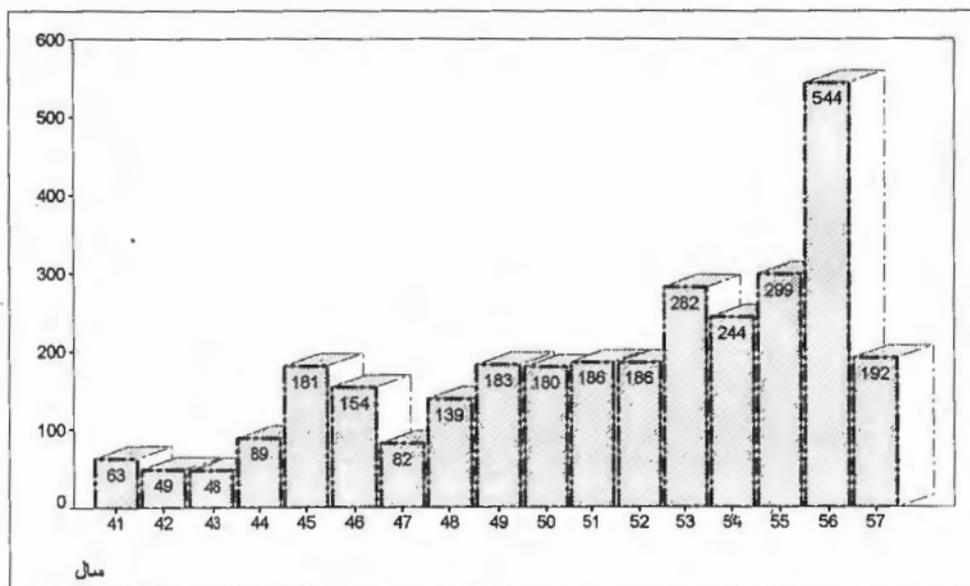
## ۱۹. نمودار مقایسه‌ای چگونگی صدور مجوز (به درصد)



نمودار به خوبی نشان می‌دهد که در سالهای اول به این علت که فقط کتابهای "مسئله‌دار" به اداره نگارش ارسال می‌شد، بیشترین درصد کتابهای ارسال شده به اداره کل نگارش اجازه نشر نیافته‌اند. اما با رشد صنعت نشر و لزوم ارائه همه کتابها برای اخذ مجوز نشر، از سال ۴۵ به بعد بیشترین درصد کتابها بدون تغییر، مجوز گرفته‌اند. البته باید توجه داشته باشیم که اگر چه مثلاً در سال ۴۱ یا ۴۲ بیشترین درصد کتابها اجازه نشر نیافته‌اند، به لحاظ تعداد قابل توجه نبوده‌اند.

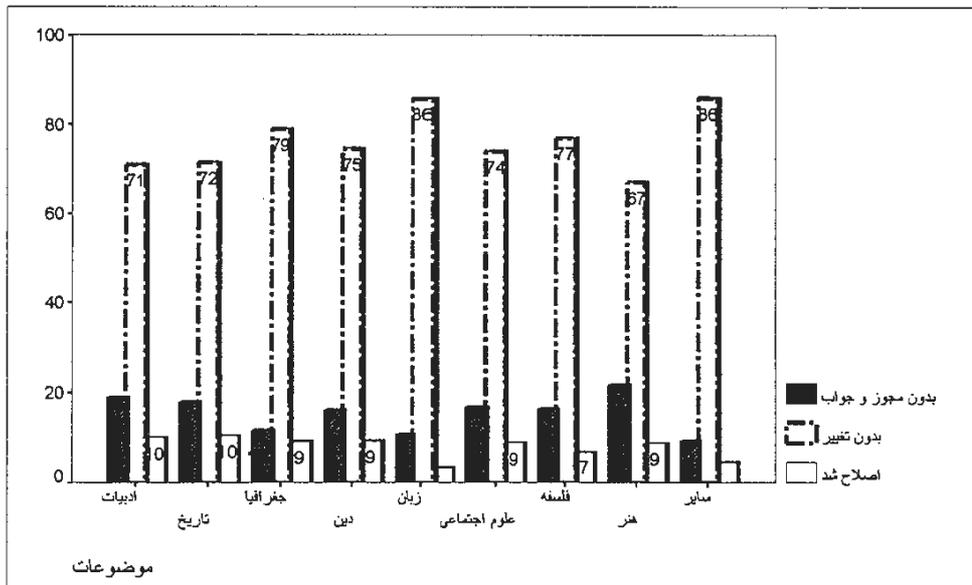
بیشترین تعداد کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند، ۵۴۴ عنوان کتاب در سال ۱۳۵۶ است.

## ۲۰. نمودار فراوانی کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند



در موضوعهای مختلف نیز نحوه برخورد اداره نگارش متفاوت بوده است. بیشترین درصد کتابهای غیر مجاز از آن کتابهای هنری بود. بعد از هنر به ترتیب ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی، دین و فلسفه بیشترین درصد کتابهای غیر مجاز را داشته‌اند.

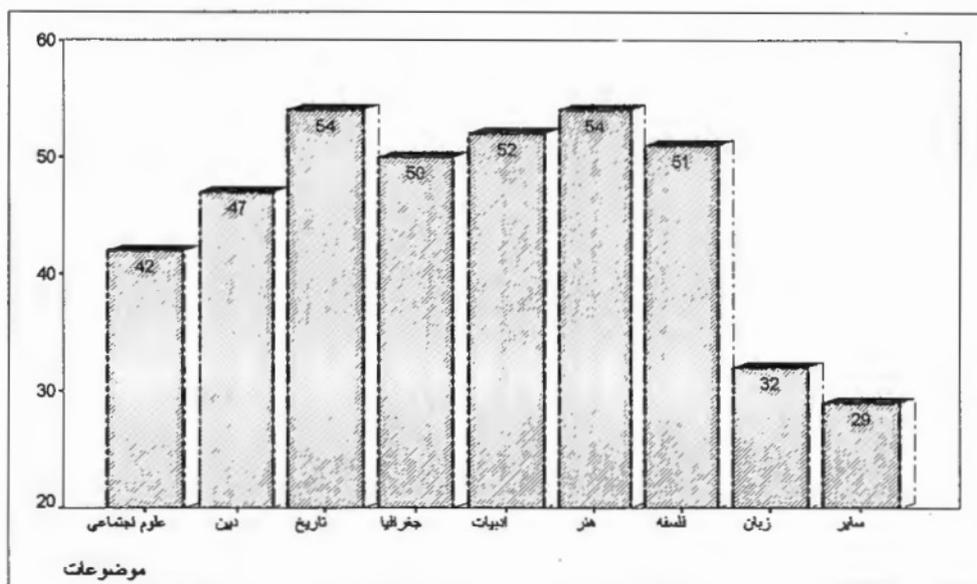
۲۱. نمودار مقایسه‌ای موضوعی چگونگی صدور مجوز



میزان توقف کتاب در اداره سانسور

یکی از زیانهای سانسور، مدت زمانی است که در انتظار پاسخ ممیزان به کتاب هدر می‌رود. نتیجه این اتلاف وقت، اولاً کهنگی و بلااستفاده شدن مطالب کتاب و ثانیاً زیان اقتصادی نویسنده و ناشر است. زیان اول موجب خمودگی و رکود رشد در ساحت اندیشه می‌شود و دومی سانسور اقتصادی نامحسوسی را پدید می‌آورد. ناشر یا مؤلفی که یک بار کتابهای چاپ شده‌اش سوزانده یا خمیر شده است بار دیگر با احتیاط بیشتری قلم خواهد زد و کتابهای سانسور شده‌ای را برای اخذ مجوز نشر ارائه خواهد کرد.

## ۲۲. نمودار روزهای توقف کتاب برحسب موضوع



بیشترین میانگین توقف مربوط به کتابهای هنری و تاریخی بوده است. زبان پیچیده و نمادین هنر و حساسیت نظام به نقل وقایع تاریخی باعث می‌شد که ممیزان با تأمل بیشتری به این گونه کتابها بپردازند. میانگین توقف کتاب در اداره نگارش ۴۷ روز بوده است. آمار نشان می‌دهد که بیشترین روز توقف مربوط به کتابهایی بوده است که به نوعی دچار سانسور شده‌اند.

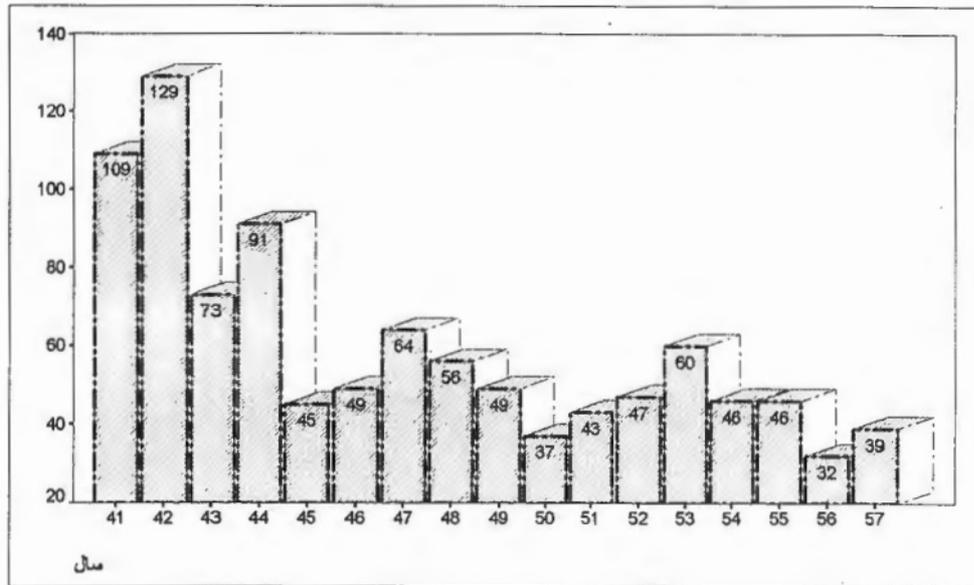
## ۵. میانگین روزهای توقف کتاب بر حسب نوع سانسور

نوع سانسور	میانگین توقف (به روز)
سیاسی	۱۱۵
دینی	۱۰۶
اخلاقی	۹۹
علمی	۹۸
نگارشی	۶۷
بدون سانسور	۳۱

طی سالهای مختلف میزان توقف کتاب نیز تغییرات زیادی داشته است. در سالهای اول کار اداره نگارش با توجه به محدودیت میزان نشر و ارجاع کتابهای مشکل دار به آن اداره و دقت نظری که معمولاً در آغاز هر کار معمول است، شاهد بیشترین میزان توقف هستیم. اما ۱۲۹ روز میانگین سال اول در این دوره به ۳۹ روز یعنی کمتر از ۳۰ درصد میانگین اولیه کاهش یافته است.

در حکومت پهلوی دوم کتابها در مجموع بیش از ۹۴۰/۰۰۰ روز برای اخذ مجوز معطل مانده اند؛ یعنی اگر از کتابهایی هم که هرگز اجازه نشر نیافته اند صرف نظر کنیم بیش از ۲۵۰۰ سال یعنی درست برابر طول شاهنشاهی مورد ادعای آنان در رشد اندیشه مردم این مرز و بوم اخلاص ایجاد شده است.

### ۲۳. نمودار میانگین روزهای توقف کتاب برحسب سال



### آزمون فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه ۱: بیش از ۵۰٪ ممیزی‌های صورت گرفته سیاسی است. نمودار شماره ۶ که حاصل بررسی بیش از بیست هزار پرونده است نشان می‌دهد که ۴۰ درصد سانسورها سیاسی بوده و با آنکه بیشتر از سایر سانسورها است به ۵۰٪ نرسیده است. پس فرضیه ۱ رد می‌شود و چون کل جامعه بررسی شده است، برای تعیین سطح اطمینان نیاز به آزمون دیگری نداریم و نادرستی فرضیه محرز است.

آزمون فرضیه ۲: بین دیدگاه منفی میزان و عدم صدور مجوز کتاب رابطه معناداری وجود ندارد.

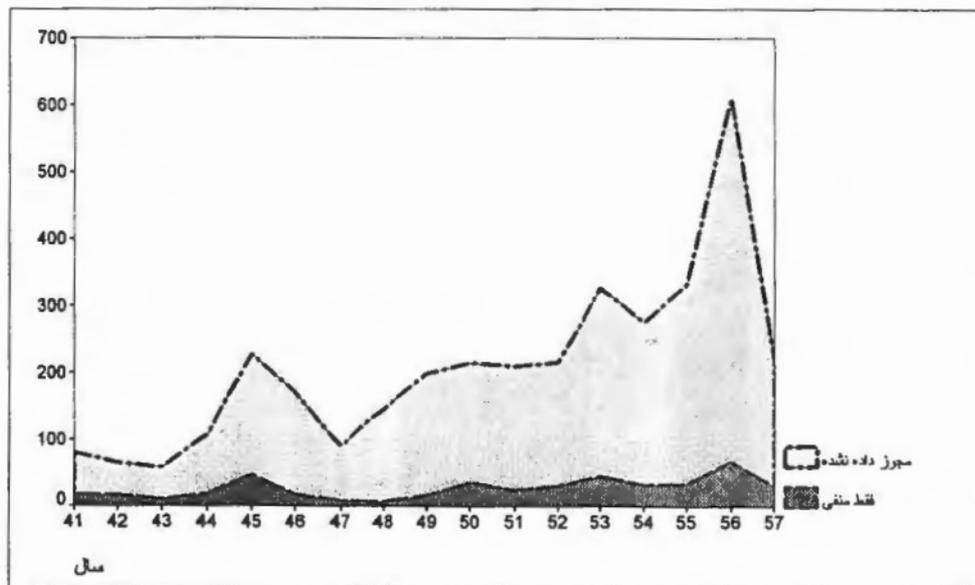
قبل از آزمون فرضیه توضیحاتی ضروری است: منطق حکم می‌کند که چنین بیندیشیم که در دستگاه سانسور صرفاً کتابهایی اجازه نشر نیافته که میزان درباره آنها دیدگاه منفی داشته‌اند. اما

همان گونه که در بررسی آرای ممیزان دیدیم، در بسیاری از موارد ممیزان درباره کتابهایی که از نظر چند ممیز گذشته است، هم عقیده نبوده و آرای متفاوتی اظهار داشته‌اند. از این رو برای بررسی فرضیه فوق دو حالت را در نظر می‌گیریم:

الف. کتابهایی که همه ممیزان درباره آنها اظهار نظر منفی کرده‌اند. این کتابها علی‌القاعده نباید اجازه نشر دریافت می‌کردند. اما نمودار ۲۴ به روشنی نشان می‌دهد که این دو (کتابهایی که همه ممیزان درباره آنها نظر منفی داده‌اند و کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند) با هم فاصله زیادی دارند. این دو منحنی باید بر هم منطبق می‌شدند؛ یعنی به همان تعداد کتاب اجازه نشر داده نمی‌شد که همه ممیزان درباره آنها نظر منفی نظر داده بودند. در عمل چنین نشد.

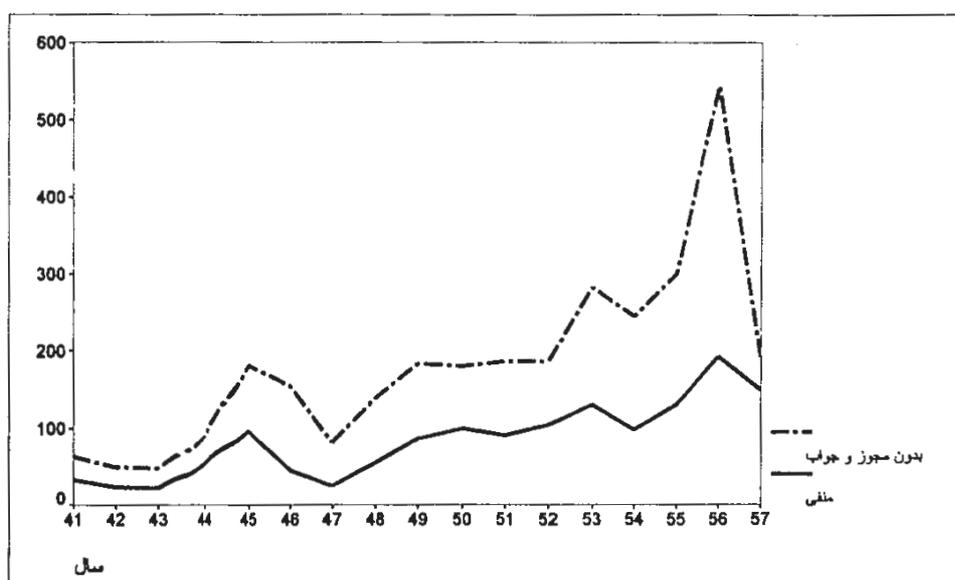
۲۴. نمودار فراوانی کتابهایی که همه ممیزان درباره آنها نظر منفی داده‌اند و

کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند



ب. کتابهایی را در نظر می‌گیریم که اقلأً یک ممیز درباره آن نظر منفی داده است و چنین فرض می‌کنیم که اداره نگارش هرگاه یک ممیز درباره کتابی نظر منفی داده است از نشر آن جلوگیری کرده است. اما مقایسه تعداد کتابهایی که حداقل یک نظر منفی داشته‌اند با تعداد کتابهایی که برای آنها اجازه نشر صادر نشده است بار دیگر به روشنی عدم ارتباط را مشخص می‌سازد.

۲۵. نمودار فراوانی کتابهایی که حداقل یک ممیز درباره آنها نظر منفی داده است و کتابهایی که اجازه نشر نیافته‌اند



پس: درستی فرضیه «بین دیدگاه منفی ممیزان و کتابهای مجوز داده نشده ارتباط معناداری وجود ندارد» محرز است.

### نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی عملکرد سی ساله دستگاه ممیزی پهلوی دوم فرضیه ۲ را تأیید کرد و همچنین در بخش دیدگاه ممیزان به ناهماهنگی آرای ممیزان اشاره رفت و در قالب نمودار متجلی شد. این واقعیات ما را به این مهم رهنمون می سازد که «سانسور پیش از انتشار کتاب اگر محال نباشد بسیار دیرباب خواهد بود.»

اشتباه نشود، می دانیم که می شود در روند نشر کتاب اخلاقی ۲۵۰۰ ساله ایجاد کرد که ایجاد هم شد. می توان از نشر کتاب خاصی جلوگیری کرد، آن را خمیر کرد و ... اما سؤال اساسی این است که این اخلاقی در سطح کلان تا چه اندازه می تواند نظام مند و منطبق بر خواستها و نظرگاههای نظام باشد. صرف اخلاقی، مشکل دستگاه حاکمه را حل نمی کند. نظام آن روز به کتابها و نشریاتی می پرداخت که به نوعی از سوی آنها احساس خطر می کرد.

ممیزان همین حس کنندگان خطر بودند که باید با مطالعه کتابها اعلام نظر می کردند. آنان نیز همان گونه که تبیین شد با یکدیگر هم عقیده و هم رأی نبودند تا حس واحد و گزارش درستی ارائه دهند. در مواردی هم که هم عقیده بودند، مسئولان بالاتر به عنوان صافی آخر، هرگونه که می خواستند عمل می کردند. به راستی به عملکرد دستگاهی که بین صافیها و خروجی آن هیچ همخوانی وجود نداشته باشد تا چه حد می توان اعتماد کرد؟!

علت این ناهمخوانی را باید در این واقعیت جستجو کنیم که فرایند سانسور بسیار پیچیده و کیفی است و در آن عناصر ذیل تأثیر دارند:

۱. نظام یا قدرت حاکمه ای که خط قرمزهایی را به هر دلیل تعیین کرده است سعی می کند آزادی پدیدآورندگان را محدود سازد و اجازه عبور از

حدود تعیین شده را ندهد.

۲. حدود و ثغور تعیین شده و خط قرمزها

۳. پدیدآورندگان که پیامهای خود را در قالب آثار خلق کرده ارائه می دهند.

۴. ممیزان به منزله صافیهای نظام که باید حدود و ثغور و خط قرمزها را بشناسند، کتابها را بخوانند، معنای پدیدآمده در ذهن خود را با خط قرمزهای تعیین شده وفق دهند و اعلام نظر کنند.

عنایت شود که رمز ناهمخوانی دیدگاه ممیزان و نتایج حاصل از آنرا باید در این فرایند صددرصد کیفی جستجو کرد و معناسناسانه به آن نگریست.

ممیزان انسان هستند و از یک نوشته ممکن است چندین معنا افاده کنند. حتی آنان ممکن است خط قرمزهای تعیین شده را نیز متفاوت درک کنند. زیرا هر پیامی درگیرنده‌های مختلف می تواند معانی گوناگون پدید آورد.

### پیشنهادها

از یک سو عنوان شد که سانسور کتاب امری دیریاب و ناممکن است و از سوی دیگر برای حراست از آزادی و جلوگیری از تجاوز به حریم دیگران نظارتی هوشمندانه و روشمند ضرورت می یابد. ضرورتی که عده‌ای آنرا برای هر دولت نوین لازم می دانند<sup>۱</sup>. برای دستیابی به این مهم نکات ذیل را می توان توصیه کرد:

۱. تدوین راهکارهای مناسب برای نظارت قانونی با استفاده از آرای پدیدآورندگان و ناشران

۲. آشکارسازی و شفاف کردن خواستها، خطوط قرمز و چگونگی نظارت قانونی

۱. مجید محمدی، "ممیزی کتاب: چیستی، چرایی، پیامدها، روشها، جهان کتاب ۳ و ۴ (سال سوم بهمن ۱۳۷۶)، ص ۵.

۳. پرهیز از هرگونه نظارت قبل از انتشار  
۳. به کارگیری نظارت جمعی از طریق پدیدآورندگان، ناشران، مجامع  
عرفی و صنفی.

#### پیشنهاد برای ادامه پژوهش

۱. بررسی سانسور کتاب در دوره قاجاریه و پهلوی اول
۲. بررسی سانسور کتاب پس از انقلاب اسلامی
۳. بررسی سیر تاریخی حکم کتب ضاله در فقه شیعه
۴. تحلیل سانسور در کتابداری
۵. سانسور و خودسانسوری در ادبیات فارسی
۶. بررسی سانسور در کتابهای خطی
۷. شیوه‌های سانسور در اینترنت



## فهرست منابع



۱. آبراهامیان، اروند. "علی شریعتی، ایدئولوگ انقلاب ایران". ترجمه حسینعلی نوزری. جامعه (۲۶ خرداد ۱۳۷۷)
۲. آذرنگ، عبدالحسین. "دوره‌های عادی و بحرانی نشر کتاب در ایران". دانشگاه انقلاب (ویژه‌نامه کتاب، آبان ۱۳۷۴)
۳. آقالو، نقی. "۸۰ ساعت در لندن". سلام، ۱۹۷۸ (سال هفتم، ۱۱ فروردین ۱۳۷۷)
۴. آل احمد، جلال. سانسور و اختناق در فرهنگ جلال آل احمد. گردآورنده مصطفی زمانی‌نیا. تهران: پاسارگاد، ۱۳۶۳.
۵. آیتی، حمید. آزادی عقیده و بیان به همراه دو نوشته دیگر (تهران: فردوسی، ۱۳۷۳)
۶. ابرامی، هوشنگ. شناختی از دانش‌شناسی. تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶.
۷. احمدالقرشی، محمد بن محمد. معالم القربه فی احکام الحسبه. کمبریج: مطبعة دارالفنون، ۱۹۳۷.
۸. احمدی، بابک. حقیقت و زیبایی: درسهای فلسفه هنر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۹. اخبار علمی سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه ۲، یکشنبه ۷۶/۶/۲۳ به نقل از خبرگزاری فرانسه.
۱۰. ادیب‌هاشمی، فرید. "اعتبار منبع: منبع چیست؟ اعتبار کدام است؟". رسانه (سال چهارم زمستان ۱۳۷۲)
۱۱. ارمه، گی. فرهنگ و دمکراسی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس، ۱۳۷۶.
۱۲. اسپوزیتو، جان ال؛ وال، جان ا. "ماهیت دمکراتیک اسلام". ترجمه نسرين حکمی. کیان، شماره ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)
۱۳. استیچویچ، الکساندر. کتاب در پویه تاریخ. ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

۱۴. اسدی، علی. افکار عمومی و ارتباطات. تهران: سروش، ۱۳۷۱.
۱۵. اسمیت، آنتونی. ژئوپولتیک اطلاعات. ترجمه فریدون شیروانی. تهران: سروش، ۱۳۶۹.
۱۶. اشایم، ستر. "انتخاب نه سانسور". ترجمه کامران فانی. نامه انجمن کتابداران ایران، ش ۴ (دوره ۴، ۱۳۵۰)
۱۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. المآثر و الآثار. تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
۱۸. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
۱۹. افتخارزاده، محمودرضا. پیشینه تاریخی تألیف و حقوق مؤلفان در اسلام و جوامع اسلامی، مقدمه: فتحی درینی، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده. تهران: هزاران، ۱۳۷۶.
۲۰. افتخارزاده، محمودرضا. شعوبیه، نهضت مقاومت ملی ایران. تهران: بی نا، ۱۳۷۱.
۲۱. اقتداری، علی محمد. سازمان و مدیریت: سیستم و رفتار سازمانی. تهران: مولوی، ۱۳۷۲.
۲۲. الول، ژاک. "اخلاق‌شناسی تبلیغات". ترجمه هومن پناهنده. رسانه، ۶ (سال دوم تابستان ۱۳۷۰).
۲۳. امیرعلایی، شمس‌الدین. صعود محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفایی دیکتاتوری. تهران: دهخدا، ۱۳۶۱.
۲۴. "امیرکبیر و عبدالرحیم جعفری". گفتگو ۷ (بهار ۱۳۷۴)
۲۵. "انقلاب دوم اینترنت". مهر، ۴۰ (۷ بهمن ۱۳۷۶) [به نقل از گاردین (۲ نوامبر ۱۹۹۷)]
۲۶. انکینسون، ریتال؛ هیلگارد، ر. و اتکینسون؛ ریچارد س. زمینه روانشناسی. ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران. تهران: رشد، ۱۳۷۰.
۲۷. اورول، جورج. ۱۹۸۴. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر، ۱۳۶۷.

۲۸. ایران، شماره ۵۴۶ (۲۴ آذر ۱۳۷۵).
۲۹. ایرانی، ناصر. "یک شاخه گل دماغ پرور". جامعه، ۳۳ (۲۸ اسفند ۱۳۷۶)
۳۰. ایزنهارت، مری. "خروش موج سوم: گفت شنودی با الوین تافلر و هدی تافلر در باب زندگی و کار در عصر اطلاعات". ترجمه شهیندخت خوارزمی. نگاه نو. (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲)
۳۱. بابویه القمی، علی بن الحسین. التوحید. تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۸۷ق.
۳۲. بازرگان، مهدی. گمراهان، حدیثی مفصل از قرون وسطای مسیحیت در ارتباط با سوره حمد. تهران: بی نا، ۱۳۶۲.
۳۳. باقری، خسرو. "بررسی دو چهره از کثرت‌گرایی". ایران، (۲۸ مهر ۱۳۷۶)
۳۴. باقری، خسرو. تیغ دو دم کثرت‌گرایی و جامعه مدنی. ارائه شده در همایش تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران. تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۵. بدر، احمدانور. علم المعلومات و المكتبات، دراسات فی النظرية و الارتباطات الموضوعية. قاهره: دارغریب للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۶۶.
۳۶. "برای حفظ و گسترش بیان چه می توان کرد". کیان، شماره ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵)
۳۷. برلین، آیزایا. چهار مقاله در باره آزادی. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
۳۸. برلین، آیزایا. در جستجوی آزادی. ترجمه خجسته کیا. تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۱.
۳۹. برلین، اشعیا. اربع مقالات فی الحریه. ترجمه عبدالکریم محفوظ. دمشق: منشورات وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۹۸۰.
۴۰. بریجانیان، ماری. فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.

۴۱. بوشهری، جعفر. *حقوق اساسی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
۴۲. بهار، سروناز. *زندانبانان اندیشه*. ترجمه ر. آذر. سوئد: کانون فرهنگی سیاسی ایرانیان، ۱۹۹۴.
۴۳. بهارلو، محمد. "سانسور و فکر خطرناک نویسنده". *دنیای سخن*، ۷۳ (سال دوازدهم، ویژه نوزدهم، ۱۳۷۶).
۴۴. بهار، ملک‌الشعرا. *تاریخ مختصر سیاسی ایران*. ج ۱. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۵۷.
۴۵. البهودی، محمدباقر. *صحیح‌الکافی*. الجزء الاول. بیروت، الدارالاسلامیه، ۱۴۰۱.
۴۶. بهودی، محمدباقر. *گزیده کافی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.
۴۷. بهودی، محمدباقر. "مسئله تحریف و مشکلات ادبی قرآن مجید". *بینات*، ۳ (سال اول، پائیز ۱۳۷۳).
۴۸. بهودی، محمدباقر. "مصاحبه". *حوزه*، ۷۸ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵).
۴۹. بهودی، محمدباقر. *معانی القرآن: ترجمه و تفسیر قرآن مجید*. تهران: خانه آفتاب، ۱۳۶۹.
۵۰. بهودی، محمدباقر. "نقد و بررسی روایات تحریف در کتاب فصل الخطاب". *حوزه*، ۶۲ (خرداد و تیر ۱۳۷۳).
۵۱. بهزادی، علی. *شبه خاطرات*. تهران: نشر زرین، ۱۳۷۶.
۵۲. بهنود، مسعود. *از سیدضیاء تا بختیار*. تهران: جاویدان، ۱۳۷۰.
۵۳. بیرو، آلن. *فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
۵۴. پاترسون، اورلاندو. "آزادی و صورت سه‌گانه آن". *ترجمه مینو مشیری (برگرفته از نیوزویک) دنیای سخن*، ۴۲ (مهر، ۱۳۷۰).
۵۵. پرهام، باقر. "فرهنگ آزادی و فرهنگ استبداد". *کیان*، ۳۶، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶).

۵۶. پستمَن، نیل. زندگی در عیش مردن در خوشی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۵.
۵۷. پلوتارک. حیات مردان نامی. ترجمه رضا مشایخی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۵۸. پوپر، کارل ریموند. جامعه باز و دشمنانش. ترجمه علی اصغر مهاجر. تهران: انتشار، ۱۳۶۴.
۵۹. پوپر، کارل ریموند. "نگاهی دوباره به جامعه باز و دشمنانش". ترجمه سعید محبی، کیان، ۳۳ (سال ششم، آبان و آذر ۱۳۷۵).
۶۰. پورت، جان دیون. عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن. ترجمه غلامرضا سعیدی. تهران: اقبال، ۱۳۳۵.
۶۱. تافلر، آلوین. جابجایی در قدرت. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: بی نا، ۱۳۷۲.
۶۲. تافلر، الوین. ورقهای آینده. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰.
۶۳. ترنر، استانسفیلد. پنهانکاری و دمکراسی. ترجمه حسن ابوترابیان. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.
۶۴. تهرانی، جواد. عارف و صوفی چه می‌گویند. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۲.
۶۵. جازع‌الشمیری، د. سلیمان. الصحافة والقانون فی العالم العربی و الولايات المتحدة. قاهره: الدار الدولية للنشر و التوزیع، ۱۹۹۲.
۶۶. جاسبی، عبدالله. اصول و مبانی مدیریت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۶۷. جاوت، گارث اس؛ اودانل، ویکتور. "تبلیغ و ترغیب". ترجمه احمد میرعابدینی. رسانه، ۴ (سال چهارم زمستان ۱۳۷۲).
۶۸. جعفری چمازکنی، احمد. "جریان آزاد اطلاعات زمینه‌ساز نظم نوین جهانی". کیهان هوایی (شماره ۱۱۳۰، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۴).
۶۹. جمال‌زاده، محمدعلی. آزادی و حیثیت انسانی. تهران: امیرکبیر،

۱۳۳۸. به نقل از آپولوجیا افلاطون.
۷۰. جووت، گرت. "ساختار تبلیغ سیاسی" ترجمه محبوبه ملک‌لو. رسانه، ۱ (سال ششم ۱۳۷۴)
۷۱. جهاننگلو، رامین. "تاریخ و آزادی از دیدگاه آیزایا برلین". کلک ۷۱-۷۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۴)
۷۲. حائری، عبدالهادی. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین. مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۷۳. حافظ، شمس‌الدین محمد. دیوان خواجه حافظ شیرازی. تصحیح ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: جاویدان، ۱۳۵۸.
۷۴. "خانه آزادی: سانسور برای ۸۰٪ مردم". آدینه ۱۲۸ (۱۳۷۷)
۷۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین. "خودسانسوری". دانشگاه انقلاب، ویژه‌نامه کتاب (آبان ۱۳۷۴).
۷۶. خمینی، روح‌الله. تحریرالوسیله. تهران: مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه، ۱۴۰۸.
۷۷. خویی، ابوالقاسم. بیان در علوم و مسائل کلی قرآن. ترجمه محمدصادق نجمی و هاشم هریس. تهران: مرتضوی، ۱۳۵۴.
۷۸. دال، سوند. تاریخ کتاب. ترجمه محمدعلی خاکساری. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۷۹. "دستور دولة الكويت". الطلیعه (فبرایر ۱۹۸۶)
۸۰. د. سوزا، ر. ک. فرانچس. "ایفلا: نیروی پشتیبان آزادی بیان". ترجمه فریبرز خسروی درگزیده مقالات ایفلا ۹۵. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
۸۱. دشتی، علی. پنجاه و پنج. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۸۲. دواونینگ، جوئل. سی. صدمین سال دیوی. ترجمه محمود حقیقی، ش ۳ (دوره نهم، پائیز ۱۳۵۵).
۸۳. دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن، ج ۶: اصلاح دینی. ترجمه

- فریدون بدره‌ای و دیگران. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۸۴. دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن. ج ۱۴، ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: اقبال، ۱۳۴۳.
۸۵. دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن. ج ۲۰، ترجمه پرویز مرزبان. تهران: اقبال، ۱۳۴۵.
۸۶. دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن. ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۸۷. دوریین، ر. "خصوصی سازی سانسور". مهر، ۱۵ (۱۴ مرداد ۱۳۷۶).
۸۸. دولت علیه ایران. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، ۱۳۷۰.
۸۹. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. جلد ۸. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. ذیل سانسور.
۹۰. ذاکر حسینی، عبدالرحیم. مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۹۱. راسل، برتراند. شکلهای قدرت در قدرت: فرانسائی یا شر شیطان. ویراسته استیون لوکس، ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۹۲. رسولی محلاتی، هاشم. قصص قرآن یا تاریخ انبیاء. تهران: انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
۹۳. رضائیان، علی. اصول مدیریت. تهران: سمت، ۱۳۷۰.
۹۴. رضازاده ملک، رحیم. سوسمارالدوله. تهران: دنیا، ۱۳۵۴.
۹۵. رضوانی، محمد اسماعیل. "معرفی اجمالی روزنامه ایران". مقدمه روزنامه ایران. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.
۹۶. رضوانی، محمد اسماعیل. "مقدمه‌ای بر تاریخ روزنامه‌نگاری در

- ایران". مقدمه روزنامه وقایع اتفاقیه. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۹۷. الرفاعی، عبدالجبار. "بیداری اسلامی در اندلس امروز: ریشه‌ها و بستر آن". ترجمه حسن اسلامی آیینۀ پژوهش، ۳ (سال سوم مهر و آبان ۱۳۷۱)
۹۸. رفیع، جلال. در بهشت شداد. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۹۹. رهنما، مجید. در راه آموزشی انسان پرور و رهایی بخش در ارتو پتروفسکی و دیگران آموختن برای زیستن. ترجمه محمد قاضی و دیگران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۱۰۰. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۰۱. زرین کوب، عبدالحسین. کارنامه اسلام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۰۲. زیندپور، ایرج. "سانسور (بررسی) کتاب پس از چاپ؟!". رستاخیز جوانان ۲۳ (۱۳۵۴/۸/۱۹)
۱۰۳. زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام. ج. ۳. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳.
۱۰۴. سارتون، جورج. شش بال. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۳۹، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
۱۰۵. ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.
۱۰۶. ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات، ۱۳۵۷.
۱۰۷. "سانسور بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی". همشهری، ۹۲۷ (سال چهارم، ۱۹ اسفند ۱۳۷۴)
۱۰۸. "سانسور در اینترنت: اینترنت یا دایرةالمعارف جهانی" (به نقل از فایننشایل تایمز)، مهر (پیش‌شماره اول، ۲۵ دی‌ماه ۱۳۷۵)
۱۰۹. سپانلو، محمدعلی. نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا سال ۱۳۵۰. تهران: نگاه، ۱۳۶۶.

۱۱۰. سحابی، عزت‌الله. "حدود و موانع آزادی بیان". کیان، ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵)، ص ۲۴.
۱۱۱. سرعنوانهای موضوعی فارسی. زیر نظر پوری سلطانی، کامران فانی. ویرایش ۲. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
۱۱۲. سروش، عبدالکریم. "آزادی چون روش". کیان، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶).
۱۱۳. سروش، عبدالکریم. دانش و ارزش: پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق. تهران: یاران، ۱۳۵۸.
۱۱۴. سروش، عبدالکریم. "صراطهای مستقیم، سخنی در پلورالیسم دینی: مثبت و منفی". کیان، ۳۶ (سال هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶).
۱۱۵. سروش، عبدالکریم. فربه‌تر از ایدئولوژی. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳.
۱۱۶. سروش، عبدالکریم. مدارا و مدیریت. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶.
۱۱۷. سعادت، خلیل. مقدمه انجیل برنابا. ترجمه سردار کابلی. تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۳.
۱۱۸. سلطانی، محمدعلی. "حکم فقهی کتب ضاله در گذر زمان". آیین پژوهش، ۶ (سال ششم، بهمن و اسفند ۱۳۷۴).
۱۱۹. سولیه، ورون ل. ادبیات رنسانس. ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: علمی، ۱۳۳۹.
۱۲۰. سیدآبادی، علی اصغر. "آیا ممیزی کتاب کودک الزامی است؟". همشهری (۱۵ مرداد ۱۳۷۷).
۱۲۱. "سی سال مبارزه بر علیه سانسور". به نقل از اکسپرس ۳ اوت ۱۹۹۵، صفحه اول (شماره ۳۹).
۱۲۲. شریعتی، علی. اگر پاپ و مارکس نبودند. تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۵۶.
۱۲۳. شعاری‌نژاد، علی اکبر. فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر،

- ۱۳۶۵.
۱۲۴. شعبانی، رضا. گفتار اول، مقدمه واقعه کشف حجاب. تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۲۵. شولتس، دون. روان‌شناسی کمال: الگوی شخصیت سالم. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: نشر نو، ۱۳۶۹.
۱۲۶. صدر، محمدباقر. اقتصاد ما. ترجمه محمدکاظم موسوی. تهران: بی‌نا، ۱۳.
۱۲۷. صدرهاشمی، محمد. تاریخ جرائد و مطبوعات ایران. ج ۱. تهران: کمال، ۱۳۶۳.
۱۲۸. صوراسرافیل، میرزاجهانگیر. "سرمقاله". صوراسرافیل (۱۰ خرداد ۱۲۸۱)
۱۲۹. طباطبایی، صادق. نمونه‌ای از دین‌ستیزی تکنوپولی و شبیخون فرهنگی غرب. ضمیمه نیل پستمن، تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.
۱۳۰. طباطبایی، محمدحسین. تفسیرالمیزان. ج. ۴. ترجمه محمدتقی مصباح یزدی. قم: دارالعلم، ۱۳۸۷.
۱۳۱. طباطبایی، محمدحسین. فرازهایی از اسلام. تهران: جهان‌آرا، ۱۳۵۵.
۱۳۲. طبری، احسان. چند مسئله اجتماعی. تهران: نشر پیامک، ۱۳۷۵.
۱۳۳. طبری، احسان. شناخت و سنجش مارکسیسم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۱۳۴. طلوعی، محمود. بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست. تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.
۱۳۵. عبیدزاکانی، عبیدالله. کلیات عبیدزاکانی. تصحیح و مقدمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: بی‌نا، ۱۳.
۱۳۶. عسگری، مرتضی. ادیان آسمانی و مسأله تحریف. ترجمه حسن افتخارزاده. تهران: روزبه، ۱۳۵۶.

۱۳۷. العسکری، مرتضی. خمسون مائة صحابی مختلق. قم، التوحید للنشر، ۱۴۱۴.
۱۳۸. عقیلی، عبدالله. "اولین فرمان سانسور مطبوعات در ایران". آینه (سال هفتم، ۱۳۷۰)
۱۳۹. علی بن ابی طالب (ع). نهج البلاغه. ضبط نصه صبحی الصالح. بیروت: دارلاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق.
۱۴۰. عنایت، حمید. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
۱۴۱. عنایت، حمید. مقدمه برگ. و هگل، عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. تهران: نشر دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶.
۱۴۲. الغش، یوسف. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی در قرون وسطی: بین النهرین، سوریه و مصر. ترجمه اسدالله علوی. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۴۳. غنی‌نژاد، موسی. "میزگرد جامعه مدنی". کیان، ۳۶ (سال ششم، آبان و آذر ۱۳۷۵).
۱۴۴. فرآل. انگیزسیون یا دادگاه تفتیش عقاید. ترجمه لطفعلی بریمانی. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۸.
۱۴۵. فریره، پائولو. آموزش ستم‌دیدگان. ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۸.
۱۴۶. فریره، پائولو. "من در جستجوی خشم بوده‌ام". ترجمه حسینی راغفر. کیهان فرهنگی (سال هفتم، خرداد ۱۳۶۹).
۱۴۷. فضل‌الله، محمدحسین. "ازدواج زود هنگام". پیام زن، ش ۶۹ (آذر ۱۳۷۶)
۱۴۸. فلسفی، محمدتقی. خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۴۹. "فهم دینی در آزمون قانون اساسی". حوزه، ش ۶ (سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۳).

۱۵۰. فؤاد عبدالله، ثناء آلیات التغبیر الیدیمقراطی فی الوطن العربی. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ۱۹۹۷.
۱۵۱. قاضی زاده، علی اکبر. "نخستین قانون مطبوعات، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و آثار". پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران ش ۱ (سال ۱، ۱۳۷۶).
۱۵۲. قانون مطبوعات، مصوب محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری، ضمیمه، گوئل کهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۲ (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۲)، صفحات پیوست.
۱۵۳. قتل عام قلم و اندیشه (تهران: بی نا، ۱۳۵۷).
۱۵۴. قذافی، معمر. کتاب سبز، حل مشکل دیموکراسی. تهران: میلاد، ۱۳۷۳.
۱۵۵. قرآن کریم. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۴.
۱۵۶. کاپلستون، فردریک. تاریخ فلسفه. ج ۸ از بتام تا راسل، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۵۷. کازنو، ژان. جامعه‌شناسی و سایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵.
۱۵۸. کانل، و. ف. تاریخ آموزش و پرورش. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸.
۱۵۹. کانوی، مارتین. آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم فرهنگی. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۱۶۰. کتاب شویان. راهنمای کتاب (شماره ۸، زمستان ۱۳۴۴)
۱۶۱. کتاب مقدس، فارسی. عهد عتیق و عهد جدید (تهران: انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۳ م).
۱۶۲. کتاب و مطبوعات در ایران. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۲.
۱۶۳. کرنستون، مورس. تحلیلی نوین از آزادی. ترجمه جلال‌الدین اعلم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
۱۶۴. کمالی پور، یحیی. "عملکرد رسانه‌ها در امریکا". رسانه، ۳ (سال پنجم، پاییز ۱۳۷۳)

۱۶۵. کمالی دزفولی، علی. قانون تفسیر. تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۵۴.
۱۶۶. کوستلر، آرتور. خوابگردها. ترجمه منوچهر روحانی. تهران: کتابهای جیبی، ۱۳۶۱.
۱۶۷. کهن، گوئل. تاریخ سانسور و مطبوعات در ایران ج ۱. تهران: آگاه، ۱۳۶۰.
۱۶۸. گارودی، روژه. میراث سوم. ترجمه آریا حدیدی. تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۴.
۱۶۹. گرامی، ابوالفضل. "چرا تکفیر، چرا حذف؟". جهان اسلام، ۶۵ (خرداد و تیر ۱۳۷۲)
۱۷۰. گزارش تحلیلی قانون اساسی امارات متحده عربی (جزوه موجود در کانون اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)
۱۷۱. گورویج، ژرژ و دیگران. طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: پیام، ۱۳۴۹.
۱۷۲. گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
۱۷۳. لویون، گوستاو. روانشناسی توده‌ها. ترجمه کیومرث خواجوی‌ها. تهران: روشنگران، ۱۳۶۹.
۱۷۴. لویس، فلیس اف. "سانسور ادبی در امریکا". ترجمه محمد افتخاری. کلک، ۳۸ (اردیبهشت ۱۳۷۲).
۱۷۵. مارکس، جان. سیا و کنترل مغزها. ترجمه فریدون دولتشاهی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۷۶. مایل هروی، نجیب. نقد و تصحیح متون. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۱۷۷. متز، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ج ۲. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۷۸. مجابی، جواد. سخن در حلقه زنجیر. تهران: سمندر، ۱۳۵۷.
۱۷۹. مجلسی، محمدباقر. عین‌الحوایة. تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی،

- ۱۳۵۲.
۱۸۰. مجموعه قوانین فرهنگی. تهران: اداره کل نگارش و آمار، ۱۳۳۹.
۱۸۱. محسنیان راد، مهدی. ارتباط شناسی: ارتباطات انسانی: میان جمعی، گروهی، جمعی. تهران: سروش، ۱۳۶۸.
۱۸۲. محسنیان راد، مهدی. "سانسور و خودسانسور در ایران". رسانه، ۱ (سال سوم تابستان ۱۳۷۱).
۱۸۳. محمد، مینو. "سانسور گزارشی از ممیزی کتاب". مهر، (۳۱ تیر ۱۳۷۶).
۱۸۴. محمدی، مجید. "ممیزی کتاب: چیستی، چرایی، پیامدها، روش‌ها". جهان کتاب (شماره ۳ و ۴، بهمن ۱۳۷۶)
۱۸۵. محیط، مرتضی. "گزارش یک گردهمایی تاریخی". جامعه سالم، ۳۲ (سال ششم، خرداد ۱۳۷۶).
۱۸۶. مختارپور، علی رضا. "ممیزی و بررسی کتاب قبل از انتشار به حکم شرع و قانون است". صبح (شماره ۶۰، مرداد ۱۳۷۵)
۱۸۷. مدنی، جلال‌الدین. حقوق اساسی تطبیقی. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴.
۱۸۸. مصاحب، غلامحسین. دائرةالمعارف فارسی. تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵، ذیل سانسور
۱۸۹. مطهری، مرتضی. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: حکمت، ۱۴۰۳ق.
۱۹۰. مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا، بی تا.
۱۹۱. مطهری، مرتضی. کتابسوزی ایران و مصر. قم: صدرا، بی تا.
۱۹۲. مک آیور. نظر انتقادی پرفسور مک آیور، ضمیمه جان استوارت میل، رساله در باب آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.
۱۹۳. المکاوی، جیهان د. حرية الفرد و حرية الصحافة. قاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۱.

۱۹۴. مکی، حسین. تاریخ بیست ساله: انقراض قاجاریه و تشکیل دیکتاتوری پهلوی. ج. ۳. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۱۹۵. الموسوعة السیاسة. ج. ۲. بیروت: مؤسسه الحریه الدراسات و النشر، ۱۹۹۱.
۱۹۶. مولانا، حمید. "بزرگراه‌های ارتباطی و آینده ارتباط". رسانه، ۳ (سال پنجم، پاییز ۱۳۷۳)
۱۹۷. مولانا، حمید. "بزرگراه‌های اطلاعاتی، تأثیر اجتماعی". رسانه، ۴ (سال ششم، زمستان ۱۳۷۴)
۱۹۸. مولانا، حمید. جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی. ترجمه یونس شکرخواه. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
۱۹۹. مولوی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی. به تصحیح رینولد. ا. نیکلسون؛ به اهتمام نصرالله پورجوادی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۲۰۰. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی. تهران: البرز، ۱۳۷۳.
۲۰۱. میل، جان استوارت. رساله در باب آزادی. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.
۲۰۲. نراقی، احمد. "آزادی در قلمرو دین". کیان، ۳۲ (سال ششم، شهریور و مهر ۱۳۷۵)
۲۰۳. نسبیت، جان؛ ابردین، پاتریش. تکاپوی ۲۰۰۰. ترجمه صهبا سعیدی. تهران: بی‌نا، ۱۳۷۰.
۲۰۴. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. درآمدی به فلسفه. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۷۵.
۲۰۵. نوروزی، کامبیز. "مقولات مغفول در حقوق مطبوعات". کیان، ۲۷ (سال ۵ خرداد و تیر ۱۳۷۴).
۲۰۶. نوی، عمر عبدالسلام. "کتابخانه‌های خاندان عمار در طرابلس شام به نام دارالعلم". نقل در دانش در جهان اسلام. ترجمه محمدحسین

- ساکت. مشهد: کانون نشر کتاب، ۱۳۵۵.
۲۰۷. وایتهد، آلفرد نورث. سرگذشت اندیشه‌ها. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۰۸. هاشمی نژاد، عبدالکریم. قرآن و کتابهای دیگر آسمانی. تهران: فراهانی، بی تا.
۲۰۹. هاکسلی، آلدوس. دنیای شگفت‌انگیز نو. ترجمه حشمت‌الله صباغی و حسن کاویار. تهران: کارگاه هنر، ۱۳۶۶.
۲۱۰. هاکسلی، آلدوس. "سانسور اقتصادی و ادبیات گویا". ترجمه مهوش بهنام نامه انجمن کتابداران ایران، ۳ (دوره هشتم، پاییز ۱۳۵۴)
۲۱۱. هریس، روی. "آزادی بیان". ترجمه حسینعلی نوذری. کیان، ۲۴ (سال پنجم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)
۲۱۲. هونکه. زیگفرید. فرهنگ اسلام در اروپا. ترجمه مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۱۳. هینایگ، دیوید. "سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره: آیا قتل از روی ترحم راه حل است؟". فصلنامه کتاب، ۱-۴ (دوره دوم، بهار تا زمستان ۱۳۷۰)

1. Anderson Arthur James, . *Problems in Intellectual Freedom and Censorship*. New York: Bowker, 1974.
2. Bahar, Sarvenaz. *Guardians of thought*. New York: Human Right Watch, 1993.
3. Baudrillard, J., *La guerre du Golfe n'a pas eu Lieu*, Paris: 1991.
4. Berlo, David Kenneth. *The Process of Communication; an Introduction to Theory and Practice*. New York: Reinhart and Winston, 1960.
5. Boaz, Martha. "Censorship" in *Encyclopedia of Library and Information Science*. ed. by Allen Kent and Harold Lancour. New York: Marcel Dekker, 1968.
6. Buck, Q.M. "Censorship of the Arts and Humanities in Libraries". *Reference Librarians* 47.
7. Burrell, Lee A. *Censorship and the Public Schools in the Freedom of Inquiry* (Washington, D.C.: ALA, 1965)
8. "Censorproof Your Library". *School Library Journal*. 12 (Vol. 40, Dec. 1994).
9. *Chronique du Proche-Orient*. Sous la Direction de Jacques. Bassillac: Legrand, 1995.
10. Daily, Jay E., *The Anatomy of Censorship*. New York: Malcel Dekker, 1973.
11. *The Dictionary of Art*. Vol. 6. Edited by Jane Turenner. New York: Macmillan Publishers, 1996.
12. Garson, Maurice. *Plaidoyet Conteut la Censure*. Paris: J.J. Pauvert, 1968.
13. Gill, Theodore. "The Freedom to Read and Religious

Problems", in the *Freedom of Inquiry* (Washington, D.C.: ALA, 1965)

14. *Great Soviet Encyclopedia*. Vol 28. New York: Macmilan, 1978.

15. Green, Jonathon. *The Encyclopedia of Censorship*. New York: Facts on File, 1990.

16. Hannabuss, Stuart. "Issues of Religious Censorship" *Library Review* 8 (Vol. 49, 1994).

17. *Information Freedom and Censorship* (London: Library Association Publishing Ltd, 1991)

18. Kahl, Joachim. *The Misery of Christianity* translated by N.D. Smith. Harmondsworth: Penguin, 1971.

19. Karimi Hakkak Ahmad. "Censorship" in *Iranica*. Napoli: Instituto universitarioorientale, 1979.

20. Kumar, Krishan. *Library Organization*. New Delhi: Vikas Publishing House.

21. Lusky, Louis. "Censorship". In *Americana*. New York: Charles Scribner's Sons, 1992, P. 161.

22. Mencken, H.L. "Comstockery", in *First Freedom, Liberty and Justice in the World of Books and Reading*. Chicago: ALA, 1969.

23. Merritt, Leroy Charles. *Book Selection and Intellectual Freedom*. The H.W. Wilson Co. 1970.

24. Morgan, Charles. "The Freedom to Read and Racial Problems". in *Freedom of Inquiry* (Washington, D.C.: ALA, 1965)

25. Morgan, Charles. *The Freedom to Read and Racial*

*Problems. In the Freedom of Inquiry.* Washington D.C.: ALA, 1970.

26. Mussolini, B. *Fascism: Doctrin and Institution.* Rom: Ardita, 1935.

27. *The Oxford English Dictionary*, 2nd ed. Prepared by J.A. Simpson and E.S.C. Weiner. Oxford: Clarendon Press, 1989.

28. Parker, C. "The reckonig". *Net*, 12 (Nov 1995).

29. Partt, A.D. "Are we really infallible at book selection?". *Library Journal* 8 (Nov 1995).

30. Pedrsen, M. "They Censor I Select". *Publishers Weakly* 2 (Jan 1994).

31. Schneider, K.G. "Fears of fifth foster filtering follies". *American Libraries*, 32 (Sept. 1995)

33. Schweinsburg, J.D. "Professional Awareness of Ethics of Selection", *Informaiton Ethics* 2 (Fall 1995).

34. Shera, Jessh. *The Foundation for Librarianship.* New York: John Wiley & Sons, 1972.

35. *Webster's Third New International Dictionary.* Vol. 2. Chicago: Encyclopedia Britanica, 1986.

36. Wehrman, B.C. "The Cyberporn Scandal: new\* technology old techniques". *Nebraska Library Association Quarterly*, 26 (fall 1995)

37. *The World Book Encyclopedia.* Vol. 3. London: World Book International, 1995.

38. Zwig, Steen; Gastellion Calvin, texte francais d'Alzir Hella Grasset Conscience Contre Violencee.



پیوستہا



وزارت دارایی

اداره کل گمرک

تاریخ ۱۳۱۱/۱۰/۲۸  
شماره ۱۱۱۳  
ضمیمه  
موضوع

گمرک بسفجه بهرانی

هرگاه دیوان شمر لاهوتی که انحصار در مسکونینان فارس چاپ شده  
ادت وارد آن گمرک شود بمحض اطلاع ضبط نموده و تحویل نسبهائی  
محل نظارت وصول این دستور را تکرار نماید د کترکیان

رئیس کل گمرک سد کترکیان

۲۲۵  
۱۸/۱۱/۸  
[Handwritten signatures and stamps]



وزارت دارائی

اداره کل گمرک

دائرہ

تاریخ ۱۳۱۰/۱۰/۱۴

شماره ۳

ضمیمہ

موضوع

گمرک

گمرک پہلوی

۲۷۲ شما کتاب مورثیت راہایگا نی درآئید ہم اگر وارد شد ضبط نہائیسند محمد آبادی

روزنست برای اطلاع واجراء گمرک رگرا اطلاع میشود  
مقصود از کتاب شرح حال کفیل محمد تقی خان چاب پرنسین  
میباشد . از طرف رئیس کل گمرک محمد آبادی

۱۰۴۹  
۱۸-۱۰-۱۳۱۰  
محمد تقی خان

محمد تقی خان

۵  
۲  
نبرہ ۱۱۰ مکرر



وزارت معارف  
اداره کل کتب و اسناد

تاریخ: ۱۳  
نوع: ...  
شماره: ...

موضوع

رونوشت نامه اداره کل شهرتانی شماره ۲۱۰۹۲ / ۲۱۰۰۸  
بتاریخ ۲۷-۱۱-۱۳۱۶

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
IRAN NATIONAL ARCHIVES

حرمانه

اداره کل کتب و اسناد

طبق اطلاع واصله اغلب بسته های محتوی کتب و مجلات تبلیغی که از روسیه  
بنام وسکاتیان تبعه شوروی نایب رئیس بانک ایران روس میرسد جلد کتاب های مزبور را  
برداشته بجای آن جلد کتاب کلاسیکی ویا اینکه روی اسم کتاب ویا جمله را کاغذ الصافی  
چینمایند چنانچه اخیرا چند جلد کتاب تاریخ حزب کمونیست، بمنوا ن منارالیبه واصل  
که همین رویه را معمول و فرستند، آن هم وسکاتیان بود ما ست علیهذا کتب مزبور از لحاظ  
جنبه تبلیغی بایگانی مراتب به وزارت بسته و تلگراف اطلاع داد و شد.

رئیس اداره کل شهرتانی  
- ریاس مختار

۷۹۹  
۱۳۱۶/۱۱/۲۷

رونوشت شرح فوق برای اطلاع و اجراء بکمرک تهران ابلاغ میگردد. لازم است بمامورین  
مربوطه محرمانه دستور دهید که در ریاست بسته های محتوی کتب و مجلات نام است  
براقبیت را بعمل آورده و مشخصا نکته را که در متن نامه فوق خدج است درمورد نظر داشته  
باشند. کفیل کل کمرک کتبی

Handwritten signatures and stamps, including a date stamp: ۱۹۴۵ ۱۳/۱۱/۲۷



وزارت مالیه  
اداره کل کرکات

سنگراف  
کرماناہ کمرون

۶۷۴ دستور ۷۰۷۴۷ منحصرًا شامل جراید ومجلات  
ممالک متحدہ امریکای شمالی است و سر از توقیف  
باید بشهرتانی تسلیم گردید  
کفیل کل کمرون مصالح

محرمانہ متحد المال

نمبر ۲۷/۱۴۳۷ مورخہ ۱۳/۱/۱۴۱۵

سواد پنج فوق برای اطلاع واجراء باد ارک کمرون  
ارسال میشود کفیل کل کمرون مصالح

Handwritten signatures and stamps, including a date stamp ۱۵/۱/۱۴۱۵ and a signature dated ۱۵/۱/۱۴۱۵.



وزارت مالی  
اداره کل گمرک

موضوع: پروتکل نامه شماره ۲۸۳۸۷/۸۰/۱۶ دفتر ریاست زوز

شماره پرونده: ۲۸۳۸۷/۸۰/۱۶

اداره کل گمرک سی - وزارت پست و تلگراف

در تمهید تصویب نامه ها و دستور های راجع به جوازات و مجلات امریکا اشعار میشود که بابت گنجای مجلات و جوازات که صورت آنها لنا ارسال میشود هر دو سایر جوازات و مجلات امریکا مجاز است و تصویب نامه های سابق ملغی گردید لهذا قدغن نماید آنچه از جوازات و مجلات طی وطنی و غیره و سایر مطبوعات (تحریرات آنچه در صورت ضمیمه است و نسبت به دولت شاهنشاهی اسانه ادب نموده اند و بود آنها بایران ممنوع است) بقصد برسانند تصویب نامه راجع باین موضوع نیز صادر و ابلاغ خواهد شد. رئیس الزوز

-----

رونوشت با اداره کل گمرکات فرستاده میشود.

از طرف رئیس دفتر ریاست زوز

رونوشت نامه فوق پروتکل شماره آن برای امضا بگمرک

ابلاغ میشود

معاون کل گمرک - ضابطی

۷۲۶۷  
۱۰/۱۰/۱۳۰۷  
[Handwritten signatures and stamps]

اداره کل گمرک  
معاون کل گمرک  
[Vertical handwritten notes and stamps]

تاریخ ..... ماه ..... ۱۳۰۰

شماره .....

صفحه .....



وزارت مالیه

اداره کل گمرک

دائرة .....

موضوع .....

صورت روزنامه های امریکا که باید در توتیف همانند

New York Monitor 3-1-36

Miroir

Herald New York 1-4-36

Post, Washington 5-4-36

Feat, Laneville 4-1-36

Wickly Times-New-York.



شماره  
۱۴۹  
تاریخ  
۱۳۴۴  
محرمانه

مقام محترم وزارت

با کمال احترام عطف به پی نوشت آن جناب در حاشیه خبری از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۱/۸/۴۱ با ستحضار میسرانند :

۱- ماده ۱۵ آیین نامه تاسیس چاپخانه ها در ب جلسه ۱۰/۱/۳۶ هیئت وزیران چنین است: (( مدیر چاپخانه در صورتیکه تقاضای سفارش دهنده را نپذیرد سفارش دهنده بایستی نمونه خطی مورد سفارش را با امضاء صریح خود و کواهی وزارت فرهنگ بچاپخانه تسلیم نماید )) ولی این ماده در تمام موارد از طرف چاپخانه ها رعایت نمیگردد و بحضرت اینکه اداره نگارش مستقیماً بوسیله دستگاههای دیگر از انتشار کتب مفرغ اطلاع مییابد بعد از بررسی دستور جمع آوری را با اداره آگاهی مامور می نماید .

۲- لیست کتابهایی که در ۱۲ ماه اخیر با اندام اداره کل نگارش جمع آوری گردیده بضمیمه از لحاظ مبارک میگردد .

دکتر ریاحی

باتقدیم احترام

۱۱/۸/۴۴  
۲۰۸۴  
۴۱/۵/۴۴



# وزارت فرهنگ

فهرست کتب مفروضه جمع آوری شده

ردیف  
نوع  
تاریخ

شماره نامه	نام کتاب
۴۰/۷/۳-۳۸ اداره آگاهی	۱ راهنمای انشاء و نامگذاری
۴۰/۱۰/۷-۵۷ شهرتانی کل کشور	۲ تاریخ و فتاوی ادیان و مذاهب سنی
۴۰/۸/۲۱-۵۶ موسسه انتشارات فرانکلین تذکره داده شده از تجدید چاپ این کتاب خودداری کنند	۳ حاجی بابا
۴۰/۱۱/۱۰-۸۵ کل شهرتانی	۴ جزوات منتشره کلیسای انجیلی (راه نجات)
۴۰/۱۰/۲۷-۸۷ شهرتانی کل	۵ ایست
۴۱/۱/۸/۱ آگاهی	۶ کتاب منظوم محتوی اشعار رزیک و مستحقین
۴۱/۲/۱۲-۸ شهرتانی کل کشور	۷ چرا باید بپوشیم
" " ۴۱/۲/۱۶-۹	۸ هذیان ریک مالیخولیائی
" " ۴۱/۳/۲۰-۴۲	کتاب راه شیطان
۴۱/۵/۱۰-۶۶ سازمان اطلاعات اطلاع داده شده بدین رعایت مفاد ماده ۱۵ منتشر شده است	۱۰ کتاب تاریخ ادیان - آینده یک پندار و اصول روانکاری
۱۱-۲۰ آگاهی	۱۱ فلسفه شرق
۴۱/۶/۱-۲۶ سازمان اطلاعات اطلاع داده شده بدین رعایت مفاد ماده ۱۵ منتشر شده است	۱۲ کلیات واحد - غزلیات واحد
" " " " " ۴۱/۵/۲۴-۸۱	۱۳ وحشت تالیف الفرد هیچکاک
۱۲-۹۶ شهرتانی کل کشور	۱۴ راهنمای انشاء و مقالات انگلیسی



## گروه انتشاراتی امیر کبیر

تاریخ: ۲۹ مرداد ۱۳۵۷  
شماره: ۴۴۵  
پست: فرهنگستان

مؤسسه انتشارات امیر کبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای صبرغ - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

وزارت فرهنگ و هنر  
"اداره کل نگارش"

احتراما" پیرونامه های شماره ۵۹۰۲ مورخ ۱۳۵۷/۶/۵ و ۷۱۶۸ مورخ ۱۳۵۷/۶/۲۶ و ۶۲۴۶ مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۲ که به هیچکدام آنهاست امروز پاسخی داده نشده وحتما" روش آن اداره است که به نامه های مورد م جواب داده نشود ، کتاب همسایه ها نوشته احمد محمود که سه سال برای بررسی وسانسور درکشورهای همسایه سورجیان آن اداره جا به جا میشد و برای صدور پروانه چاپ آن ایرادات گوناگون میگرفته اید وگاهی میگفتید به کمسیون مسائل ریز رفته بایه هیئت وزیران سه نفره رفته و برای چاپ این کتاب وراستاران این مؤسسه ونویسند ، زحمتگر به ااره آن که سالها برای نوشته آن زحمت کشیده است هرچه این سانسورچیان شما گفتند کردند وهرسازی که زدند ، رفیقیدند و باز اجازه تمید اید روی هر کلامی ایرادات بدون مورد بدون جهت میگرفتید تا ماه قبل که اجازه چاپ آن را صادر کرده اید ، هنوز کتاب بااصطلاح صبری و سانسور شده شما وچاپ ماهه بازار نرسیده همان ناشران غیبانی با الهادی آن اداره که حتما" از روش کار و جریانات اداری آن با خبر بوده اند کتاب را از روی چاپ



## وه انتشاراتی امیر کبیر

تاریخ .....  
شماره .....  
پوست .....

سه انتشارات امیرکبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای سریع - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

اولی که ما تصور نشده است برای بررسی سه سال در آن اداره روی این مسو  
و آن میز بوده است ، با آرم امیرکبیر و نام ، ایخانه و شماره ثبت کتاب ما بطسور  
دزدی چاپ و در سطح کشور منتشر نموده اند .

این چندمین کتاب این مؤسسه است که پس از ماهها و سالها که در اداره  
ساختن برماند و اجازه چاپ میبرد ، قبل از انتشار جداگانه بدون سانسور بخاور  
و در - چهار - شماره ثبت کتابخانه من وزارت فرهنگ و هنر چاپ میشود و دستگاه  
عربی و لاتین آن بیزارت بیزارت اطلاعات و اداره اطلاعات شهرمانی نتوانسته  
است و یا ندیده است اند اقدام بنمایند و این ناشران بی نام و نشان و ابادی آن  
اداره بر سر دستگاه شما و دستگاه ما تصور شما و اقدامات وزارت اطلاعات و اداره  
اطلاعات - در - سه تا نه - سالها این ریش تمامد امیکه وضع چنین است در تبال  
خواهد شد .

اکنون هم بیست جلد از کتابهای این مؤسسه از سالها و ماهها قبل  
در محاق سانسور آن اداره است که هر روز میگویند در کمیسیون وزرا با هیئت سه نفره  
با فلان کمیسیون یا بهمان کمیسیون باید مطرح شود تا اداره نگارش نظر خود  
را اعلام نماید ، ولی همین کتابها بدون اجازه مرتب از طرف ناشران بی نام و  
نشان چاپ و منتشر میگردد بعنوان مثال :

نویسنده و تصویرگر - شهابان خولیده نصر طوسی شماره ۲۸  
بدر - ۷۵۶۸۶۸۱۷۵۶۸۶۴

(نگارگر) : انتشارات امیر کبیر

کشور ایران و بولد - چاپخانه وصال شرازی شماره ۲۸  
بدر - ۶۴۲۰۸۷۰۰ ۶۴۱۳۶۸۰۰ ۶۴۴۹۹۰۰

..... توزیع  
..... شماره  
..... پروت

## انتشارات امیر کبیر

تاریخ انتشار: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای صبر - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

- ۱- سه مقاله درباره شروطیت .
- ۲- مصاحبه ما .
- ۳- دانشکده های من .
- ۴- در خدمت و خیانت روشنفکران که با او دل جاپ شد و دستور شد .
- از جاذبه برودند و تابیدند .
- ۵- مادر .
- ۶- غیرت .
- ۷- نظامی گنجهای که باز دستور داد بد تمام به هزار جلد آن را ببرند و تابیدند .

من تعداد این کمیسیونها، گداز سه نفری و چند نفری که نظارتشان به سبزی  
ارزش ندارد، را فقط باید برای ناشرین با اسم و رسم باشد که گرفتار سانسور  
اداره شما هستند، اداره نگارستان است که مزاحم ما است و مؤسسه ای که  
با داشتن ... کارمند و کارگر باید بوسیله جاب و شرکتها، با ارزش جاب آن بگردد  
و خدمت خود را به فرهنگ کشور ارائه بدهد و شما هم به قسمت بزرگی از سرمایه او  
را بدون سانسور را کد میگذارید چگونه میتواند تحمل ضررهائی که به او وارد شده  
بنماید .



## روه انتشاراتی امیر کبیر

تاریخ .....  
شماره .....  
مهره .....  
.....

ساده انتشارات امیر کبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای جیبی - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

شما که کلاهتان را با اعتماد بستم ندارید و با اعتماد قدرت ندارید که جلو اعمال

خلاف قانونی که خود را وضع کرده اید، بگریزید. بجز چرا شرخوردتان را از سرما

کوتاه نمیکند. شما یکبار دستور میدهند کتابی که سالها روی آن سرمایه گذار

وجاب شده و منتظر سانسور بیان هفده داران اداره تشخیص داده میشود که ضربه

است و شاید نشر شود سلسله اداره اطلاعات شهرستانی غارت شود و آن را از چاپخانه

سپردند و آنرا میزنند مانند کنگنه. مثل کتاب در خدمت و خبانت در زندان و کتاب

تاریخ و کتاب سانسور ۱۸۰۱ - روش تاریخ جیبی که همه را سردرد و تابود گردید پس

همان کتابها را با نور دزدی چاپ میکنند و شما قادر نیستید برای جلوگیری از آن عمل

انجام دهید.

اگر کتابها را سانسور کنید، شما آن کتابها را نابود نمیدارید و بجز چرا

وقتی بطور دزدی چاپ میشود کاری نمیکند و لابد خواهد گفت ما وظیفه داریم کتاب

را سانسور کنیم اگر کتاب را دیگران بدون سانسور چاپ میکنند شما بروید و شکایت

بکنید و مامور نیستیم. من تمیذام تا کجا باید زبان این اداره سانسور را

بد هم و شما که نمیتوانید برای جلوگیری از چاپ کتابهای سانسور نشده با اصلاح

خودتان اقدام کنید و جلوی انتشار آنها را بگیرید. بجز چرا با این کار ادامه

## گروه انتشاراتی امیر کبیر

مؤسسه انتشارات امیر کبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای سیرغ - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

میدهد ، اگر راست میگویند کتاب همسایه ها که دزدی شده و اصلاً سانسور نشده و نمونه آن همیشه است دستور بدیدید در آمرز کنند و گرنه حوا برای چاپ هر کتابی باید شما مراجعه شود که آنرا سانسور کنید و تا ییز از ما همبستر گردانی با جواب ندید و با کتاب بدآور دزدی میباشی چاپ شود ، شما که دستور داده اید چاپخانه موظف است نام ناشر و چاپخانه را بر روی کتاب چاپ کند ، اما نباید در از چاپ اینهمه کتاب باشی که بدون ذکر نام ناشر و چاپخانه چاپ شود و این امر منتهی است کتابخانه ملی روی آن چاپ میزنند لا اقل برای چاپخانه و ناشر و این امر تا آنجا که نمیتوانید چاپخانه من باید از شما اجازه بگیرد و گرنه سروکار با ما در این دنیا با وزارت اطلاعات و یا اداره اطلاعات شهبانی باشد .

این چه قانونی است ، این چه آئین نامه است که برای اجرای آن زور تان به من یا مثال من که نمیخواهند از راه صواب منحرف شوند میروند . جببران این ضررها را کی میکنند ؟ . وثاکی باید این رنجها و این گرفتاریها را تحمل کرد ؟ . شما ماهاها است که با کمیسیون سائل روز را و با کمیسیونها و سه نفری وزرا راه رخ مایکشید .

کدام قانون ، کدام کمیسیون ، کدام هیئت ، کدام آئین نامه به کشکی ،



## نروه انتشاراتی امیر کبیر

ستاره .....  
نوبت .....

سازمان انتشارات امیر کبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای سیرغ - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

چه بشنوی که هی از آن صحبت میکنید و آنرا برخ من یا امثال من میکنید و مرتباً  
 مارا اذیت میکنید و باعث رنج و زحمت ما می شوید و ما را آزار مدهید ؟

اگر هیئت های سه نفری یا هیئت نفری باشد سآر سانسور رسیدگی کنند  
 و اجازه چاپ صادر کنند و پیر دستگاه عربی و آرمین سانسور شما برای چیست و بسته  
 چه درد بخورد ؟ فقط ناراحتی کردن و آزار کردن مردم ؟

آیا محال است ندانند که با آن همه کیکه و دیدن قانون آرمین نامه ای راوش می  
 میکنند که خودتان قادر به انجام ایفای آن نیستید ؟ اگر این دکان لعنتی  
 سانسور را میخواهد و تخته کتبی و شرآن را از سر ماکتاه کنید ؟ اگر سه سال پیش  
 که کتاب همسایه ها برای اجازه چاپ بشمار داده شد بود اجازه میدادید این دزدی  
 هلنی اغاق نمایانند و این سارتن باین دزدیها را نمیکردند ، که هیچ مقامی نتواند  
 از حق نویسنده بیخاره و زحمتگر آن و ناشر آن دفاع بنماید .

وزارت فرهنگ و هنر که باید حافظ حقوق مؤلفان و مترجمان و نویسندگان  
 باشد و ناظر بر ادب بین نویسنده و ناشر را نگردد اجازه چاپ کتاب را نمیدهد پس چرا  
 در مقابل سارقان و دزدان برای حفظ حقوق نویسندگان و مؤلفان عاجز مانده است  
 ولی هیولای سانسور آن برای ناشران و مترجمان و نویسندگان مانند شمشیر دو دم -



## روه انتشاراتی امیر کبیر

رشته انتشارات امیرکبیر - شرکت سهامی کتابهای جیبی - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - کتابهای صبریح - کتابهای پرستو - کتابهای طلایی

تاریخ: .....  
شماره: .....  
نوع: .....

همراهِ کلیوسریالاً، سرآنها آماده فرود آمدن است و هر اقدام خلافی که به باهمند  
میکند. ۴.

من نمیدانم ازشما باید به کی شکایت کنم و کی باید به داد من برسند.  
من برای زبانهای مادری و معنوی و روحی که آن اداره به من وارد کرده است سه  
کی باید متوجه شوم. ۴.

او نسبت وزیر که دادا آزادی پذیرفته و دستوری بر رویه تجارت میزنو.  
ای وزیر! اطلاعات که داد از عده سانسور و آزاد و ماحولیات میزنو.  
ای وزیر فرهنگ! چه تو که میگوئی حافظا فرهنگ! و اعتلای آن هستیم. ما  
بدا میسرند.

■ ■ ■

به رسمه این نامه مانند کتابهای دیگر دزدی شده کتاب احمق و کتاب  
دزدی شده حسنه را برایتان ارسال میشود که ملاحظه کنید سانسور شده  
که پروژنویسنده و ناشر آن آمده است. ۴.

عماد حاتم جعفری  
مدیر امور انتشارات امیرکبیر  
**اندیشه گیس شمد**

دفتر اداره کل نگارش  
شماره ۴۷۸  
تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۵

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۳۶۸۱ - ۶۶۱۳۶۸۲ - ۶۶۱۳۶۸۳  
پست: ۱۹۷۴۵ - تهران  
کتابخانه ملی و اسناد ملی - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۲۸  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۳۶۸۱ - ۶۶۱۳۶۸۲ - ۶۶۱۳۶۸۳



شماره: ۸۹  
تاریخ: ۱۳۸۱/۰۱/۰۵

مدیرکل اداره نگارش

دو کتاب "سه مقاله دیگر" و "غرب زدگی" را به اشاره کتبی آن اداره چاپ کرده ایم. و دو ماه است در انتظار شماره ثبت مانده ایم.

در گذشته به توصیه آن اداره هشت مجلد از "پنج داستان" را برداشتم. هفت مورد از "خمس درمیقات" را حذف کردم و یک مورد از "زن زیادی" را انداختم. اینک که به ما توصیه می‌کنید پنج مورد از سه مقاله دیگر و مواردی از "غرب زدگی" را حذف کنیم، به اطلاع آن اداره می‌رسانم.

۱- دو کتاب اخیر در واقع دو مجلدیت کتابند و حاوی اندیشه‌های اساسی فرهنگی و ملی نویسنده اش. نه انتشارات رواقی و نه بازماندگان نویسنده، هیچ کدام، به خود حق نمی‌دهند که به توصیه شما با حذف قسمت‌هایی از این دو کتاب - ولو اندک - موافقت کنند.

۲- تزویر پیشنهاد نکرده غرب زدگی سالهاست که زبانزد عموم و از هالیترین مقامات سلطنت تاروشنه‌گران و دانشجویان شده است که به صدق "هرگز بقدر فهمش فهمیدم مدعای آنرا" آنرا عنوان می‌کنند. با چنین استقبالی این کتاب مکرر چاپ شده است، به دست قاچاقچیان کتاب با علاقمندان اش. لایحه انجمن استعماری نمونه چاپ غیرمجاز کتاب در دست ما است. ماحق داریم که سوءولیت پامال شدن حق تألیف را به عهد مقامات منع کننده چاپ رسمی کتاب بدانیم و گمانه‌هایی از اطلاع اعضای سازمان کارناچاقچیان داریم.

اثر کتاب راهمین روزها در روزنامه‌های بیروت و بیروتیون روزنامه‌های هانس بهیند که عالی رسمی چگونه تخریب می‌کنند. ویرایشی اطلاع از متن صحیح کتاب داری می‌کنند. ما نمی‌دانیم این عدم هماهنگی دستگا‌های بازدارنده با دستگا‌های نشر و تبلیغ حکومت را چگونه توجیه کنیم؟

آیا پیرسان اغلب دانشمندان و محققان آن اداره، حذف قسمتهایی از کتاب را ناشایسته امانت داری - که شرط نخست وظیفه آنهاست - نمی‌دانند؟ و آیا این محترمان، سوءولیت خیانت به فکر درگذشتگان را در عهد خود خوش خواهند گرفت؟

با توجه به مطالب بالا، اجازه خواهند داد که ما پیش از این منتظر اجازه ثبت دو کتاب فوق از طرف آن اداره نمانیم و متقاضی ظرف ۴۸ ساعت نظر کتبی خویش را اعلام دارند.

رونوشت جهت اطلاع اداره کل کتابخانه‌ها ارسال می‌گردد.

با تقدیم احترام

شمس‌الدین احمد  
محمد علی احمد

تاریخ: ۱۳۷۷/۰۶/۲۷  
 شماره پرونده: ۱۳۷۷/۰۶/۲۷  
 شماره دادنامه: ۱۳۷۷/۰۶/۲۷  
 شعبه: ۳  
 محل: تهران

تاریخ: ۱۳۷۷/۰۶/۲۷ در وقت ظهر شعبه ۳ محل فوق الذکر. بتصدی امضا کنندگان ذیل و با حضور آقایان:

دادیار تهران تشکیل است. تتم حضور ندارد. پرونده ملاحظه می شود و کلاماً در دادگاه خوانده می شود.

متمم که برای دفاع از خود از خواسته بود. از اداره ثبت سند کتبا فرستاده شد و ضمیر بر روی آن

تتم لایحه ای در ۲۵ صفحه با تمام اعلامیه جهانی حقوق بشر - آرم سازمان ملل متحد که بناست

در اصل تقدیم چاپ شده است. فرستاده و همچنین کتبی چاپ شده باطله صورتی رنگ در ۱۲۲ صفحه

ارسال داشته و در وی آن با خطر اشت می نویسد: آخرین دفاع. با توجه بانکه در آخرین جلسه رسیدگی

یعنی ۲۱ اردیبهشت ۴۰۶۶۲۷۷ آخرین دفاع از متمم اخذ گردید و متمم با تمام آخرین دفاع بر آمده و پس از استناد

به پرونده در ارتت نموده که اهم رسیدگی است. دادگاه پس از ملاحظه منویا پرونده و اصل از اداره

ثبت سند کتبا و همچنین کتبا و محلا کتبا ضمیر بر روی کتبی که در این خصوص کتبا با تمام از دادگاه ماه

۱۳۷۷/۰۶/۲۷ در دیکمندر قاجار و نر. دادرسی راجع و چنین رای میدهد: شماره پرونده: ۱۳۷۷/۰۶/۲۷

تاریخ رسیدگی: ۴۰۶۶۲۷۷ حرج رسیدگی: ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ - خواسته: دادگاه تهران - خواننده:

ابوفضل اربابزاده - اتمام: نش. مجله بدون اجازت و احانت بدین کلام. گزارش کار:

ابوفضل اربابزاده با تمام احانت بدین کلام و نش. مجله بدین کلام احانت و توزیع کتبا راجع

کسری مورد تحقیق دادگسرای تهران در ارتت و علیه او. ادعای صادر شد است

پس از طرح قضیه در محله تتم چندین جلسه با اتفاق و کیل خود در دادگاه حاضر شد و از خود

دفاع کرده است و نیز کتبا و نش. کتبا دیگری را برای دفاع از خود مورد استناد قرار داده و در انجام

پس از یک مرتبه رسیدگی در جلسه ۴۰۶۶۲۷۷ دادگاه پس از استماع نظر آقایان دادیار و آخرین

دفاع مجدد متمم رسیدگی راجع و مباررت بعد و رای کرده است - رای دادگاه

اتهامات متمم سه فقره است: فقره اول آن نش. مجله ماخذ با ساس ماده ۲۵۱ سال هیجده

و فقره دوم احانت بدین کلام خصوصاً در نش. ریه ۲۷/۳۷۷ صحتاً ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳



این کتاب در دسترس است

اتهام سوم فرزند کتب کسروی با علم بانیک در کتب مذکور بدهد کسی کشور را  
 بیاشد - در قسمت اول اتهام به با توجه به عین ماده ۲ قانون مطبوعات که میگوید  
 «هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس نماید باید از وزارت کشور تحصیل اجازه نماید»  
 و با توجه به ماده ۲۶ همان قانون که میگوید: «غرض از امتیازی برخلاف این قانون  
 بیادرت با انتشار روزنامه یا مجله نماید» و با توجه به دستورالعمل و مطالب رساله از نظر  
 اتحادیه است. مجله شناخته شده و اینکه هیچکس از آنها مطالبی باقی نماند و ماه انتشار  
 ندارند و بالاخر با توجه به دفاع متمم در این زمینه دانیک اولاً این رساله با بطور منظم  
 گردید و برای انتشار آنها چنانکه قانون میگوید تأسیساتی بوجود نیامد بلکه از طرف  
 شرکت چاپکار نشر نیست و هویکه از آنها کتابی جداگانه است، عنوان تأسیس  
 مجله یا روزنامه بر آن صادق نیست و برائت ابوالفضل از باززاده فرزند محمد رضا  
 در این قسمت صادر و اعلام میگردد - و اما در قسمت دوم بطوریکه ماده ۳۳  
 قانون مطبوعات مینویسد: «هر کس مقالای مضر با اساس دین بپایان اعلام انتشار  
 دهد - بیکال تا سه سال حبس محکوم میگردد» اما آنچه در این رساله و  
 خصوصاً جزوه دی ۳۷ صفحات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ بررسی و مطالعه گردید چیزی نیک  
 مضر با اساس دین حیف اعلام باشد دید نشد چه منظور از اساس دین  
 روشن است و مضافاً در همان جزوه در صفحه ۲۵ نوشته شد: «محدود بر انگیزه  
 خدا بود، بر انگیزه بزرگی بود و بیت پرستی را از بین برد و باین ترتیب نه تنها  
 مطلبی مضر با اساس دین اعلام نوشته نشد بلکه از آن تجلیل هم بعمل آمده  
 و نتیجتاً در قسمت دوم برائت ابوالفضل از باززاده صادر و اعلام میگردد - و  
 اما در قسمت سوم که نشر کتب مجرم کسروی باشد نیز با بررسی آنچه از کتب مذکور

در این کتاب در دسترس است



مخصوص فروش در باجالت فروش  
جزوه دایم  $\frac{9}{37}$  پرونده ۷۷ صفحه  
رونوشت حکم شماره ۵۴۹ مورخه ۱۳۳۷/۳/۲۱

۱۳۳۷/۳/۲۱  
۵۴۹  
۳۷

ضمیمه پرونده نشانی است. مطلبی که مقرر با اساس دین اسلام باشد، بنظر دادگاه  
بنا بر این، در این زمینه، اتهامی بنظر دادگاه مورد پیدا نمیکند. در این خصوص  
این قسمت هم صادر و اعلام میشود. رای دادگاه حضوری و پژوهش پذیر است.  
رئیس شعبه ۹ محکمه جنج درگز - دکتر ناصر وثوقی - امضا ابوفضل ابراهیمزاده - امضا دادیار  
مسئله میرغفوری - رونوشت برابر اصل، اصل در پرونده کلاس  $\frac{9}{37}$  ۱۳۷۷  
بایگانی است. بایگای احکام شعبه ۹ جج عباس سعیدی ۴۰۷۱۷/۲۷/۴۰۷۱۷/۲۷  
جنج تهران - رونوشت برابر رونوشت مصدق است که در دست ابرازکنگر و باو  
مسترد شد. تاریخ ۴۰۷۱۲/۳۰ شماره ۹/۱۹۴۹ گواهی میشود که  
حکم شماره  $\frac{549}{37}$  دادگاه شعبه ۹ جنج تهران که در تاریخ ۴۰۷۱۶/۲۷  
در پرونده کلاس  $\frac{9}{37}$  ۱۳۷۷ مربوط به آقای ابوفضل ابراهیمزاده راجع  
به فقره اتهام مندرج در پرونده فوق الذکر صادر گردید. چون از تاریخ  
۴۰۷۱۶/۲۷ تاکنون پژوهشی داده نشد، حکم مزبور قطعی و مستقیم گردید  
گردید است. رئیس دفتر شعبه ۹ دادگاه جنج درگز - گو در زبان  
نمر دفتر دادگاههای جنج تهران. رونوشت برابر با گواهی مصدق شماره  
۹/۱۹۴۹ میباشد که در دست ابرازکنگر و باو مسترد شد. نمر پرونده  
رونوشت برابر برگ ابرازیت. دفتر کل دادگاههای بخش تهران  
تطبیق رونوشت با اصل. رونوشت برابر با اصل، و اصل در پرونده

$\frac{9}{37}$  ۱۳۷۷ است

۱۳۳۷/۳/۲۱  
۵۴۹  
۳۷

## ABSTRACT

Despite the extended range of publications on censorship (1232 titles in the Library of Congress CD-MARC records), no systematic research has been performed about censorship in Iran. Aiming at filling this gap, the researcher authorizedly used the recorded data (20313 censorship files) of the Islamic Revolution's Cultural Documentation Organization as the main source for an analytic survey in this field.

Using the content analysis method, the extracted data were analyzed and the answers to many research questions regarding the kinds and subjects of censorship, the censors' point of views, and the duration of books detained in Censorship Department of the 2nd Pahlavi period were quantitatively manifested in detailed charts and diagrams, and analyzed through deductive discussions.

The findings of the statistical analysis indicate that:

- 1) %40 of the censorship items have been political, %23 literary and %15 religious.
- 2) The total time the books were kept waiting for approval in the Ministry, amounts to 2500 years, with the average of 47 days for each book.
- 3) %8.6 of the books were released to be published on condition of being revised and %16.8 were declared not authorized.
- 4) The result of the main hypothesis testing indicates that there is no significant relationship between the point of views of censors and the actual censorship done, and this raises fundamental questions and perhaps necessitates basic revision in the existing assumptions about the feasibility of censorship in the human societies.

**Censorship:**  
An Analysis of Book Censorship  
During the Pahlavi Period

■  
By: Dr. Fariborz Khosravi

کتابسارا

**KETABSARA  
BOOKSTORE**

1441B WESTWOOD BLVD.  
LOS ANGELES, CA. 90024

1 (888) KETABSARA  
1 (888) 5382272

در حکومت پهلوی به دلیل سلطه نظام پلیسی از چگونگی عملکرد دستگاه ممیزی و ممیزان و ملاکهای آنان فقط اطلاعات پراکنده‌ای منتشر شده است و با توجه به محرمانه و سری بودن پرونده‌ها، آنچه در این باره گفته یا نوشته شده غالباً بر اساس شنیده‌ها و گمانهای تحقیق نشده شکل گرفته است. این نارسایی به همراه طبیعت محرمانه بودن و شفاف نبودن سانسور، باعث افراط و تفریطهایی در تبیین واقعیت شده است.

کتاب حاضر آغازی بر تبیین یکی از موانع توسعه فرهنگی است که نتایج حاصل از آن به عنوان تجربه‌ای سی ساله برای برنامه‌ریزان، ناظران فرهنگی و علاقمندان به فرهنگ ایرانی، آموزنده و ارزشمند به حساب می‌آید.

شابک: ۹۶۴-۹۱۸۴۷-۳-۲

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال



موسسه فرهنگی پژوهشی  
چاپ و نشر نظر